



فهرست مندرجات

صفحه	موضوع
۲	توضیح ناشر
۳	دیباچه
۶	مقدمه
	توصیف کتاب اقدس به قلم حضرت ولیّ امرالله
۲۳	ترجمه از ﴿گاد پاسز بای﴾
	کتاب اقدس (صفحات مخصوص ۱ تا ۱۸۰)
۳۰	﴿ملحقاتی بر کتاب اقدس﴾ نازله از قلم اعلیٰ
۴۲	رساله ﴿سؤال و جواب﴾
۷۶	جزوه ﴿تلخیص و تدوین حدود و احکام کتاب اقدس﴾
۱۰۴	یادداشت‌ها و توضیحات
۲۴۰	فهرست کلی اعلام و مواضع

توضیح ناشر

چنانچه بر کل معلوم است کتاب مستطاب اقدس سالیان متمادی به صورت نسخ خطی و چاپی در دسترس یاران بوده است. حال که ترجمه این سفر جلیل به زبان انگلیسی تکمیل و با ملحقات و توضیحات متعدده منتشر گردیده حسب الامر معهد اعلی کلیه این توضیحات از انگلیسی به فارسی ترجمه و با متن کتاب اقدس و ملحقات در این مجلد به طبع رسیده است.

دیباچه

حضرت ولیّ امرالله در سنه ۱۹۵۳ میلادی تلخیص و تدوین حدود و احکام کتاب مستطاب اقدس را یکی از اهداف نقشه ده ساله معین فرموده تحقق آن را شرط لازم برای ترجمه کتاب اقدس به لسان انگلیسی مقرر داشتند. آن حضرت بنفسه به این مشروع جلیل اقدام فرمودند ولی قبل از اتمامش صعود مبارک واقع شد. لذا متعاقباً بر اساس همان تلخیص کار تدوین ادامه یافت و آن جزوه در سنه ۱۹۷۳ طبع و منتشر گردید. محتویات آن جزوه علاوه بر تلخیص احکام مبارکه و توضیحات لازمه شامل مجموعه‌ای از آیات کتاب مستطاب اقدس است که به قلم حضرت ولیّ امرالله ترجمه گشته و قبلاً در کتب سائره به طبع رسیده است. تدوین و تلخیص احکام مبارکه در جزوه مذکور بر اساس آیات کتاب مستطاب اقدس و متمم آن سفر جلیل یعنی رساله «سؤال و جواب» مبتنی می‌باشد. در سنه ۱۹۸۶ بیت العدل اعظم مقرر داشتند که ترجمه متن کامل کتاب اقدس به زبان انگلیسی حال میسر بلکه ضروری است و تحقق این مشروع را در زمره اهداف نقشه شش ساله (۱۹۹۲ - ۱۹۸۶) محسوب داشتند و چون این سفر جلیل به زبان انگلیسی ترجمه گردد متعاقباً به السنه دیگر نیز ترجمه خواهد شد.

البته نظر به عظمت و اهمیت کتاب مستطاب اقدس شایسته است که آیاتش به نحوی عرضه شود که با روانی و سلاست تلاوت گردد و روح و ریحان بخشد و از پاورقی‌های معمول در کتب علمی احتراز شود. ولیکن برای مساعدت به خوانندگان که بتوانند به سهولت سیر در متن کتاب نمایند و مطالب متنوعه‌اش را دریابند ترجمه انگلیسی این کتاب آسمانی بر خلاف نسخه اصلی عربی به فقراتی تقسیم و این فقرات شماره‌بندی گردیده تا هم مراجعه به مطالب و تهیه فهرس سهل و آسان شود و هم مراجع فقرات کتاب، در ترجمه دیگر زبانها که بعداً منتشر می‌گردد یکسان باشد.

در این مجلد بعد از متن کتاب مستطاب اقدس مجموعه مختصری از آثار قلم اعلی که از ملحقات آن سفر جلیل است علاوه شده و متعاقباً رساله «سؤال و جواب» درج گردیده است (ترجمه این رساله برای اولین بار با متن انگلیسی کتاب اقدس منتشر گردیده است). طبق بیان حضرت ولی امرالله ترجمه انگلیسی کتاب اقدس باید همراه با حواشی و توضیحات مفصّله باشد. در تهیه این توضیحات سعی گردیده تا نکات مبهمه برای کسانی که به زبان عربی آشنائی ندارند توضیح داده شود و نیز نکاتی که به علل مختلفه محتاج به توضیحات مخصوصه باشد تشریح گردد. ولی منظور از این توضیحات منحصرأ شرح مطالب لازم و ضروری است نه توضیح و

تشریح کامل و جامع آیات این کتاب مستطاب .

در این مجلد مبحث «یادداشتها و توضیحات» بعد از جزوه «تلخیص و تدوین حدود و احکام» قرار گرفته و مطالب متعاقب یکدیگر شماره گذاری گردیده است و در رأس هر یک از «یادداشتها» قسمتی از آیات مبارکه کتاب مستطاب اقدس که شماره بندی شده و مربوط به آن مطلب است درج گردیده تا مراجعه متقابل بین فقرات کتاب اقدس و یادداشتها آسان شود و اگر خواننده مایل باشد بتواند بدون مراجعه به متن کتاب مستقلاً به مطالعه متن توضیحات بپردازد . امید چنان است که به این ترتیب احتیاجات مختلفه خوانندگان که اذواق و امیالشان متفاوت است برآورده شود .

دسترسی به کلیه مواضع مندرجه در این مجلد از طریق فهرست میسر است .

حضرت ولی امرالله در کتاب قرن بدیع «گاد پاسز بای» که حاوی تاریخ قرن اول بهائی است اهمیت و خصوصیات کتاب مستطاب اقدس و مطالب مندرجه متنوعه اش را واضحاً مجسم و توصیف فرموده اند . بیانات مبارکه در این مورد در فصل مخصوص پس از «مقدمه» کتاب درج گردیده است . جزوه «تلخیص و تدوین حدود و احکام» که در این مجلد مجدداً طبع گردیده وسیله دیگری است که خواننده را مجملأً از محتویات کتاب اقدس مطلع می سازد .

مقدمه

سنهٔ یک صد و چهل و نه تاریخ بدیع مقارن با انقضای یک قرن کامل از صعود حضرت بهاء الله، مظهر کلی الهی است که آئین جهان آرایش به تقدیر الهی باید عالم انسانی را به مرحلهٔ بلوغ برساند. تجلیل این سنهٔ مقدس توسط جامعهٔ اهل بهاء که مرکب از عناصر متنوعهٔ نوع بشر است و طی یک صد و پنجاه سال حتی در دورترین نقاط کرهٔ ارض تأسیس گردیده خود مبین قوهٔ وحدت آفرینی است که ظهور جمال مبین در عالم امکان ایجاد فرموده است. دلیل دیگری که بر این قوهٔ فعاله شهادت می‌دهد همانا تحولات وسیعهٔ جهانی در شئون مختلفهٔ عصر کنونی است که حضرت بهاء الله قبل از وقوع آنها را پیش بینی و توصیف فرموده‌اند. چه زمانی مناسبتر از این است که در حال حاضر ترجمهٔ موثق امّ الکتاب آئین بهائی، کتاب مقدس اقدس که محتوی حدود و احکام الهی برای دور بهائی است و به ارادهٔ الهی لا اقل هزار سال امتداد خواهد یافت، اول بار به زبان انگلیسی طبع و نشر شود.

کتاب مستطاب اقدس در میان بیش از صد مجلد از آثار مبارکه حضرت بهاء الله حایز اهمیتی بی نظیر است. دعوی مهیمن و عظیم حضرت بهاء الله تجدید بنای عالم است و کتاب اقدس منشور مدنیّتی است عالم گیر که تأسیسش هدف غائی ظهور آن حضرت محسوب. آنچه از قلم مبارک در این کتاب مستطاب نازل گردیده کل بر اساس شرایع قبل استوار است. چنانکه میفرمایند: هَذَا دین الله من قبل و من بعد. لهذا در آئین بهائی مفاهیم قدیم با عرفان جدید ظاهر گشته و احکام اجتماعی طبق مقتضیات این زمان تغییر یافته است تا بشر را به سوی مدنیّتی جهانی هدایت نماید که در عصر حاضر حتی اندکی از جلوه و جلالش را تصور نتوان نمود.

کتاب مستطاب اقدس حقانیت ادیان سالفه را تصدیق کرده همان حقایق ابدی لن یتغیّری را از قبیل وحدانیت الهی، محبت به نوع و اهداف اخلاقی و روحانی حیات عنصری که انبیای اولو العزم نازل فرموده اند مجدداً تأیید می نماید. در عین حال آنچه از احکام و حدود که در شرایع سابق وضع شده و حال سدّ راه و مانع ایجاد وحدت عالم انسانی و تجدید بنای جامعه بشری است از میان برمی دارد.

شریعت الله در این دور مبارک به حوایج عموم بشر ناظر است. در کتاب مستطاب اقدس احکامی نازل گردیده که در رتبه اولی خطاب

به گروه خاصی از جامعه بشر است که به آسانی آن احکام را درک می‌نمایند. اما همان احکام در نزد سایرین که در محیط و آفاق دیگری پرورش یافته‌اند ممکن است در ابتدا مبهم و نامأنوس به نظر آید. مثلاً حکم تحریم اقرار به معاصی در نزد خلق درکش برای مسیحیان آسان است اما همین حکم ممکن است موجب تحیر دیگران گردد. بسیاری از احکام کتاب اقدس با احکام ادیان سالفه ارتباط دارد علی‌الخصوص با احکام نازل در قرآن مجید و کتاب مستطاب بیان یعنی کتب مقدسه دو ظهور حضرت رسول اکرم و حضرت اعلی که بلافاصله قبل از آئین بهائی ظاهر شده‌اند. ضمناً باید در نظر داشت که هرچند بعضی از احکام کتاب اقدس به گروه خاصی توجه دارد ولیکن همین احکام جنبه عمومی نیز دارد. حضرت بهاء الله از طریق احکام مبارکه‌اش متدرجاً مراتب جدیدی از علم و عمل را مکشوف ساخته اهل عالم را به اطاعت از آن دعوت می‌فرمایند. این احکام به کیفیتی در قالب کلمات و بیانات الهیه گنجانده شده تا ذهن خواننده را به این اصل مسلم متوجه سازد که مقصد غائی از احکام، در هر موضوعی که باشد، آن است که به جامعه انسانی آرامش خاطر بخشد و سطح رفتار و سلوک بشر را ارتقاء دهد و بر عرفان نفوس بیفزاید و هیأت اجتماعی را مجتمعاً و منفرداً به حیات روحانی دلالت نماید.

در سراسر این سفر جلیل موضوع اصلی همانا ارتباط روح انسان با خدای متعال و تحقق سرنوشت روحانی هر یک از افراد نوع بشر است و این همواره هدف غائی شرایع الهیه بوده است. چنانکه حضرت بهاء الله می فرماید قوله الاحلی: لا تحسبن انا نزلنا لكم الاحكام بل فتحنا ختم الرحیق المختوم باصابع القدرة و الاقتدار. و نیز در بیان عظمت کتاب اقدس می فرماید که او است حجة العظمی للوری و برهان الرحمن لمن فی الارضین و السموات.

هیچ مقدمه ای بر کتاب مستطاب اقدس که آفاق روحانیه جدیده ای را بر وجه عالم مکشوف می دارد کافی و وافی نخواهد بود مگر آنکه خوانندگان را با مراجعی که مصدر تبیین و تشریح اند آشنا سازد. این مراجع به تصریح حضرت بهاء الله از اجزاء لا ینفک نظام مجموعه احکام نازله محسوب می گردد. پایه و اساس این نظام مقام و وظیفه بی مانندی است که حضرت بهاء الله در آثار مبارکه و بالاخص در کتاب مستطاب اقدس به فرزند ارشد خویش حضرت عبدالبهاء محول فرمودند. حضرت عبدالبهاء آن شخصیت بی نظیر و بدیل هم مثل اعلاى تعالیم پدر آسمانی و هم مبین ملهم و مصون از خطای آیات نازله و هم مرکز و محور عهد و پیمانی است که مؤسس آئین بهائی با پیروان خود بسته است. آن حضرت در طی

بیست و نه سال دوره میثاق گنجینه‌ای گران بها مشحون از تبیین آثار قلم اعلیٰ به عالم بهائی عطا فرموده و ابواب عدیده‌ای از معرفت آئین و درک مقاصد عالیّه حضرت بهاء الله بر عالمیان گشوده است . حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا خلعت ولایت را به حفید ارشد خویش حضرت شوقی افندی عنایت و ایشان را مبین مصون از خطای آثار مبارکه تعیین فرمودند . همچنین الهامات غیبیه‌ای که در حق بیت العدل اعظم به اثر قلم اعلیٰ تصریح گشته و آن مؤسسه را در تشریح حدوداتی که در کتاب بر حسب ظاهر نازل نشده مختار ساخته در الواح وصایا تأیید و تأکید گردیده است . بنا بر این طبق بیان حضرت ولیّ امرالله هم ولایت امرالله و هم بیت العدل اعظم را باید وصیّ منصوص حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء محسوب داشت و این دو مرجع اعظم در رأس مؤسسات نظم اداری قرار گرفته‌اند ، نظمی که در کتاب مستطاب اقدس پیش‌بینی گشته و اساسش وضع شده و در الواح وصایای حضرت عبدالبهاء تشریح گردیده است .

حضرت ولیّ امرالله طیّ سی و شش سال دوره ولایت به ارتفاع بنیان محافل روحانیّه منتخبه مبادرت فرمودند و با معاونت این محافل که به بیوت عدل در کتاب اقدس تسمیه شده و هنوز در مرحله جنینی می‌باشند با روشی منظم و مرتّب به اجرای فرمان تبلیغی

حضرت عبدالبهاء که برای اشاعه امر الهی در سراسر عالم طرح گردیده بود مباشرت نمودند و بر اساس آن مؤسسات قوی بنیان تشکیلات امریه سلسله مراحل را که از لوازم ضروریّه انتخاب بیت العدل اعظم بود تدارک فرمودند. بیت العدل اعظم که در سال ۱۹۶۳ تأسیس گردید اعضایش با اکثریت آراء سرّی بهائیان ذی رأی در سراسر عالم در انتخاباتی که در سه مرحله صورت می‌گیرد انتخاب می‌گردند. آیات باهرات حضرت بهاء الله و تبیینات و توضیحات مرکز میثاق و ولیّ امر الله کل مجموعاً مرجع واجب الاطاعه و اسّ اساس بیت العدل اعظم است.

اگر با نظری دقیق در حدود و احکام الهیه بنکریم سه جنبه را در آن مشهود می‌بینیم. یکی مختصّ است به رابطه افراد با خدای متعال، دیگری مربوط است به امور جسمانی و روحانی که مستقیماً نفعش به افراد راجع، و بالاخره آنچه به رابطه بین افراد و بین جامعه و افراد تعلق دارد. احکام را عموماً میتوان تحت عناوین ذیل طبقه بندی کرد: صلوات و صوم، احوال شخصیه مربوط به ازدواج، طلاق و ارث و یک دسته از احکام دیگر مشتمل بر اوامر و نواهی و خطابات نصحیه و بالاخره آنچه که ناسخ بعضی از شرایع قبل است. از خواصّ ممتازة احکام کتاب اقدس ایجاز آنها است. احکام نازله در کتاب اقدس هسته مرکزی قوانین متنوعه و وسیعهای است که در

قرون آتی به منصهٔ ظهور خواهد رسید. بسط اصول و تفصیل متفرعاتش بنا به اختیاراتی که حضرت بهاء الله به بیت العدل اعظم تفویض فرموده‌اند به آن هیأت راجع است. حضرت عبدالبهاء در توضیح این مقام چنین می‌فرمایند:

مسائل کلیه که اساس شریعت الله است منصوص است ولی متفرعات راجع به بیت العدل و حکمت این است که زمان بر یک منوال نماند تغیر و تبدل از خصایص و لوازم امکان و زمان و مکان است لهذا بیت العدل به مقتضای این مجری می‌نماید ...

باری مقصود و حکمت ارجاع احکام مدنیّه به بیت العدل این است و در شریعت فرقان نیز جمیع احکام منصوص نبود بلکه عشر عشر معشار منصوص نه اگرچه کلیهٔ مسائل مهمهٔ مذکور ولی البتّه یک کرور احکام غیر مذکور بود بعد علماء به قواعد اصول استنباط نمودند و در آن شرایع اولیهٔ افراد علماء استنباطهای مختلف می‌نمودند و مجری میشد حال استنباط به هیأت بیت العدل است و استنباط و استخراج افراد علماء را حکمی نه مگر آنکه در تحت تصدیق بیت عدل درآید و فرق همین است که از استنباط و تصدیق هیأت

بیت عدل که اعضایش منتخب و مسلم عموم ملت است
اختلاف حاصل نمی‌گردد ولی از استنباط افراد علماء
حکماً اختلاف حاصل شود و باعث تفریق و تشتت و
تبعیض گردد و وحدت کلمه بر هم خورد و اتحاد دین
الله مضمحل شود و بنیان شریعت الله متزلزل گردد .

بیت العدل اعظم به نصّ صریح مختار است که با تغییر مقتضیات
زمان احکام و قوانینی را که خود وضع نموده نسخ نماید یا تغییر
دهد ولی هرگز نمی‌تواند احکام منصوصه را نسخ و یا تعدیل
نماید . به این نحو امر ضروری انعطاف و عدم تصلّب و انجماد در
شریعت الله تحقق می‌یابد .

بعضی از احکام کتاب مستطاب اقدس مخصوص جامعه‌ای نازل شده
که مقدر است به مرور زمان به وجود آید . حضرت بهاء الله در باره
اجرای تدریجی احکام کتاب چنین می‌فرمایند :

اوامر الهیه به منزله بحر است و ناس به منزله حیتان لو
هم يعرفون ولكن به حکمت باید عمل نمود ... اکثری
ضعیفند و از مقصود اولیه بعید . باید در جمیع احوال
حکمت را ملاحظه نمود تا امری احداث نشود که سبب
ضوضاء و نفاق و نفاق نفوس غافله گردد قد سبقت
رحمته العالم و فضله احاط العالمین باید به کمال محبت

و بردباری ناس را به بحر معانی متذکر نمود . کتاب
اقدس بنفسه شاهد و گواه است بر رحمت الهیه .
در توقیعی که حسب الامر حضرت ولیّ امرالله خطاب به یکی از
مخالفان ملیّه در سنه ۱۹۳۵ صادر گردیده در باره اصولی که مربوط به
اجرای تدریجی احکام است چنین می فرمایند :

احکامی را که حضرت بهاءالله در کتاب اقدس نازل
فرموده اند ، در صورتی که اجرایش ممکن و مستقیماً با
قوانین مدنی مملکت مغایر نباشد ، بر همه یاران الهی و
تشکیلات بهائی در شرق و غرب عالم فرض و واجب
است ... اجرای بعضی از احکام بر قاطبه یاران در
سراسر جهان هم اکنون لازم و ضروری است . بعضی
دیگر از احکام برای زمانی نازل گردیده که به تقدیر
الهی باید جامعه بشری به وضع دیگری از میان هرج و
مرج کنونی عالم ظاهر و پدیدار شود ... تشریح آنچه
در کتاب اقدس نازل نشده و همچنین تفصیل ثانویه و
متفرعات مربوط به اجرای احکام نازل از قلم اعلی کل
به بیت العدل اعظم محوّل گردیده است . این هیأت
مختار است که بر احکام نازل از قلم اعلی ملحقاتی
ببفزاید ولی مختار نیست که احکام نازل را هرگز ملغی

سازد و یا در آن ادنی تعدیلی روا دارد . همچنین ولیّ امرالله هرگز مجاز نیست که از قاطعیّت حدود و احکام کتاب مستطاب اقدس بکاهد ، تا چه رسد به اینکه آن را منسوخ سازد . (ترجمه)

انتشار ترجمه کتاب مستطاب اقدس به انگلیسی بر تعداد احکامی که در حال حاضر برای بهائیان مغرب زمین واجب الاجراء است نمی‌افزاید ولی چون وقتش فرا رسد ، به اطلاع جامعه بهائی خواهد رسید که چه حکم دیگری اجرایش واجب است و در آن زمان هدایت لازمه و تشریحات متممه به کل ابلاغ خواهد شد .

احکام کتاب مستطاب اقدس به طور کلی به ایجاز نازل گردیده است . نمونه‌ای از این ایجاز را میتوان در احکامی مشاهده کرد که به صیغه مذکر نازل شده است . اما از تبیینات حضرت ولیّ امرالله چنین برمی‌آید که هر حکمی خطاب به مردان که به حقوق و اختیارات زنان مربوط باشد همان حکم را متقابلاً میتوان با اجرای تغییرات و تعدیلات ضروری در باره زن نسبت به مرد نیز منظور داشت ، مگر اینکه محتوای حکم تحقق این امر را غیر ممکن سازد . مثلاً در کتاب مستطاب اقدس ازدواج پسر با زن پدرش تحریم گردیده . حسب الاشارة حضرت ولیّ امرالله ازدواج دختر با شوهر مادرش نیز به همین قیاس حرام است . نتایجی که بر این مطلب

مترتب می‌گردد در پرتو اصل مسلم تساوی رجال و نساء تأثیرات کلیه در بردارد و در مطالعه کتاب مستطاب اقدس باید همواره مورد نظر باشد. از مقتضیات بدیهه طبیعت است که مرد و زن از حیث بعضی از خصوصیات با یکدیگر متفاوتند و این تفاوت‌های طبیعی است که زن و مرد را در بعضی از شئون حیات اجتماعی مکمل یکدیگر ساخته است. ملاحظه فرمائید که در این مقام بیان حضرت عبدالبهاء چه قدر اهمیت دارد، می‌فرمایند:

در این عصر الهی ... مساوات رجال و نساء جز در مواقع جزئی از جمیع جهات اعلان گردید.

قبلاً اشاره گردید که بین کتاب مستطاب اقدس و کتب مقدسه ادیان سابقه روابط نزدیکی وجود دارد، مخصوصاً با کتاب مبارک بیان که حاوی احکام حضرت اعلی است این رابطه نزدیک موجود و مشهود است و این مطلب در منتخباتی از توقیعات مبارکه که حسب الامر حضرت ولی امرالله صادر گردیده توضیح داده شده چنانچه می‌فرمایند:

آئین مقدس بهائی یک واحد جامع و کاملی است که امر حضرت اعلی را نیز در بردارد و این نکته‌ای است که باید مورد تأکید قرار گیرد ... امر حضرت اعلی را نباید از امر حضرت بهاء الله منفصل شمرد. هر چند

اوامر منصوصه کتاب مبارک بیان منسوخ و احکام کتاب مستطاب اقدس به جای آن وضع گردیده، ولی چون حضرت اعلیٰ خود را مبشر ظهور حضرت بهاء الله اعلان فرمودند، اهل بهاء دور حضرت اعلیٰ و دور جمال ابهی را معاً ماهیتی واحد محسوب می‌دارند، یعنی ظهور اول را مقدمه ظهور ثانی میدانند.

حضرت اعلیٰ می‌فرمایند که احکام دور بیان معلق و مشروط به قبول مظهر بعد است. از این جهت حضرت بهاء الله در کتاب مستطاب اقدس بعضی از احکام بیان را تصویب، بعضی را تعدیل و بسیاری را رد فرمودند. (ترجمه)

همان طور که کتاب مبارک بیان در اواسط ظهور حضرت اعلیٰ نازل گشت، کتاب مستطاب اقدس نیز در حدود سنه ۱۸۷۳، یعنی بیست سال بعد از اظهار امر خفی که در سیاه چال طهران واقع شد، از قلم اعلیٰ عزّ نزول یافت. حضرت بهاء الله در لوحی می‌فرمایند که کتاب اقدس حتی بعد از نزول تا مدتی به یاران ایران ارسال نگردید. حضرت ولیّ امر الله در مورد الواح نازله بعد از کتاب اقدس چنین می‌فرمایند:

پس از تدوین حدود و احکام مهمه دور بهائی در کتاب

مستطاب اقدس حضرت بهاء الله آثار مبارکه دیگری را تا اواخر ایام نازل فرمودند که در آن صحائف مقدسه بعضی از اوامر و اصول اساسیه شریعت الله را اعلان و برخی از حقایق نازله از قلم اعلی را تأیید و تأکید و پاره‌ای از حدود و احکام صادره را توضیح و تفصیل و بشارات و اندازات دیگری را بیان و اوامر فرعیّه مکمل احکام کتاب اقدس را وضع و تشریح فرمودند و جمیع این مطالب در الواح بی شماری که تا آخرین ایام حیات عنصری مبارکش نازل گشته مذکور و مسطور است. (ترجمه)

از جمله این آثار مبارکه رساله «سؤال و جواب» است که جناب زین المقرین که در میان کاتبین آثار حضرت بهاء الله مقامی والا دارد جمع آوری نموده. این رساله حاوی جوابهائی است که حضرت بهاء الله به سؤالات احباء عنایت فرموده‌اند و مجموعه گران قدری است که متمم کتاب مستطاب اقدس محسوب می‌گردد. الواح مهمه دیگری ذکر آنها در بیان مبارک حضرت ولی امر الله آمده الواحی هستند که ترجمه آنها در سنه ۱۹۷۸ در مجموعه «الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده» طبع و نشر گردیده است.

حضرت بهاء الله چند سنه پس از نزول کتاب مستطاب اقدس نسخی

از آن را برای احبای ایران ارسال و در اواخر ایام مبارک یعنی
سنه ۱۳۰۸ (۱۸۹۱ - ۱۸۹۰) امر فرمودند که نصّ آن کتاب مبارک
در بمبئی به طبع رسد .

اما راجع به اسلوب ترجمه کتاب مستطاب اقدس به انگلیسی ذکر
نکاتی چند لازم است . جمال اقدس ابهی به لسان عربی تسلط
کامل داشتند و به اقتضای مقام هر وقت لازم می آمد که معنی دقیق
مطلبی در الواح و آثار بیان گردد ، ترجیح می دادند که آیات به لسان
عربی نازل گردد . گذشته از اختیار زبان عربی ، آیات کتاب
مستطاب اقدس به سبکی مهیج و منیع و مهیمن نازل گردیده و این
کیفیت را مخصوصاً نفوسی که به ادبیات لغت فصیحی آشنائی دارند
بهرتر ادراک می نمایند . حضرت ولی امرالله در ترجمه آثار به این
مسئله اساسی توجه مخصوص فرمودند که در زبان انگلیسی اسلوبی
را اتخاذ فرمایند که هم معنای بیانات مبارکه را دقیقاً برساند و هم
در خواننده حالت توجهی را بوجود آورد که معمولاً از تلاوت آیات
اصیله حاصل می گردد . لذا در این مقام شیوه کلامی را اختیار
فرمودند که حاکی از اسلوبی است که در قرن هفدهم میلادی در
ترجمه کتاب مقدس به کار رفته است . این اسلوب علوّ سیاق آثار
جمال اقدس ابهی به زبان عربی را حفظ می کند و در عین حال
برای خوانندگان معاصر قابل درک است . علاوه بر این ، احاطه

کامله ملهمه حضرت ولی امرالله در فهم معانی و مقاصد حقیقی
نصوص مبارکه در ترجمه های حضرتش پرتو افکنده است .
گرچه زبانهای عربی و انگلیسی از لحاظ لغوی هر دو وسیع و قادر
به اداء مطالب به صور متنوعه اند ولی اصولاً ترکیب و بنای دو زبان
با یکدیگر اختلاف فاحش دارد . لحن آیات کتاب مستطاب اقدس
به لسان عربی مبتنی بر بیان جوهر کلام در نهایت ایجاز است . از
خصوصیات این طرز بیان آنکه امور بدیهیه به تلویح ذکر می گردد نه
به تصریح و چنین شیوه ای برای خوانندگانی که سابقه فرهنگی و
دینی و ادیشان متفاوت است مشکلاتی ایجاد می نماید . ترجمه
تحت اللفظی فقره ای که در عربی واضح است در انگلیسی ممکن
است مبهم باشد . بنا بر این در این گونه موارد لازم است که
آنچه در اصل عربی مستتر است در ترجمه انگلیسی تصریح شود .
در عین حال باید مراقب بود که استنباطات زائده به اصل مطلب
اضافه نشود و بسط معانی محدود نگردد . یکی از مسائل مهمه ای
که مترجمین با آن مواجه بوده اند و آنان را مجبور می ساخت که در
ترجمه بعضی از عبارات مکرراً تجدید نظر نمایند این بود که بین
زیبائی کلام و وضوح بیان از یک طرف و مطابقت معانی الفاظ با
اصل از طرف دیگر توازنی ایجاد گردد . مسئله مهم دیگر آنکه
مفاهیم حقوقی و شرعی بعضی از اصطلاحات عربی موارد استعمال

متعددی دارد که با اصطلاحات مشابهش در زبان انگلیسی متفاوت است .

مسلم است که ترجمه کتب و آثار مقدسه مراقبت خاص لازم دارد و باید کاملاً با اصل مطابق باشد . این امر به خصوص در مورد کتاب احکام اهمیت تام دارد که مبدا خواننده را از حقیقت مطلب منحرف سازد و یا به مجادلات بی ثمر مشغول دارد . به نحوی که پیش‌بینی میشد ترجمه کتاب مستطاب اقدس کاری بسیار مشکل بود و مستلزم آن گردید که با افراد متبحر و خبره در بلاد عالم مشورت شود . چون تقریباً یک ثلث کتاب را حضرت ولی امرالله ترجمه فرموده بودند ، لازم بود که حتی المقدور بقیه کتاب با رعایت این موازین سه گانه ترجمه گردد ، یعنی صحت معنی ، زیبایی کلام و هم‌آهنگی با اسلوب ترجمه حضرت ولی امرالله .

میتوان گفت که ترجمه این سفر جلیل از لحاظ تطابق با اصل فی الجمله به مرحله‌ای رسیده که حال قابل انتشار است . معذک شبهه‌ای نیست که این ترجمه موجب عرضه سؤالات و پیشنهادهایی خواهد شد که محتملاً مطالب مندرجه در آن را روشنتر خواهد ساخت . برای امور ترجمه و مقابله و تصحیح و تهیه توضیحات و یادداشتهای لجنه‌های انتخاب گردید و این هیأت از مجهودات و دقت کامل اعضای منتخبه در انجام وظایف محوله اظهار امتنان فراوان

می‌نماید و مطمئن است که خوانندگان از قرائت این اولین ترجمهٔ مصوّبهٔ کتاب مستطاب اقدس به زبان انگلیسی لا اقل تا حدی محدود به جلال و عظمت امّ الکتاب دور بهائی و قوف خواهند یافت. جهانی که در آنیم به تاریکترین مرحله از تحولات این عصر رسیده که از نظر تغییرات اساسی در تاریخ پرآشوب خود بی سابقه است. اهل عالم از هر نژاد و ملت و دین با این فرصت خطیر مواجه گشته‌اند که از تعلّقات ملی و تباینات قومی که بین آنان جدائی افکنده قدم فراتر نهند و در ظلّ وحدت عالم انسانی درآیند و کرهٔ ارض را وطنی واحد شمارند. حضرت بهاء الله می‌فرمایند:

اصلاح عالم و راحت امم ... ظاهر نشود مگر به اتّحاد و اتّفاق. امید است که انتشار ترجمهٔ کتاب مستطاب اقدس در تحقّق این مقصد جلیل و وسیع النطاق حرکتی تازه بخشد و ابواب جدیدی را برای احیای عموم اهل عالم بگشاید.

بیت العدل اعظم

توصیف کتاب اقدس به قلم حضرت ولیّ امرالله ترجمه از ﴿گاد پاسز بای﴾

اعلان امر مبارک هرچند بدیع و محیر العقول بود ولی فی الواقع
طلیعه قوه خلاقه شدیدتری بود که شارع این آئین نازنین با نزول
کتاب اقدس در نهایت قدرت ظاهر فرمود و آن کتاب مستطاب
فی الحقیقه اهمّ اثر قلم اعلی در ایام اشراق نیر آفاق محسوب
می‌گردد. کتاب مستطاب اقدس یعنی اعظم مخزن حدود و احکام
دور بهائی را میتوان ابهی تجلی از هویت جمال قدم و نیز امّ الکتاب
این دور افخم و منشور نظم اعظم شمرد و به آن سفر جلیل در
کتاب ایقان اشارت رفته و اشعیای نبی به آن بشارت داده و در
مکاشفات یوحنا به اوصاف سماء جدید و ارض جدید و
هیکل ربّ و مدینه مقدسه و عروس و اورشلیم
جدید النازل من السماء موصوف گشته. شرایع و احکامش
لا اقل یک هزار سال ثابت و لن یتغیر ماند و نطاق نظم بدیعی
عالم را فرا گیرد.

پس از ورود حضرت بهاءالله به بیت عودی خمّار دیری نگذشت که
کتاب مستطاب اقدس نازل گشت (در حدود سنه ۱۸۷۳ میلادی) و

این مقارن با ایامی بود که وجود مبارکش از دست دشمنان و مدعیان ایمان به مصائب بی منتهی محاط و گرفتار بود. کتاب اقدس مخزن لآلی ثمینه ظهور آن حضرت است که از لحاظ وضع اصول و مبادی الهیه و تأسیس مؤسسات اداری و تعیین وظایف و تفویض اختیارات مختصه به جانشین شارع امر مبین در بین صحف سماویه بی مثل و عدیل است زیرا نه در عهد عتیق و نه در سایر کتب مقدسه سالفه هرگز اوامر و دستورات مدونه عیناً به نحوی که نفس شارع بیان فرموده مسطور نیست. همچنین در انجیل کلمات و بیانات معدودی که به حضرت مسیح نسبت داده شده فاقد دستورات و هدایت صریح در باره اداره امور آتیه آن دیانت است و حتی در قرآن با اینکه حضرت رسول اکرم احکام و اوامر را در نهایت صراحت تشریح فرموده‌اند، امر خلافت و وصایت در آن مسکوت مانده است. اما کتاب مستطاب اقدس که من البدو الی الختم از قلم شارع مقدس این دور اعظم نازل گشته هم مخزن حدود و احکامی است که باید برای نسلهای آتیه باقی ماند و نظم جهان آرایش بر آن اساس استوار شود و هم وظیفه تبیین آیات را به مرکز عهد محول فرموده و مؤسسات ضروریه‌ای را که یگانه ضامن اصالت و کافل وحدت اصلیه امر الهی است مقرر و معین نموده است.

صاحب و منزل این منشور مدنیت آینده عالم که به اوصاف و القاب

داور کردگار و شارع احکام ربّ مختار و مُنجی اعظم و مؤلف قلوب بنی آدم موصوف است در این کتاب به سلاطین عالم شرع انور و ناموس اکبر را ابلاغ فرموده، آنان را مملوک و خود را ملک الملوک می‌خواند و تصریح می‌فرماید که ابداً ارادهٔ تسخیر ممالکشان را ندارد و منحصرأ تصرف مداین قلوب را حقّ خویش می‌داند و نیز علماء و رؤسای ادیان را تحذیر می‌فرماید که کتاب الله را با اصول و موازین مصطلحهٔ بین الناس قیاس نمایند بلکه آن را قسطاس الحقّ بین الخلق شمرند. در این سفر کریم صریحاً مؤسسهٔ بیت العدل را تأسیس و وظائف مخصوصه‌اش را تعیین و وارداتش را مشخص و اعضایش را به رجال العدل و وکلاء الله و امناء الرّحمن تسمیه و مرکز عهد و پیمان خویش را بالاشاره تعیین و حقّ تبیین آیات را به او تفویض و ولایت امر را تلویحاً پیش‌بینی می‌فرمایند و بر صولت نظم بدیع جهان‌آرایش شهادت داده، مقام عظیم عصمت کبری را توضیح فرموده و آن را مختصّ به مظهر ظهور و موهبت ذاتی خویش دانسته و ظهور مظهر امر جدیدی را قبل از اتمام حدّ اقل هزار سال ممتنع و محال می‌شمارند.

حضرت بهاء الله در کتاب اقدس حکم صلوات را نازل و میقات و مدت صوم را تعیین و حکم نماز جماعت را جز در صلوات میت مرتفع، قبلهٔ اهل بهاء را تثبیت و حقوق الله را تنصیص و احکام ارث

را تشریح و مؤسسه مشرق الاذکار را تأسیس و ضیافات نوزده روزه و
 اعیاد بهائی و ایام هاء را مقرر می فرمایند . بساط روحانیون را
 منظوی و برده فروشی را تحریم و ریاضت و تکدی و رهبانیت و رسم
 توبه و اقرار به معاصی و ارتقاء بر منابر و تقبیل ایادی را نهی
 می فرمایند . توحید زوجه را مقرر و ظلم بر حیوان و کسالت و
 بطالت و افتراء و غیبت را مردود و طلاق را مبعوض و قمار و شرب
 افیون و مسکرات را حرام و حدود مجازات قتل و زنا و سرقت و
 حرق عمدی بیت را معین می فرمایند . اهمیت امر ازدواج را تأیید
 و شرایط لازمه اش را وضع می کنند . اشتغال به صنعت و اقتراف را
 واجب و آن را نفس عبادت محسوب می دارند . لزوم تدارک وسایل
 و وسایط تعلیم و تربیت اطفال را تصریح و هر فردی را در تنظیم
 وصیت نامه و اطاعت محضه از حکومت متبوعه مکلف می سازند .
 غیر از این فرایض مذکوره حضرت بهاء الله به پیروان خویش نصیحت
 می فرمایند که با اهل جمیع ادیان من دون استثناء به روح و ریحان
 معاشر گردند و انذار می فرمایند که از تعصب و حمیت جاهلیه و
 نزاع و جدال و فساد و غرور و استکبار دور و برکنار باشند . به
 نظافت و لطافت و صداقت و امانت و عفت و عصمت تمسک جویند
 و به مهمان نوازی و وفا و ادب و مدارا و عدل و انصاف متشبث
 گردند و به مصداق کونوا کالاصابع فی الید و الارکان للبدن

رفتار نمایند . بر خدمت امرالله قیام نمایند و به تأییدات محتومه الهیه مطمئن و مستظهر باشند . به علاوه حضرت بهاءالله زوال شئونات فانیه عالم بشری را تذکر داده و حریت حقیقی انسان را در اتباع اوامرش دانسته انداز می فرمایند که در اجرای حدود و احکام الهیه آنان را رأفت اخذ نماید و دو فریضه لایتنجزی یعنی عرفان مطلع امر و اتباع جمیع اوامر نازلهاش را واجب ساخته و می فرمایند که لن یقبل احدهما دون الاخر .

مطالب مهمه دیگر در این سفر جلیل دعوت رؤسای جمهور قاره امریکا است که یوم الله را مغتنم شمارند و هیکل ملک را به طراز عدل مزین دارند و اعضاء مجالس شور در سراسر عالم را مأمور می فرمایند که یک لسان عمومی و همچنین یک خط را اختیار کنند . ویلهلم اول را که بر ناپلیون سوم غالب گردید تحذیر و فرانسوا ژوزف امپراطور اطریش را توبیخ می فرمایند و در طی صدور انذارات شدید به شواطی نهر رین ، به حنین برلین اشاره می فرمایند و استقرار کرسی ظلم در مدینه کبیره را مذموم و فنای زینت ظاهره و محن و بلایائی که سگان آن ارض را احاطه خواهد کرد اخبار می نمایند و ارض طاء موطن جمال قدم را به بشارت روح بخش و تسلیت آمیز قد جعلک الله مطلع فرح العالمین مطمئن می سازند و صوت رجال خراسان را که در تهلیل و تسبیح غنی

متعال مرتفع خواهد شد و ظهور اصحاب «بأس شدید» را در ارض کرمان که به ذکر خداوند رحمن قیام خواهند نمود وعده می فرمایند . برادر عهد شکن بی وفائی را که چنان غم و اندوهی بر قلب حضرتش وارد آورده به صرف فضل و عطا مطمئن می سازند که فقط اگر تائب شود خداوند غفور و کریم از اعمال سیئه او درگذرد .
جمیع این مطالب بر زینت و کمال مندرجات کتاب مقدسی که از قلم شارع عظیم به القاب فخیمه فرات الرحمة و قسطاس الهدی و صراط الاقوم و محیی العالم ملقب و موصوف گردیده افزایش می بخشد .

علاوه بر این جمال قدم احکام و حدود الهیه را که مشتمل بر قسمت اعظم این کتاب مبین است تصریحاً به روح الحیوان لمن فی الامکان و حصن حصین و اثمار الشجره و السبب الاعظم لنظم العالم و حفظ الامم و مصباح الحکمة و الفلاح و عرف قمیص و مفاتیح رحمت برای عباد تعبیر و توصیف فرموده اند . و نیز در شأن این صحیفه علیا می فرمایند: قل ان الكتاب هو سماء قد زیناها بانجم الاوامر و النواهی و همچنین: طوبی لمن یقرئه و یتفکر فیما نزل فیہ من آیات الله المقتدر العزیز المختار قل یا قوم خذوه بید التسلیم ... لعمری قد نزل علی

شأن يتحير منه العقول و الافكار انه لحجة العظمى
للورى و برهان الرحمن لمن فى الارضين و السموات
و نيز مى فرمايند: طوبى لذائقه يجد حلاوتها و لذى بصر
يعرف ما فيها و لذى قلب يطلع برموزها و اسرارها
تالله يرتعد ظهر الكلام من عظمة ما نزل و الاشارات
المقنعة لشدة ظهورها و نيز: كتاب اقدس به شأنى
نازل شده كه جاذب و جامع جميع شرايع الهية است
طوبى للقارئى طوبى للعارفين طوبى للمتفكرين طوبى
للمتفرسين و به انبساطى نازل شده كه كل را قبل از
اقبال احاطه فرموده سوف يظهر فى الارض سلطانه و
نفوذه و اقتداره .





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انَّ اَوَّلَ مَا كَتَبَ اللَّهُ عَلَى الْعِبَادِ عِرْفَانَ
مَشْرِقِ وَحْيِهِ وَمَطْلَعِ أَمْرِهِ الَّذِي كَانَ
مَقَامَ نَفْسِهِ فِي عَالَمِ الْأَمْرِ وَالْخَلْقِ مِنْ
فَازِهِ قَدْ فَازَ بِكُلِّ الْخَيْرِ وَالَّذِي مَنَعَ

انه من اهل الضلال ولو ياتي بكل
الاعمال ﴿٥﴾ اذا فزتم بهذا المقام الاسنى
والافق الاعلى ينبغي لكل نفس ان
يتبع ما امر به من لدى المقصود لانهما
معاً لا يقبل احدهما دون الآخر هذا
ما حكم به مطلع الالهام ﴿٥﴾ ان الذين
اوتوا بصائر من الله يرون حدود الله
السبب الاعظم لنظم العالم وحفظ
الامر والذي غفل انه من همج

رعاع ❀ انا امرناكم بكسر حدودات
النفس والهوى لاما رقم من القلم الاعلى
انه لروح الحيوان لمن فى الامكان ❀ قد
ماجت بحور الحكمة والبيان بما
هاجت نسمة الرحمن اغثموا يا اولى
الالباب ❀ ان الذين نكثوا عهد الله
فى اوامره ونكصوا على اعقابهم اولئك
من اهل الضلال لدى الغنى
المتعال ❀ يا ملاء الارض اعلموا ان

اوامرى سرح عنايتى بين عبادى
ومفاتيح رحمتى لبريتى كذلك نزل
الامر من سماء مشيئة ربكم مالك
الاديان ﴿٥﴾ لو يجد احد حلاوة البيان
الذى ظهر من فم مشيئة الرحمن
لينفق ما عنده ولو يكون خزائن الارض
كلها ليثبت امراً من اوامره المشرقة
من افق العناية والالطاف ﴿٥﴾ قل من
حدودى يمر عرف قميصى وبها تنصب

اعلام النصر على القنن والانتلال ❀
قد تكلم لسان قدرتي في جبروت
عظمتي مخاطباً لبريتي ان اعملوا
حدودي حباً لجمالى طوبى لحبيب
وجد عرف المحبوب من هذه الكلمة
التي فاحت منها نفحات الفضل على
شأن لا توصف بالاذكار ❀ لعمرى
من شرب رحيق الانصاف من ايدى
الالطاف انه يطوف حول اوامرى

المشرقة من افق الابداع ❁ لا تحسبن
انا نزلنا لكم الاحكام بل فذحنا ختم
الرحيق المختوم باصابع القدرة
والاقدار يشهد بذلك ما نزل من
قلم الوحي تفكروا يا اولى الافكار ❁
قد كتب عليكم الصلوة تسع ركعات
لله منزل الايات حين الزوال وفي
البكور والاصال ❁ وعفونا عدة اخرى
امراً في كتاب الله انه هو الامر المقتدر

المختار ﴿٥﴾ وإذا اردتم الصلوة ولوا
وجوهكم شطرى الاقدس المقام
المقدس الذى جعله الله مطاف
الملا الاعلى ومقبل اهل مدائن
البقاء ومصدر الامر لمن فى الارضين
والسموات ﴿٥﴾ وعند غروب شمس
الحقيقة والتبيان المقر الذى قدرناه لكم
انه هو العزيز العلام ﴿٥﴾ كل شىء
تحقق بامر المبرم اذا اشرقت من

افق البيان شمس الاحكام لكل ان
يتبعوها ولو بامر تنفطر عنه سموات
افئدة الاديان ❀ انه يفعل ما يشاء
ولا يسئل عما شاء وما حكم به
المحبوب انه محبوب ومالك الاختراع ❀
ان الذي وجد عرف الرحمن وعرف
مطلع هذا البيان انه يستقبل بعينه
السهم لاثبات الاحكام بين الانام
طوبى لمن اقبل وفاز بفصل

الخطاب ﴿٥﴾ قد فصلنا الصلوة في
 ورقة اخرى طوبى لمن عمل بما امر
 به من لدن مالك الرقاب ﴿٥﴾ قد
 نزلت في صلوة الميت ست تكبيرات
 من الله منزل الايات ﴿٥﴾ والذي عنده
 علم القرآنة له ان يقرء ما نزل قبلها
 والأعفا الله عنه انه لهو العزيز
 الغفار ﴿٥﴾ لا يبطل الشعر صلواتكم
 ولا ما منع عن الروح مثل العظام

وغيرها البسوا السَّمُور كما تلبسون الخز
والسَّجَاب وما دونهما انه ما نهى في
الفرقان ولكن اشتبه على العلماء انه
هو العزيز العلام ﴿٥﴾ قد فرض عليكم
الصَّلَوة والصَّوم من اول البلوغ امراً
من لدى الله ربكم ورب آبائكم
الاولين ﴿٥﴾ من كان في نفسه ضعف
من المرض او الهرم عفا الله عنه
فضلاً من عنده انه هو الغفور الكريم ﴿٥﴾

قد اذن الله لكم السجود على كل شئ
طاهر ورفعنا عنه حكم الحد في الكتاب
ان الله يعلم وانتم لا تعلمون ❀ من
لم يجد الماء يذكر خمس مرات بسم
الله الاطهر الاطهر ثم يشرع في العمل
هذا ما حكم به مولى العالمين ❀
والبلدان التي طالت فيها الليالي والايام
فليصلوا بالساعات والمشايخ التي
منها تحددت الاوقات انه هو المبين

الحكيم ❁ قد عفونا عنكم صلوة الآيات
إذا ظهرت اذكروا الله بالعظمة والافتدار
أنه هو السميع البصير ❁ قولوا العظمة لله
رب ما يرى وما لا يرى رب العالمين ❁
كتب عليكم الصلوة فرادى قد رفع
حكم الجماعة الأفي صلوة الميت أنه
هو الأمر للحكيم ❁ قد عفا الله عن
النساء حين ما يجدن الدم الصوم
والصلوة وهن ان يتوضأن ويسجن

خمساً وتسعين مرة من زوال
الى زوال سبحان الله ذى الطلعة
والجمال هذا ما قدر في الكتاب ان
انتم من العالمين ❀ ولكم وهن في
الاسفار اذا نزلتم واسترحتم المقام الامن
مكان كل صلوة سجدة واحدة واذكروا
فيها سبحان الله ذى العظمة والاجلال
والموهبة والافضال والذي عجز يقول
سبحان الله انه يكفي بالحق انه لهو

الكافي الباقي الغفور الرحيم ❀ وبعد
اتمام السجود لكم وهنّ ان تقعدوا على
هيكل التوحيد وتقولوا ثمانى عشرة
مرّة سبحان الله ذى الملك والملكوت
كذلك يبين الله سبل الحق والهدى
وانّها انتهت الى سبيل واحد وهو هذا
الصراط المستقيم ❀ اشكروا الله بهذا
الفضل العظيم ❀ احمدا والله بهذه
الموهبة التى احاطت السموات

والارضين ﴿٥﴾ اذكروا الله بهذه الرحمة
التي سبقت العالمين ﴿٦﴾ قل قد جعل
الله مفناح الكنز حبي المكنون لو انتم
تعرفون ﴿٧﴾ لولا المفناح لكان مكنوناً في
ازل الازال لو انتم توقنون ﴿٨﴾ قل هذا
لمطلع الوحي ومشرق الاشراق الذي به
اشرقت الافاق لو انتم تعلمون ﴿٩﴾ ان هذا
هو القضاء المثبت وبه ثبت كل قضاء
محتوم ﴿١٠﴾ يا قلم الاعلى قل يا ملا الانشاء

١٥

١٦

قد كتبنا عليكم الصيام أياماً معدودات
وجعلنا النيروز عيداً لكم بعد اكماها
كذلك اضاءت شمس البيان من افق
الكتاب من لدن مالك المبدء والمئاب ❀
واجعلوا الايام الزائدة عن الشهور قبل
شهر الصيام انا جعلناها مظاهر الهاء بين
الليالى والايام ❀ لذا ما تحددت بحدود
السنة والشهور ينبغي لاهل البهاء ان
يطعموا فيها انفسهم وذوى القربى ثم

الفقرَاء والمساكين ويهللن ويكبرن ويسبحن
ويجندن ربهم بالفرح والانبساط ❀ وإذا
تمت أيام الاعطاء قبل الامساك
فليدخلن في الصيام كذلك حكم مولى
الانام ❀ ليس على المسافر والمريض
والحامل والمرضع من حرج عفا الله
عنهم فضلاً من عنده انه هو العزيز
الوهاب ❀ هذه حدود الله التي رقت
من القلم الاعلى في الزبر والالواح ❀

تَمَسَّكُوا بِأَمْرِ اللَّهِ وَاحْكُمُوا وَلَا تَكُونُوا مِنَ
الَّذِينَ أَخَذُوا أَصُولَ أَنْفُسِهِمْ وَبَنَدُوا
أَصُولَ اللَّهِ وَرَأَتْهُمْ بِمَا اتَّبَعُوا الظُّنُونَ
وَالْأَوْهَامَ ❀ كَفُّوا أَنْفُسَكُمْ عَنِ الْأَكْلِ
وَالشَّرْبِ مِنَ الطَّلُوعِ إِلَى الْإِفْوَالِ أَيَّاكُمْ
أَنْ يَمْنَعَكُمْ الْهَوَىُّ عَنْ هَذَا الْفَضْلِ الَّذِي
قَدَّرَ فِي الْكِتَابِ ❀ قَدْ كَتَبَ لِمَنْ دَانَ
بِاللَّهِ الدِّيَانَ أَنْ يَغْسَلَ فِي كُلِّ يَوْمٍ يَدَيْهِ
ثُمَّ وَجْهَهُ وَيَقْعُدَ مُقْبِلًا إِلَى اللَّهِ وَيَذْكُرَ

خمساً وتسعين مرة الله ابهى كذلك
حكم فاطر السماء اذ استوى على اعراش
الاسماء بالعظمة والاقطار ❀ كذلك
توضأوا للصلوة امرأ من الله الواحد
المختر ❀ قد حرم عليكم القتل والزنا ثم
الغيبة والافتراء اجتنبوا عما نهىتم عنه في
الصحائف والالواح ❀ قد قسمنا الموارث
على عدد الزاء منها قدر لذرياتكم من
كتاب الطاء على عدد المقت وللازواج

١٩

٢٠

من كتاب الحاء على عدد التاء والفاء
وللاباء من كتاب الزاء على عدد التاء
والكاف وللماهات من كتاب الواو على
عدد الرفيع وللأخوان من كتاب الهاء عدد
الشين وللأخوات من كتاب الدال عدد
الراء والميم وللمعلمين من كتاب الجيم عدد
القاف والفاء كذلك حكم مبشرى الذى
يذكرنى فى اللبالي والاسحار ﴿﴾ انالما سمعنا
ضجيج الذريات فى الاصلاب زدنا ضعف

ما لهم ونقصنا عن الاخرى انه هو المقدر
على ما يشاء يفعل بسلطانه كيف اراد ﴿٥﴾
من مات ولم يكن له ذرّية ترجع حقوقهم
الى بيت العدل ليصرفوها امناء الرحمن في
الايام والارامل وما ينتفع به جمهور الناس
ليشكروا ربهم العزيز الغفار ﴿٥﴾ والذي له
ذرّية ولم يكن ما دونها عما حدّد في الكتاب
يرجع الثلثان مما تركه الى الذرّية والثلث الى
بيت العدل كذلك حكم الغني المتعال

٢١

٢٢

٢٣ بالعظمة والاجلال ❀ والذي لم يكن له
من برته وكان له ذو القربى من ابناء الاخ
والاخت وبناتهما فلهم الثلثان والا للاعمام
والاخوال والعمات والحالات ومن بعدهم
وبعدهن لابنائهم وبنائهن وبناتهن وبناتهن
والثلث يرجع الى مقر العدل امراً في
الكتاب من لدى الله مالك الرقاب ❀
٢٤ من مات ولم يكن له احد من الذين
نزلت اسمائهم من القلم الاعلى ترجع

الاموال كلها الى المقر المذكور لتصرف
فيما امر الله به انه هو المقتدر الامار ﴿٥﴾
وجعلنا الدار المسكونة والالبسة
المخصوصة للذرية من الذكران دون
الاناث والوراث انه لهو المعطى
الفياض ﴿٥﴾ ان الذي مات في ايام
والده وله ذرية اولئك يرثون ما لابيهم في
كتاب الله اقسما بينهم بالعدل الخالص
كذلك ماج بحر الكلام وقذف لتالى

٢٥

٢٦

الاحكام من لدن مالك الانام ❀ والذي
ذِكْ ذرِيَّةً ضِعَافًا سَلَمُوا مَا لَمْ يَأْمُرُ
لِيُتَّجَرْ لَهُمُ إِلَىٰ أَنْ يَبْلُغُوا رِشْدَهُمْ أَوْ إِلَىٰ مَحَلِّ
الشَّرَاكَةِ ثُمَّ عِينُوا لِلْأَمِينِ حَقًّا مِمَّا حَصَلَ
من التَّجَارَةِ وَالْإِقْتِرَافِ ❀ كَلَّ ذَلِكَ بَعْدَ
إِدَاءِ حَقِّ اللَّهِ وَالذَّيُونِ لَوْ تَكُونُ عَلَيْهِ
وَتُجَهِّزُ الْأَسْبَابَ لِلْكَفَنِ وَالذَّفْنِ وَحَمَلِ
الْمَيْتِ بِالْعِزَّةِ وَالْإِعْتِزَازِ كَذَلِكَ حَكَمَ مَالِكُ
المَبْدِءِ وَالْمُنَابِ ❀ قُلْ هَذَا هُوَ الْعِلْمُ

المكنون الذي لن يتغير لانه بدء بالطاء
المدلة على الاسم المخزون الظاهر الممتنع
المنيع ❀ وما خصصناه للذريات هذا
من فضل الله عليهم ليشكروا ربهم
الرحمن الرحيم ❀ تلك حدود الله
لا تعتدوها باهواء انفسكم اتبعوا ما امرتم
به من مطلع البيان ❀ والمخلصون يرون
حدود الله ماء للحيوان لاهل الاديان
ومصباح الحكمة والفلاح لمن في الارضين

۳. **والسّموات** ﴿٥﴾ **قد كتب الله على كل**
مدينة ان يجعلوا فيها بيت العدل ويجتمع
فيه النفوس على عدد البهائم وان ازداد
لا بأس ويرون كأنهم يدخلون محضر
الله العليّ الاعلى ويرون من لا يرى
وينبغي لهم ان يكونوا امناء الرحمن بين
الامكان ووكلاء الله لمن على الارض كلها
ويشاوروا في مصالح العباد لوجه الله كما
يشاورون في امورهم ويخاروا ما هو

المختار كذلك حكم ربكم العزيز الغفار ﴿٥﴾
 أيكم ان تدعوا ما هو المنصوص في
 اللوح أنقوا الله يا اولى الانظار ﴿٥﴾ يا ملاء
 الانشاء عمروا بپوتاً باكمل ما يمكن في
 الامكان باسم مالك الاديان في
 البلدان وزينوها بما ينبغي لها لا بالصور
 والامثال ﴿٥﴾ ثم اذكروا فيها ربكم الرحمن
 بالروح والريحان الابد كره تستنير
 الصدور وتقر الابصار ﴿٥﴾ قد حكم الله

٣١

٣٢

من استطاع منكم حج البيت دون
النساء عفا الله عنهن رحمة من عنده
انه هو المعطى الوهاب ﴿٥﴾ يا اهل
الجماعة قد وجب على كل واحد منكم
الاشتغال بامر من الامور من الصنائع
والاقتراف وامثالها وجعلنا اشتغالكم
بها نفس العبادة لله الحق تفكروا يا
قوم في رحمة الله والطافه ثم اشكروه
في العشي والاشراق ﴿٥﴾ لا تضيعوا

اوقاتكم بالبطالة والكسالة واشتغلوا
بما ينتفع به انفسكم وانفس غيركم
كذلك قضى الامر في هذا اللوح
الذي لاحت من افقه شمس الحكمة
والتبيان ❀ ابغض الناس عند الله
من يقعد ويطلب تمسكوا بحبل
الاسباب متوكلين على الله مسبب
الاسباب ❀ قد حرم عليكم تقبيل
الايادي في الكتاب هذا ما نهىتم عنه

من لدن ربكم العزيز الحكام ❀ ليس
لاحد ان يستغفر عند احد توبوا الى
الله تلقاء انفسكم انه هو الغافر المعطي
العزيز التواب ❀ يا عباد الرحمن قوموا
على خدمة الامر على شأن لا تأخذكم
الاحزان من الذين كفروا بمطلع
الآيات ❀ لما جاء الوعد وظهر الموعد
اخلف الناس وتمسك كل حزب بما
عنده من الظنون والاهام ❀ من

النَّاسِ مِنْ يَقَعِدُ صَفَّ النَّعَالِ طَلِباً
لِصَدْرِ الْجَلالِ قَلِّ مِنْ أَنْتِ يَا أَيُّهَا الْغَافِلُ
الْغَرَّارُ ❀ وَمِنْهُمْ مَنْ يَدَّعِي الْبَاطِنَ
وَبِاطِنِ الْبَاطِنِ قَلِّ يَا أَيُّهَا الْكَذَّابُ تَاللَّهِ
مَا عِنْدَكَ أَنَّهُ مِنَ الْقَشُورِ تَرَكْنَاهَا
لَكُمْ كَمَا تَتْرَكُ الْعِظَامَ لِلْكَلابِ ❀
تَاللَّهِ الْحَقُّ لَوْ يَغْسِلُ أَحَدٌ أَرْجُلَ الْعَالَمِ
وَيَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى الْأَدْغَالِ وَالشُّوَاجِنِ
وَالْجِبَالِ وَالْقَنَانِ وَالشُّنَاخِيبِ وَعِنْدَ كُلِّ

حجر وشجر ومدر ولا يتضوع منه
عرف رضائي لن يقبل ابداً هذا ما
حكم به مولى الانام ❀ كم من عبد
اعتزل في جزائر الهند ومنع عن نفسه
ما احله الله له وحمل الرياضات
والمشقات ولم يذكر عند الله منزل
الآيات ❀ لا تجعلوا الاعمال شرك
الامال ولا تحرموا انفسكم عن هذا
المثال الذي كان امل المقربين في

ازل الأزال ❀ قل روح الأعمال هو
رضائي وعلق كل شئ بقبولى
اقرنوا الالواح لتعرفوا ما هو المقصود
فى كنب الله العزيز الوهاب ❀ من
فاز بجبى حق له ان يقعد على
سرير العقيان فى صدر الامكان
والذى منع عنه لو يقعد على
التراب انه يستعيد منه الى الله
مالك الاديان ❀ من يدعى امرأ

قبل اتمام الف سنة كاملة انه
كذاب مفتر نسئل الله بان يؤيده على
الرجوع ان تاب انه هو الثواب وان
اصر على ما قال يبعث عليه من لا
يرحمه انه شديد العقاب ❀ من ياؤل
هذه الآية او يفسرها بغير ما نزل في
الظاهر انه محروم من روح الله ورحمته
التي سبقت العالمين ❀ خافوا الله
ولا تتبعوا ما عندكم من الاوهام اتبعوا

ما يأمركم به ربكم العزيز الحكيم ﴿٥﴾ سوف
يرتفع النعاق من أكثر البلدان اجتنبوا
يا قوم ولا تتبعوا كل فاجر لئيم ﴿٦﴾ هذا ما
أخبرناكم به إذ كنا في العراق وفي أرض
السرو وفي هذا المنظر المنير ﴿٧﴾ يا أهل
الأرض إذا غربت شمس جمالی
وسترت سماء هيكلی لا تضطربوا قوموا
على نصره امری وارتفاع كلمتی بین
العالمین ﴿٨﴾ أنا معكم في كل الأحوال

وتنصركم بالحقّ انا كنا قادرين ﴿٣٩﴾ من
عرفني يقوم على خدمتي بقيام لا تقعه
جنود السموات والارضين ﴿٤٠﴾ انّ الناس
نيام لو انتبهوا سرعوا بالقلوب الى الله
العليم الحكيم ﴿٤١﴾ وبنذوا ما عندهم
ولو كان كنوز الدنيا كلها ليدكرهم مولاهم
بكلمة من عنده كذلك ينبئكم من
عنده علم الغيب في لوح ما ظهر في
الامكان وما اطّلع به الا نفسه المهيمنة

على العالمين ❀ قد اخذهم سكر
الهُوى على شأن لا يرون مولى الورى
الذى ارتفع ندائه من كل الجهات
لا اله الا انا العزيز الحكيم ❀ قل
لا تفرحوا بما ملكتموه فى العشى وفى
الاشراق يملكه غيركم كذلك يخبركم
العليم الخبير ❀ قل هل رأيتم لما
عندكم من قرار او وفاء لا ونفسى
الرحمن لو انتم من المنصفين ❀ تمر

٤.

أيام حيوتكم كما تمرّ الأرياح ويطوى
بساط عزكم كما طوى بساط الأولين ❀
تفكروا يا قوم اين أيامكم الماضية واين
اعصاركم الخالية طوبى لايام مضت بذكر
الله ولاوقات صرفت في ذكره الحكيم ❀
لعمري لا تبقى عزة الاعزاء ولا زخارف
الاغنياء ولا شوكة الاشقياء سيفنى الكل
بكلمة من عنده انه هو المقتدر العزيز
القدير ❀ لا ينفع الناس ما عندهم

من الاثاث وما ينفعهم غفلوا عنه سوف
 ينتبهون ولا يجدون ما فات عنهم في
 ايام ربهم العزيز الحميد ❀ لو يعرفون
 ينفقون ما عندهم لتذكر اسمائهم لدى
 العرش الا انهم من الميتين ❀ من
 الناس من غرته العلوم وبها منع عن
 اسمى القيوم واذا سمع صوت النعال
 عن خلفه يرى نفسه اكبر من نمود قل
 اين هو يا ايها المردود تالله انه لفي اسفل

البحيم ❁ قل يا معشر العلماء اما تسمعون
صير قلمي الاعلى واما ترون هذه الشمس
المشرقة من الافق الابهى الى ما اعتكفتم
على اصنام اهل انكم دعوا الاوهام
وتوجهوا الى الله مولاكم القديم ❁
قد رجعت الاوقاف المختصة للخيرات
الى الله مظهر الايات ليس لاحد ان
يتصرف فيها الا بعد اذن مطلع الوحي
ومن بعده يرجع للحكم الى الاغصان

ومن بعدهم الى بيت العدل ان تحقق
امره في البلاد ليصرفوها في البقاء
المرتفعة في هذا الامر وفيما امروا به
من لدن مقتدر قدير ❀ والآن ترجع الى
اهل البهائم الذين لا يتكلمون الا بعد اذنه
ولا يحكمون الا بما حكم الله في هذا
اللوح اولئك اولياء النصريين السموات
والارضين ❀ ليصرفوها فيما حدد في
الكتاب من لدن عزيز كريم ❀

٤٣

لا تجزعوا في المصائب ولا تفرحوا ابتغوا
 أمرا بين الأمرين هو التذكر في تلك الحالة
 والتنبه على ما يرد عليكم في العاقبة

٤٤

كذلك ينبئكم العليم الخبير ﴿ لا تخلقوا
 رؤسكم قد زينها الله بالشعر وفي ذلك
 لآيات لمن ينظر الى مقتضيات الطبيعة
 من لدن مالك البرية انه له العزيز
 الحكيم ﴿ ولا ينبغي ان يتجاوز عن حد
 الأذان هذا ما حكم به مولى العالمين ﴿

قد كذب على السارق النفي والحبس
 وفي الثالث فاجعلوا في جبينه علامة
 يعرف بها لئلا تقبله مدن الله ودياره
 أي اكم ان تأخذكم الرأفة في دين الله
 اعملوا ما امرتم به من لدن مشفق
 رحيم ❁ انا ربناكم بسياط الحكمة
 والاحكام حفظاً لانفسكم وارتقاءً
 لمقاماتكم كما يرثي الآباء ابنائهم لعمرى
 لو تعرفون ما اردناه لكم من اوامرنا

المقدّسة لتفدون ارواحكم لهذا الامر
المقدّس العزيز المنيع ❀ من اراد ان
يستعمل او انى الذهب والفضة لا بأس
عليه ايّاكم ان تنغمس اياديكم في
الصحاف والصحان خذوا ما يكون
اقرب الى اللطافة انه اراد ان يراكم على
أداب اهل الرضوان في ملكوته الممتنع
المنيع ❀ تمسكوا باللطافة في كل
الاحوال لنلا تقع العيون على ما تكرهه

انفسكم واهل الفردوس والذي
تجاوز عنها يحبط عمله في الحين ❀
وان كان له عذر يعفو الله عنه انه هو
العزیز الکریم ❀ ليس لمطلع الامر
شريك في العصمة الكبرى انه لمظهر
يفعل ما يشاء في ملكوت الانشاء قد
خص الله هذا المقام لنفسه وما قدر
لاحد نصيب من هذا الشأن العظيم
المنيع ❀ هذا امر الله قد كان مستوراً

في حجب الغيب اظهرناه في هذا الظهور
وبه خرقنا حجاب الذين ما عرفوا حكم
الكذاب وكانوا من الغافلين ❀
كتب على كل اب تربية ابنه وبنته بالعلم
والخط ودونهما عما حدّد في اللوح
والذي ترك ما امر به فللامناء ان
ياخذوا منه ما يكون لازماً لتربيتهما
ان كان غنياً والا يرجع الى بيت العدل
انا جعلناه مأوى الفقراء والمساكين ❀

انّ الذي ربّي ابنه او ابناً من الابناء
 كأنه ربّي احد ابنائى عليه بهائى
 وعنايتى ورحمتى التى سبقت العالمين ❀
 قد حكم الله لكلّ زانٍ وزانية
 دية مسلّمة الى بيت العدل وهى
 تسعة مثاقيل من الذهب وان عادا
 مرّة اخرى عودوا بضعف الجزاء هذا
 ما حكم به مالك الاسماء فى الاولى
 وفى الاخرى قدّر لهما عذاب مهين ❀

من ابتلى بمعصية فله ان يتوب ويرجع الى
الله انه يغفر لمن يشاء ولا يسئل عما شاء
انه هو التَّوَابُ العزيز الحميد ❀ اياكم
ان تمنعكم سجات الجلال عن زلال هذا
السلسال خذوا اقداح الفلاح في هذا
الصباح باسم فالحق الاصباح ثم اشربوا
بذكرة العزيز البديع ❀ انا حللنا لكم
اصغاء الاصوات والنغمات اياكم ان
يخرجكم الاصغاء عن شأن الادب

والوقار افرحوا بفرح اسمى الاعظم
الذى به تولّمت الافئدة وانجذبت
عقول المقربين ❀ انا جعلناه مرقاة
لعروج الارواح الى الافق الاعلى
لا تجعلوه جناح النفس والهوى انى
اعوذ ان تكونوا من الجاهلين ❀ قد
ارجعنا ثلث الذيات كلها الى مقرّ
العدل ونوصى رجاله بالعدل الخالص
ليصرفوا ما اجتمع عندهم فيما

امروا به من لدن عليم حكيم ﴿٥٣﴾
يا رجال العدل كونوا رعاة اغنام الله
في مملكته واحفظوهم عن الذناب
الذين ظهروا بالاثواب كما تحفظون
ابنائكم كذلك ينصحكم الناصح
الامين ﴿٥٤﴾ اذا اختلفتم في امر
فارجعوه الى الله ما دامت الشمس
مشرقة من افق هذه السماء واذا
غربت ارجعوا الى ما نزل من عنده

انه ليكفي العالمين ❀ قل يا قوم
لا يأخذكم الاضطراب اذا غاب
ملكوت ظهوري وسكنت امواج بحر
بياني ان في ظهوري لحكمة وفي
غيبتي حكمة اخرى ما اطلع بها
الا الله الفرد الخبير ❀ وذاكم من
افقى الابهى وتنصر من قام على
نصرة امرى يجنود من الملاء الاعلى
وقبيل من الملكة المقرين ❀ يا ملاء

الارض تالله الحق قد انفجرت من
الاججار الانهار العذبة السائغة بما
اخذتها حلاوة بيان ربكم المختار وانتم
من الغافلين ❀ دعوا ما عندكم ثم
طيروا بقوادم الانقطاع فوق الابداع
كذلك يأمركم مالك الاختراع الذى
بحركة قلمه قلب العالمين ❀ هل
تعرفون من اى افق يناديكم ربكم
الابهى وهل علمتم من اى قلم

يأمركم ربكم مالك الاسماء لا وعمرى
لو عرفت لتركتم الدنيا مقبلين
بالقلوب الى شطر المحبوب واخذكم
اهتزاز الكلمة على شأن يهتز منه
العالم الاكبر وكيف هذا العالم
الصغير ❀ كذلك هطلت من سماء
عنايتي امطار مكرمتي فضلاً من
عندي لتكونوا من الشاكرين ❀ واما
الشجاج والضرب تختلف احكامهما

باختلاف مقاديرهما و حكم الدين
لكل مقدار دية معينة انه هو الحاكم
العزير المنيع ❀ لو نشاء فصلها بالحق
وعدا من عندنا انه هو الموفى العليم ❀
قد رقم عليكم الضيافة في كل شهر مرة
واحدة ولو بالماء ان الله اراد ان يولف
بين القلوب ولو باسباب السموات
والارضين ❀ اياكم ان تفرقكم
شئون النفس والهوى كونوا كالاصابع

في اليد والاركان للبدن كذلك يعظكم
قلم الوحي ان انتم من الموقنين ﴿٥٩﴾
فانظروا في رحمة الله والطافه انه
يامركم بما ينفعكم بعد اذ كان غنياً
عن العالمين ﴿٦٠﴾ لن تضربنا سيئاتكم
كما لا تنفعنا حسناتكم انما ندعوكم
لوجه الله يشهد بذلك كل عالم
بصير ﴿٦١﴾ اذا ارسلتم الجوارح الى
الصيْد اذكروا الله اذا يحل ما امسكن

٥٩

٦٠

لكم ولو تجدونه ميتاً انه هو العليم
الخبير ﴿٥﴾ اياكم ان تسرفوا في ذلك
كونوا على صراط العدل والانصاف
في كل الامور كذلك يأمركم مطلع
الظهور ان اتم من العارفين ﴿٦﴾ ان
الله قد امركم بالمودة في ذوى القربى
وما قدر لهم حقاً في اموال الناس
انه هو الغنى عن العالمين ﴿٧﴾ من
احرق بيتاً متعمداً فاحرقوه ومن قتل

نفساً عامداً فاقتلوه خذوا سنن الله
بأيادي القدرة والاقدار ثم اتركوا
سنن الجاهلين ❀ وان تحكموا لهما
حسباً ابدياً لا بأس عليكم في
الكتاب انه هو الحاكم على ما يريد ❀
قد كتب الله عليكم النكاح اياكم ان
تجاوزوا عن الاثنتين والذي اقتنع
بواحدة من الاماء استراحت نفسه
ونفسها ومن اتخذ بكاراً لخدمته

لا بأس عليه كذلك كان الامر من
قلم الوحي بالحق مرقوماً ﴿٦٤﴾ تزوجوا
يا قوم ليظهر منكم من يذكرني بين
عبادي هذا من امري عليكم اتخذه
لانفسكم معيناً ﴿٦٥﴾ يا ملاء الانشاء
لا تتبعوا انفسكم انها لامارة بالبغى
والفحشاء اتبعوا مالك الاشياء الذي
يامركم بالبر والتقوى انه كان عن
العالمين غنياً ﴿٦٦﴾ اياكم ان تفسدوا في

الأرض بعد إصلاحها ومن أفسد
أنه ليس منا ونحن براء منه كذلك
كان الأمر من سماء الوحي بالحق
مشهوداً ❀ أنه قد حدد في البيان
برضاء الطرفين أنا لما اردنا المحبة
والوداد واتحاد العباد لذا علقناه باذن
الابوين بعدهما لتلا تقع بينهم
الضغينة والبغضاء ولنا فيه مآرب
اخرى وكذلك كان الامر مقضياً ❀

لا يحقق الصَّهار إلا بالامهار قد قدر
للمدن تسعة عشر مثقالاً من الذهب
الابريز وللقري من الفضة ومن اراد
الزيادة حرّم عليه ان يتجاوز عن خمسة
وتسعين مثقالاً كذلك كان الامر
بالعز مسطوراً ❀ والذي اقتنع بالدرجة
الاولى خيره في الكتاب انه يغني
من يشاء باسباب السموات والارض
وكان الله على كل شيء قديراً ❀

قد كتب الله لكل عبد اراد الخروج
 من وطنه ان يجعل ميقاتاً لصاحبه
 في اية مدة اراد ان اتى ووفى بالوعد
 انه اتبع امر مولاه وكان من المحسنين
 من قلم الامر مكتوباً ﴿٥﴾ والا ان
 اعتذر بعد حقيقى فله ان يخبر قرينته
 ويكون في غاية الجهد للرجوع اليها
 وان فات الامر ان فلها تربص تسعة
 اشهر معدودات وبعد اكماها

لا بأس عليها في اختيار الزوج
وان صبرت انه يحب الصابرات
والصابرين اعملوا او امرى ولا تتبعوا
كل مشرك كان في اللوح اثيماً ❀
وان اتى الخبر حين تربصها لها ان
تأخذ المعروف انه اراد الاصلاح بين
العباد والاماء اياكم ان ترتكبوا ما يحدث
به العناد بينكم كذلك قضى الامر
وكان الوعد مأتياً ❀ وان اناها خبر

الموت او القتل وثبت بالشَّياع او
بالعدلين لها ان تلبث في البيت
اذا مضت اشهر معدودات لها
الاختيار فيما تختار هذا ما حكم به من
كان على الامر قوياً ﴿٥﴾ وان حدث
بينهما كدورة او كره ليس له ان
يطلقها وله ان يصبر سنة كاملة
لعل تسطع بينهما رائحة المحبة
وان كملت وما فاحت فلا بأس

في الطلاق انه كان على كل شيء
حكيمًا ❀ قد نهاكم الله عما عملتم
بعد طلاقات ثلث فضلاً من عنده
لتكونوا من الشاكرين في لوح كان
من قلم الامر مسطوراً ❀ والذي
طلق له الاختيار في الرجوع بعد
انقضاء كل شهر بالمودة والرضاء ما
لم تستحصن واذا استحصنت تحقق
الفصل بوصل آخر وقضى الامر

الأبعد امر مبین كذلك كان الامر
 من مطلع الجمال في لوح الجلال
 بالاجلال مرقوماً ﴿٥﴾ والذي سافر
 وسافرت معه ثم حدث بينهما
 الاختلاف فله ان يؤتيها نفقة سنة
 كاملة ويرجعها الى المقر الذي
 خرجت عنه او يسلمها بيد امين
 وما تحتاج به في السبيل ليلبغها الى
 محلها ان ربك يحكم كيف يشاء

بسلطان كان على العالمين محيطاً ❀
والتي طلقت بما ثبت عليها منكر
لا نفقة لها أيام تربصها كذلك كان
نير الأمر من افق العدل مشهوداً ❀
ان الله احب الوصل والوفاق
وابغض الفصل والطلاق عاشروا
يا قوم بالروح والريحان لعمرى سيفنى
من فى الامكان وما يبقى هو العمل
الطيب وكان الله على ما اقول شهيداً ❀

يا عبادى اصلحوا ذات بينكم ثم
استمعوا ما ينصركم به القلم الاعلى
ولا تتبعوا جبّاراً شقيّاً ❀ اياكم ان
تغرّنكم الدنيا كما غرّت قوماً قبلكم
اتبعوا حدود الله وسننه ثم اسلكوا
هذا الصراط الذى كان بالحق
مدوداً ❀ ان الذين نبذوا البغى
والغوى واتخذوا التقوى اولئكَ من
خيرة الخلق لدى الحق يذكرهم الملائ

الاعلى واهل هذا المقام الذى كان
باسم الله مرفوعاً ❀ قد حرّم عليكم
بيع الاماء والغلمان ليس لعبد ان
يشترى عبداً نهياً فى لوح الله كذلك
كان الامر من قلم العدل بالفضل
مسطوراً ❀ وليس لاحد ان يفتخر
على احد كل ارقاء له وادلاء على
انه لا اله الا هو انه كان على كل شئ
حكيماً ❀ زينوا انفسكم بطراز

الاعمال والذي فاز بالعمل في
رضاه انه من اهل البهاء قد كان
لدى العرش مذكوراً ❀ انصروا
مالك البرية بالاعمال الحسنة ثم
بالحكمة والبيان كذلك امرتم في
اكثر الالواح من لدى الرحمن انه
كان على ما اقول عليماً ❀ لا يعترض
احد على احد ولا يقتل نفس نفساً
هذا ما نهيتم عنه في كتاب كان في

سرادق العزم مستوراً ❀ اتقتلون من
احياه الله بروح من عنده ان هذا
خطأ قد كان لدى العرش كبيراً ❀
اتقوا الله ولا تخربوا ما بناه الله بايادي
الظلم والطغيان ثم اتخذوا الى
الحق سبيلاً ❀ لما ظهرت جنود
العرفان برايات البيان انهزمت قبائل
الاديان الا من اراد ان يشرب كوثر
للحيوان في رضوان كان من نفس

السَّجَّانَ مَوْجُوداً ❀ قَدْ حَكَمَ اللَّهُ
 بِالطَّهَارَةِ عَلَى مَاءِ النَّطْفَةِ رَحْمَةً مِنْ
 عِنْدِهِ عَلَى الْبَرِيَّةِ اشْكُرُوهُ بِالرُّوحِ
 وَالرِّيْحَانِ وَلَا تَتَّبِعُوا مَنْ كَانَ عَنْ
 مَطْلَعِ الْقُرْبِ بَعِيداً ❀ قَوْمُوا عَلَى
 خِدْمَةِ الْأَمْرِ فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ إِنَّهُ
 يُؤَيِّدُكُمْ بِسُلْطَانٍ كَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ
 مَحِيطاً ❀ تَمَسَّكُوا بِجِبِلِّ اللَّطَافَةِ
 عَلَى شَأْنٍ لَا يَرَى مِنْ ثِيَابِكُمْ أَثَارَ

الأوساخ هذا ما حكم به من كان
الطف من كل لطيف ❀ والذي له
عذر لا بأس عليه أنه هو الغفور
الرحيم ❀ طهروا كل مكروه بالماء
الذي لم يتغير بالثلث أياكم ان
تستعملوا الماء الذي تغير بهوآء
او بشئ آخر كونوا عنصر اللطافة بين
البرية هذا ما اراد لكم مولاكم العزيز
الحكيم ❀ وكذلك رفع الله حكم

دون الطَّهارة عن كلِّ الاشياء وعن
ممل اخرى موهبة من الله انه هو
الغفور الكريم ❁ قد انغمست
الاشياء في بحر الطَّهارة في اول
الرَّضوان اذ تجلينا على من في
الامكان باسمائنا الحسنی وصفاتنا
العليا هذا من فضلى الذى احاط
العالمين ❁ لتعاشروا مع الاديان
وتبلغوا امر ربكم الرحمن هذا

لا كليل الاعمال لو انتم من
العارفين ❀ وحكم باللطافة الكبرى
وتغسيل ما تغبر من الغبار وكيف
الاساخ المنجدة ودونها اتقوا الله
وكونوا من المطهرين ❀ والذي يرى
في كسائه وسخ انه لا يصعد دعائه
الى الله ويجتنب عنه ملاء عالون ❀
استعملوا ماء الورد ثم العطر الخالص
هذا ما احبه الله من الاول الذي

لا أوّل له ليتضوّع منكم ما أراد
ربّكم العزيز الحكيم ﴿٥﴾ قد عفا الله
عنكم ما نزل في البيان من نحو
الكتب واذنّاكم بأن تقرّوا من
العلوم ما ينفعكم لا ما ينتهي إلى
المجادلة في الكلام هذا خير لكم إن
انتم من العارفين ﴿٦﴾ يا معشر
الملوك قد أتى المالك والملك لله
المهين القيوم ﴿٧﴾ ألا تعبدوا إلا الله

٧٧

٧٨

وتوجهوا بقلوب نورآء الى وجه ربكم
مالك الاسماء هذا امر لا يعادله
ما عندكم لو انتم تعرفون ❀ انا
نراكم تفرحون بما جمعتموه لغيركم
وتمنعون انفسكم عن العوالم التي
لم يحصها الا لوحى المحفوظ ❀ قد
شغلتكم الاموال عن المال هذا
لا ينبغي لكم لو انتم تعلمون ❀
طهروا قلوبكم عن ذفر الدنيا مسرعين

إلى ملكوت ربكم فاطر الأرض
والسَّمَاءِ الَّذِي بِهِ ظَهَرَتِ الزَّلَازِلُ
وَنَاحَتِ الْقِبَائِلُ الْأَمْنِ نَبْدُ الْوَرَى
وَإِخْدَمَا أَمْرُهُ فِي لَوْحٍ مَكْنُونٍ ❀
هَذَا يَوْمٌ فِيهِ فَازَ الْكَلِيمُ بِأَنْوَارِ الْقَدِيمِ
وَشَرِبَ زَلَالَ الْوَصَالِ مِنْ هَذَا الْقَدَحِ
الَّذِي بِهِ سَجَّرتِ الْبَحُورُ ❀ قُلْ تَاللَّهِ
لَلْحَقِّ أَنَّ الظُّورَ يَطُوفُ حَوْلَ مَطْلَعِ
الظُّهُورِ وَالرُّوحَ يَنَادِي مِنَ الْمَلَكُوتِ

هلموا وتعالوا يا أبناء الغرور ﴿٥﴾ هذا
يوم فيه سرع كوم الله شوقاً للقاءه
وصاح الصّهيون قد اتى الوعد
وظهر ما هو المكتوب في الواح الله
المتعالى العزيز المحبوب ﴿٥﴾ يا معشر
الملوك قد نزلّ الناموس الاكبر فى
المنظر الانور وظهر كل امر مستتر
من لدن مالك القدر الذى به اتت
الساعة وانشق القمر وفصل كل

امر محتوم ❀ يا معشر الملوك انتم
 المماليك قد ظهر المالك باحسن
 الطراز ويدعوكم الى نفسه المهيمن
 القيوم ❀ اياكم ان يمنعكم الغرور
 عن مشرق الظهور او تحجبكم الدنيا
 عن فاطر السماء قوموا على خدمة
 المقصود الذي خلقكم بكلمة من
 عنده وجعلكم مظاهر القدرة لما
 كان وما يكون ❀ تالله لا يزيد ان

نتصرف في ممالككم بل جئنا لتصرف
القلوب ❀ انها لمنظر البهائم يشهد
بذلك ملكوت الاسماء لو انتم
تفقهون ❀ والذي اتبع مولاه انه
اعرض عن الدنيا كلها وكيف هذا
المقام المحمود ❀ دعوا البيوت ثم
اقبلوا الى الملكوت هذا ما ينفعكم في
الآخرة والاولى يشهد بذلك مالك
الجبروت لو انتم تعلمون ❀ طوبى

لملك قام على نصرة امرى في
مملكتي وانقطع عن سوائى انه من
اصحاب السفينة الحمراء التى جعلها
الله لاهل البهائم ينبغى لكل ان
يعزروه ويوقروه وينصروه ليفتح المدن
بمفاتيح اسمى المهيمن على من فى
ممالك الغيب والشهود ﴿٥﴾ انه بمنزلة
البصر للبشر والغرة الغراء لجبين
الانشاء ورأس الكرم لجسد العالم

انصروه يا اهل البهء بالاموال
والنفوس ❀ يا ملك النمسة كان
مطلع نور الاحدية في سجن عكاء اذ
قصدت المسجد الاقصى مررت
وما سئلت عنه بعد اذ رفع به كل
بيت وفتح كل باب منيف ❀ قد
جعلناه مقبل العالم لذكري وانت
نبذت المذكور اذ ظهر بملكوت الله
ربك ورب العالمين ❀ كنا معك في

كلّ الاحوال ووجدناك متمسكاً
بالفرع غافلاً عن الاصل ان ربك
على ما اقول شهيد ❀ قد اخذتنا
الاحزان بما رأيناك تدور لاسمنا
ولا تعرفنا امام وجهك افتح البصر
لتنظر هذا المنظر الكريم ❀ وتعرف
من تدعوه في الليالي والايام وترى
النور المشرق من هذا الافق
المليح ❀ قل يا ملك برلين اسمع

النِّدَاءُ مِنْ هَذَا الْهَيْكَلِ الْمُبِينِ ❀
إِنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا الْبَاقِي الْفَرْدُ
الْقَدِيمُ ❀ أَيَّاكَ أَنْ يَمْنَعَكَ الْغُرُورُ
عَنْ مَطْلَعِ الظُّهُورِ أَوْ يَحْجُبَكَ
الْهُوَىٰ عَنْ مَالِكِ الْعَرْشِ وَالثَّرَىٰ
كَذَلِكَ يَنْصَحُكَ الْقَلَمُ الْأَعْلَىٰ إِنَّهُ
هُوَ الْفَضْلُ الْكَرِيمُ ❀ أَذْكَرُ مَنْ
كَانَ أَعْظَمَ مِنْكَ شَأْنًا وَأَكْبَرَ
مِنْكَ مَقَامًا إِنْ هُوَ وَمَا عِنْدَهُ

انتبه ولا تكن من الراقدين ❀ انه
نزل لوح الله ورآه اذ اخبرناه بما
ورد علينا من جنود الظالمين ❀
لذا اخذته الذلة من كل الجهات
الى ان رجع الى التراب بخسران
عظيم ❀ يا ملك تفكر فيه وفي
امثالك الذين سخروا البلاد
وحكموا على العباد قد انزلهم
الرحمن من القصور الى القبور

اعتبر وكن من المتذكرين ❀ انا
 ما اردنا منكم شيئاً انما ننصحكم
 لوجه الله ونصبر كما صبرنا بما ورد
 علينا منكم يا معشر السلاطين ❀
 يا ملوك امريقا وروساء الجمهور
 فيها اسمعوا ما تغنّ به الوراقاء
 على غصن البقاء انه لا اله الا
 انا الباقي الغفور الكريم ❀ زينوا
 هيكل الملك بطراز العدل والتقى

ورأسه باكليل ذكر ربكم فاطر
السماء كذلك يأمركم مطلع
الاسماء من لدن عليم حكيم ❀
قد ظهر الموعد في هذا المقام
المحمود الذي به ابتسم ثغر
الوجود من الغيب والشهود
اغتنموا يوم الله ان لقاءه خير
لكم عما تطلع الشمس عليها
ان انتم من العارفين ❀ يا معشر

الامرآء اسمعوا ما ارتفع من
مطلع الكبرياء انه لا اله الا انا
الناطق العليم ﴿٥﴾ اجبروا الكسير
بايادي العدل وكسروا الصّحيح
الظالم بسياط اوامر ربكم الامر
الحكيم ﴿٥﴾ يا معشر الروم نسمع
بينكم صوت اليوم ء اخذكم
سكر الهوى ام كنتم من
الغافلين ﴿٥﴾ يا ايّها النّقطة الواقعة

في شاطئ البحرين قد استقر
عليك كرسى الظلم واشتعلت
فيك نار البغضاء على شأن ناح
بها الملاء الاعلى والذين يطوفون
حول كرسى رفيع ❀ نرى فيك
لجاهل يحكم على العاقل
والظلام يفتخر على النور وانك
في غرور مبين ❀ اغرتك زينتك
الظاهرة سوف تفنى ورب

البرية وتنوح البنات والارامل
وما فيك من القبائل كذلك
ينبئك العليم الخبير ❀ يا شواطي
نهر الرين قد رأيناك مغطاة
بالدماء بما سلّ عليك سيوف
الجزاء ولك مرة اخرى ونسمع
حين البرلين ولو انها اليوم
على عزّ مبين ❀ يا ارض الطاء
لا تحزني من شيء قد جعلك الله

مطلع فرح العالمين ❀ لو يشاء
يبارك سريرك بالذي يحكم بالعدل
ويجمع اغنام الله التي تفرقت من
الذئاب انه يواجه اهل البهائم
بالفرح والانبساط الا انه من
جوهر الخلق لدى الحق عليه
بهائم الله وبيهائم من في ملكوت
الامر في كل حين ❀ افرح بما
جعلك الله افق النور بما ولد

فيك مطلع الظهور وسميت بهذا
الاسم الذي به لاح نير الفضل
واشرقت السموات والارضون ❀
سوف تنقلب فيك الامور ويحكم
عليك جمهور الناس ان ربك هو
العليم المحيط ❀ اطمئن بفضل
ربك انه لا تنقطع عنك لحظات
الالطاف سوف يأخذك الاطمينان
بعد الاضطراب كذلك قضى

الامر في كتاب بديع ❀ يا ارض
 الخاء نسمع فيك صوت الرجال
 في ذكر ربك الغنى المتعال طوبى
 ليوم فيه تنصب رايات الاسماء
 في ملكوت الانشاء باسمى الابهى
 يومئذ يفرح المخلصون بنصر الله
 وينوح المشركون ❀ ليس لاحد
 ان يعترض على الذين يحكمون
 على العباد دعواهم ما عندهم

وتوجهوا الى القلوب ❀ يا بحر
 الاعظم رش على الامم ما امرت به
 من لدن مالك القدم وزين هياكل
 الانام بطراز الاحكام التي بها تفرح
 القلوب وتقر العيون ❀ والذي تملك
 مائة مثقال من الذهب فتسعة
 عشر مثقالاً لله فاطر الارض
 والسماء اياكم يا قوم ان تمنعوا
 انفسكم عن هذا الفضل

العظيم ﴿٥﴾ قد امرناكم بهذا بعد
اذ كنا غنياً عنكم وعن كل من في
السموات والارضين ﴿٥﴾ ان في ذلك
لحكمة ومصالح لم يحيط بها علم احد
الا الله العالم الخبير ﴿٥﴾ قل بذلك
اراد تطهير اموالكم وتقريبكم الى
مقامات لا يدركها الا من شاء الله
انه هو الفضال العزيز الكريم ﴿٥﴾
يا قوم لا تخونوا في حقوق الله

ولا تصرفوا فيها إلا بعد اذنه
كذلك قضى الامر في الالواح
وفي هذا اللوح المنيع ❀ من خان
الله يخان بالعدل والذي عمل بما
امر ينزل عليه البركة من سماء
عطاء ربه الفياض المعطى الباذل
القديم ❀ انه اراد لكم ما
لا تعرفونه اليوم سوف يعرفه القوم
اذا طارت الارواح وطويت زرابي

الافراح كذلك يذكركم من عنده
 لوح حفيظ ﴿٥٥﴾ قد حضرت لدى
 العرش عرائض شتى من الذين
 آمنوا وسئلوا فيها الله رب ما يرى
 وما لا يرى رب العالمين ﴿٥٦﴾ لذا
 نزلنا اللوح وزينناه بطراز الامر
 لعل الناس باحكام ربهم
 يعملون ﴿٥٧﴾ وكذلك سئلنا من قبل
 في سنين متواليات وامسكنا

القلم حكمة من لدنا الى ان
حضرت كتب من انفس معدودات
في تلك الايام لذا اجبناهم بالحق
بما تحيي به القلوب ❀ قل يا
معشر العلماء لا تزنوا كتاب الله
بما عندكم من القواعد والعلوم
انه لقسطاس الحق بين الخلق قد
يوزن ما عند الامم بهذا القسطاس
الاعظم وانه بنفسه لو انتم تعلمون ❀

ثبكي عليكم عين عنايتي لانيكم ما عرفتم
الذي دعوتوه في العشي والاشراق وفي
كل اصيل وبكور ❀ توجهوا يا قوم
بوجوه بيضاء وقلوب نوراء الى البقعة
المباركة الحمراء التي فيها تنادي
سدرة المنتهى انه لا اله الا انا المهيم
القيوم ❀ يا معشر العلماء هل يقدر
احد منكم ان يستن معي في
ميدان المكاشفة والعرفان او يجول

١٠٠

١٠١

في مضمار الحكمة والتبيان لا وربِّي
الرَّحْمَنُ كُلٌّ مِنْ عَلَيْهَا فَاِنْ وَهَذَا
وجه ربكم العزيز المحبوب ❀ يا قوم
أنا قدّرنا العلوم لعرفان العلوم وانتم
احتجبتُم بها عن مشرقها الذي به
ظهر كلُّ امر مكنون ❀ لو عرفتم
الافق الذي منه اشرقت شمس
الكلام لنبذتم الانام وما عندهم
واقبلتم الى المقام المحمود ❀ قل

هذه لسماء فيها كنز ام الكتاب لو
انتم تعقلون ❀ هذا هو الذي به
صاحت الصخرة ونادت السدرة على
الطور المرتفع على الارض المباركة
الملك لله الملك العزيز الودود ❀ انا
ما دخلنا المدارس وما طالعنا
المباحث اسمعوا ما يدعوكم به هذا
الامى الى الله الابدى انه خير لكم عما
كنز في الارض لو انتم تفقهون ❀

١.٤

ان الذي ياوول ما نزل من سماء
الوحي ويخرجه عن الظاهر انه ممن
حرف كلمة الله العليا وكان من
الاحسرين في كتاب مبین ❀ قد
كتب عليكم تقليم الاظفار والدخول
في ماء يحيط هياكلكم في كل اسبوع
وتنظيف ابدانكم بما استعملتموه من
قبل اياكم ان تمنعكم الغفلة عما
امرتم به من لدن عزيز عظيم ❀

ادخلوا ماءً بكرةً والمستعمل منه
لا يجوز الدخول فيه إياكم ان تقربوا
خزائن حمامات العجم من قصدها
وجد رآحتها المنتنة قبل وروده فيها
تجنبوا يا قوم ولا تكونن من
الصاغرين ❀ انه يشبه بالصيد
والغسلين ان اتم من العارفين ❀
وكذلك حياضهم المنتنة اتركوها
وكونوا من المقدسين ❀ انا اردنا ان

ذراكم مظاهر الفردوس في الارض
ليتضوع منكم ما تفرح به افئدة
المقربين ❀ والذي يصب عليه الماء
ويغسل به بدنه خير له ويكفيه عن
الدخول انه اراد ان يسهل عليكم
الامور فضلاً من عنده لتكونوا من
الشاكرين ❀ قد حرمت عليكم
ازواج آبائكم انا نستحي ان نذكر
حكم الغلمان اتقوا الرحمن يا ملاً

الامكان ولا ترتكبوا ما نهيتم عنه
في اللوح ولا تكونوا في هيماء
الشهوات من الهائمين ❀ ليس
لاحد ان يحرك لسانه امام الناس
اذ يمشى في الطرق والاسواق بل
ينبغي لمن اراد الذكر ان يذكر في
مقام بنى لذكر الله او في بيته هذا
اقرب بالخلوص والتقوى كذلك
اشرفت شمس الحكم من افق

البيان طوبى للعاملين ﴿٥﴾ قد فرض
 لكل نفس كتاب الوصية وله ان
 يزين رأسه بالاسم الاعظم ويعترف
 فيه بوحداية الله في مظهر ظهوره
 ويذكر فيه ما اراد من المعروف
 ليشهد له في عوالم الامر والخلق
 ويكون له كنزاً عند ربه للحافظ
 الامين ﴿٦﴾ قد انتهت الاعياد الى
 العيدين الاعظمين اما الاول ايام

فيها تجلّى الرَّحْمَنُ عَلَيَّ مِنْ فِي
الامكان باسمائه الحسنى وصفاته
العليا والآخر يوم فيه بعثنا من بشر
الناس بهذا الاسم الذى به قامت
الاموات وحشر من فى السَّمَوَاتِ
والارضين ❖ والآخرين فى يومين
كذلك قضى الامر من لدن امر
عليه ❖ طوبى لمن فاز باليوم
الاول من شهر البهائم الذى جعله

الله لهذا الاسم العظيم ﴿ طوبى
لمن يظهر فيه نعمة الله على نفسه
انه ممن اظهر شكر الله بفعله المدل
على فضله الذى احاط العالمين ﴿
قل انه لصدر الشهور ومبدؤها وفيه
تمر نعمة للحياة على الممكنات طوبى
لمن ادركه بالروح والريحان نشهد
انه من الفائزين ﴿ قل ان العيد
الاعظم لسلطان الاعياد اذكروا

يا قوم نعمة الله عليكم اذ كنتم
رقداء ايقظكم من نسمات الوحي
وعرفكم سبيله الواضح المستقيم ❀
اذا مرضتم ارجعوا الى الحذاق من
الاطباء انا ما رفعنا الاسباب بل
اثبتناها من هذا القلم الذي جعله
الله مطلع امره المشرق المنير ❀ قد
كتب الله على كل نفس ان يحضر
لدى العرش بما عنده مما لا عدل له

١١٣

١١٤

انا عفونا عن ذلك فضلاً من لدنا انه
هو المعطى الكريم ﴿ طوبى لمن
توجه الى مشرق الاذكار في الاسحار
ذاكراً متذكراً مستغفراً واذا دخل
يقعد صامتاً لاصغاء آيات الله الملك
العزیز الحمید ﴿ قل مشرق الاذكار
انه كل بيت بنى لذكرى في المدن
والقرى كذلك سمي لدى العرش ان
انتم من العارفين ﴿ والذين يتلون

آيات الرَّحْمَنِ بِاحْسَنِ الْإِلْحَانِ
أُولَئِكَ يَدْرِكُونَ مِنْهَا مَا لَا يَعَادِلُهُ
مَلَكُوتُ مَلِكِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ ❀
وَبِهَا يَجِدُونَ عَرَفَ عَوَالِمِ النَّبِيِّ
لَا يَعْرِفُهَا الْيَوْمَ إِلَّا مَنْ أَوْتِيَ الْبَصِيرَ
مِنْ هَذَا الْمَنْظَرِ الْكَرِيمِ ❀ قُلْ إِنَّهَا
تَجْذِبُ الْقُلُوبَ الصَّافِيَةَ إِلَى الْعَوَالِمِ
الرُّوحَانِيَّةِ الَّتِي لَا تُعَبَّرُ بِالْعِبَارَةِ وَلَا تُشَارَ
بِالْإِشَارَةِ طُوبَى لِلْسَّامِعِينَ ❀ أَنْصُرُوا

يا قوم اصفياء الذين قاموا على ذكرى
بين خلقى وارتفاع كلمتى فى مملكى
اولئك انجم سماء عنائى ومصابيح
هدائى للخلاق اجمعين ﴿٥﴾ والذى
يتكلم بغير ما نزل فى الواحى انه
ليس منى اياكم ان تتبعوا كل
مدع اثم ﴿٥﴾ قد زينت الالواح
بطراز ختم فالق الاصباح الذى
ينطق بين السموات والارضين ﴿٥﴾

تمسكوا بالعروة الوثقى وحبلى امرى
المحكم المتين ❀ قد اذن الله لمن
اراد ان يتعلم الالسن المختلفة ليبلغ
امر الله شرق الارض وغربها ويذكره
بين الدول والملل على شأن تجذب
به الافئدة ويحيى به كل عظم
رميم ❀ ليس للعاقل ان يشرب ما
يذهب به العقل وله ان يعمل ما
ينبغى للانسان لا ما يرتكبه كل غافل

١١٨

١١٩

مريب ❁ زينوا رؤسكم باكليل
 الامانة والوفاء وقلوبكم برداء التقوى
 والسنكم بالصدق الخالص وهياكلكم
 بطراز الاداب كل ذلك من سجية
 الانسان لو انتم من المتبصرين ❁ يا
 اهل البهاء تمسكوا بحبل العبودية لله
 الحق بها تظهر مقاماتكم وتثبت
 اسمائكم وترتفع مراتبكم واذكاركم في
 لوح حفيظ ❁ اياكم ان يمنعكم من

على الارض عن هذا المقام العزيز
الرفيع ❀ قد وصيناكم بها في اكثر
الالواح وفي هذا اللوح الذى لاح من
افقه نير احكام ربكم المقندر الحكيم ❀
اذا غيض بحر الوصال وقضى كتاب
المبدء فى المال توجهوا الى من اراده
الله الذى انشعب من هذا الاصل
القديم ❀ فانظروا فى الناس وقلة
عقولهم يطلبون ما يضرهم ويتركون

١٣١

١٣٢

ما ينفعهم الا انهم من الهائمين ❀
انا نرى بعض الناس ارادوا الحرّية
ويفتخرون بها اولئك في جهل
مبين ❀ ان الحرّية تنتهى عواقبها الى
الفتنة التي لا تخمد نارها كذلك
يخبركم المحصى العليم ❀ فاعلموا ان
مطالع الحرّية ومظاهرها هي الحيوان
وللانسان ينبغي ان يكون تحت
سنن تحفظه عن جهل نفسه وضرر

الماكرين ❁ انَّ الحُرِّيَّةَ تخرج الانسان
عن شئون الادب والوقار وتجعله
من الارذلين ❁ فانظروا الخلق
كالاغنام لا بد لها من راع ليحفظها
انَّ هذا لحق يقين ❁ انا نصدقها في
بعض المقامات دون الاخر انا كنا
علمين ❁ قل للحُرِّيَّةِ في اتباع او امرى
لو انتم من العارفين ❁ لو اتبع الناس
ما نزلناه لهم من سماء الوحي ليجدن

١٢٤

١٢٥

انفسهم في حرّية بحتة طوبى لمن
عرف مراد الله فيما نزل من سماء
مشيئة المهيمنة على العالمين ❀
قل للحرّية التي تنفعكم انها في
العبودية لله الحق والذي وجد
حلاوتها لا يبدّها بملكوت ملك
السّموات والارضين ❀ حرم
عليكم السّؤال في البيان عفا الله
عن ذلك لتسئلوا ما تحتاج به

انفسكم لا ما تكلم به رجال قبلكم
اتقوا الله وكونوا من المتقين ❀
اسئلو ما ينفعكم في امر الله
وسلطانه قد فتح باب الفضل على
من في السموات والارضين ❀ ان
عدة الشهور تسعة عشر شهراً في
كتاب الله قد زين اولها بهذا الاسم
المهين على العالمين ❀ قد حكم الله
دفن الاموات في البلور او الاحجار

١٢٧

١٢٨

المتنعة او الاخشاب الصلبة اللطيفة
ووضع الخواتيم المنقوشة في اصابعهم
انه هو المقدر العليم ﴿﴾ يكتب للرجال
ولله ما في السموات والارض وما بينهما
وكان الله بكل شئ عليماً ﴿﴾ وللورقات
ولله ملك السموات والارض وما بينهما
وكان الله على كل شئ قديراً ﴿﴾ هذا
ما نزل من قبل وينادي نقطة البيان
ويقول يا محبوب الامكان انطق في

هَذَا الْمَقَامُ بِمَا تَتَضَوُّعُ بِهِ نَفَحَاتِ
الطَّافِكِ بَيْنَ الْعَالَمِينَ ❀ أَنَا أَخْبَرْنَا
الْكَلَّ بَانَ لَا يَعَادِلُ بِكَلِمَةٍ مِنْكَ مَا نَزَّلَ
فِي الْبَيَانِ أَنَّكَ أَنْتَ الْمُقَدَّرُ عَلَى مَا تَشَاءُ
لَا تَمْنَعُ عِبَادَكَ عَنْ فَيُوضَاتِ بَحْرِ
رَحْمَتِكَ أَنَّكَ أَنْتَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ❀
قَدْ اسْتَجَبْنَا مَا أَرَادَ أَنَّهُ لَهْوُ الْمَحْبُوبِ
الْمُجِيبِ ❀ لَوْ يَنْقُشُ عَلَيْهَا مَا نَزَّلَ
فِي الْحَيْنِ مِنْ لَدَى اللَّهِ أَنَّهُ خَيْرٌ

لهم وهنّ انا كنا حاكمين ❀ قد
بدئت من الله ورجعت اليه منقطعاً
عما سواه ومتمسكاً باسمه الرحمن
الرحيم ❀ كذلك يختص الله من
يشاء بفضل من عنده انه هو المقدر
القدير ❀ وان تكفوه في خمسة
اثواب من الحرير او القطن من لم
يستطع يكتفى بواحدة منهما
كذلك قضى الامر من لدن عليم

خَيْرٌ ❀ حَرَّمَ عَلَيْكُمْ نَقْلَ الْمَيِّتِ أَزِيدُ
مِنْ مَسَافَةِ سَاعَةٍ مِنَ الْمَدِينَةِ إِدْفَنُوهُ
بِالرُّوحِ وَالرَّيْحَانِ فِي مَكَانٍ قَرِيبٍ ❀
قَدْ رَفَعَ اللَّهُ مَا حَكَمَ بِهِ الْبَيَانَ فِي تَحْدِيدِ
الْإِسْفَارِ إِنَّهُ هُوَ الْمُخْتَارُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ
وَيُحْكِمُ مَا يَرِيدُ ❀ يَا مَلَأَ الْإِنشَاءَ
اسْمَعُوا نِدَاءَ مَالِكِ الْأَسْمَاءِ إِنَّهُ يَنَادِيكُمْ
مِنْ شَطْرِ سِجْنِهِ الْأَعْظَمِ إِنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا
أَنَا الْمُقَدِّرُ الْمُتَكَبِّرُ الْمُتَسَخِّرُ الْمُتَعَالَى

١٣١

١٣٢

العليم الحكيم ❖ انه لا اله الا هو
المقدر على العالمين ❖ لو يشاء يأخذ
العالم بكلمة من عنده اياكم ان تنوقفوا
في هذا الامر الذي خضع له الملائكة
الاعلى واهل مدائن الاسماء اتقوا الله
ولا تكونن من المحتجبين ❖ احرقوا
الحجبات بنار حبي والسجحات بهذا
الاسم الذي به سخرنا العالمين ❖
وارفعن البيتين في المقامين والمقامات

الَّتِي فِيهَا اسْتَقَرَّ عَرْشُ رَبِّكُمْ الرَّحْمَنِ
 كَذَلِكَ يَا مَرْكَمُ مَوْلَى الْعَارِفِينَ ❀
 أَيَاكُمْ أَنْ تَمْنَعَكُمْ شِئُونَاتِ الْأَرْضِ عَمَّا
 أَمَرْتُمْ بِهِ مِنْ لَدُنْ قَوِيٍّ آمِينَ ❀ كُونُوا
 مَظَاهِرَ الْأَسْتِقَامَةِ بَيْنَ الْبَرِيَّةِ عَلَى شَأْنِ
 لَا تَمْنَعَكُمْ شِبْهَاتِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِاللَّهِ إِذْ
 ظَهَرَ بَسُلْطَانُ عَظِيمٍ ❀ أَيَاكُمْ أَنْ
 يَمْنَعَكُمْ مَا نَزَّلَ فِي الْكِتَابِ عَنْ هَذَا
 الْكِتَابِ الَّذِي يَنْطِقُ بِالْحَقِّ إِنَّهُ لَا إِلَهَ

أنا العزيز الحميد ❖ انظروا بعين
الانصاف الى من اتى من سماء
المشيئة والاقتدار ولا تكونن من
الظالمين ❖ ثم اذكروا ما جرى من
قلم مبشري في ذكر هذا الظهور وما
ارتكبه اولو الطغيان في ايامه الا انهم
من الاخسرين ❖ قال ان ادركتم ما
نظره انتم من فضل الله تسئلون ❖
ليمن عليكم باستوائه على سرائركم

فَاِنَّ ذٰلِكَ عَزْمٌ مِّنْ مَّنِيْعٍ ﴿٥﴾ اِنْ
 يَشْرَبُ كَأْسَ مَاءٍ عِنْدَكُمْ اَعْظَمُ مِنْ اِنْ
 تَشْرَبَنَّ كُلُّ نَفْسٍ مَّاءً وَجُوْدُهُ بِلِ كُلِّ
 شَيْءٍ اِنْ يٰٓاِعْبَادِى تَدْرِكُوْنَ ﴿٥﴾ هٰذَا مَا
 نَزَّلَ مِنْ عِنْدِهِ ذِكْرًا لِّنَفْسِى لَوْ اَنْتُمْ
 تَعْلَمُوْنَ ﴿٥﴾ وَالَّذِى تَفَكَّرْ فِى هٰذِهِ الْاٰيٰتِ
 وَاَطَّلَعَ بِمَا سَتَرْنَا فِيْهِنَّ مِنَ اللّٰتِ
 الْمَخْزُوْنَةِ تَاللّٰهُ اِنَّهُ يَجِدُ عَرَفَ الرَّحْمٰنِ
 مِنْ شَطْرِ السَّجْنِ وَيَسْرِعُ بِقَلْبِهِ اِلَيْهِ

باشتياق لا تمنعه جنود السموات
والارضين ❀ قل هذا لظهور تطوف
حوله الحجّة والبرهان كذلك انزله
الرحمن ان انتم من المنصفين ❀
قل هذا روح الكتب قد نفخ به في
القلم الاعلى وانصعق من في الانشاء
الامن اخذته نفحات رحمتي وفوحات
الطافي المهيمنة على العالمين ❀ ياملأ
البيان اتقوا الرحمن ثم انظروا ما

انزله في مقام آخر قال انما القبلة
من يظهره الله متى ينقلب تنقلب
الى ان يستقر كذلك نزل من لدن
مالك القدر اذ اراد ذكر هذا المنظر
الاكبر تفكروا يا قوم ولا تكونن من
الهائمين ❀ لو تنكرونه باهوائكم
الى اية قبلة تتوجهون يا معشر
الغافلين ❀ تفكروا في هذه الاية ثم
انصفوا بالله لعل تجدون لئالي

الاسرار من البحر الذي تموج باسمي
العزیز المنیع ❀ ليس لاحد ان
يتمسك اليوم الا بما ظهر في هذا
الظهور هذا حكم الله من قبل ومن
بعد وبه زين صحف الاولين ❀ هذا
ذكر الله من قبل ومن بعد قد طرز
به ديباج كتاب الوجود ان انتم من
الشاعرين ❀ هذا امر الله من قبل
ومن بعد اياكم ان تكونوا من

الصَّاعِرِينَ ❁ لَا يَغْنِيكُمْ الْيَوْمَ شَيْءٌ
وَلَيْسَ لِأَحَدٍ مَهْرَبٌ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيمُ
الْحَكِيمُ ❁ مَنْ عَرَفَنِي قَدْ عَرَفَ
الْمَقْصُودَ مِنْ تَوَجُّهِهِ إِلَيَّ قَدْ تَوَجَّهَ
إِلَى الْمَعْبُودِ كَذَلِكَ فَفَصَّلْ فِي الْكِتَابِ
وَقَضَى الْأَمْرَ مِنْ لَدَى اللَّهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ ❁ مَنْ يَقْرَأُ آيَةً مِنْ آيَاتِي
لْخَيْرِ لَهُ مِنْ أَنْ يَقْرَأَ كِتَابَ الْأَوَّلِينَ
وَالْآخِرِينَ ❁ هَذَا بَيَانُ الرَّحْمَنِ أَنْ

انتم من السامعين ﴿٥﴾ قل هذا حق
العلم لو انتم من العارفين ﴿٥﴾ ثم
انظروا ما نزل في مقام آخر لعل
تدعون ما عندكم مقبلين الى الله رب
العالمين ﴿٥﴾ قال لا يحل الاقتران ان
لم يكن في البيان وان يدخل من احد
يحرم على الآخر ما يملك من عنده
الا وان يرجع ذلك بعد ان يرفع امر
من نظهره بالحق او ما قد ظهر

بالعدل وقبل ذلك فلتقربن لعلمكم
بذلك امر الله ترفعون ﴿٥﴾ كذلك
تغردت الورقاء على الافنان في ذكر
ربها الرحمن طوبى للسامعين ﴿٥﴾ يا
ملاء البيان اقسمكم بربكم الرحمن
بان تنظروا فيما نزل بالحق بعين
الانصاف ولا تكونن من الذين يرون
برهان الله وينكرونه الا انهم من
الهالكين ﴿٥﴾ قد صرح نقطة البيان

١٤.

في هذه الآية بارتفاع امرى قبل
امرہ يشهد بذلك كل منصف
عليه ﴿٥﴾ كما ترونه اليوم انه ارتفع
على شأن لا ينكره الا الذين سكرت
ابصارهم في الاولى وفي الاخرى لهم
عذاب مهين ﴿٥﴾ قل تالله انى
لمحبوبه والان يسمع ما ينزل من
سمااء الوحي وينوح بما ارتكبتم
في ايامه خافوا الله ولا تكونن من

المعتدين ﴿٥﴾ قل يا قوم ان لن تؤمنوا
به لاتعترضوا عليه تالله يكفى
ما اجتمع عليه من جنود الظالمين ﴿٥﴾
انه قد انزل بعض الاحكام لئلا
يتحرك القلم الاعلى في هذا الظهور
الا على ذكر مقاماته العليا ومنظره
الاسنى وانما اردنا الفضل فصلناها
بالحق وخففنا ما اردناه لكم انه هو
الفضال الكريم ﴿٥﴾ قد اخبركم من

١٤٢

١٤٣

قبل بما ينطق به هذا الذكر الحكيم ❀
قال وقوله الحق انه ينطق في كل
شأن انه لا اله الا انا الفرد الواحد
العليم الخبير ❀ هذا مقام خصه الله
هَذَا الظهور الممتنع البديع ❀ هذا
من فضل الله ان انتم من العارفين ❀
هذا من امره المبرم واسمه الاعظم
وكلمته العليا ومطلع اسمائه الحسنی
لو انتم من العالمين ❀ بل به تظهر

المطالع والمشارك تفكروا يا قوم فيما
نزل بالحق وتدبروا فيه ولا تكونن
من المعتدين ❀ عاشروا مع الاديان
بالروح والريحان ليجدوا منكم عرف
الرحمن اياكم ان تأخذكم حمية
لجاهلية بين البرية كل بدء من الله
ويعود اليه انه لمبدء الخلق ومرجع
العالمين ❀ اياكم ان تدخلوا بيتاً
عند فقدان صاحبه الا بعد اذنه

١٤٤

١٤٥

تمسكوا بالمعروف في كلِّ الاحوال ولا
تكوننَّ من الغافلين ﴿٥٦﴾ قد كتب
عليكم تزكية الاقوات وما دونها
بالزكوة هذا ما حكم به منزل الآيات
في هذا الرقِّ المنيع ﴿٥٧﴾ سوف نفصل
لكم نصابها اذا شاء الله واراد انه
يفصل ما يشاء بعلم من عنده انه
هو العلام للحكيم ﴿٥٨﴾ لا يحلُّ السؤال
ومن سئل حرم عليه العطاء قد

كُتِبَ عَلَى الْكُلِّ أَنْ يَكْسِبَ وَالَّذِي
عَجَزَ فَلِلْوَكَلَاءِ وَالْأَغْنِيَاءِ أَنْ يَعِينُوا لَهُ مَا
يَكْفِيهِ أَعْمَلُوا حُدُودَ اللَّهِ وَسُنَنَهُ ثُمَّ
أَحْفَظُوهَا كَمَا تَحْفَظُونَ أَعْيُنَكُمْ وَلَا
تَكُونُوا مِنَ الْخَاسِرِينَ ❀ قَدْ مَنَعْتُمْ
فِي الْكِتَابِ عَنِ الْجِدَالِ وَالنِّزَاعِ
وَالضَّرْبِ وَأَمْثَالِهَا عَمَّا تَحْزَنُ بِهِ الْأَفْقِدَةَ
وَالْقُلُوبَ ❀ مَنْ يَحْزَنُ أَحَدًا فَلَهُ أَنْ
يَنْفِقَ تِسْعَةَ عَشَرَ مِثْقَالًا مِنَ الذَّهَبِ

هَذَا مَا حَكَمَ بِهِ مَوْلَى الْعَالَمِينَ ❀
إِنَّهُ قَدْ عَفَا ذَلِكَ عَنْكُمْ فِي هَذَا
الظَّهْرِ وَيُوصِيكُمْ بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَى أَمْرًا
مِنْ عِنْدِهِ فِي هَذَا اللُّوحِ الْمُنِيرِ ❀ لَا
تَرْضَوْنَ لِحَدِّ مَا لَا تَرْضَوْنَهُ لِأَنْفُسِكُمْ
اتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُتَكَبِّرِينَ ❀
كُلُّكُمْ خَلَقْتُمْ مِنَ الْمَاءِ وَتَرْجِعُونَ إِلَى
التُّرَابِ فَفَكِّرُوا فِي عَوَاقِبِكُمْ وَلَا
تَكُونُوا مِنَ الظَّالِمِينَ ❀ اسْمَعُوا مَا

تتلو السُّدْرَةَ عَلَيْكُمْ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ
أَنَّهَا لَقَسْطَاسُ الْهُدَى مِنْ اللَّهِ رَبِّ
الْآخِرَةِ وَالْأُولَىٰ وَبِهَا تَطِيرُ النَّفُوسُ
إِلَىٰ مَطْلَعِ الْوَحْيِ وَتَسْتَضِيءُ أَفْئِدَةُ
الْمُقْبِلِينَ ﴿٥﴾ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ قَدْ
فَرَضْتُ عَلَيْكُمْ وَتِلْكَ أَوْامِرُ اللَّهِ قَدْ
أَمَرْتُ بِهَا فِي اللُّوحِ اعْمَلُوا بِالرُّوحِ
وَالرِّيْحَانِ هَذَا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ أَنْتُمْ
مِنَ الْعَارِفِينَ ﴿٦﴾ اتْلُوا آيَاتِ اللَّهِ فِي

كُلِّ صَبَاحٍ وَمَسَاءً إِنَّ الَّذِي لَمْ يَتَلْ
لَمْ يَوْفِ بِعَهْدِ اللَّهِ وَمِيثَاقِهِ وَالَّذِي
أَعْرَضَ عَنْهَا الْيَوْمَ إِنَّهُ مِمَّنْ أَعْرَضَ
عَنِ اللَّهِ فِي أَزْلِ الْأَزَالِ اتَّقِنِ اللَّهَ
يَا عِبَادِي كُلَّكُمْ اجْمَعُونَ ﴿٥﴾ لَا
تَغْرَنَكُمْ كَثْرَةُ الْقِرَاءَةِ وَالْأَعْمَالِ فِي
اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَوْ يَقْرَأُ أَحَدُ آيَةٍ مِنْ
الْآيَاتِ بِالرُّوحِ وَالرِّيحَانِ خَيْرَ لَهُ
مَنْ أَنْ يَتْلُو بِالْكَسَالَةِ صَحْفَ اللَّهِ

المهين القيوم ﴿٥﴾ اتلوا آيات الله
على قدر لا تأخذكم الكسالة
والاحزان لا تحملوا على الارواح ما
يكسلها ويشقلها بل ما يخففها لتطير
باجحة الآيات الى مطلع البيئات
هذا اقرب الى الله لو انتم تعقلون ﴿٥﴾
علموا ذرياتكم ما نزل من سماء
العظمة والاقطار ليقروا الواح
الرحمن باحسن الاحسان في الغرف

١٥.

المبنيّة في مشارق الاذكار ❀ انّ الذي
اخذه جذب محبّة اسمي الرّحمن انه
يقراء آيات الله على شأن تجذب به
افئدة الرّاقدين ❀ هنيئاً لمن شرب
رحيق الحيوان من بيان ربّه الرّحمن
بهذا الاسم الذي به نفس كلّ
جبل باذخ رفيع ❀ كتب عليكم
تجديد اسباب البيت بعد انقضاء
تسع عشرة سنة كذلك قضى الامر

من لدن عليم خبير ﴿٥﴾ انه اراد
ثلطيفكم وما عندكم اتقوا الله ولا
تكونن من الغافلين ﴿٥﴾ والذي لم
يستطع عفا الله عنه انه هو الغفور
الكريم ﴿٥﴾ اغسلوا ارجلكم كل يوم
في الصيف وفي الشتاء كل ثلاثة
ايام مرة واحدة ومن اغتاض عليكم
قابلوه بالرفق والذي زجركم لا
تزجروه دعوه بنفسه وتوكلوا على الله

١٥٢

١٥٣

المنقم العادل القدير ﴿٥﴾ قد منعم عن
الارتقاء الى المنابر من اراد ان يتلو
عليكم آيات ربه فليقعد على الكرسي
الموضوع على السرير ويذكر الله ربه
ورب العالمين ﴿٥﴾ قد احب الله
جلوسكم على السرر والكراسي لغز
ما عندكم من حب الله ومطلع امره
المشرق المنير ﴿٥﴾ حرّم عليكم الميسر
والافيون اجتنبوا يا معشر الخلق

ولا تكونن من المتجاوزين ❀ اياكم
ان تستعملوا ما تكسل به هياكلكم
ويضر ابدانكم انا ما اردنا لكم الا
ما ينفعكم يشهد بذلك كل الاشياء
لو انتم تسمعون ❀ اذا دعيتم الى
الولائم والعزائم اجيبوا بالفرح
والانبساط والذي وفى بالوعد انه
امن من الوعيد ❀ هذا يوم فيه
فصل كل امر حكيم ❀ قد ظهر

١٥٦

١٥٧

سر التنكيس لرمز الرئيس طوبى
لمن ايده الله على الاقرار بالستة
التي ارتفعت بهذه الالف القائمة الا
انه من المخلصين ❀ كم من ناسك
اعرض وكم من تارك اقبل وقال
لك الحمد يا مقصود العالمين ❀ ان
الامر بيد الله يعطى من يشاء ما يشاء
ويمنع عن يشاء ما اراد يعلم
خافية القلوب وما يتحرك به اعين

اللامزين ❖ كم من غافل اقبل
بالخلوص اقعدناه على سرير القبول
وكم من عاقل رجعناه الى النار
عدلاً من عندنا انا كنا حاكمين ❖
انه لمظهر يفعل الله ما يشاء والمستقر
على عرش يحكم ما يريد ❖ طوبى
لمن وجد عرف المعاني من اثر هذا
القلم الذي اذا تحرك فاحت
نسمة الله فيما سواه واذا توقف

ظهرت كينونة الاطمينان في الامكان
تعالى الرَّحْمَنُ مظهر هذا الفضل
العظيم ❁ قل بما حمل الظلم ظهر
العدل فيما سواه وبما قبل الذلَّة لاح
عزَّ الله بين العالمين ❁ حرِّم عليكم
حمل آلات الحرب الا حين الضرورة
واحلَّ لكم لبس الحرير قد رفع الله
عنكم حكم الحد في اللباس واللحى
فضلاً من عنده انه لهو الامر

العليم ❁ اعملوا ما لا تنكره العقول
المستقيمة ولا تجعلوا انفسكم
ملعب للجاهلين ❁ طوبى لمن
تزين بطراز الآداب والاخلاق انه
ممن نصر ربه بالعمل الواضح
المبين ❁ عمروا ديار الله وبلاده
ثم اذكروه فيها بترنمات المقربين ❁
انما تعمر القلوب باللسان كما تعمر
البيوت والديار باليد واسباب اخر

١٦.

١٦١ قد قدرنا لكل شئ سبباً من عندنا
تمسكوا به وتوكلوا على الحكيم
الخبير ﴿ طوبى لمن اقر بالله وأياته
واعترف بانه لا يسئل عما يفعل هذه
كلمة قد جعلها الله طراز العقائد
واصلها وبها يقبل عمل العاملين ﴿
اجعلوا هذه الكلمة نصب عيونكم
لئلا تزلكم اشارات المعرضين ﴿ لو
١٦٢ محل ما حرم في ازل الازال او

بالعكس ليس لاحد ان يعترض عليه
 والذي توقّف في اقل من ان انه من
 المعتدين ❀ والذي ما فاز بهذا الاصل
 الاسنى والمقام الاعلى تحركه ارياح
 الشبهات وتقلبه مقالات المشركين ❀
 من فاز بهذا الاصل قد فاز بالاستقامة
 الكبرى حبذا هذا المقام الابهى الذى
 بذكره زين كل لوح منيع ❀ كذلك
 يعلمكم الله ما يخلصكم عن الريب

والحيرة وينجيكم في الدنيا والآخرة انه
هو الغفور الكريم ﴿٥﴾ هو الذي
ارسل الرسل وانزل الكتب على انه
لا اله الا انا العزيز الحكيم ﴿٦﴾ يا ارض
الكاف والراء انا نراك على ما لا يحبه
الله ونرى منك ما لا اطلع به احد
الا الله العليم الخبير ﴿٧﴾ ونجد ما يمر
منك في سر السر عندنا علم كل
شيء في لوح مبين ﴿٨﴾ لا تحزني بذلك

سوف يظهر الله فيك اولى بأس
شديد يذكروني باستقامة لا تمنعهم
اشارات العلماء ولا تحجبهم شبهات
المرسين ❖ اولئك ينظرون الله باعينهم
وينصرونه بانفسهم الا انهم من
الراسخين ❖ يا معشر العلماء لما نزلت
الآيات وظهرت البينات رأيناكم
خلف للحجبات ان هذا الا شئ
عجاب ❖ قد افتخرتم باسمي وغفلتم

عن نفسى اذ اتى الرّحمن بالحقّة
والبرهان ❀ انا خرقتنا الاجباب اياكم
ان تحجبوا الناس بحجاب اُخر كسروا
سلاسل الاوهام باسم مالك الانام
ولا تكوننّ من الخادعين ❀ اذا اقبلتم
الى الله ودخلتم هذا الامر لا تفسدوا
فيه ولا تقيسوا كتاب الله باهوائكم
هذا نصح الله من قبل ومن بعد
يشهد بذلك شهداء الله واصفيائه

أَنَا كُلُّ لِه شَاهِدُونَ ❁ اذْكُرُوا
 الشَّيْخَ الَّذِي سَمِيَ بِمُحَمَّدٍ قَبْلَ حَسَنِ
 وَكَانَ مِنْ أَعْلَمِ الْعُلَمَاءِ فِي عَصْرِهِ لَمَّا
 ظَهَرَ الْحَقُّ أَعْرَضَ عَنْهُ هُوَ وَامْتَنَاهُ
 وَأَقْبَلَ إِلَى اللَّهِ مِنْ يَنْقَى الْقَمْحِ
 وَالشَّعِيرِ ❁ وَكَانَ يَكْتُبُ عَلَى زَعْمِهِ
 أَحْكَامَ اللَّهِ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَلَمَّا اتَى
 الْمُخْتَارَ مَا نَفَعَهُ حَرْفٌ مِنْهَا لَوْ نَفَعَهُ
 لَمْ يَعْرِضْ عَنْ وَجْهِهِ بِه أَنَارَتْ وَجْوهُ

المقربين ﴿٥﴾ لوأمنتم بالله حين ظهوره
ما عرض عنه الناس وما ورد علينا
ما ترونه اليوم اتقوا الله ولا تكونن
من الغافلين ﴿٦﴾ إياكم ان تمنعكم
الاسماء عن مالها او يحجبكم ذكر
عن هذا الذكر الحكيم ﴿٧﴾ استعيدوا
بالله يا معشر العلماء ولا تجعلوا انفسكم
حجاباً بيني وبين خلقي كذلك يعظكم
الله ويأمركم بالعدل لئلا تحبط اعمالكم

وانتم غافلون ❀ انّ الذي اعرض
عن هذا الامر هل يقدر ان يثبت
حقاً في الابداع لا ومالك الاختراع
ولكنّ الناس في حجاب مبين ❀ قل
به اشرقت شمس الحجّة ولاح نير
البرهان لمن في الامكان اتقوا الله يا
اولى الابصار ولا تنكرون ❀ اياكم
ان يمنعكم ذكر النبي عن هذا النبأ
الاعظم او الولاية عن ولاية الله

المهيمنة على العالمين ❀ قد خلق كل
اسم بقوله وعلق كل امر بامر
المبرم العزيز البديع ❀ قل هذا يوم
الله لا يذكر فيه الا نفسه المهيمنة
على العالمين ❀ هذا امر اضرب
منه ما عندكم من الالهام والتماثيل ❀
قد نرى منكم من يأخذ الكتاب
ويستدل به على الله كما استدلت
كل ملة بكتابها على الله المهيمن

القيوم ﴿٥﴾ قل تالله للحق لا تغنيكم
اليوم كتب العالم ولا ما فيه من
الصحف الا بهذا الكتاب الذي
ينطق في قطب الابداع انه لا اله
الا انا العليم الحكيم ﴿٥﴾ يا معشر
العلماء اياكم ان تكونوا سبب
الاختلاف في الاطراف كما كنتم
علة الاعراض في اول الامر اجمعوا
الناس على هذه الكلمة التي بها

صاحت المحصاة الملك لله مطلع
الآيات كذلك يعظكم الله فضلاً
من عنده أنه لهو الغفور الكريم ﴿٥﴾
اذكروا الكريم اذ دعونا الى الله أنه
استكبر بما اتبع هواه بعد اذ ارسلنا
اليه ما قررت به عين البرهان في
الامكان وتمت حجة الله على من في
السموات والارضين ﴿٥﴾ انا امرناه
بالاقبال فضلاً من الغنى المتعال

انه ولى مدبراً الى ان اخذته زبانية
العذاب عدلاً من الله انا كنا
شاهدين ❀ اخرقن الاحجاب على
شان يسمع اهل الملكوت صوت
خرقها هذا امر الله من قبل ومن
بعد طوبى لمن عمل بما امر ويل
للتاركين ❀ انا ما اردنا في الملك الا
ظهور الله وسلطانه وكفى بالله على
شهيداً ❀ انا ما اردنا في الملكوت الا

١٧١

١٧٢

علو أمر الله وثنائه وكفى بالله علياً
وكيلاً ﴿٥﴾ أنا ما اردنا في الجبروت الا
ذكر الله وما نزل من عنده وكفى بالله
معيناً ﴿٦﴾ طوبى لكم يا معشر العلماء
في البهائم تالله انتم امواج البحر
الاعظم وانجم السماء الفضل والوية
النصر بين السموات والارضين ﴿٧﴾
انتم مطالع الاستقامة بين البرية
ومشارك البيان لمن في الامكان

طوبى لمن اقبل اليكم ويل للمعرضين ❀
ينبغى اليوم لمن شرب رحيق الحيوان
من يد الطاف ربه الرحمن ان يكون
نابضاً كالشريان في جسد الامكان
ليتحرك به العالم وكل عظم رميم ❀
يا اهل الانشاء اذا طارت الورقاء عن
ايك الشاء وقصدت المقصد الاقصى
الاحفنى ارجعوا ما لا عرفتموه من
الكتاب الى الفرع المنشعب من

هَذَا الْأَصْلُ الْقَوِيمُ ❖ يَا قَلَمُ الْأَعْلَى
 تَحَرَّكَ عَلَى اللَّوْحِ بِإِذْنِ رَبِّكَ فَاطْر
 السَّمَاءِ ثُمَّ أَذْكَرَ إِذَا أَرَادَ مَطْلَعُ التَّوْحِيدِ
 مَكْتَبَ التَّجْرِيدِ لَعَلَّ الْأَحْرَارَ يُطْلَعُونَ
 عَلَى قَدْرِ سَمِّ الْأَبْرَةِ بِمَا هُوَ خَلْفَ
 الْأَسْتَارِ مِنْ أَسْرَارِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ
 الْعَلَّامِ ❖ قُلْ أَنَا دَخَلْنَا مَكْتَبَ
 الْمَعَانِي وَالتَّبْيَانِ حِينَ غَفَلَةَ مِنْ فِي
 الْأَمْكَانِ وَشَاهَدْنَا مَا أَنْزَلَهُ الرَّحْمَنُ

وقبلنا ما اهداه لى من آيات الله
 المهيمن القيوم ﴿٥﴾ وسمعنا ما شهد به
 فى اللوح انا كنا شاهدين ﴿٦﴾ واجبناه
 بامر من عندنا انا كنا امرين ﴿٧﴾ يا ملاء
 البيان انا دخلنا مكتب الله اذ انتم
 راقدون ﴿٨﴾ ولاحظنا اللوح اذ انتم
 نائمون ﴿٩﴾ تالله للحق قد قرئناه قبل
 نزوله وانتم غافلون ﴿١٠﴾ قد احطنا
 الكتاب اذ كنتم فى الاصلاب هذا

ذكري على قدركم لا على قدر الله
يشهد بذلك ما في علم الله لو انتم
تعرفون ❀ ويشهد بذلك لسان الله
لو انتم تفقهون ❀ نال الله لو نكشف
الحجاب انتم تنصعقون ❀ اياكم
ان تجادلوا في الله وامره انه ظهر
على شأن احاط ما كان وما يكون ❀
لونتكم في هذا المقام بلسان اهل
الملكوت لنقول قد خلق الله ذلك

المكتب قبل خلق السموات والارض
ودخلنا فيه قبل ان يقترن الكاف
بركنها النون ﴿٥﴾ هذا لسان عبادي
في ملكوتي تفكروا فيما ينطق به لسان
اهل جبروتي بما علمناهم علماً من لدنا
وما كان مستوراً في علم الله وما ينطق
به لسان العظمة والاقطار في مقامه
المحمود ﴿٥﴾ ليس هذا امر تلعبون به
باوهامكم وليس هذا مقام يدخل

فيه كلّ جبان موهوم ❀ ثالثه هُذا
مضمار المكاشفة والانتقطاع وميدان
المشاهدة والارتفاع لا يجول فيه إلا
فوارس الرحمن الذين نبذوا الامكان
اولئك انصار الله في الارض
ومشارك الاقتدار بين العالمين ❀
اياكم ان يمنعكم ما في البيان عن ربكم
الرحمن تالله انه قد نزل لذكركم لو
انتم تعرفون ❀ لا يجد منه المخلصون

الأعرف حبي واسمى المهيمن على
كل شاهد ومشهود ❀ قل يا قوم
توجهوا إلى ما نزل من قلى الاعلى
ان وجدتم منه عرف الله لا تعترضوا
عليه ولا تمنعوا انفسكم عن فضل
الله والطافه كذلك ينصحكم الله انه
هو الناصح العليم ❀ ما لا عرفتموه
من البيان فاسئلوا الله ربكم ورب
آبائكم الاولين ❀ انه لو يشاء يبين

١٨٠

لَكُمْ مَا نَزَّلَ فِيهِ وَمَا سَتَرَ فِي بَحْرِ
كَلِمَاتِهِ مِنْ لُتَالِي الْعِلْمِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّهُ
هُوَ الْمُهَيْمِنُ عَلَى الْأَسْمَاءِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
الْمُهَيْمِنُ الْقَيُّومُ ❀ قَدْ اضْطَرَبَ النَّظْمُ
مِنْ هَذَا النَّظْمِ الْأَعْظَمِ وَاخْتَلَفَ
التَّرْتِيبُ بِهَذَا الْبَدِيعِ الَّذِي مَا شَهِدَتْ
عَيْنُ الْإِبْدَاعِ شَبْهَهُ اغْتَمَسُوا فِي بَحْرِ
بَيَانِي لَعَلَّ تَطَّلِعُونَ بِمَا فِيهِ مِنْ لُتَالِي
الْحِكْمَةِ وَالْإِسْرَارِ ❀ أَيَّاكُمْ أَنْ تَوْقِفُوا

في هذا الامر الذي به ظهرت سلطنة
الله واقتداره اسرعوا اليه بوجوه بيضاء
هذا دين الله من قبل ومن بعد من
اراد فليقبل ومن لم يرد فان الله لغني
عن العالمين ❀ قل هذا لقسطاس
الهدى لمن في السموات والارض
والبرهان الاعظم لو انتم تعرفون ❀
قل به ثبت كل حجة في الاعصار
لو انتم توقنون ❀ قل به استغني

كُلٌّ فَقِيرٌ وَتَعَلَّمَ كُلٌّ عَالِمٌ وَعَرَجٌ
مَنْ أَرَادَ الصُّعُودَ إِلَى اللَّهِ أَيَّاكُمْ
أَنْ تَخْتَلَفُوا فِيهِ كَوْنُوا كَالْجِبَالِ
الرُّوَاسِخِ فِي أَمْرِ رَبِّكُمْ الْعَزِيزِ
الْوَدُودِ ❀ قُلْ يَا مُطَّلِعَ الْأَعْرَاضِ
دَعِ الْأَغْمَاضَ ثُمَّ انْطِقْ بِالْحَقِّ بَيْنَ
الْمَخْلُوقِ تَاللهِ قَدْ جَرَتْ دَمُوعِي عَلَى
خُدُودِي بِمَا أَرَاكَ مُقْبِلًا إِلَى
هَوَاكُ وَمَعْرُضًا عَمَّنْ خَلَقَكَ وَسِوَاكَ

اذكر فضل مولاك اذ ربيناك في
الليالى والايام لخدمة الامراتق
الله وكن من الثآبين ❀ هبنى
اشتبه على الناس امرك هل يشته
على نفسك خف عن الله ثم
اذكر اذ كنت قائماً لدى العرش
وكتبت ما القيناك من آيات
الله المهيمن المقتدر القدير ❀ اياك
ان تمنعك الحمية عن شطر الاحدية

توجّه إليه ولا تخف من أعمالك
أنه يغفر من يشاء بفضل من
عنده لا اله الا هو الغفور الكريم ❀
انما تنصحك لوجه الله ان اقبلت
فلنفسك وان اعرضت ان ربك
غنى عنك وعن الذين اتبعوك
بوهم مبين ❀ قد اخذ الله
من اغواك فارجع اليه خاضعاً
خاشعاً متذلاً انه يكفر عنك

سَيِّئَاتِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ التَّوَّابُ
العزیز الرحیم ❀ هَذَا نصح الله
لوانت من السامعين ❀ هَذَا
فضل الله لوانت من المقبلين ❀
هَذَا ذكر الله لوانت من الشاعرين ❀
هَذَا كنز الله لوانت من العارفين ❀
هَذَا كتاب اصبح مصباح القدم
للعالم وصراطه الاقوم بين
العالمين ❀ قل انه لمطلع علم الله

۱۸۵

۱۸۶

لو انتم تعلمون ❀ ومشرق اوامر
الله لو انتم تعرفون ❀ لا تحملوا
على الحيوان ما يعجز عن حمله
انا نهيناكم عن ذلك نهياً عظيماً
في الكتاب كونوا مظاهر العدل
والانصاف بين السموات والارضين ❀
من قتل نفساً خطأ فله دية
مسلمة الى اهله وهي مائة
مثقال من الذهب اعملوا بما

امرتم به في اللوح ولا تكونن
 من المتجاوزين ❀ يا اهل المجالس
 في البلاد اختاروا لغة من اللغات
 ليتكلم بها من على الارض
 وكذلك من الخطوط ان الله
 بين لكم ما ينفعكم ويغنيكم
 عن دوزكم انه لهو الفضال العليم
 الخبير ❀ هذا سبب الاتحاد
 لو انتم تعلمون ❀ والعلة الكبرى

للائتفاق والتّمدّن لو انتم تشعرون ﴿٥﴾
انا جعلنا الامرين علامتين لبلوغ
العالم الاول وهو الاسّ الاعظم
نزّلناه في الواح اخري والثاني
نزل في هذا اللّوح البديع ﴿٥﴾
قد حرّم عليكم شرب الافيون
انا نهيناكم عن ذلك نهياً عظيماً في
الكتاب والذي شرب انه ليس مني
﴿٥﴾ اتّقوا الله يا اولى الالباب ﴿٥﴾

توضیح مربوط به ملحقاتی بر کتاب اقدس

بعضی از الواح مبارکه نازل از قلم اعلی بعد از کتاب مستطاب اقدس شامل مطالبی است که متمم آن سفر جلیل است. عمده این الواح در مجموعه الواح جمال اقدس ابھی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، طبع و نشر گردیده است. قسمتی از لوح اشراقات و صورت صلوات سه گانه مذکور در رساله «سؤال و جواب» و صلوات میّت مذکور در کتاب اقدس در این بخش درج می گردد.

لوح اشراقات

اشراق هشتم

این فقره از قلم اعلی در این حین مسطور و از کتاب اقدس محسوب
امور ملت معلق است به رجال بیت عدل الهی ایشانند امناء الله بین
عباده و مطالع الامر فی بلاده .

یا حزب الله مرتبی عالم عدل است چه که دارای دو رکن است
مجازات و مکافات و این دو رکن دو چشمه‌اند از برای حیات اهل
عالم چونکه هر روز را امری و هر حین را حکمتی مقتضی لذا امور
به بیت عدل راجع تا آنچه را مصلحت وقت دانند معمول دارند
نفوسی که لوجه الله بر خدمت امر قیام نمایند ایشان ملهمند به
الهامات غیبی الهی بر کل اطاعت لازم امور سیاسیّه کل راجع است
به بیت عدل و عبادات بما انزله الله فی الكتاب .

یا اهل بهاء شما مشارق محبت و مطالع عنایت الهی بوده و هستید
لسان را به سب و لعن احدی میالائید و چشم را از آنچه لایق
نیست حفظ نمائید آنچه را دارائید بنمائید اگر مقبول افتاد مقصود
حاصل و الا تعرض باطل ذروه بنفسه مقبلین الی الله المهیمن القیوم
سبب حزن مشوید تا چه رسد به فساد و نزاع امید هست در ظلّ
سدره عنایت الهی تربیت شوید و بما اراده الله عامل گردید همه
اوراق یک شجرید و قطره‌های یک بحر .

صلوات كبير

(در هر ۲۴ ساعت يك بار ادا شود)

هو المنزل الغفور الرحيم

للمصلّي ان يقوم مقبلاً الى الله و اذا قام و استقرّ فى مقامه ينظر الى اليمين و الشمال كمن ينتظر رحمة ربه الرحمن الرحيم ثم يقول:
يا اله الاسماء و فاطر السماء اسئلك بمطالع غيبك العلى الابهى بان
تجعل صلوتى ناراً لتحرق حجاباتى التى منعتنى عن مشاهدة جمالك و
نوراً يدلنى الى بحر وصالك .

ثم يرفع يديه للقبول لله تبارك و تعالى و يقول:

يا مقصود العالم و محبوب الامم ترانى مقبلاً اليك منقطعاً عما
سواك متمسكاً بحبلك الذى بحركته تحركت الممكنات . اى رب
انا عبدك و ابن عبدك . اكون حاضراً قائماً بين ايدى مشيتك و
ارادتك و ما اريد الا رضائك . اسئلك ببحر رحمتك و شمس
فضلك بان تفعل بعبدك ما تحبّ و ترضى . و عزتك المقدسة عن
الذكر و الثناء كل ما يظهر من عندك هو مقصود قلبى و محبوب

فؤادى . الهى الهى لا تنظر الى آمالى و اعمالى بل الى ارادتك التى
احاطت السموات و الارض . و اسمك الاعظم يا مالک الامم ما
اردت الا ما اردته و لا احب الا ما تحب .

ثم يسجد و يقول:

سبحانک من ان توصف بوصف ما سواک او تعرف بعرفان دونک .

ثم يقوم و يقول:

ای ربّ فاجعل صلواتى کوثر الحيوان لىبقى به ذاتى بدوام سلطنتک و
يذکرک فى کلّ عالم من عوالمک .

ثم يرفع يديه للقبول مرة اخرى و يقول:

يا من فى فراقک ذابت القلوب و الاكباد و بنار حبک اشتعل من فى
البلاد اسئلك باسمک الذى به سخّرت الافاق بان لا تمنعنى عما
عندک يا مالک الرقاب . ای ربّ ترى الغريب سرع الى وطنه
الاعلى ظلّ قباب عظمتک و جوار رحمتک و العاصى قصد بحر
غفرانک و الذليل بساط عزک و الفقير افق غنائک . لک الامر فيما
تشاء . اشهد انک انت المحمود فى فعلک و المطاع فى حکمک و
المختار فى امرک .

ثم يرفع يديه و يكبر ثلاث مرّات ثم ينحني للركوع لله تبارك و تعالیٰ و يقول:
يا الهی تری روحی مهتزاً فی جوارحی و ارکانی شوقاً لعبادتك و
شغفاً لذكرك و ثنائک و يشهد بما شهد به لسان امرک فی ملکوت
بیانک و جبروت علمک . ای ربّ احبّ ان اسئلك فی هذا المقام
کلّ ما عندک لاثبات فقری و اعلآء عطائک و غنائک و اظهار
عجزی و ابراز قدرتك و اقتدارک .

ثم يقوم و يرفع يديه للقتوت مرّة بعد اخرى و يقول:
لا اله الا انت العزيز الوهاب . لا اله الا انت الحاكم فی المبدء و
المآب . الهی الهی عفوک شجعنی و رحمتک قوتنی و ندائک ايقظنی
و فضلک اقامنی و هدائی الیک و الا ما لی و شأنی لاقوم لدى باب
مدین قریک او اتوجه الی الانوار المشرقة من افق سماء ارادتک . ای
ربّ تری المسکین یقرع باب فضلک و الفانی یرید کوثر البقاء من
ایادی جودک . لک الامر فی کلّ الاحوال یا مولی الاسماء و لی
التسليم و الرضآء یا فاطر السماء .

ثم يرفع يديه ثلاث مرّات و يقول:
الله اعظم من کلّ عظیم .

ثمّ يسجد و يقول:

سبحانك من ان تصعد الى سماء قريبك اذكار المقرّين او ان تصل الى فناء بابك طيور افئدة المخلصين . اشهد أنّك كنت مقدّساً عن الصّفات و منزهاً عن الاسماء . لا اله الا انت العلىّ الابهى .

ثمّ يقعد و يقول:

اشهد بما شهدت الاشياء و الملائكة و الجنّة العليا و عن ورائها لسان العظمة من الافق الابهى . أنّك انت الله لا اله الا انت و الذى ظهر أنّه هو السرّ المكنون و الرمز المخزون الذى به اقترن الكاف بركنه النون . اشهد أنّه هو المسطور من القلم الاعلىّ و المذكور فى كتب الله ربّ العرش و الثرى .

ثمّ يقوم مستقيماً و يقول:

يا اله الوجود و مالک الغيب و الشهود ترى عبراتى و زفراتى و تسمع ضجيجى و صريخى و حنين فؤادى . و عزّتک اجترحاتى ابعدتنى عن التقرّب اليک و جريراتى منعتنى عن الورد فى ساحة قدسک . اى ربّ حبّک اضناني و هجرک اهلکنى و بعدک احرقنى . اسئلك بموطنى قدميک فى هذا البیداء و بلبّیک لبّیک اصفیائک فى هذا الفضاء و بنفحات وحيک و نسّمات فجر ظهورک بان تقدّر لى زيارة جمالک و العمل بما فى کتابک .

ثم يكبر ثلاث مرّات و يركع و يقول:

لك الحمد يا الهى بما ايدتني على ذكرك و ثنائك و عرفتني مشرق
اياتك و جعلتني خاضعاً لربوبيتك و خاشعاً لالوهيتك و معترفاً بما
نطق به لسان عظمتك .

ثم يقوم و يقول:

الهي الهى عصياني انقض ظهري و غفلتي اهلكتنى . كلما اتفكر
فى سوء عملى و حسن عملك يذوب كبدى و يغلى الدم فى عروقى .
و جمالك يا مقصود العالم ان الوجه يستحيى ان يتوجه اليك و ايدى
الرجاء تخجل ان ترتفع الى سماء كرمك . ترى يا الهى عبراتى
تمنعنى عن الذكر و الثناء يا ربّ العرش و الثرى . اسئلك بايات
ملكوتك و اسرار جبروتك بان تعمل باولياتك ما ينبغى لوجودك يا
مالك الوجود و يليق لفضلك يا سلطان الغيب و الشهود .

ثم يكبر ثلاث مرّات و يسجد و يقول:

لك الحمد يا الهنا بما انزلت لنا ما يقربنا اليك و يرزقنا كل خير
انزلته فى كتبك و زبرك . اى ربّ نسئلك بان تحفظنا من جنود
الظنون و الاوهام . انك انت العزيز العلام .

ثم يرفع رأسه يقعد و يقول:

اشهد يا الهى بما شهد به اصفياؤك و اعترف بما اعترف به اهل
الفردوس الاعلى و الجنة العليا و الذين طافوا عرشك العظيم.
الملك و الملكوت لك يا اله العالمين.

صلوات وسطیٰ

(در صبح و ظهر و شام ادا شود)

و من اراد ان یصلیٰ له ان یغسل یدیه و فی حین الغسل یقول:

الهی قو یدی لتأخذ کتابک باستقامة لا تمنعها جنود العالم ثم
احفظها عن التصرف فیما لم یدخل فی ملکها . انک انت المقتدر
القدير .

و فی حین غسل الوجه یقول:

ای ربّ وجهت وجهی الیک . نورہ بانوار وجهک ثم احفظه عن التوجّه
الی غیرک .

و بعد له ان یقوم متوجّهاً الی القبلة و یقول:

شهد الله انه لا اله الا هو . له الامر و الخلق . قد اظهر مشرق
الظهور و مکلم الطور الّذی به انار الافق الاعلیٰ و نطقت سدرة
المنتهیٰ و ارتفع النداء بین الارض و السماء قد اتی المالك الملك
و الملكوت و العزّة و الجبروت لله مولی الوریٰ و مالک العرش و
الثریٰ .

ثم يركع و يقول:

سبحانك عن ذكرى و ذكر دونى و وصفى و وصف من فى السموات
و الارضين .

ثم يقوم للقتوت و يقول:

يا الهى لا تخيب من تشبث بانامل الرجاء باذيال رحمتك و فضلك
يا ارحم الراحمين .

ثم يقعد و يقول:

اشهد بوحدانيتك و فردانيتك و بانك انت الله لا اله الا انت . قد
اظهرت امرک و وفيت بعهدك و فتحت باب فضلك على من فى
السموات و الارضين . و الصلوة و السلام و التكبير و البهاء على
اوليائك الذين ما منعتهم شئون الخلق عن الاقبال اليك و انفقوا ما
عندهم رجاء ما عندك . انك انت الغفور الكريم .

اگر نفسى مقام آيه كبريه شهد الله انه لا اله الا هو المهيمن القيوم
قرائت نمايد كافي است و همچنين در قعود اشهد بوحدانيتك و
فردانيتك و بانك انت الله لا اله الا انت كافي است .

صلات صغیر

و صلات اخریٰ حین زوال قرائت نماید :

اشهد يا الهی بانک خلقتنی لعرفانک و عبادتک . اشهد فی هذا
الحین بعجزی و قوتک و ضعفی و اقتدارک و فقری و غنائک . لا
اله الا انت المهيمن القیوم .

صلوات میّت

یقرء فی القنوت:

یا الهی هذا عبدک و ابن عبدک الّذی آمن بک و بأیاتک و توجّه الیک منقطعاً عن سواک . انک انت ارحم الرّاحمین . اسئلك یا غفار الذّنوب و ستّار العیوب بان تعمل به ما ینبغی لسمآء جودک و بحر افضالک و تدخله فی جوار رحمتک الکبریّ الّتی سبقت الارض و السّمآء . لا اله الا انت الغفور الکریم .

و بعد یشرع فی التکبیرات:

فی الاوّل	انا کلّ الله عابدون
و فی الثانی	انا کلّ الله ساجدون
و فی الثالث	انا کلّ الله قانتون
و فی الرابع	انا کلّ الله ذاکرون
و فی الخامس	انا کلّ الله شاکرون
و فی السادس	انا کلّ الله صابرون

کلّ منها تسع عشرة مرّة .

و فی النّساء یقول: هذه امتک و ابنة امتک الیٰ اخر .

* (بعد از اداء هر تکبیر «الله اِبهی» باید هر یک از اذکار شش گانه ۱۹ مرتبه تلاوت شود .)

رسالهٔ ﴿سؤال و جواب﴾

۱- سؤال: از عید اعظم.

جواب: اول عید عصر ۱۳ ماه دوم از اشهر بیان است. یوم اول و ناسع و دوازدهم عید اشتغال به امور حرام است.

۲- سؤال: از عید مولود.

جواب: مولود اقدس ابهی اول فجر یوم دوم محرّم است و یوم اول مولود مبشر است و این دو یک یوم محسوب شده عند الله.

۳- سؤال: از آیتین.

جواب: «لِّلرِّجَالِ اَنَا كَلُّ لِّلّٰهِ رَاضُونَ». «لِّلنِّسَاءِ اَنَا كَلُّ لِّلّٰهِ رَاضِيَاتٌ».

۴- سؤال: اگر نفسی سفر کند و میقات رجوع یعنی مدت سفر را

معین نماید و مفقود الخبر و الاثر شود تکلیف ضلع چیست.

جواب: اگر امر کتاب اقدس را شنیده و ترک نموده ضلع یک

سال تمام ترّص نماید و بعد اختیار با اوست در معروف یا

اتّخاذ زوج و اگر شخص امر کتاب را نشنیده ضلع صبر نماید

تا امر زوج او را خداوند ظاهر فرماید و مقصد از معروف در این مقام اصطبار است.

۵- سؤال: از آیه مبارکه «أَنَا لَمَّا سَمِعْنَا ضجيجَ الذَّرِّيَّاتِ فِي الاصلابِ زدنا ضعف ما لهم و نقصنا عن الاخرى».

جواب: موارث در کتاب الهی ۲۵۲۰ سهم شده که جامع کسور تسعه باشد و این عدد هفت قسمت می‌شود هر قسمتی به صنفی از وراثت می‌رسد چنانچه در کتاب مذکور است از جمله کتاب طاء نه شصت که عدد مقت می‌شود مخصوص ذریه مشخص شده و معنی قوله تعالی «زدنا ضعف ما لهم» یک مثل آن بر آن افزودند عدد دو طاء می‌شود و آنچه زیاد شد از سایرین کم می‌شود مثلاً نازل شده «و للازواج من کتاب الحاء علی عدد التاء و الفاء» یعنی هشت شصت که عدد تاء و فاء می‌شود از برای ازواج مقدر شده حال شصت و نصف شصت که عدد ۹۰ می‌شود از ازواج کم شده و بر ذریه افزوده و همچنین الی الاخر که عدد آنچه کم شد ۹ شصت می‌شود که بر ۹ شصت اول افزوده شده.

۶- سؤال: از میراث اخ یعنی اگر برادر از طرف مادر و پدر هر

دو باشد وارث است یا از یک طرف هم که باشد وارث است .
جواب: اگر برادر از طرف اب باشد حقّ او علیّ ما ذکر فی
الکتاب به او می‌رسد و اگر از طرف امّ باشد ثلث حقّ او به
بیت العدل راجع است و دو ثلث به او و کذلک فی الاخت .

۷- **سؤال:** در باب ارث مقرر شده که اگر ذریه موجود نباشد
حقوق ایشان به بیت العدل راجع است هر یک از سایر طبقات
هم هرگاه موجود نباشد مثل اب و امّ و یا اخ و اخت و معلّم
حقوق آنها راجع به بیت العدل است و یا قسم دیگر است .

جواب: آیه مبارکه کافی است قوله تعالیّ «من مات و لم
یکن له ذریّة ترجع حقوقهم الی بیت العدل الخ و الذی له
ذریّة و لم یکن ما دونها عمّا حدّد فی الکتاب یرجع
الثلاثان ممّا ترکه الی الذریّة و الثلث الی بیت العدل الخ»
یعنی اگر کسی بمیرد و ذریه نداشته باشد حقوق ذریه به
بیت العدل راجع است و اگر ذریه باشد و سایرین از وراثت
نباشند دو ثلث از میراث به ذریه می‌رسد و ثلث آخر به
بیت العدل راجع این حکم در کل و بعض هر دو جاری است
یعنی هرکدام از سایر وراثت نباشند دو ثلث به ذریه راجع و
ثلث به بیت عدل .

۸- سؤال: از نصاب حقوق الله .

جواب: نصاب حقوق الله ۱۹ مثقال از ذهب است یعنی بعد از بلوغ نقود به این مقدار حقوق تعلق می‌گیرد و اما سایر اموال بعد از بلوغ آن به این مقام قیمة لا عدداً و حقوق الله یک مرتبه تعلق می‌گیرد مثلاً شخصی مالک شد هزار مثقال از ذهب را و حقوق آن را ادا نمود بر آن مال دیگر حق الله تعلق نمی‌گیرد مگر بر آنچه به تجارات و معاملات و غیرهما بر آن بیفزاید و به حد نصاب برسد یعنی منافع محصوله از آن در این صورت بما حکم به الله باید عمل شود الا اذ انتقل اصل المال الی ید اخری اذاً يتعلق به الحقوق كما تعلق اول مرة در آن وقت حقوق الهی باید اخذ شود نقطه اولی می‌فرماید از بهاء کل شیء که مالکند باید حقوق الله را ادا نمایند و لکن در این ظهور اعظم اسباب بیت و بیت مسکون را عفو نمودیم یعنی اسبابی که ما یحتاج به است .

۹- سؤال: حقوق الله و دیون میت و تجهیز اسباب کدام مقدم است .

جواب: تجهیز مقدم است بعد اداء دیون بعد اخذ حقوق الله و اگر مال معادل دیون نباشد آنچه موجود است به مقتضای دیون قلیلاً و کثیراً قسمت شود .

۱۰- سؤال: در کتاب اقدس نهی از حلق رأس شده و در سوره حج امر به آن.

جواب: جمیع مأمورند به کتاب اقدس آنچه در آن نازل آن است حکم الهی ما بین عباد و حلق رأس از قاصدین بیت عفو شده.

۱۱- سؤال: اگر در ایام اصطبار اقتران واقع شود و بعد ندامت حاصل گردد آیا ایام قبل از اقتران از ایام اصطبار محسوب است و یا آنکه سال را از سرگیرد و آیا بعد از طلاق ترتیص لازم است یا نه.

جواب: اگر در ایام اصطبار الفت به میان آید حکم زواج ثابت و باید به حکم کتاب عمل شود و اگر ایام اصطبار منتهی شود و بما حکم به الله واقع گردد ترتیص لازم نه و اقتران مره با مره در ایام اصطبار حرام است و اگر کسی مرتکب شود باید استغفار کند و ۱۹ مثقال ذهب به بیت العدل جزای عمل برساند.

۱۲- سؤال: بعد از قرائت آیتین و اعطاء مهر اگر کره واقع شود طلاق بدون اصطبار جایز است یا نه.

جواب: بعد از قرائت آیتین و اعطاء مهر قبل از قران اگر اراده طلاق نماید جایز است ایام اصطبار لازم نه ولکن اخذ مهر از مرثه جایز نه .

۱۳- سؤال: معلق بودن امر تزویج به رضایت ابوین از طرف مرد و زن هر دو لازم یا از یک طرف کافی است و در باکره و غیرها یکسان است یا نه .

جواب: تزویج معلق است به رضایت پدر و مادر مرء و مرثه و در باکره و دون آن فرقی نه .

۱۴- سؤال: در صلوات امر به توجه به سمت قبله نازل در اذکار توجه به کدام سمت باید کرد .

جواب: در صلوات حکم قبله ثابت و در اذکار حکم ما انزله الرّحمن فی الفرقان جاری «اینما تولّوا فثمّ وجه الله» .

۱۵- سؤال: از ذکر در مشرق الاذکار فی الاسحار .

جواب: اگرچه در کتاب الهی ذکر اسحار شده ولکن در اسحار و طلوع فجر و بعد از طلوع فجر الی طلوع آفتاب و دو ساعت هم بعد از آن لدی الله مقبول است .

۱۶- سؤال: از حمل جنایز که می‌فرماید به قدر مسافت یک ساعت حمل شود آیا در برّ و بحر هر دو این حکم جاری است یا نه.
جواب: در برّ و بحر هر دو این حکم جاری اگرچه ساعت کشتی بخار باشد و یا ساعت سکهٔ حدید. مقصد مدّت یک ساعت است دیگر به هر نحو باشد ولکن هرچه زودتر دفن شود احب و اولی است.

۱۷- سؤال: در باب گم شده که بعد از یافتن چگونه معمول شود.
جواب: اگر در شهر یافت شود یک بار منادی ندا کند و اخبار دهد اگر صاحب آن یافت شد تسلیم نماید و الاّ یک سینه صبر کند اگر صاحب آن یافت شد آنچه مصروف منادی نموده اخذ و مال را تسلیم کند و اگر یک سینه گذشت و صاحبش معلوم نشد در آن تصرّف نماید و اگر گم شده از مصروف منادی کمتر و یا مثل آن باشد پس از یافتن یک روز صبر کند اگر صاحبش یافت نشد تصرّف نماید. و اگر در صحرا یافته سه روز صبر کند اگر صاحبش معلوم نشد تصرّف نماید.

۱۸- سؤال: در باب وضو اگر شخصی مثلاً به حمام رود و تمام بدن را بشوید باز وضو باید گرفت یا نه.

جواب: در هر حال باید حکم وضو را مجری دارد .

۱۹- سؤال: اگر شخصی در خیال جلای وطن باشد بالفرض و اهل او راضی نشود و منجر به طلاق گردد و ایام تدارک سفر طول کشد تا یک سنه آیا از ایام اصطبار محسوب است و یا آنکه از یوم مفارقت باید حساب شود و یک سنه صبر نماید .

جواب: اصل حساب از یوم مفارقت است ولکن اگر قبل از مسافرت به یک سال مفارقت نمایند و عرف محبت متضوع نگردد طلاق واقع و الاّ از یوم مسافرت حساب نمایند تا انقضای یک سنه به شروطی که در کتاب اقدس نازل شده .

۲۰- سؤال: از بلوغ در تکالیف شرعیّه .

جواب: بلوغ در سال پانزده است نساء و رجال در این مقام یکسان است .

۲۱- سؤال: از آیه مبارکه «فی الاسفار اذا نزلتم و استرحتم المقام الامن مکان کلّ صلوة سجدة واحدة» .

جواب: این سجده قضای نمازی است که در اثنای حرکت و مواقع ناامن فوت شده و اگر در وقت نمازی در جای امن

مستريح باشد بايد همان نماز موقوت را به جاي آورد و اين حكم كه در قضا نازل در سفر و حضر هر دو يكسان است .

۲۲- سؤال: از تعيين سفر .

جواب: تعيين سفر نه ساعت از قرار ساعت مصنوع و اگر مسافر در جائي توقّف کند و معيّن باشد توقّف او تا يك شهر بيان بايد صائم شود و اگر اقلّ از يك شهر باشد صوم بر او نيست و اگر در بين شهر صوم وارد شود به جائي كه يك شهر بياني در آن جا توقّف مي نمايد بايد سه روز افطار کند و بعد از آن مابقي ايام صوم را صائم شود و اگر به وطن خود رسد كه دائم الاقامه در آن جا بوده است بايد همان يوم اول ورود صائم شود .

۲۳- سؤال: از جزاي زاني و زانيه .

جواب: دفعه اولي ۹ مثقال ثاني ۱۸ مثقال ثالث ۳۶ مثقال الي آخر دو مقدار جزاي سابق و مثقال نوزده نخود است چنانچه در بيان نازل شده .

۲۴- سؤال: از صيد .

جواب: قوله تعالى '«إذا أرسلتم الجوارح الخ»' اقسام دیگر هم در آن داخل است چون تفنگ و تیر و غیرهما از هر نوع آلات که به آن صید می کنند و لکن اگر با دام صید شود و تا وصول به آن مرده باشد حرام است.

۲۵- سؤال: از حجّ.

جواب: حجّ یکی از دو بیت واجب دیگر بسته به میل شخصی است که عزیمت حجّ نموده.

۲۶- سؤال: از مهر.

جواب: در مهر اقتناع به درجه اولی مقصود از آن ۱۹ مثقال نقره است.

۲۷- سؤال: از آیه مبارکه «و ان اتاها خبر الموت الخ».

جواب: مراد از لبث اشهر معدودات ۹ ماه است.

۲۸- سؤال: مجدد از سهم میراث معلّم استفسار شده بود.

جواب: اگر معلّم مرده باشد ثلث سهم او به بیت العدل راجع و دو ثلث دیگر به ذریه میّت نه معلّم.

۲۹- سؤال: مجدد از حج استفسار شده بود .

جواب: حج بیت که بر رجال است بیت اعظم در بغداد و بیت نقطه در شیراز مقصود است هر یک را که حج نمایند کافی است هر کدام نزدیکتر به هر بلد است اهل آن بلد آن را حج نمایند .

۳۰- سؤال: از آیه «من اتخذ بکراً لخدمته لا بأس» .

جواب: محض از برای خدمت است چنانکه صغار و کبار دیگر را اجرت می‌دهند برای خدمت و آن بکر هر وقت که خواهد زوج اختیار کند اختیار با نفس اوست چه که خریدن اماء حرام و زیاده بر دو زوجه هم حرام است .

۳۱- سؤال: از آیه مبارکه «قد نهاکم الله عما عملتم بعد طلاقات ثلاث» .

جواب: مقصود حکم قبل است که باید دیگری آن را تزویج نموده بعد بر او حلال شود در کتاب اقدس نهی از این عمل نازل .

۳۲- سؤال: از ارتفاع بیتین در مقامین و مقامات مستقر عرش .

جواب: مقصود از بیتین بیت اعظم و بیت نقطه است و مقامات دیگر به اختیار اهل آن بلد است هر بیتی را که محلّ استقرار شده مرتفع نمایند یا یک بیت را اختیار کنند .

۳۳- سؤال: مجدّد از ارث معلّم استفسار شده بود .

جواب: اگر معلّم از غیر اهل بهاء است ابدأً ارث نمی‌برد و اگر معلّم متعدّد باشد میانشان بالسّوّه قسمت می‌شود و اگر معلّم وفات نموده باشد به اولاد او ارث نمی‌رسد بلکه دو ثلث ارث به اولاد صاحب مال و یک ثلث به بیت عدل راجع .

۳۴- سؤال: از بیت مسکون که مخصوص اولاد ذکور است .

جواب: اگر بیت مسکون متعدّد باشد اعلی و اشرف آن بیوت مقصود است و مابقی مثل سایر اموال است که باید بین کل قسمت شود و هر یک از طبقات وراثت که خارج از دین الهی است حکمش حکم معدوم است و ارث نمی‌برد .

۳۵- سؤال: در باب نوروز .

جواب: هر روز که شمس تحویل بحمل شود همان یوم عید است اگرچه یک دقیقه به غروب مانده باشد .

۳۶- سؤال: اگر عید مولود و یا مبعث در صیام واقع شود حکمش چیست .

جواب: اگر عید مولود و یا مبعث در ایام صیام واقع شود حکم صوم در آن یوم مرتفع است .

۳۷- سؤال: در احکام الهیه در باب ارث، دار مسکونه و البسه مخصوصه را از برای ذکران ذریه مقرر فرموده‌اند بیان شود که این حکم در مال اب است و یا در مال ام هم همین حکم جاری است .

جواب: البسه مستعمله ام ما بین بنات بالسویه قسمت شود و سایر اشیاء از ملک و حلی و البسه غیر مستعمله کل از آن قسمت می‌برند به قسمی که در کتاب اقدس نازل شده و در صورت عدم وجود بنت جمیع مال کما نزل فی الرجال باید قسمت شود .

۳۸- سؤال: در باب طلاق که باید صبر شود یک سنه اگر رائحه رضا و میل بوزد از یک طرف و طرف دیگر نوزد چگونه است حکم آن .

جواب: حکم به رضایت طرفین در کتاب اقدس نازل اگر از

هر دو طرف رضایت نباشد اتفاق واقع نه .

۳۹- سؤال: در مهر و رقات هرگاه نقد و دفعة واحده نباشد به عنوان قبض مجلس رد شود و دست به دست شود و بعد از امکان به ضلع رد نماید چگونه است .

جواب: اذن به این فقره از مصدر امر صادر .

۴۰- سؤال: در مدت اصطبار هرگاه متضوع شود رائحة حب و باز کراهت حاصل شود و در ظرف سنه گاه کراهت و گاه میل و در حالت کراهت سنه به آخر رسد در این صورت افتراق حاصل است یا نه .

جواب: در هر حال هر وقت کراهت واقع شود از یوم وقوع ابتدای سنه اصطبار است و باید سنه به آخر رسد .

۴۱- سؤال: دار مسکونه و البسه مخصوصه مخصوص ذریه ذکور است «دون الاناث و الوراث» . هرگاه ذریه ذکور نباشد تکلیف چیست .

جواب: قوله تعالی «من مات و لم یکن له ذریه ترجع حقوقهم الی بیت العدل» . نظر به این آیه مبارکه دار مسکونه و البسه

مخصوصه به بیت العدل راجع است .

۴۲- سؤال: در کتاب اقدس حقوق الله نازل . آیا بیت مسکون و متروکات آن و ما یحتاج جزو اموالی است که حقوق بر آن ثابت می شود یا نوع دیگر است .

جواب: در احکام فارسیه می فرماید «در این ظهور اعظم اسباب بیت و بیت مسکون را عفو نمودیم یعنی اسبابی که ما یحتاج به است» .

۴۳- سؤال: در باب نامزد کردن بنت قبل از بلوغ .

جواب: حرمت آن از مصدر امر نازل و بیش از نود و پنج روز قبل از نکاح ذکر وصلت حرام است .

۴۴- سؤال: اگر بالفرض اموال شخصی صد تومان باشد و حقوق را ادا نموده بعد در تجارت نقصان واقع شود و نصف این مبلغ تلف شود باز به تجارت به نصاب رسد حقوق باید داد یا نه .

جواب: در این صورت حقوق بر آن تعلق نمی گیرد .

۴۵- سؤال: اگر مبلغ معهود به کلی بعد از اداء حقوق تلف شود و

دفعه دیگر از کسب و تجارت همین مبلغ حاصل شود حقوق
ثانی باید داد یا نه .

جواب: در این صورت هم حقوق ثابت نه .

۴۶- سؤال: از آیه مبارکه «کتب علیکم النکاح» . این حکم واجب
است یا نه .

جواب: واجب نه .

۴۷- سؤال: اگر شخصی باکره را نکاح کرد و مهریه را هم تسلیم
کرد هنگام اقتران معلوم شد که باکره نیست آیا مصروف و
مهریه برمی گردد یا نه و اگر به شرط باکره بودن نکاح شد آیا
فساد شرط سبب فساد مشروط می شود یا نه .

جواب: در این صورت مصروف و مهریه برمی گردد و فساد
شرط علت فساد مشروط است ولکن اگر در این مقام ستر و
عفو شامل شود عند الله سبب اجر عظیم است .

۴۸- سؤال: «رقم علیکم الضیافة» واجب است یا نه .

جواب: واجب نه .

۴۹- سؤال: از حدّ زنا و لواط و سارق و مقادیر آن .

جواب: تعیین مقادیر حد به بیت العدل راجع است .

۵۰- سؤال: از حلیّت و حرمت نکاح اقارب .

جواب: این امور هم به امنای بیت العدل راجع است .

۵۱- سؤال: در باب وضو «من لم یجد الماء یذکر خمس مرّات

بسم الله الاطهر الاطهر» در شدّت سرما یا جراحت ید و وجه

خواندن ذکر جایز است یا نه .

جواب: در شدّت سرما به آب گرم و در وجود جراحت ید و

وجه و مانع آخر از قبیل اوجاع که استعمال آب مضرّ باشد

ذکر معهود را بدل وضو تلاوت نماید .

۵۲- سؤال: ذکر که در عوض صلات آیات نازل شده واجب است

یا نه .

جواب: واجب نه .

۵۳- سؤال: در باب ارث مع وجود اخ و اخت ابی و امّی اخ و اخت

امّی هم سهم می‌برند یا نه .

جواب: سهم نمی‌برند .

۵۴- سؤال: قوله تعالى «انَّ الَّذِي مَاتَ فِي أَيَّامِ وَالِدِهِ وَ لَهُ ذَرِيَّةٌ
اَوْلٰئِكَ يَرِثُوْنَ مَا لِاَبِيهِمْ» . اگر دختر در ایام پدر فوت شود
حکمش چیست .

جواب: میراث او به حکم کتاب به هفت سهم منقسم می‌شود .

۵۵- سؤال: اگر میت زن باشد سهم زوجه به که راجع .

جواب: سهم زوجه به زوج راجع .

۵۶- سؤال: در باب کفن میت به پنج ثوب امر شده آیا مقصود از
این پنج پنج پارچه است که در قبل معمول می‌شد و یا آنکه
مراد سرتاسری جوف هم است .

جواب: مقصود پنج پارچه است .

۵۷- سؤال: آیات مُنزله بعضی با هم فرق دارد .

جواب: بسیاری از الواح نازل شد و همان صورت اولیه من دون
مطابقه و مقابله به اطراف رفته لذا حسب الامر به ملاحظه آنکه
معرضین را مجال اعتراض نماند مکرر در ساحت اقدس قرائت

شد و قواعد قوم در آن اجرا گشت و حکمت دیگر چون در قاعده جدیده به حسب بیان حضرت مبشر روح ما سواه فداه قواعد بسیار وسیع ملاحظه شد لذا به جهت سهولت و اختصار نازل شد آنچه با اکثر مطابق است .

۵۸- سؤال: از آیه مبارکه «و فی الاسفار اذا نزلتم و استرحتم المقام الامن مکان کلّ صلوة سجدة واحدة» قضای نمازی است که به علت عدم امنیت فوت شده یا به کلی در سفر صلات ساقط است و سجده به جای آن است .

جواب: اگر وقت صلات برسد و امنیت نباشد بعد از وصول به مکان امن هر قدر فوت شده به جای هر یک یک بار سجده نماید و بعد از سجده اخیره بر هیکل توحید نشسته ذکر معهود را قرائت نماید . در سفر اگر موقع امن باشد صلات ساقط نه .

۵۹- سؤال: پس از نزول و استراحت هرگاه وقت صلات باشد صلات معین است و یا باید در عوض صلات سجده نماید .
جواب: جز در مواقع نا امن ترک صلات جایز نه .

۶۰- سؤال: هرگاه سجده صلوات فائده متعدّد باشد تعدّد ذکر بعد

از سجده لازم است یا نه .

جواب: بعد از سجدهٔ اخیره خواندن ذکر معهود کافی است به
تعدد سجده تعدد ذکر لازم نه .

۶۱- سؤال: در حضر اگر صلات فوت شود عوض فائمه سجده لازم
است یا نه .

جواب: در جواب سؤالات قبل مرقوم این حکم که در قضا نازل
در سفر و حضر هر دو یکسان است .

۶۲- سؤال: هرگاه لاجل امر آخر وضو گرفته باشد و وقت صلات
مصادف شود همان وضو کافی است و یا تجدید لازم .
جواب: همان وضو کافی است تجدید آن لازم نه .

۶۳- سؤال: در کتاب اقدس صلات ۹ رکعت نازل که در زوال و
بکور و اصیل معمول رود و این لوح صلات مخالف آن به نظر
آمده .

جواب: آنچه در کتاب اقدس نازل صلات دیگر است ولکن
نظر به حکمت در سنین قبل بعض احکام کتاب اقدس که از
جمله آن صلات است در ورقهٔ اخیری مرقوم و آن ورقه مع آثار

مبارکه به جهت حفظ و ابقای آن به جهتی از جهات ارسال شده بود و بعد این صلوات ثلاث نازل .

۶۴- سؤال: در تعیین وقت اِتکال به ساعت جایز است یا نه .
جواب: اِتکال به ساعت جایز است .

۶۵- سؤال: در ورقهٔ صلوات سه صلوات نازل آیا هر سه واجب است یا نه .

جواب: عمل یکی از این صلوات ثلاث واجب هر کدام معمول رود کافی است .

۶۶- سؤال: وضوی بامداد در زوال مجری است و کذا وضوی زوال از برای اصیل یا نه .

جواب: وضو مربوط به نماز است در هر صلوات باید تجدید شود .

۶۷- سؤال: در صلوات مبسوط که فرمایش رفته بایستد مقبلاً الی الله چنین می نماید که قبله لازم نباشد چنین است یا نه .
جواب: مقصود قبله است .

۶۸- سؤال: از آیه مبارکه «اتلوا آیات الله فی کلّ صباح و مساء».

جواب: مقصود جمیع ما نزل من ملکوت البیان است. شرط اعظم میل و محبت نفوس مقدسه است به تلاوت آیات. اگر یک آیه و یا یک کلمه به روح و ریحان تلاوت شود بهتر است از قرائت کتب متعدده.

۶۹- سؤال: آیا شخص می‌تواند در کتاب وصیت از اموال خود چیزی قرار بدهد که بعد از وفات او در امورات خیریه صرف شود به غیر اداء حقوق الله و حقوق ناس یا آنکه جز مخارج دفن و کفن و حمل نعش حقّی ندارد و ما بقی اموال کما فرض الله به وراثت می‌رسد.

جواب: انسان در مال خود مختار است اگر بر اداء حقوق الهی موفق شود و همچنین حقّ الناس بر او نباشد آنچه در کتاب وصیت بنویسد و اقرار و اعتراف نماید مقبول بوده و هست. قد اذن الله له بان یفعل فیما ملّکه الله کیف یشاء.

۷۰- سؤال: وضع خاتم که در کتاب اقدس نازل شده مخصوص کبار است یا صغار هم داخلند.

جواب: مخصوص کبار است و همچنین صلوات میّت آن هم مخصوص کبار است.

۷۱- سؤال: در غیر شهر علاء اگر نفسی خواسته باشد صائم شود جایز است یا نه و اگر نذر و عهد کرده باشد که صائم شود مجری و ممضی است یا نه.

جواب: حکم صوم از همان قرار است که نازل شده و لکن اگر نفسی عهد نماید که لله صائم شود به جهت قضاء حاجات و دون آن باسی نبوده و نیست و لکن حقّ جلّ جلاله دوست داشته که عهد و نذر در اموری که منفعت آن به عباد الله می رسد واقع شود.

۷۲- سؤال: مجدّد سؤال شده دار مسکونه و البسه مخصوصه در صورت عدم وجود ذکران از ذریه راجع به بیت العدل است یا مثل سایر اموال تقسیم می شود.

جواب: دو ثلث خانه و البسه مخصوصه به اناث از ذریه راجع و ثلث الی بیت العدل الّذی جعله الله مخزن الامّة.

۷۳- سؤال: هرگاه زمان اصطبار منقضی شود و زوج از طلاق دادن

امتناع نماید تکلیف ضلع چیست .

جواب: بعد از انقضای مدت طلاق حاصل ولكن در ابتدا و انتها شهود لازم که عند الحاجة گواهی دهند .

۷۴- سؤال: از حدّ هرّم .

جواب: نزد اعراب اقصی الکبر و نزد اهل بهاء تجاوز از سبعین .

۷۵- سؤال: از حدّ صوم مسافر پیاده .

جواب: حدّ آن دو ساعت مقررّ شده اگر بیشتر شود افطار جایز .

۷۶- سؤال: از صوم نفوسی که در شهر صیام به اشغال شاقّه مشغولند .

جواب: صیام نفوس مذکوره عفو شده ولكن در آن ایام قناعت و ستر لاجل احترام حکم الله و مقام صوم اولی و احب .

۷۷- سؤال: با وضوی صلات تلاوت ذکر ۹۵ مرتبه اسم اعظم جایز

است یا نه .

جواب: تجدید وضو لازم نه .

۷۸- سؤال: در باب البسه و حلی که شخص از برای ضلع می گیرد هرگاه متوفی شود ما بین وراثت قسمت می شود یا مخصوص است به ضلع .

جواب: غیر از البسه مستعمله هرچه باشد از حلی و غیره راجع به زوج است مگر آنچه به اثبات معلوم شود به زوجه بخشیده شده .

۷۹- سؤال: از حدّ عدالت در مقامی که اثبات امر به شهادت عدلین می شود .

جواب: حدّ عدالت نیکوئی صیت است بین عباد و شهادت عباد الله از هر حزبی لدی العرش مقبول .

۸۰- سؤال: هرگاه شخص متوفی حقوق الله یا حقّ الناس بر ذمه او باشد از بیت مسکون و البسه مخصوصه و سایر اموال بالنسبه باید ادا شود یا آنکه بیت و البسه مخصوص ذکران است و دیون باید از سایر اموال داده شود و هرگاه سایر ترکه وفا نکند به دیون چگونه معمول شود .

جواب: دیون و حقوق از سایر اموال داده شود و اگر اموال وفا نکند از بیت مسکون و البسه مخصوصه ادا شود .

۸۱- سؤال: صلوات ثالث را نشسته باید به جا آورد یا ایستاده .

جواب: القيام مع الخضوع اولی و احب .

۸۲- سؤال: صلوات اولی را که می فرماید هر هنگام و هر وقت که

انسان در خود حالت اقبال و خضوع مشاهده نماید به عمل آورد در شب و روزی یک بار یا ازمنه دیگر حکمش چگونه است .

جواب: در شب و روزی یک بار کافی است هذا ما نطق به لسان الامر .

۸۳- سؤال: از تعیین بکور و زوال و اصیل .

جواب: حين اشراق الشمس و الزوال و الغروب و مهلت صلوات صبح الی زوال و من الزوال الی الغروب و من الغروب الی ساعتین الامر بید الله صاحب الاسمین .

۸۴- سؤال: قرآن با مشرکین جایز است یا نه .

جواب: اخذ و عطا هر دو جایز هذا ما حکم به الله اذ استوی علی عرش الفضل و الکرم .

۸۵- سؤال: از وقت نماز میت قبل از دفن و یا بعد از آن و توجّه به قبله لازم است یا نه .

جواب: اداء صلات قبل از دفن و اما القبله «اینما تولّوا فثمّ وجه الله» .

۸۶- سؤال: در زوال که وقت دو نماز است یکی شهادت حین زوال و یکی نماز دیگر که در زوال و بکور و آصال باید کرده شود اینهم دو وضو لازم دارد و یا آنکه در این مورد مخصوص یک وضو کافی است .

جواب: تجدید لازم نه .

۸۷- سؤال: در مهر اهل قری' که فضّه تعیین شده به اعتبار زوج است یا زوجه و یا هر دو و در صورت اختلاف که یکی شهری و دیگری از قری' باشد چه باید کرد .

جواب: مهر به اعتبار زوج است اگر از اهل مدن است ذهب و اگر از اهل قری' است فضّه .

۸۸- سؤال: میزان شهری و دهاتی به چه حد است . هرگاه شهری هجرت به ده نماید و یا دهاتی هجرت به شهر کند و قصد

توطن نماید حکمش چگونه است. و کذلک محلّ تولّد میزان است یا نه.

جواب: میزان توطن است هر جا وطن نماید مطابق حکم کتاب رفتار شود.

۸۹- سؤال: در الواح الهیه نازل شده هرگاه کسی مالک شود معادل نوزده مثقال ذهب را باید حقّ الله را از آن ادا نماید. بیان شود از نوزده چه قدر داده شود.

جواب: حکم الله در صد نوزده معین شده از آن قرار حساب نمایند معلوم می‌شود بر نوزده چه مقدار تعلق می‌گیرد.

۹۰- سؤال: هرگاه مال از نوزده تجاوز نماید باید به نوزده دیگر برسد یا بر زیاده هم تعلق می‌گیرد.

جواب: هر چه بر نوزده بیفزاید حقوق تعلق نمی‌گیرد الاّ به نوزده دیگر برسد.

۹۱- سؤال: از ماء بکر و حدّ مستعمل آن.

جواب: آب قلیل مثل یک کأس یا دو مقابل یا سه مقابل آن دست و رو در آن شستن از مستعمل مذکور ولکن اگر به حدّ

گُر برسد از تغسیل یک وجه یا دو وجه تغییر نمی‌نماید و در استعمال آن باسی نبوده و نیست و اگر یکی از اوصاف ثلاثه در او ظاهر شود یعنی فی الجملة لون آب تغییر نماید از مستعمل محسوب است.

۹۲- سؤال: حدّ بلوغ شرعی در رسالهٔ مسائل فارسیه سنهٔ ۱۵ تعیین شده. آیا زواج نیز مشروط به بلوغ است یا قبل از آن جایز.

جواب: چون در کتاب الهی رضایت طرفین نازل و قبل از بلوغ رضایت و عدم آن معلوم نه در این صورت زواج نیز به بلوغ مشروط و قبل از آن جایز نه.

۹۳- سؤال: از صوم و صلات مریض.

جواب: به راستی می‌گویم از برای صوم و صلات عند الله مقامی است عظیم ولکن در حین صحّت فضلش موجود و عند تکسّر عمل به آن جایز نه. این است حکم حقّ جلّ جلاله از قبل و بعد. طوبیٰ للسامعین و السامعات و العاملین و العاملات الحمد لله منزل الآیات و مظهر البینات.

۹۴- سؤال: از مساجد و صوامع و هیاکل .

جواب: آنچه از مساجد و صوامع و هیاکل که مخصوص ذکر حق بنا شده ذکر غیر او در آنها جایز نه . این است از حدود الهی و الذی تجاوز آنه من المعتدین . بر بانی باسی نبوده و نیست چه که عمل او لله بوده و به اجر خود رسیده و خواهد رسید .

۹۵- سؤال: اسباب دکان که به جهت کسب و شغل لازم است باید حقوق الله از آنها داده شود یا آنکه حکم اسباب بیت را دارد .
جواب: حکم اثاث بیت بر آن جاری .

۹۶- سؤال: در بارة تعویض و تبدیل امانات از جنس به نقد و غیره حفظاً عن التّضییع .

جواب: اینکه در بارة امانات و تعویض آن حفظاً عن التّضییع نوشتند در این صورت تعویض جایز تعویضی که معادل آن را برساند ان ربک هو المبیّن العلیم و الأمر القدیم .

۹۷- سؤال: در تغسیل رجل شتا و صیف .

جواب: یک حکم دارد در هر دو آب فاتر ارجح است و در استعمال آب بارد هم باسی نه .

۹۸- و دیگر سؤال از طلاق نموده .

جواب: چون حقّ جلّ جلاله طلاق را دوست نداشته در این باب کلمه‌ای نازل نشده ولکن از اول فصل الی انتهای سنه واحد باید دو نفس مطلع باشند او ازید و هم شهداء . اگر در انتها رجوع نشد طلاق ثابت . باید حاکم شرعی بلد که از جانب امنای بیت العدل است در دفتر ثبت نماید . ملاحظه این فقره لازم است لثلاً یحزن به افئدة اولی الالباب .

۹۹- سؤال: در باره مشورت .

جواب: اگر در نفوس مجتمعة اولی اختلاف حاصل نفوس جدیده ضمّ نمائید و بعد به حکم قرعه به عدد اسم اعظم یا اقل یا اکثر از آن انتخاب نمائید و مجدد مشورت ما ظهر منه هو المطاع و اگر هم اختلاف شد زین الاثنین بالثلاث و خذ الاقوی انه یهدی من یشاء الی سوء الصراط .

۱۰۰- سؤال: از ارث .

جواب: در باب ارث آنچه نقطه اولی روح ما سواه فداه به آن امر فرموده‌اند همان محبوب است . آنچه از اولو القسمة موجودند قسّموا بینهم اموالهم و مادون آن باید به ساحت

اقدس عرض شود . الامر بیده یحکم کیف یشاء . در این
مقام در ارض سرّ حکمی نازل و قسمت نفوس مفقوده موقتاً به
وَرَاث موجوده راجع الی ان یحقّق بیت العدل . بعد از تحقّق
حکم آن ظاهر خواهد شد و لکن المهاجرین الذین هاجروا فی
سنة الّتی فیها هاجر جمال القدم میراثهم یرجع الی وراثتهم .
هذا من فضل الله علیهم .

۱۰۱- سؤال: از حکم دفینه .

جواب: اگر دفینه یافت شود یک ثلث حقّ نفسی است که یافته
و دو ثلث دیگر را رجال بیت عدل در مصالح عموم عباد
صرف نمایند و این بعد از تحقّق بیت عدل است و قبل از آن
به نفوس امینه در هر بلد و دیار راجع آنّه لهو الحاکم الامر
العلیم الخبیر .

۱۰۲- سؤال: از حقوق ملکی که منفعت از آن عاید نمی‌شود .

جواب: حکم الله آنکه ملکی که انتفاع آن مقطوع است یعنی
نفعی از آن حاصل نمی‌شود حقوق بر آن تعلق نمی‌گیرد آنّه
لهو الحاکم الکریم .

۱۰۳- سؤال: از آیه مبارکه «و البلدان الّتی طالت فیها اللّیالی و الاّیام فلیصلوا بالسّاعات الخ» .

جواب: مقصود بلاد بعیده بوده، این اقالیم طول و غیر آن ساعات قلیله و این خارج از حکم است .

۱۰۴- در لوح ابا بدیع این آیه مبارکه نازل «انّا کتبنا لکلّ ابن خدّمه اییه کذلک قدرنا الامر فی الکتاب» .

۱۰۵- در لوحی از الواح نازل قوله تعالیٰ «یا محمّد وجه قدم به تو متوجّه و ترا ذکر می نماید و حزب الله را وصیت می فرماید به تربیت اولاد . اگر والد در این امر اعظم که از قلم مالک قدم در کتاب اقدس نازل شده غفلت نماید حقّ پدری ساقط شود و لدی الله از مقصّرین محسوب طوبی از برای نفسی که وصایای الهی را در قلب ثبت نماید و به او متمسک شود آنّه یأمر العباد بما یؤیدهم و ینفعهم و یقرّهم الیه و هو الامر القدیم» .

۱۰۶- هو الله تعالیٰ شأنه العظمة و الاقتدار جمیع انبیا و اولیا از نزد حقّ جلّ جلاله مأمور بوده اند که اشجار وجود انسانی را

از فرات آداب و دانائی سقایه نمایند تا از کل ظاهر شود آنچه که در ایشان به نفس ایشان من عند الله ودیعه گذاشته شده. هر درختی را ثمری مشهود چنانچه مشاهده می‌شود. شجر بی ثمر لایق نار است و مقصود از آنچه فرموده‌اند و تعلیم داده‌اند حفظ مراتب و مقامات عالم انسانی بوده طوبی از برای نفسی که در یوم الهی به اصول الله تمسک جست و از قانون حقیقی انحراف نجست. اثمار سدره وجود امانت و دیانت و صدق و صفا و اعظم از کل بعد از توحید حضرت باری جل و عز مراعات حقوق والدین است. در جمیع کتب الهی این فقره مذکور و از قلم اعلی مسطور ان انظر ما انزله الرَّحْمَنُ فِي الْفِرْقَانِ قَوْلَهُ تَعَالَى «و اعبدوا الله و لا تشركوا به شیئاً و بالوالدین احسانا». ملاحظه نمائید احسان به والدین را با توحید مقترن فرموده طوبی لكل عارف حکیم یشهد و یری و یقرء و یعرف و یعمل بما انزله الله فی کتب القبل و فی هذا اللّوح البدیع.

۱۰۷- در لوحی از الواح نازل قوله تعالی «و درباره زکات هم امر نمودیم کما نزل فی الفرقان عمل نمایند».

جزوه تلخیص و تدوین حدود و احکام کتاب اقدس

- الف - تعیین حضرت عبدالبهاء به عنوان جانشین حضرت بهاء الله
و مبین تعالیم مبارکه آن حضرت
۱- توجه به حضرت عبدالبهاء
۲- ارجاع امور به آن حضرت
- ب - پیش بینی مؤسسه ولایت امر
- ج - مؤسسه بیت العدل
- د - احکام و حدود و خطابات نصیحیه
۱- صلوات
۲- صوم
۳- احکام احوال شخصیه
۴- سایر احکام و حدود و خطابات نصیحیه
- ه - تذکرات و عتابها و انذارات مخصوصه
- و - مواضع متفرقه

جزوه تلخیص و تدوین حدود و احکام

الف - تعیین حضرت عبدالبهاء به عنوان جانشین حضرت بهاء الله و مبین تعالیم مبارکه آن حضرت

۱- اهل بهاء مأمورند که به «من اراده الله الّذی انشعب من هذا الاصل القدیم» توجه نمایند .

۲- اهل بهاء مأمورند آنچه از آثار مبارکه را که از درکش عاجزند به «الفرع المنشعب من هذا الاصل القویم» رجوع کنند .

ب - پیش بینی مؤسسه ولایت امر

ج - مؤسسه بیت العدل

۱- بیت العدل به نصّ صریح تأسیس گردیده .

۲- وظایف آن مؤسسه تعیین شده .

۳- واردات آن مؤسسه مشخص گردیده .

د - احکام و حدود و خطابات نصحیه

۱- صلوات

۱-۱ مقام عظیم صلوات در امر بهائی .

- ۱-۲-۱ حضرت اعلی «من یظهره الله» را قبله قرار داده‌اند .
- ۱-۲-۲ حضرت بهاء الله قرار حضرت اعلی را تأیید فرموده‌اند .
- ۱-۲-۳ حضرت بهاء الله مقرر فرموده‌اند که قبله اهل بهاء بعد از صعود مقر استقرار عرش مبارک باشد .
- ۱-۲-۴ وجوب توجه به قبله حین اداء صلات .
- ۱-۳ وجوب صلات بر رجال و نساء پس از بلوغ به سن پانزده سالگی .
- ۱-۴ کسانی که از اداء صلات معافند:
- ۱-۴-۱ بیماران .
- ۱-۴-۲ نفوسی که سنشان از هفتاد متجاوز است .
- ۱-۴-۳ نسوان در حین عادت ماهیانه به شرط آنکه وضو گرفته و آیه مخصوصی را که نازل گشته ۹۵ مرتبه در روز تکرار نمایند .
- ۱-۵ صلات باید به صورت فردی ادا گردد .
- ۱-۶ انتخاب یکی از سه صلات مجاز است .

۱-۷ مقصد از «صبح» و «حین زوال» و «اصیل» مربوط به

تعیین اوقات نمازهای روزانه از این قرار است:

صبح: از طلوع آفتاب تا ظهر

زوال: از ظهر تا غروب

اصیل: از غروب تا دو ساعت از شب گذشته

۱-۸ اداء صلات اولیٰ (صلات کبیر) یک بار در ۲۴ ساعت کافی است.

۱-۹ اداء صلات صغیر در حال قیام اولیٰ و احب است.

۱-۱۰ وضو:

۱-۱۰-۱ قبل از صلات باید وضو گرفته شود.

۱-۱۰-۲ برای هر صلات تجدید وضو لازم است.

۱-۱۰-۳ اگر حین ظهر دو نماز خوانده شود یک وضو برای هر دو کافی است.

۱-۱۰-۴ هرگاه آب فراهم نباشد یا استعمال آب برای دست یا صورت مضر باشد آیه مخصوصی نازل شده که باید پنج مرتبه تکرار گردد.

۱-۱۰-۵ در صورت برودت شدید هوا استفاده از آب گرم توصیه شده است.

۱-۱۰-۶ هرگاه برای امر دیگری وضو گرفته شده باشد تجدید آن قبل از اداء نماز لازم نه .

۱-۱۰-۷ وضو ضرورت دارد حتی اگر قبلاً استحمام شده باشد .

۱-۱۱ تعیین اوقات صلات:

۱-۱۱-۱ برای تعیین وقت اتکال به ساعت جایز است .

۱-۱۱-۲ در اقالیم واقع در مناطق بعیده نیم

کره شمالی یا جنوبی که طول مدت روز

و شب تفاوت بسیار دارد بدون توجه به

طلوع و غروب آفتاب باید به ساعات

و مشاخص اتکال شود .

۱-۱۲ در موارد ناامنی خواه در سفر یا حضر در ازاء

هر صلاتی که فوت شود باید یک بار سجده کرد

و آیه مخصوصی را تلاوت نمود و بعد از اتمام

سجود آیه مخصوص دیگری را هجده مرتبه تکرار

کرد .

۱-۱۳ نماز جماعت جز در مورد صلات میت نهی شده

است .

۱-۱۴ تلاوت صلات میت به طور کامل واجب است جز در

مواردی که از حاضرین کسی قادر بر قرائت نباشد .
در این صورت باید تکبیرات و اذکار شش گانه
مخصوص صلات میت تکرار شود .

۱-۱۵ صلات نه رکعتی که در کتاب اقدس به آن اشاره شده
با نزول سه صلات کبیر و وسطی و صغیر منسوخ
گردیده است .

۱-۱۶ صلات آیات منسوخ گشته و به جای آن آیه‌ای
مخصوص نازل که تلاوتش واجب نیست .

۱-۱۷ مو و سمور و استخوان و امثال آن مُبطل صلات
نیست .

۲- صوم

۲-۱ مقام عظیم صوم در امر بهائی .

۲-۲ ماه صیام با خاتمه ایام هاء شروع و به عید نوروز
ختم می شود .

۲-۳ امساک از اکل و شرب از طلوع تا غروب آفتاب
واجب است .

۲-۴ صوم بر رجال و نساء بعد از رسیدن به سن بلوغ یعنی
پانزده سالگی واجب است .

۲-۵ کسانی که از صوم معافند:

۲-۵-۱ مسافری:

۲-۵-۱-۱ مشروط بر اینکه سفر بیش از ۹ ساعت به طول انجامد .

۲-۵-۱-۲ کسانی که پیاده سفر می کنند به شرط اینکه بیش از دو ساعت طی طریق کنند .

۲-۵-۱-۳ کسانی که در محلی کمتر از ۱۹ روز اقامت کنند .

۲-۵-۱-۴ کسانی که به قصد اقامت نوزده روز یا بیشتر در محلی وارد شوند فقط برای سه روز اول بعد از ورود از روزه گرفتن معافند .

۲-۵-۱-۵ کسانی که در ایام صیام به خانه خود مراجعت می کنند از روز ورود باید صائم گردند .

۲-۵-۲ بیماران .

۲-۵-۳ نفوسی که سنشان متجاوز از هفتاد سال است .

- ۲-۵-۴ زنان باردار .
- ۲-۵-۵ زنان مرضع .
- ۲-۵-۶ زنان در موقع عادت ماهیانه مشروط بر اینکه وضو گرفته آیه مخصوصه را ۹۵ مرتبه در روز تلاوت نمایند .
- ۲-۵-۷ شاغلین به مشاغل شاقه «ولکن در آن ایام قناعت و ستر لاجل احترام حکم الله و مقام صوم اولی و احب» .
- ۲-۶ صوم جهت نذر و عهد در غیر شهرالعلاء جایز است «ولکن حق جلّ جلاله دوست داشته که عهد و نذر در اموری که منفعت آن به عباد الله می رسد واقع شود» .

۳- احکام احوال شخصیه

- ۳-۱ ازدواج:
- ۳-۱-۱ نکاح از مندوبات است یعنی قویاً توصیه شده ولی از واجبات نیست .
- ۳-۱-۲ تعدّد زوجات نهی شده است .
- ۳-۱-۳ شرط جواز ازدواج آن است که طرفین به

سنّ بلوغ شرعی یعنی پانزده سالگی رسیده باشند .

۳-۱-۴ ازدواج مشروط به رضایت طرفین و ابوین

ایشان است خواه زوجه باکره باشد یا نباشد .

۳-۱-۵ قرائت آیه مخصوصه که مشعر بر رضایت

طرفین به اراده الهی است بر هر دو فرض

است .

۳-۱-۶ ازدواج با نامادری و ناپدری حرام است .

۳-۱-۷ کلیه مسائل مربوط به ازدواج با اقارب به

بیت العدل راجع است .

۳-۱-۸ ازدواج با غیر بهائی جایز است .

۳-۱-۹ نامزدی:

۳-۱-۹-۱ دوران نامزدی نباید از ۹۵ روز

تجاوز کند .

۳-۱-۹-۲ نامزد شدن با دختری که به سنّ

بلوغ نرسیده باشد جایز نیست .

۳-۱-۱۰ مهریه:

۳-۱-۱۰-۱ تحقق ازدواج معلق به اداء مهر

است .

۲-۱۰-۱-۳ میزان مهر ۱۹ مثقال طلای خالص
برای اهل مدن و ۱۹ مثقال نقره
برای اهل قری' است بر حسب محلّ
سکونت دائمی زوج نه زوجه .

۳-۱۰-۱-۳ تجاوز از ۹۵ مثقال حرام است .

۴-۱۰-۱-۳ احسن و اولی' آنکه زوج در پرداخت
مهر به ۱۹ مثقال نقره قناعت
نماید .

۵-۱۰-۱-۳ اگر پرداخت مهر کلاً ممکن نباشد
صدور قبض مجلس جایز است .

۱۱-۱-۳ بعد از قرائت آیتین و اعطاء مهریه اگر یکی
از طرفین قبل از زفاف نسبت به دیگری کُره
حاصل نمود دوران ترتیص قبل از طلاق لازم
نیست و اخذ مهریه نیز از زوجه جایز نه .

۱۲-۱-۳ زوج باید هنگام سفر میقاتی برای مراجعت
تعیین نماید و اگر به عذر موجهی از
مراجعت در موعد مقررّ ممنوع شد باید
زوجه خود را مطلع سازد و کمال جهد
مبذول دارد که مراجعت کند و اگر زوج هیچ

یک از این دو شرط را اجرا نکرد زوجه باید نه (۹) ماه صبر کند و بعد می‌تواند با دیگری ازدواج نماید ولیکن صبر و انتظار اولی است. هرگاه خبر موت یا قتل زوج به زوجه رسد و این مطلب به شیوع یا اظهار عدلین ثابت شود ازدواج مجدد زوجه پس از انقضاء نه (۹) ماه جایز است.

۳-۱-۱۳

اگر زوج با وقوف به حکم کتاب اقدس به سفر رود بدون آنکه زوجه را از میقات مراجعت مطلع کند زوجه می‌تواند بعد از یک سال انتظار ازدواج نماید. اما اگر زوج از حکم الهی آگاه نباشد زوجه باید صبر کند تا خبری از زوج برسد.

۳-۱-۱۴

اگر بعد از اداء مهر بر زوج معلوم شود که زوجه باکره نیست زوج میتواند اعاده مهریه و مصارف را مطالبه نماید.

۳-۱-۱۵

اگر ازدواج مشروط به بکارت زوجه شده و فساد شرط مشاهده شود فساد شرط سبب فساد مشروط است. در این صورت اعاده

مهریه و مطالبه مخارج و ابطال ازدواج جایز است ولکن اگر «در این مقام ستر و عفو شامل شود عند الله سبب اجر عظیم است».

۳-۲ طلاق:

۳-۲-۱ امر طلاق مؤکداً مکروه و مبعوض است .

۳-۲-۲ در صورت بروز گره و کدورت از یکی از

زوجین وقوع طلاق جایز اما موکول به یک

سال تمام ترّیص است و شروع و اختتام سنه

ترّیص باید به گواهی دو نفر شاهد یا بیشتر

برسد و امر طلاق را باید «حاکم شرعی بلد

که از جانب امنای بیت عدل مأمور است در

دفتر ثبت نماید» . «اقتران مرء با مرئه در

ایام اصطبار حرام است و اگر کسی مرتکب

شود باید استغفار کند و ۱۹ مثقال ذهب به

بیت العدل جزای عمل برساند» .

۳-۲-۳ بعد از وقوع طلاق ادامه دوره ترّیص

ضرورت ندارد .

۳-۲-۴ اگر قرار شود زوجه به علت فعل منکر مطلقه

شود نفقه در ایام ترّیص به او تعلق نمی گیرد .

۳-۲-۵ ازدواج مجدد زوج با زوجه مطلقه جایز
مشروط بر اینکه زوجه مزبور با دیگری
ازدواج نکرده باشد و الا باید ابتدا از شوهر
دوم طلاق بگیرد تا بتواند با شوهر اول
ازدواج کند .

۳-۲-۶ «اگر در ایام اصطبار الفت به میان آید حکم
زواج ثابت» . اگر بعد از آشتی مجدداً کُره
حاصل و تقاضای طلاق شود تجدید سنه
ترخیص لازم است .

۳-۲-۷ اگر در حین سفر مابین زوج و زوجه
اختلاف حاصل شود زوج باید زوجه را به مقرّ
خود برساند یا به دست امینی بسپارد که او
را به مقرّ خود برساند و شوهر باید مخارج
سفر و نفقه یک سال تمام زن را پردازد .

۳-۲-۸ اگر زوج قصد جلای وطن کند و زوجه
راضی به همراهی نباشد و اصرار در طلاق
ورزد سال اصطبار از یوم مفارقت
شروع خواهد شد چه در حین تدارک سفر
باشد یا موقع عزیمت .

۳-۲-۹ حکم اسلام در مورد کیفیت ازدواج مجدد
زوج با زوجه مطلقه نهی شده است.
ارث:

۳-۳-۱ طبقاتی که ارث می‌برند:

۳-۳-۱-۱ اولاد ۱۰۸۰ سهم از ۲۵۲۰ سهم

۳-۳-۱-۲ زوج یا

زوجہ ۳۹۰ سهم از ۲۵۲۰ سهم

۳-۳-۱-۳ پدر ۳۳۰ سهم از ۲۵۲۰ سهم

۳-۳-۱-۴ مادر ۲۷۰ سهم از ۲۵۲۰ سهم

۳-۳-۱-۵ برادر ۲۱۰ سهم از ۲۵۲۰ سهم

۳-۳-۱-۶ خواهر ۱۵۰ سهم از ۲۵۲۰ سهم

۳-۳-۱-۷ معلم ۹۰ سهم از ۲۵۲۰ سهم

۳-۳-۲ حضرت بهاء الله سهم اولاد را که حضرت

اعلی تعیین فرموده بودند مضاعف و در

عوض به طور مساوی از سهام سایر طبقات

وراث کسر فرموده‌اند.

۳-۳-۳ سهم اولاد در شرایط خاص:

۳-۳-۳-۱ اگر متوفی ذریه نداشته باشد سهم

اولاد به بیت العدل راجع است تا

جهت ایتم و ارامل و امور خیریه
صرف شود .

۳-۳-۲ در صورتی که پسر شخص متوفی
وفات یافته و از او ذریه‌ای باقی
باشد، ذریه مذکور سهم پدرشان را
به ارث می‌برند ولی اگر دختر
متوفی درگذشته و از او ذریه‌ای باقی
مانده باشد سهم مادرشان باید طبق
حکم کتاب اقدس به هفت طبقه
مصرح در کتاب تقسیم شود .

۳-۳-۴ اگر از متوفی ذریه موجود ولی سایر طبقات
وراث کلاً یا بعضاً موجود نباشد دو ثلث
سهم طبقات مفقوده به ذریه و ثلث آن به
بیت العدل راجع است .

۳-۳-۵ اگر از طبقات مصرحه در کتاب کسی باقی
نباشد دو ثلث از ارثیه به اولاد برادر و
خواهر متوفی و در صورت فقدان آنها سهم
مذکور به عمه و خاله و دانی و عمو راجع
است و اگر آنها در قید حیات نباشند به

فرزندان آنان می‌رسد و در هر حال ثلث
باقی مانده به بیت العدل راجع است .

۳-۳-۶ اگر هیچ یک از وراثت فوق الذکر موجود
نباشند تمام ماترک به بیت العدل راجع
می‌گردد .

۳-۳-۷ دار مسکونه و البسه مخصوصه پدر فوت شده
به ذریه ذکور راجع می‌شود نه به ذریه اناث .
اگر بیوت مسکونه متعدد باشد اعلی و اشرف
آن به ذریه ذکور تعلق می‌یابد و سایر بیوت و
ماترک شخص متوفی بین وراثت تقسیم
می‌شود . اگر پدری ذریه ذکور نداشته باشد
دو ثلث دار مسکونه و البسه مخصوصه اش به
ذریه اناث و یک ثلث به بیت العدل راجع
می‌گردد . در مورد ماترک مادر، البسه
مستعمله وی باید بالسویه بین دخترانش
تقسیم شود و اگر دختری از وی باقی نمانده
باشد البسه غیر مستعمله و جواهرات و
املاک مشارک الیها باید بین وراثت او تقسیم
گردد ، همچنین البسه مستعمله .

۳-۳-۸ اگر اولاد شخص متوفی صغیر باشند
سهمشان باید برای تجارت و اقتراف به
شخص امینی و یا شرکتی سپرده شود تا
اولاد مزبور به سنّ بلوغ برسند . سهمی از
منافع حاصله باید به شخص امین یا امناء
تخصیص داده شود .

۳-۳-۹ ماترک متوفی نباید بین ورّاث تقسیم شود
مگر بعد از اداء حقوق الله و تأدیة دیون
متوفی و مصارف تشییع و تدفین میت به عزّت
و احترام .

۳-۳-۱۰ در صورتی که برادر متوفی برادر ابی باشد
سهم کامل مذکور در کتاب به او تعلق
می‌گیرد ، اما اگر از پدر جدا باشد فقط دو
ثلث سهم مذکور به او تعلق می‌گیرد و ثلث
بقیه به بیت العدل راجع است . این حکم در
باره خواهر متوفی نیز جاری است .

۳-۳-۱۱ در مواردی که برادران و خواهران ابی و امی
حیات داشته باشند برادران و خواهران امی
سهمی از ارثیه نمی‌برند .

۳-۳-۱۲ معلّم غير بهائى ارث نمى برد و اگر معلّم متعدد باشد سهم معلّم بالسوّيه ميانشان قسمت مى شود .

۳-۳-۱۳ ورثه غير بهائى از ارث سهم نمى برند .

۳-۳-۱۴ هر آنچه زوج به نام زوجه اش خريده باشد بايد جزء ما يملك زوج محسوب و بين وراثت قسمت شود مگر البسه مستعمله و جواهرات و غير آن كه به اثبات معلوم شده باشد كه زوج به زوجه بخشيده است .

۳-۳-۱۵ هر شخصى مختار است هر نوع مى خواهد وصيت نامه نوشته ما يملك خود را تقسيم كند ، مشروط بر آنكه قرارى براى اداء حقوق الله و پرداخت ديون خود داده باشد .

۴- ساير احكام و حدود و خطابات نصحيه

۴-۱ احكام و حدود متفرقه:

۴-۱-۱ حجّ

۴-۱-۲ حقوق الله

اوقاف	۴-۱-۳
مشرق الاذکار	۴-۱-۴
امتداد دور بهائی	۴-۱-۵
اعیاد بهائی	۴-۱-۶
ضيافت نوزده روزه	۴-۱-۷
سال بهائی	۴-۱-۸
ایام زائده بر شهور (ایام هاء)	۴-۱-۹
سنّ بلوغ	۴-۱-۱۰
دفن اموات	۴-۱-۱۱
اشتغال به صنعت و اقتراف که از واجبات است و نفس عبادت محسوب	۴-۱-۱۲
اطاعت از حکومت	۴-۱-۱۳
تعلیم و تربیت اطفال	۴-۱-۱۴
نوشتن وصیت نامه	۴-۱-۱۵
زکات	۴-۱-۱۶
ذکر اسم اعظم ۹۵ مرتبه در روز	۴-۱-۱۷
شکار حیوانات	۴-۱-۱۸
استخدام دوشیزگان	۴-۱-۱۹
پیدا کردن مال گم شده	۴-۱-۲۰

- ۴-۱-۲۱ حکم دفينه
- ۴-۱-۲۲ تبديل و تعويض امانات
- ۴-۱-۲۳ قتل غير عمد
- ۴-۱-۲۴ تعريف شاهد عادل
- ۴-۱-۲۵ مناہی:
- ۴-۱-۲۵-۱ تأويل كلمات الهی
- ۴-۱-۲۵-۲ خريد و فروش برده
- ۴-۱-۲۵-۳ حمل رياضات
- ۴-۱-۲۵-۴ رهبانیت
- ۴-۱-۲۵-۵ تکدی
- ۴-۱-۲۵-۶ حرفه پیشوائی مذهبی
- ۴-۱-۲۵-۷ ارتقاء بر منابر
- ۴-۱-۲۵-۸ دست بوسی
- ۴-۱-۲۵-۹ اقرار به معاصی نزد خلق
- ۴-۱-۲۵-۱۰ تعدد زوجات
- ۴-۱-۲۵-۱۱ شرب مسکرات
- ۴-۱-۲۵-۱۲ شرب افیون
- ۴-۱-۲۵-۱۳ قمار
- ۴-۱-۲۵-۱۴ حرق عمدی

زنا ۴-۱-۲۵-۱۵

قتل عمدی ۴-۱-۲۵-۱۶

سرقت ۴-۱-۲۵-۱۷

روابط جنسی بین دو نفر هم جنس ۴-۱-۲۵-۱۸

صلوات جماعت مگر برای میت ۴-۱-۲۵-۱۹

ظلم به حیوانات ۴-۱-۲۵-۲۰

بطالت و کسالت ۴-۱-۲۵-۲۱

غیبت ۴-۱-۲۵-۲۲

تهمت و افتراء ۴-۱-۲۵-۲۳

حمل سلاح جز در مواقع ضرورت ۴-۱-۲۵-۲۴

دخول در خزینه حمامهای ایرانی ۴-۱-۲۵-۲۵

دخول در بیت دیگری بدون اذن

صاحب خانه

ضرب و جرح ۴-۱-۲۵-۲۷

نزاع و جدال ۴-۱-۲۵-۲۸

ذکر گفتن در کوچه و بازار ۴-۱-۲۵-۲۹

فرو بردن دست در ظرف غذا ۴-۱-۲۵-۳۰

تراشیدن موی سر ۴-۱-۲۵-۳۱

تجاوز موی سر از حد بناگوش ۴-۱-۲۵-۳۲

۴-۲ نسخ احکام و حدودی که در شرایع قبل وارد گشته:

۴-۲-۱ محو کتب

۴-۲-۲ حرمت پوشیدن حریر

۴-۲-۳ حرمت استعمال ظروف طلا و نقره

۴-۲-۴ محدودیت سفر

۴-۲-۵ تقدیم هدایای لا عدل له به شارع امر الهی

۴-۲-۶ حرمت سؤال از شارع امر الهی

۴-۲-۷ حرمت ازدواج مجدد با زوجه مطلقه قبلی

۴-۲-۸ جریمه ایراد حزن بر نفوس

۴-۲-۹ حرمت موسیقی

۴-۲-۱۰ محدود ساختن آزادی نفوس در طرز لباس

پوشیدن و لحيه گذاشتن

۴-۲-۱۱ عدم طهارت اشیاء و ملل مختلفه

۴-۲-۱۲ عدم طهارت ماء نطفه

۴-۲-۱۳ عدم طهارت اشیاء معینه برای سجود بر آنها

۴-۳ خطابات نصیحه متفرقه:

۴-۳-۱ معاشرت با پیروان جمیع ادیان به روح و

ریحان

۴-۳-۲ احترام والدین

- ۴-۳-۳ انسان باید آنچه را بر خود روا نمی‌دارد بر دیگران نپسندد .
- ۴-۳-۴ تبلیغ و ترویج امرالله بعد از صعود جمال اقدس ابھی
- ۴-۳-۵ نصرت قائمین بر خدمت امر
- ۴-۳-۶ عدم انحراف از نصوص و منع متابعت از نفوسی که به غیر ما انزله الله تکلم می‌نمایند
- ۴-۳-۷ رجوع به نصوص مبارکه در صورت بروز اختلاف
- ۴-۳-۸ غور و تعمق در آیات و تعالیم الهی
- ۴-۳-۹ عدم تمسک به ظنون و اوهام
- ۴-۳-۱۰ تلاوت آیات الهی در هر صبح و شام
- ۴-۳-۱۱ تلاوت آیات با لحن خوش
- ۴-۳-۱۲ تعلیم اولاد به تلاوت آیات به الحان خوش در مشرق الاذکار
- ۴-۳-۱۳ تحصیل علوم و فنون نافع به عالم انسانی
- ۴-۳-۱۴ مشورت در امور
- ۴-۳-۱۵ اجتناب از رأفت و مساهله در اجرای اوامر الهی

۴-۳-۱۶ استغفار از معاصی به ساحت قدس الهی

۴-۳-۱۷ احراز فضیلت در اثر قیام به اعمال حسنه:

۴-۳-۱۷-۱ صداقت

۴-۳-۱۷-۲ امانت

۴-۳-۱۷-۳ وفا

۴-۳-۱۷-۴ تقوی و خشیت الله

۴-۳-۱۷-۵ عدل و انصاف

۴-۳-۱۷-۶ حکمت

۴-۳-۱۷-۷ ادب

۴-۳-۱۷-۸ مهمان‌نوازی

۴-۳-۱۷-۹ استقامت

۴-۳-۱۷-۱۰ انقطاع

۴-۳-۱۷-۱۱ تسلیم و رضا به اراده الهی

۴-۳-۱۷-۱۲ احتراز از فتنه و فساد

۴-۳-۱۷-۱۳ اجتناب از ریا

۴-۳-۱۷-۱۴ احتراز از کبر و غرور

۴-۳-۱۷-۱۵ احتراز از حمیت جاهلیه

۴-۳-۱۷-۱۶ احتراز از افتخار بر دیگران

۴-۳-۱۷-۱۷ اجتناب از مجادله در قول

۴-۳-۱۷-۱۸ احتراز از هوای نفس

۴-۳-۱۷-۱۹ شکیبائی در مصائب و بلایا

۴-۳-۱۷-۲۰ عدم تعرّض به اولیای امور

۴-۳-۱۷-۲۱ اجتناب از غیظ

۴-۳-۱۷-۲۲ مقابله به رفق

۴-۳-۱۸ اجتناب از تفرقه و تمسک تامّ به اتّحاد

۴-۳-۱۹ مراجعه به طبیب حاذق هنگام بیماری

۴-۳-۲۰ اجابت دعوت به ولائم

۴-۳-۲۱ مودّت به ذوی القربای شارع امر

۴-۳-۲۲ تحصیل السنهٔ مختلفه برای تبلیغ امرالله

۴-۳-۲۳ تعمیر دیار و بلاد در سبیل اعزاز امرالله

۴-۳-۲۴ مرمت و حفاظت مقامات متبرکّهٔ منسوب به

دو شارع مقدّس امرالله

۴-۳-۲۵ تمسک به لطافت و پاکیزگی:

۴-۳-۲۵-۱ شستن پا

۴-۳-۲۵-۲ استعمال عطریات

۴-۳-۲۵-۳ استحمام در ماء بکر

۴-۳-۲۵-۴ تقلیم اظفار (چیدن ناخن)

۴-۳-۲۵-۵ شستن اشیاء ملوث در آب پاک

۴_۳_۲۵_۶ پاکیزگی لباس

۴_۳_۲۵_۷ تجدید اسباب بیت

ه - تذکرات و عتابها و انذارات مخصوصه خطاب به:

۱- عموم اهل عالم

۲- معشر ملوک

۳- معشر علماء دین

۴- امراء امریکا و رؤساء جمهور آن

۵- ویلهلم اول، پادشاه پروس

۶- فرانسوا ژوزف، امپراطور اطریش

۷- اهل بیان

۸- اعضاء پارلمانهای عالم

و - مواضع متفرقه:

۱- عظمت و جلال امر بهائی

۲- مقام منیع شارع امر

۳- اهمیت عظمای کتاب مستطاب اقدس

۴- عصمت کبری

۵- ملازمه لاینفک دو فریضه عرفان مظهر امر و اتباع

احکام و اوامر او

- ۶- هدف غائی تحصیل علوم عرفان حضرت معلوم است
- ۷- طوبیٰ از برای نفوسی که به حقیقت «آنه لا یسئل عما یفعل» عارفند .
- ۸- اضطراب و تزلزل انظمة عالم در اثر سطوت نظم اعظم
- ۹- اختیار لسانی از السنه و خطی از خطوط برای اهل عالم که یکی از دو علامت بلوغ عالم انسانی است .
- ۱۰- بیانات حضرت اعلی در باره ظهور «من ینظره الله»
- ۱۱- پیشگونی از مخالفت و مقاومت با امر الهی
- ۱۲- ستایش از سلطانی که به شرف ایمان فایز گردد و به خدمت امرالله قیام کند .
- ۱۳- عدم ثبات امور بشری
- ۱۴- معنی و مفهوم حریت حقیقی
- ۱۵- ارزش اعمال منوط و معلق به قبول حق است
- ۱۶- اتباع اوامر و احکام «حباً لجمالہ»
- ۱۷- اهمیت تمسک به اسباب
- ۱۸- ستایش از «علماء فی البهاء»
- ۱۹- وعده مغفرت به میرزا یحیی در صورت توبه و ندامت
- ۲۰- خطاب به ارض طاء (طهران)

- ۲۱- خطاب به مدینهٔ اسلامبول و اهل آن
- ۲۲- خطاب به شواطی نهر رین
- ۲۳- مردود بودن مدعیان علم باطن
- ۲۴- مردود بودن نفوسی که غرور به علم موجب احتجاجشان از حق می‌گردد.
- ۲۵- پیشگونی در بارهٔ ارض خاء (خراسان)
- ۲۶- پیشگونی در بارهٔ ارض کاف و راء (کرمان)
- ۲۷- اشاره به شیخ احمد احسانی
- ۲۸- اشاره به گندم پاک کن (ملا محمد جعفر اصفهانی)
- ۲۹- مردود بودن حاجی محمد کریم خان کرمانی
- ۳۰- مردود بودن شیخ محمد حسن نجفی
- ۳۱- اشاره به ناپلیون سوم
- ۳۲- اشاره به سید محمد اصفهانی
- ۳۳- وعدهٔ نصرت قائمین بر خدمت امر الهی

یادداشت‌ها و توضیحات

۱- عرف قمیصی (بند ۴)

این اصطلاح مربوط به داستان یوسف است که در قرآن مجید و کتاب عهد قدیم از آن یاد شده. در این داستان برادران یوسف پیراهن او را نزد پدرشان، یعقوب، می‌آورند. بوی این پیراهن سبب می‌گردد که یعقوب از فرزند عزیز گمشده‌اش نشانی بیابد. اصطلاح عرف قمیص در آثار امری بسیار به کار برده شده و مقصد از آن شناسائی مظهر حق و ظهور اوست.

جمال اقدس ابھی در لوحی خود را یوسف الرَّحْمَن توصیف فرموده‌اند که غافلان حضرتش را به ثمن بخش، یعنی بهای ناچیز، فروختند. حضرت نقطهٔ اولی در کتاب «قیوم الاسماء» جمال قدم را یوسف الحقّ معرّقی و صدماتی را که به دست برادر خائن بر هیکل اطهرش وارد می‌آید پیش‌بینی فرموده‌اند (یادداشت شمارهٔ ۱۹۰). حضرت ولیّ امرالله نیز به حقد و حسد شدیدی که عظمت مقام حضرت عبدالبهاء در وجود برادر بی وفای خود، میرزا محمد علی، ناقض اکبر، برانگیخته بود اشاره نموده و آن را با بغض و حسد فوق العاده‌ای که کمالات عالیّه یوسف در قلوب برادرانش احداث کرده بود مقایسه فرموده‌اند.

۲. انا ... فتحنا ختم الرّحیق المختوم باصابع
القدرة و الاقتدار (بند ۵)

حرمت استعمال خمر و سایر مشروبات الکلی در کتاب مستطاب
اقدس نازل گردیده (یادداشت‌های شماره ۱۴۴ و ۱۷۰).

کلمه رحیق (شراب ناب) اشاره به نیروئی است که نشئه معنوی
می‌بخشد و انبعاثات روحانی ایجاد می‌کند. این اصطلاح در آثار
جمال اقدس ابهی و در انجیل و قرآن و روایات قدیم هندی به کار
برده شده است.

مثلاً در قرآن کریم چنین نازل گشته انّ الابرار ... یسقون من
رحیق مختوم. جمال قدم در آثار کهربار خویش می‌فرمایند
مقصد از رحیق مختوم ظهور مبارک است که روائح قدس
مکنونه‌اش بر جمیع ممکنات مبذول گشته است. همچنین
می‌فرمایند ختم اناء مسک احدیه را حضرتش به ید قدرت
مفتوح و حقایق معنویّه مستوره را مکشوف و شاربین را به مشاهده
انوار توحید فائز و به عرفان مقصد اصلی کتب آسمانی نائل
فرموده‌اند.

جمال مبارک در مناجاتی برای مؤمنین رحیق رحمت طلبیده
می‌فرمایند: فارزقهم یا الهی رحیق رحمتک لیجعلهم غافلین
عن دونک و قائمین علی امرک و مستقیمین علی حبک.

۳. قد کتب علیکم الصلوة (بند ۶)

در لسان عربی کلمات مختلف برای دعا وجود دارد. اما صلات (نماز) که در کتاب مستطاب اقدس منصوص و انجامش بر مؤمنین فرض گردیده نمازی است که باید در اوقات معین شبانه روز تلاوت شود. جمال اقدس ابهی می‌فرمایند: برای صوم و صلات عند الله مقامی است عظیم (سؤال و جواب، فقرة ۹۳). حضرت مولی‌الوری می‌فرمایند: نماز سبب خضوع و خشوع و توجه و تبّتل الی الله است. انسان در صلات با خدا مناجات کند و تقرّب جوید و با معشوق حقیقی خویش گفتگو نماید. به واسطه صلات مقامات روحانی حاصل گردد. نماز مذکور در آیه فوق (یادداشت شماره ۹) با نزول سه صلاتی که جمال قدم بعداً نازل فرمودند منسوخ گردید (سؤال و جواب، فقرة ۶۳). صورت سه نماز مذکور که در بین یاران معمول است با دستور العمل مربوط به روش اداء آنها، در این مجلد تحت عنوان «ملحقات کتاب اقدس» درج گردیده. توضیحات مربوط به این سه نماز در چند فقرة از رساله «سؤال و جواب» بیان گردیده. جمال مبارک افراد را در اداء هر یک از این سه نماز مختار فرموده‌اند (سؤال و جواب، فقرة ۶۵). توضیحات دیگر مربوط به فریضة صلات در فقرات ۶۶، ۶۷، ۸۱ و ۸۲ مندرج است.

خصوصیات حکم صلات در جزوه تلخیص و تدوین حدود و احکام که در این مجلد درج گردیده، در قسمت د، ۱-۱ تا ۱-۱۷ خلاصه شده است.

۴- تسع رکعات (بند ۶)

رکعت مجموعه‌ای است از آیات صلات که تلاوتش با رکوع و سجود و دیگر اعمال توأم است. صلاتی را که جمال اقدس ابهی بدایتاً نازل فرمودند شامل نه رکعت بوده است. نصّ این صلات مفقود گشته و لذا طرز انجام آن معلوم نیست (یادداشت شماره ۹).

در لوحی حضرت عبدالبهاء در باره سه نمازی که در بین احباء معمول است می‌فرمایند: **انّ فی کلّ کلمة و حرکة من الصلوة لاشارات و حکمة و اسرار تعجز البشر عن ادراکها و لا تسع المکاتیب و الاوراق.**

طبق بیان حضرت ولیّ امرالله چند دستور ساده‌ای را که جمال قدم برای تلاوت بعضی از ادعیه معینه نازل فرموده‌اند نه تنها اهمیت روحانی دارد، بلکه انسان را در حصر توجه در احیان دعا و تفکر و تأمل در آیات مبارکه یاری می‌نماید.

۵- حین الزوال و فی البکور و الاصال (بند ۶)

جمال مبارک در تعریف کلمات بکُور، زوال و آصال که برای اوقات برگزاری صلات وسطی معین شده می‌فرمایند که این اوقات مقارن است با حین اشراق الشَّمس و الزَّوال و الغروب (سؤال و جواب، فقرة ۸۳). سپس توضیح می‌فرمایند که مهلت صلات صبح الی زوال و من الزَّوال الی الغروب و من الغروب الی ساعتین است. مضافاً حضرت عبدالبهاء تبیین می‌فرمایند که موعد صلات صبح از طلوع فجر است.

تعریف کلمه زوال که من الزَّوال الی الغروب ذکر شده راجع به هر دو صلات صغیر (شهادت حین زوال) و صلات وسطی می‌باشد.

۶- و عفونا عدّة اخری (بند ۶)

تعداد رکعات نماز در دور بیان و همچنین در اسلام بیش از نه رکعتی است که در کتاب اقدس تعیین گشته (یادداشت شماره ۴). حضرت نقطه اولی در کتاب مبارک بیان برای صلات نوزده رکعت معین فرموده بودند که باید در بیست و چهار ساعت یکبار ادا شود (از ظهر یک روز تا ظهر روز بعد). صلات اسلامی در هر روز پنج مرتبه ادا می‌شود، یعنی طلوع فجر، ظهر، بعد از ظهر، غروب و شام. گرچه تعداد رکعات به نسبت اوقات نماز تغییر می‌یابد، مجموعاً در طول روز هفده رکعت است.

۷. اذا اردتم الصلوة ولوا وجوهكم شطرى الاقدس
المقام المقدس الذى جعله الله ... مقبل اهل
مدائن البقاء (بند ۶)

مقبل، یعنی محلی که نمازگزار به طرف آن توجه می‌کند، که قبله
نامیده می‌شود. مفهوم قبله در ادیان گذشته نیز موجود بوده است.
قبله در ایام پیشین اورشلیم بود. حضرت رسول اکرم آن را تغییر
داده مکه را قبله قرار فرمودند. دستور حضرت اعلی در کتاب
بیان عربی در مورد قبله چنین است:

انما القبلة من يظهرة الله متى ينقلب تنقلب الى ان
يستقر.

مضمون این فقره را جمال اقدس ابهی در کتاب مستطاب اقدس
(بند ۱۳۷) نقل و تأیید فرموده‌اند. همچنین در باره توجه به قبله
می‌فرمایند: در صلات حکم قبله ثابت (سؤال و جواب،
فقرات ۱۴ و ۶۷)، ولی در مورد سایر ادعیه و اذکار افراد مختارند
بهر سمتی که بخواهند توجه نمایند.

۸. و عند غروب شمس الحقيقة و التّبيان المقرّر
الذی قدرناه لكم (بند ۶)

جمال قدم مقرر فرموده‌اند که پس از صعود آن حضرت قبله اهل

بهاء محل استقرار عرش مطهر است. حضرت عبدالبهاء این مقام مقدس یعنی روضه مبارکه را که در بهجی (عکّا) واقع است «مرقد منور» و «مطاف ملأ اعلی» توصیف فرموده‌اند. در توقیعی که حسب الامر حضرت ولی امرالله صادر گشته در اهمیت روحانی توجه به قبله مثال ذیل را بیان فرموده‌اند:

همان طور که گیاه جهت حیات و رشد خود به طرف نور آفتاب متمایل است، ما هم در احیان دعا و مناجات قلوبمان را به مظهر الهی، جمال اقدس ابهی متوجه می‌سازیم ... و توجه ظاهری ... به تربت مقدّسش را در عالم خاک رمزی از توجه باطنی خود می‌شماریم. (ترجمه)

۹. قد فصلنا الصلوة فی ورقة اخری (بند ۸)

اصل صلات نه رکعتی را جمال مبارک نظر به حکمت در لوحی مجزاً نازل فرمودند (سؤال و جواب، فقرة ۶۳). متن این صلات در زمان حیات عنصری هیکل اقدس به مؤمنین ارسال نشد و سه نمازی که اکنون مورد استفاده احباء است جایگزین آن گردید. اندکی بعد از صعود جمال اقدس ابهی، میرزا محمد علی، ناقض اکبر متن صلات نه رکعتی و تعدادی از الواح دیگر را به سرقت برد.

۱۰۔ صلوة المیت (بند ۸)

صلات میت تنها نمازی است که به طور جماعت برگزار می شود (به «ملحقات کتاب مستطاب اقدس» مراجعه شود). طرز اداء این صلوات آن است که حضار ساکت می ایستند و یکی از احباء آن را تلاوت می کند (یادداشت شماره ۱۹). به موجب بیان جمال مبارک صلوات میت ... مخصوص کبار است (سؤال و جواب، فقرة ۷۰) و وقت اداء صلوات قبل از دفن میت است و توجه به قبله در موقع تلاوت این نماز لازم نیست (سؤال و جواب، فقرة ۸۵). جزئیات دیگر مربوط به صلوات میت در جزوه «تلخیص و تدوین حدود و احکام»، قسمت د، ۱۳-۱ تا ۱۴-۱ خلاصه شده است.

۱۱۔ قد نزلت فی صلوة المیت ست تکبیرات من الله منزل الآیات (بند ۸)

صلوات میت از چند فقرة تشکیل شده. یک فقرة آن عبارت از تکرار شش مرتبه تکبیر «الله ابهی» است. بعد از اداء هر تکبیر یکی از شش آیه ای که مخصوص این صلوات نازل شده نوزده بار تلاوت می گردد. این آیات با آیات صلوات میت که حضرت نقطه اولی در کتاب مبارک بیان نازل فرموده اند تطابق کامل دارد. جمال اقدس ابهی مناجاتی به اول این فقرات اضافه فرموده اند.

۱۲- لا يبطل الشعر صلواتكم و لا ما منع عن الروح
مثل العظام و غيرها البسوا السّمور كما تلبسون
الخزّ و السّنجاب و ما دونهما (بند ۹)

پیروان بعضی از ادیان گذشته بر این عقیده‌اند که اگر موی برخی از حیوانات و یا بعضی اشیاء معین دیگر همراه نمازگزار یا بر لباس او باشد سبب بطلان نماز می‌گردد. حضرت نقطه اولی در کتاب مبارک بیان عربی می‌فرمایند که این اشیاء مبطل صلات نیست و جمال مبارک این مطلب را در آیه فوق تأیید فرموده‌اند.

۱۳- قد فرض علیکم الصلوة و الصّوم من اول
البلوغ (بند ۱۰)

جمال اقدس ابھی در تعیین سنّ بلوغ شرعی می‌فرمایند: بلوغ در سال پانزده است نساء و رجال در این مقام یکسان است (سؤال و جواب، فقرة ۲۰). برای اطلاع از جزئیات مربوط به مدت ایام صیام به یادداشت شماره ۲۵ مراجعه شود.

۱۴- من كان في نفسه ضعف من المرض او الهرم
(بند ۱۰)

کسانی که بر اثر بروز مرض یا کبر سنّ ضعف بر آنان مستولی شده

باشد از صوم و صلوات معافند. جمال مبارک می‌فرمایند: از برای صوم و صلوات عند الله مقامی است عظیم ولکن در حین صحت فضلش موجود و عند تکسر عمل به آن جایز نه (سؤال و جواب، فقرة ۹۳). در تعیین سنّ هرم می‌فرمایند: نزد اهل بهاء تجاوز از سبعین است (سؤال و جواب، فقرة ۷۴). حضرت ولیّ امرالله در این مورد فرموده‌اند که هر شخصی به سنّ هرم رسد، چه مبتلا به ضعف باشد چه نباشد، مطلقاً مشمول عفو است.

معافیت از صوم به طبقات خاصّ دیگری نیز اعطاء شده که صورت آن در جزوه «تلخیص و تدوین حدود و احکام»، قسمت د، ۲-۵ مندرج است. برای اطلاعات بیشتر در این باره به یادداشتهای شماره ۲۰، ۳۰ و ۳۱ مراجعه شود.

۱۵- قد اذن الله لكم السّجود علی کلّ شیء طاهر و رفعنا عنه حکم الحدّ فی الکتاب (بند ۱۰)

سجود در ادیان گذشته غالباً از آداب لازمه صلوات محسوب می‌شود. در کتاب مبارک بیان عربی حضرت نقطه اولی به مؤمنین دوره بیان فرموده بودند که پیشانی خود را در وقت سجود بر بلور نهند. همین طور در اسلام در مورد اشیائی که بر آن سجده جایز

است شرایط و قواعدی معمول است. جمال اقدس ابهی همه این محدودیتها را ملغی نموده تصریح می‌فرمایند که سجود بر هر شیء پاکی جایز است.

۱۶- من لم یجد الماء یذكر خمس مرّات بسم الله الاطهر الاطهر ثم یشرع فی العمل (بند ۱۰)

وضو عبارت است از شستن دست و صورت به نیت اداء نماز. اگر آب یافت نشود باید آیه‌ای مخصوص که برای این منظور نازل گردیده پنج مرتبه تکرار شود. برای اطلاعات کلی در باره وضو به یادداشت شماره ۳۴ مراجعه شود. حکم تیمم در صورت عدم وجود آب در ادوار پیشین سابقه دارد و در قرآن کریم و کتاب مبارک بیان عربی نیز نازل شده است.

۱۷- و البلدان الّتی طالت فیها اللّیالی و الاّیام فلیصلوا بالسّاعات و المشاخص الّتی منها تحدّدت الاوقات (بند ۱۰)

این حکم مربوط به نقاطی است که در اماکن بعیده شمالی یا جنوبی واقع و طول مدت شب و روز در آن نقاط تفاوت بسیار دارد (سؤال و جواب، فقرات ۶۴ و ۱۰۳). این حکم شامل صوم نیز می‌شود.

۱۸- قد عفونا عنکم صلوة الآيات (بند ۱۱)

نماز آیات در بین مسلمین معمول است، در مواقع حدوث وقایع طبیعی از قبیل زلزله، کسوف و خسوف و دیگر پدیده‌هایی که موجب خوف است و آنها را از آفات سماویّه محسوب می‌دارند این نماز را ادا می‌کنند. لزوم برگزاری این نماز را جمال اقدس ابھی ملغی و به جایش آیه العظمة لله ربّ ما یری و ما لا یری ربّ العالمین را نازل فرموده‌اند. تلاوت این آیه از واجبات نیست (سؤال و جواب، فقرة ۵۲).

۱۹- قد رفع حکم الجماعة الا فی صلوة المیت (بند ۱۲)

حکم نماز جماعت، مثل صلاتی که در اسلام معمول است و مردم روزهای جمعه در مسجد به امام جماعت اقتدا می‌نمایند، در امر بهائی منسوخ و تحریم گردیده است. تنها نماز جماعتی که در این امر حکمش نازل شده صلات میت است (یادداشت شماره ۱۰). این صلات را یکی از حضار، بدون آنکه توجه به سمت مخصوصی داشته باشد، تلاوت می‌کند و سایرین ساکت ایستاده استماع می‌نمایند. در موقع اداء این صلات توجه به قبله لازم نیست (سؤال و جواب، فقرة ۸۵). هر یک از نمازهای سه‌گانه که اداء آن در طول

مدت شبانه روز فرض است انفرادی برگزار می‌شود نه به طور جماعت .

برای تلاوت سایر ادعیه نیز در امر بهائی هیچ طریق خاصی وجود ندارد . احبّاء مختارند ادعیه غیر مفروض را چه در اجتماعات و چه در تنهائی به نحو دلخواه تلاوت نمایند . در این خصوص حضرت ولی امر الله می‌فرمایند :

... گرچه یاران مختارند که در این مورد طبق تمایلات خود عمل نمایند ... باید بسیار مراقب باشند که هر طریقی را که اتخاذ می‌نمایند حالت تصلّب پیدا نکند و به صورت آداب مرسومه در نیاید . این نکته‌ای است که احبّاء باید همیشه در نظر داشته باشند که مبدا از طریق واضحی که در تعالیم مبارک ارائه شده منحرف گردند . (ترجمه)

۲۰۔ قد عفا الله عن النساء حين ما يجدن الدم
الصّوم و الصّلوة (بند ۱۳)

معافیت از صوم و صلوات در مواقع عادت ماهیانه به نساء اعطاء گردیده، در آن ایام نسوان در عوض اداء صلوات یومیّه وضو گرفته (یادداشت شماره ۳۴)، نود و پنج مرتبه آیه سبحان الله ذی

الطلعة و الجمال را در یک مرتبه، از ظهر یک روز تا ظهر روز بعد، تکرار می‌نمایند. سابقه این حکم در کتاب مبارک بیان عربی موجود است.

در بعضی از ادیان قبل، نسوان در موقع عادت ماهیانه از نظر شعایر دینی ناپاک محسوب می‌شدند و از انجام فرایض صوم و صلوات محروم بودند. جمال اقدس ابهی مفهوم شرعی نجس بودن افراد و اشیاء را از میان برداشته‌اند (یادداشت شماره ۱۰۶).

طبق توضیح بیت العدل اعظم معافیت از انجام بعضی از فرایض و وظایف دینی که در کتاب مستطاب اقدس نازل گردیده، همان طور که مفهوم کلمه می‌رساند، معافیت است نه تحریم. بنا بر این افراد احبائی که مشمول معافیت هستند مختارند در صورتی که مایل باشند این معافیت را منظور ندارند. در عین حال بیت العدل اعظم توصیه می‌فرمایند که احبّاء در اتخاذ تصمیم حکیمانه قضاوت نمایند و متوجه باشند که در اعطای چنین معافیهائی جمال مبارک حکم و مصالحی را منظور داشته‌اند. معافیت از انجام صلوات که در اصل مربوط به نماز نه رکعتی بوده همچنان شامل سه نمازی است که جایگزین آن گردیده است.

۲۱- و لكم و لهنّ فی الاسفار اذا نزلتم و

استرحتم المقام الامن مكان كل صلوة سجدة
واحدة (بند ۱۴)

معافیت از صلات در مواقعی است که ناامنی به حدی باشد که اداء
صلات را برای نمازگزار غیر ممکن سازد. این معافیت هم در
سفر و هم در حضر قابل اجرا است و باعث می‌شود تا قضای
نمازهائی که به خاطر عدم امنیت فوت شده به جا آورده شود.
جمال مبارک تصریح فرموده‌اند که در سفر اگر موقع امن باشد
صلات ساقط نه (سؤال و جواب، فقرة ۵۸).

فقرات ۲۱، ۵۸، ۵۹، ۶۰ و ۶۱ رساله (سؤال و جواب) این موضوع
را مبسوطاً بیان می‌کند.

۲۲- و بعد اتمام السجود لكم و لهنّ ان تقعدوا
على هیکل التوحید (بند ۱۴)
مراد از هیکل التوحید چهار زانو نشستن است.

۲۳- قل قد جعل الله مفتاح الكنز حبی المکنون
(بند ۱۵)

در اسلام حدیثی است مشهور در باره خدا و خلق موجودات از این
قرار:

كنت كنزاً مخفياً فاحببت ان اعرف فخلقت الخلق لكي اعرف .

در بعضی از آثار مبارکه به این حدیث اشاره شده . مثلاً جمال مبارک در یکی از مناجاتها می فرمایند :

سبحانک اللّٰهمّ یا الهی اشهد انک انت کنت کنزاً مکنوناً فی غیب ذاتیتک و رمزاً مخزوناً فی کینوتک فلما اردت ان تعرف فخلقت العالم الاکبر و الاصغر و اخترت منهما الانسان و جعلته حاکیاً عنهما یا ربنا الرّحمن و اقمته مقام نفسک بین ملاء الامکان و جعلته مطلع اسرارک و مشرق وحیک و الهامک و مظهر اسمائک و صفاتک الّذی به زینت دیباج کتاب الابداع یا مالک الاختراع (مناجات) ، فقرة (۳۸) .

همچنین در کلمات مکنونه می فرمایند :

یا ابن الانسان احببت خلقک فخلقتک فاحببنی کی اذکرک و فی روح الحیاة اثبتک .

حضرت مولی الوری در تفسیر حدیث فوق می فرمایند :

ای سالک سبیل محبوب ، بدان اصل مقصود در این حدیث قدسی ذکر مراتب ظهور و بطون است در اعراش حقیقت که مشارق عز هویّتند . مثلاً قبل از اشتعال و

ظهور، نار احدیه بنفسها لنفسها در هویت غیب مظاهر کلیه است. آن مقام کنز مخفی است و چون آن شجره مبارکه بنفسها لنفسها مشتعل گردد و آن نار موقده ربانیه بذاتها لذاتها برافروزد آن مقام «فاحببت ان اعرف» است و چون از مشرق ابداع به جمیع اسماء و صفات نامتناهیة الهیه بر امکان و لامکان مشرق گردد آن مقام ظهور خلق بدیع و صنع جدید است که مقام «فخلقت الخلق» است و چون نفوس مقدسه حجبات کلّ عوالم و سبحات کلّ مراتب را خرق نمایند و به مقام مشاهده و لقاء فایز شوند در آن وقت علت خلق ممکنات که عرفان حق است مشهود گردد.

۲۴. قلم الاعلیٰ (بند ۱۶)

مقصود از قلم اعلیٰ که در آثار مبارکه به آن اشاره شده نفس جمال قدم است. این اصطلاح معرف شأن آن حضرت در نزول آیات است.

۲۵. قد کتبنا علیکم الصیام ایاماً معدودات

(بند ۱۶)

صوم و صلات دو رکن از ارکان شریعت الله است. جمال اقدس ابهی

در یکی از آثار مبارکه می‌فرمایند که احکام صلات و صوم را جهت تقرّب مؤمنین به بارگاه الهی نازل فرموده‌اند .

حضرت ولیّ امرالله در مورد ماه صیام که در آن از طلوع تا غروب آفتاب باید از اکل و شرب امساک نمود چنین می‌فرمایند :

ایام صیام ... اساساً دوره‌ای است برای تفکّر و دعا و تجدید قوای روحانی ، دوره‌ای که شخص مؤمن باید بکوشد تا صفای باطن که لازمهٔ حیات معنوی است در او حاصل شود و نیروهای روحانی را که در ذاتش نهفته است قوّت و طراوت بخشد . بنا بر این حقیقت و مقصد صیام اصولاً امری است روحانی . صوم رمزی است از کفّ نفس و تذکّاری است برای اجتناب از هواهای نفسانی و شهوانی . (ترجمه)

صوم بر همهٔ افراد اهل بهاء از پانزده تا هفتاد سالگی فرض است . خلاصه‌ای از جزئیات مربوط به حکم صوم و معافیت افراد در جزوهٔ «تلخیص و تدوین حدود و احکام» ، قسمت د ، ۱-۲ تا ۶-۲ مندرج است . برای مطالعه در بارهٔ معافیت از صوم به یادداشت‌های شمارهٔ ۱۴ ، ۲۰ ، ۳۰ و ۳۱ مراجعه شود .

ایام نوزده روزهٔ صیام مقارن است با شهرالعلاء از تقویم بدیع که معمولاً مصادف است با دوم الی بیستم ماه مارس . شهرالعلاء

بلافاصله بعد از ایام هاء شروع می‌شود (یادداشت‌های شماره ۲۷ و ۱۴۷) و خاتمه‌اش آغاز عید نوروز است (یادداشت شماره ۲۶).

۲۶- و جعلنا النّیروز عیداً لکم بعد اکمالها (بند ۱۶)
حضرت نقطه اولی تقویم جدیدی وضع فرموده‌اند که به تقویم بدیع یا تقویم بهائی معروف شده است (یادداشت‌های شماره ۲۷ و ۱۴۷). طبق این تقویم طول یک روز عبارت از فاصله زمانی بین غروب یک یوم است تا غروب یوم بعد. در کتاب مبارک بیان حضرت اعلی شهرالعلاء را به شهر صیام تخصیص داده و خاتمه‌اش را نوروز مقرر داشته و آن را یوم الله نامیده‌اند. حضرت بهاء الله این تقویم را تأیید و نوروز را از اعیاد امری محسوب فرموده‌اند.

نوروز روز اول سال نو و مقارن است با اعتدال ربیعی در نیم کره شمالی. این روز معمولاً با ۲۱ ماه مارس مصادف می‌شود. جمال مبارک می‌فرمایند که عید نوروز همان یومی است که در آن آفتاب به برج حمل تحویل می‌گردد (یعنی اعتدال ربیعی)، حتی اگر این تحویل یک دقیقه به غروب مانده صورت گیرد (سؤال و جواب، فقرة ۳۵). با توجه به زمان تحویل آفتاب، روز نوروز ممکن است با ۲۰، ۲۱ یا ۲۲ ماه مارس مقارن گردد.

جمال اقدس ابهی تفصیل بسیاری از احکام را به تشریح بیت العدل

اعظم موکول فرموده‌اند . جزئیات مربوط به تقویم بهائی از جمله مطالبی است که بیت العدل اعظم باید در باره آن تصمیم بگیرند . حضرت ولی امرالله می‌فرمایند که برای تعیین دقیق وقت نوروز باید نقطه مشخصی روی کره زمین در نظر گرفته شود و وقت تحویل سال در آن نقطه میزان بدایت سال نو در سراسر عالم قرار گیرد . انتخاب این نقطه را منوط به تصمیم بیت العدل اعظم فرموده‌اند .

۲۷- و اجعلوا الايام الزائدة عن الشهور قبل شهر الصیام (بند ۱۶)

اساس تقویم بدیع سال شمسی است که ۳۶۵ روز و ۵ ساعت و تقریباً ۵۰ دقیقه است . تقویم بدیع شامل نوزده ماه نوزده روزه است که جمعاً ۳۶۱ روز می‌شود . چهار روز باقی مانده که در سالهای کبیسه پنج روز می‌گردد ، ایام هاء است . حضرت نقطه اولی موقع ایام هاء را در تقویم صریحاً معین نفرمودند . حضرت بهاءالله در کتاب مستطاب اقدس آن ایام زائده را بلافاصله قبل از شهرالعلاء که شهر صیام است قرار داده‌اند . برای اطلاع بیشتر به کتاب «عالم بهائی» ، مجلد هجدهم ، قسمت تقویم بهائی مراجعه شود .

۲۸- اَنَا جَعَلْنَاهَا مَظَاهِرَ الْهَاءِ (بند ۱۶)

ایام زائده در تقویم که به ایام هاء معروف است امتیازش در این است که مظاهر حرف «هاء» می باشد. ارزش عددی حرف «هاء» به حساب ابجد پنج است که با حدّ اعلاّی ایام زائده مطابق است. در آثار مبارکه حرف «هاء» مبین معانی روحانی متعدّدی است و از جمله رمزی از هویت الهیه می باشد.

۲۹- وَاِذَا تَمَّتْ اَيَّامُ الْاِعْطَاءِ قَبْلَ الْاِمْسَاكِ (بند ۱۶)

جمال اقدس ابهی به پیروان خود امر فرموده اند که ایام هاء را با وجد و سرور به برگزاری ضیافات و انفاق به فقرا اختصاص دهند. حضرت ولیّ امرالله می فرمایند که ایام هاء مخصوص مهمان نوازی و اعطاء هدایا و غیره می باشد.

۳۰- لَيْسَ عَلَي الْمَسَافِرِ... مِنْ حَرْجِ (بند ۱۶)

حضرت بهاء الله حدّ اقلّ مدّت سفر را که مشمول معافیت از صوم می شود معین فرموده اند (سؤال و جواب، فقرات ۲۲ و ۷۵). جزئیات این حکم در جزوه «تلخیص و تدوین حدود و احکام»، قسمت د، ۱-۱-۲ تا ۱-۵-۲ خلاصه شده.

بر حسب بیان حضرت ولیّ امرالله مسافرین گرچه از فریضه صوم

معافند ، ولی مختارند که اگر بخواهند صائم گردند . و این معافیت شامل تمام طول مدت سفر است ، نه فقط ساعاتی که شخص مسافر در قطار راه آهن یا اتومبیل و غیره می گذراند .

۳۱۔ لیس علی المسافر و المریض و الحامل و المرضع من حرج عفا الله عنهم فضلا من عنده (بند ۱۶)

کسانی که از صوم معافند عبارتند از بیماران ، سالخوردگان (یادداشت شماره ۱۴) ، زنان در ایام عادت ماهیانه (یادداشت شماره ۲۰) ، مسافران (یادداشت شماره ۳۰) ، زنان باردار و زنان مرضع . این معافیت شامل کسانی که به اشغال شاقه اشتغال دارند نیز می گردد ولی به آنان توصیه شده که در آن ایام قناعت و ستر لاجل احترام حکم الله و مقام صوم اولی و احب (سؤال و جواب ، فقرة ۷۶) . حضرت ولی امر الله فرموده اند که بیت العدل اعظم نوع کارهائی را که مشمول معافیت از صوم می شود تعیین خواهند کرد .

۳۲۔ کفّوا انفسکم عن الاکل و الشرب من الطلوع الی الافول (بند ۱۷)

این آیه طول مدّت صوم را معین می‌کند. حضرت مولی‌الوری در یکی از الواح، بعد از بیان اینکه صوم عبارت از کفّ نفس است از جمیع مأكولات و مشروبات می‌فرمایند دخان از جمله مشروبات است. در لسان عربی کلمه شرب به استعمال دخان نیز اطلاق می‌شود.

۳۳. قد کتب لمن دان بالله الدیان ان یغسل فی کلّ یوم یدیه ثمّ وجهه ... و یذکر خمساً و تسعین مرّة الله ابھی (بند ۱۸)

در اسلام حدیثی دالّ بر این مطلب است که از میان اسماء متعدّد خدا یکی از همه عظیمتر است، ولی هویت این اسم تا به حال مستور بود تا آنکه جمال قدم تأیید فرمودند که بهاء اسم اعظم الهی است. عبارت الله ابھی یکی از شئون اسم اعظم است (یادداشت شماره ۱۳۷).

مشتقات کلمه بهاء نیز اسم اعظم محسوب می‌شود. حضرت ولیّ امرالله در توقیعی که حسب الامر مبارک صادر گشته فرموده‌اند که نام بهاء الله اسم اعظم است و عبارات یا بهاء الابهی در مقام استغاثه و الله ابھی در مقام تحیت هر دو بر نفس مقدّس حضرت بهاء الله دلالت دارد. معنی و مقصود از اسم اعظم آن است که

جمال قدم به اجلّ و اعظم اسماء الهی مبعوث گشته‌اند ، یعنی مقام آن حضرت مقام مظهر کلی الهی است .
 تحیّت الله ابهی در زمان سرگونی جمال مبارک در ادرنه متداول شد .
 گرفتن وضو قبل از ذکر نود و پنج مرتبه الله ابهی در روز لازم است
 (یادداشت شماره ۲۴) .

۳۴_ کَذَلِکَ تَوْضَاؤًا لِلصَّلَاةِ (بند ۱۸)

گرفتن وضو از شرایط لازمه در تلاوت بعضی ادعیّه مبارکه است .
 قبل از به جا آوردن هر یک از سه صلات یومیّه و ذکر نود و پنج مرتبه «الله ابهی» و آیه‌ای که نسوان در ایام عادت ماهیانه به جای نماز و روزه تلاوت می‌نمایند گرفتن وضو واجب است (یادداشت شماره ۲۰) .

وضو عبارت از شستن دست و صورت به نیت اداء نماز است . در مورد صلات وسطی شستن دست و صورت با تلاوت آیاتی مخصوص توأم است (به «ملحقات کتاب مستطاب اقدس» رجوع شود) .

اهمیت وضو صرفاً در شستن دست و صورت نیست . چنانکه اگر نفسی حتی بلافاصله بعد از استحمام نیت نماز نماید ، باز گرفتن وضو برایش لازم است (سؤال و جواب ، فقرة ۱۸) .

هرگاه آب برای وضو موجود نباشد ، بجای وضو آیه‌ای مخصوص

پنج مرتبه باید تکرار شود (یادداشت شماره ۱۶). همچنین کسانی که از نظر صحی استفاده از آب برایشان مضر باشد مشمول این حکم می‌باشند (سؤال و جواب، فقره ۵۱).

مقررات مشروح حکم وضو در جزوه تلخیص و تدوین حدود و احکام، قسمت د، ۱-۱۰-۱ تا ۱-۱۰-۷ و همچنین در رساله سؤال و جواب، فقرات ۵۱، ۶۲، ۶۶، ۷۷ و ۸۶ مندرج است.

۳۵- قد حرم علیکم القتل (بند ۱۹)

حرمت ارتکاب قتل را جمال اقدس ابهی در کتاب مستطاب اقدس (بند ۷۳) تکرار فرموده‌اند. برای قتل عمدی مجازات‌هایی معین شده است (یادداشت شماره ۸۶). در مورد قتل غیر عمدی، پرداخت مبلغ معینی به عنوان خونبها به خانواده شخص مقتول لازم است (کتاب مستطاب اقدس، بند ۱۸۸).

۳۶- قد حرم علیکم ... الزنا (بند ۱۹)

کلمه زنا در لغت شامل زنای محصن و غیر محصن هر دو می‌باشد، یعنی هم به روابط جنسی بین یک فرد متأهل با کسی که همسر او نیست و هم به طور کلی به روابط جنسی خارج از محدوده ازدواج اطلاق می‌شود. جریمه‌ای را که جمال اقدس ابهی مقرر فرموده‌اند

برای مرد و زن غیر محصن است که مرتکب زنا شوند (یادداشت شماره ۷۷). تعیین مجازات مربوط به سایر تخلفات جنسی، من جمله زنا، به عنف به تصمیم بیت العدل اعظم محول شده است.

۳۷- ثمّ الغيبة و الافتراء (بند ۱۹)

جمال قدم در الواح عدیده غیبت، افتراء و عیب جوئی از دیگران را از اعمال ممنوعه محرمه محسوب داشته، چنانکه در کلمات مکتوبه می‌فرمایند: یا ابن الوجود کیف نسیت عیوب نفسک و اشتغلت بعیوب عبادی من کان علیّ ذلک فعلیه لعنة منی. و نیز می‌فرمایند: یا ابن الانسان لا تنفس بخطاء احد ما دمت خاطئاً و ان تفعل بغير ذلک ملعون انت و انا شاهد بذلك. در کتاب عهدی لسان عظمت به این انداز شدید ناطق قوله الاحلی: به راستی می‌گویم لسان از برای ذکر خیر است او را به گفتار زشت می‌آلایید عفا الله عما سلف از بعد باید کل بما ینبغی تکلم نمایند از لعن و طعن و ما یتکدر به الانسان اجتناب نمایند.

۳۸- قد قسمنا الموارث علی عدد الزّاء (بند ۲۰)

احکام مربوط به ارث فقط در صورتی مجری می‌گردد که شخص متوفی وصیت نامه به جا نگذاشته باشد. در کتاب مستطاب اقدس (بند ۱۰۹) امر به نوشتن وصیت نامه نازل گشته است. در جای دیگر صریحاً می‌فرمایند که هر فردی بر مایملک خود اختیار تام دارد و آزاد است هر طور اراده نماید وصیت کند که ارث او بین هر کس، خواه بهائی یا غیر بهائی، تقسیم شود (سؤال و جواب، فقرة ۶۹). در توقیعی که حسب الامر حضرت ولی امر الله صادر شده توضیحات ذیل مندرج است:

گرچه احبّاء مجازند در وصیت نامه مایملک خویش را به اراده خود تقسیم نمایند، اما اخلاقاً و وجداناً موظّفند که در نوشتن وصیت نامه دستور جمال مبارک را در مورد اثرات ثروت در جامعه همیشه در نظر گرفته و آن را مراعات نمایند و از جمع مال به حدّ افراط و تمرکز آن در بین افرادی معدود و یا گروه‌هایی محدود اجتناب نمایند. (ترجمه)

آیه مذکور در کتاب اقدس مقدّمه قسمت مفصلی است که در طی آن جمال قدم جزئیات احکام ارث را تشریح می‌فرمایند. در مطالعه این قسمت باید در نظر داشت که گرچه چنین بر می‌آید که این حکم در موردی است که شخص متوفی مرد باشد ولی فی الجمله

احکام مزبور در مورد زنان متوفی نیز قابل اجرا است. اصول احکام ارث که طبق آن دارائی شخص متوفی بین هفت طبقه (اولاد، همسر، پدر، مادر، برادران، خواهران و معلمین) تقسیم می‌شود بر پایه احکامی استوار است که حضرت نقطه اولی در کتاب مبارک بیان نازل فرموده‌اند. تفصیل عمده احکام ارث، در صورت فقدان وصیت نامه، از این قرار است:

۱- در صورتی که شخص متوفی ذریه داشته و ماترک او شامل خانه مسکونی نیز باشد، خانه مسکونی به پسر ارشد می‌رسد (سؤال و جواب، فقرة ۲۴).

۲- در صورتی که شخص متوفی فرزند ذکور نداشته باشد، دو ثلث خانه مسکونی به ذریه دختر و ثلث دیگر به بیت العدل راجع است (سؤال و جواب، فقرات ۴۱ و ۷۲). در باره اینکه در این مقام مراد بیت العدل اعظم یا بیت العدل محلی است به یادداشت شماره ۴۲ مراجعه شود. (به یادداشت شماره ۴۴ نیز مراجعه شود).

۳- مابقی دارائی شخص متوفی بین هفت طبقه وراثت تقسیم می‌شود. جزئیات مربوط به سهم هر گروه در رساله «سؤال و جواب»، فقرة ۵ و جزوه «تلخیص و تدوین حدود و احکام»، قسمت د، ۱-۳-۳ مندرج است.

۴- در صورتی که تعداد وراثت موجود در هر طبقه بیش از یک فرد

باشد، سهم آن طبقه بالسّویّه بین آنها، اعمّ از زن و مرد، تقسیم می‌شود.

۵- در صورتی که ذریه موجود نباشد، سهم اولاد به بیت العدل راجع است (سؤال و جواب، فقرات ۷ و ۴۱).

۶- در صورتی که ذریه موجود ولی سایر طبقات وراثت کلاً یا بعضاً مفقود باشند، دو ثلث سهام آنان به ذریه و ثلث دیگر به بیت العدل راجع است (سؤال و جواب، فقرة ۷).

۷- در صورت فقدان تمام طبقات مصرّحه، دو ثلث ماترک به خواهرزاده‌ها و برادرزاده‌های شخص متوفی می‌رسد. اگر آنها نیز نباشند سهمشان به عمّه، خاله، عمو و دایی راجع می‌شود و در صورتی که آنها هم حیات نداشته باشند به فرزندانشان می‌رسد. در هر حال ثلث باقی مانده به بیت العدل راجع است.

۸- در صورتی که همه طبقات فوق الذکر مفقود باشند، تمام دارائی شخص متوفی به بیت العدل راجع است.

۹- حضرت بهاء الله می‌فرمایند که نفوس غیر مؤمن از والدین یا منسوبین بهائی ارث نمی‌برند (سؤال و جواب، فقرة ۳۴). حضرت ولی امرالله در توقیعی که حسب الامر مبارک مرقوم گشته چنین می‌فرمایند: این امر منحصرأ محدود به مواردی است که شخص بهائی بدون وصیت نامه فوت کند و لاجرم

ما ترک او بر طبق کتاب اقدس تقسیم شود. در غیر این صورت فرد بهائی مختار است مایملک خود را به هر شخصی بدون ملاحظهٔ دیانت ببخشد مشروط بر اینکه وصیت نامه‌ای تنظیم و نیت خود را تعیین کرده باشد. بنا بر این ملاحظه می‌کنید که شخص بهائی همواره می‌تواند برای زوجه یا اولاد و یا منسوبان غیر بهائی خود در وصیت نامه سهمی منظور دارد. (ترجمه)

جزئیات مفصلتر احکام ارث در جزوهٔ «تلخیص و تدوین حدود و احکام»، قسمت د، ۱-۳ تا ۱۵-۳ خلاصه شده است.

۳۹- للاخوان من کتاب الهاء ... و للاخوات من کتاب الدال (بند ۲۰)

در رسالهٔ «سؤال و جواب» توضیحات مفصلی در بارهٔ سهام ارث برادران و خواهران شخص متوفی مذکور است. اگر برادر و خواهر با شخص متوفی از یک پدر باشند، هر یک از آنان تمام سهم خود را دریافت می‌دارد. اما اگر از یک پدر نباشند، دو ثلث سهام به آنان می‌رسد و ثلث باقی مانده به بیت العدل راجع است (سؤال و جواب، فقرة ۶). علاوه بر آن، در صورتی که شخص متوفی در بین ورثه برادران و خواهران تنی داشته باشد، برادران و

خواهران ناتنی از طرف مادر ارث نمی‌برند (سؤال و جواب، فقرة ۵۳).
برادران و خواهران ناتنی مادری البته از ماترک پدر خودشان ارث
می‌برند.

۴۰۔ و للمعلمین (بند ۲۰)

حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح معلمینی را که به تربیت روحانی
اطفال مشغولند به منزله پدر روحانی که به فرزند خود زندگانی
جاودانی می‌بخشد محسوب داشته می‌فرمایند: این است که از
وراثت به موجب شریعت الله معدودند.

حضرت بهاء الله شرایط ارث بردن معلم را تصریح و سهم او را تعیین
فرموده‌اند (سؤال و جواب، فقرة ۳۳).

۴۱۔ اَنَا لَمَّا سَمِعْنَا ضَجِيجَ الذَّرِّيَّاتِ فِي الْاَصْلَابِ

زَدْنَا ضَعْفًا مَا لَهُمْ وَ نَقَصْنَا عَنِ الْاٰخِرَى (بند ۲۰)

طبق احکام کتاب مبارک بیان به اولاد شخص متوفی نه قسمت
ارث تعلق می‌گرفت که عبارت بود از ۵۴۰ سهم. و این مقدار
کمتر از ربع ماترک شخص متوفی است. جمال اقدس ابهی سهم
آنان را مضاعف فرمودند که به ۱۰۸۰ سهم بالغ می‌گردد و از سهام
شش طبقه دیگر وراثت کاستند و در آیه فوق اصل مقصد این حکم

و چگونگی توزیع میراث را بیان می‌فرمایند (سؤال و جواب، فقرة ۵).

۴۲. بیت العدل (بند ۲۱)

در کتاب مستطاب اقدس هرگاه ذکر بیت العدل آمده جمال مبارک واضحاً تصریح نفرموده‌اند که مراد بیت العدل اعظم است یا بیت العدل محلی، یعنی دو مؤسسه‌ای که تشکیلش در امّ الکتاب مصرّح است. هیکل اطهر ذکر «بیت العدل» را به طور کلی می‌فرمایند. در این صورت تشخیص اینکه کدام یک از این بیوت عدل مقصود است بستگی به اجرای هر حکمی دارد که در آینده باید تعیین گردد. در یکی از الواح حضرت عبدالبهاء مال بی وارث را از جمله منابع درآمد مخزن محلی به حساب می‌آورند. این امر می‌رساند که مقصد از بیت العدل که در فقرات مربوط به ارث در کتاب مستطاب اقدس مذکور گشته بیت العدل محلی است.

۴۳. و الَّذِي لَهُ ذَرِيَّةٌ و لم يكن ما دونها (بند ۲۲)

حضرت بهاء الله توضیح می‌فرمایند که این حکم در کل و بعض هر دو جاری است یعنی هر کدام از سایر ورّاث نباشند دو ثلث به ذریه راجع و ثلث به بیت عدل (سؤال و جواب، فقرة ۷).

۴۴. و جعلنا الدّار المسكونة و الالبسة المخصوصة
 للذّریة من الذّکران دون الاناث و الوراث (بند ۲۵)
 در لوحی حضرت عبدالبهاء می فرمایند که بیت مسکونی و البسة
 مخصوصه، در صورتی که شخص متوفی مرد باشد، به پسران او
 تعلق می یابد. اگر پسر ارشد حیات داشته باشد هر دو به او راجع
 است، و الاّ به پسر ثانی و اگر ثانی فوت شده باشد به پسر ثالث
 می رسد و قس علیّ ذلک. حضرت عبدالبهاء توضیح می فرمایند
 که این از امتیازات ولد بکر است که در جمیع شرایع الهیه رعایت
 شده، چنانچه در لوحی می فرمایند: در جمیع شرایع الهیه ولد
 بکر امتیازات فوق العاده داشته حتی میراث نبوت تعلق
 به او داشت. همراه با امتیازاتی که به پسر ارشد داده شده
 وظایفی هم به عهده او واگذار شده است. مثلاً ولد بکر وجداناً
 موظف است که محضاً لله ملاحظه مادر خود را نموده و احتیاجات
 سایر ورّاث را نیز ملحوظ دارد.

جمال اقدس ابھی در بیان این فقره از احکام ارث چنین فرموده اند
 که اگر شخص متوفی بیش از یک خانه مسکونی داشته باشد، اعلی
 و اشرف آن بیوت به فرزند ذکور می رسد. سایر بیوت، همراه با
 دیگر اموال شخص متوفی، بین ورّاث تقسیم می گردد (سؤال و جواب،
 فقرة ۲۴). اگر فرزند ذکور موجود نباشد دو ثلث بیت مسکونی و

البسة مخصوص پدر به دختران او و ثلث دیگر به بیت العدل راجع است (سؤال و جواب، فقرة ۷۲). همچنین می‌فرمایند که اگر شخص متوفی زن باشد لباسهای مستعمل او بین دخترانش به طور مساوی تقسیم می‌گردد و البسة غیر مستعمل، جواهرات و سایر اموال او بین ورثش تقسیم می‌شود. لباسهای مستعمل او نیز، اگر دختر نداشته باشد، بین همه ورث تقسیم می‌گردد (سؤال و جواب، فقرة ۳۷).

۴۵۔ انّ الذی مات فی ایام والده و له ذریّة اولئک
یرثون ما لابیهم (بند ۲۶)

این فقرة از احکام ارث در صورتی اجرا می‌شود که پسری قبل از فوت پدر یا مادرش وفات نماید. اگر دختری قبل از فوت والدینش وفات نموده و فرزندان باقی گذاشته باشد، سهم ارث او بین هفت طبقه ورث مصرحة در کتاب مستطاب اقدس تقسیم می‌گردد (سؤال و جواب، فقرة ۵۴).

۴۶۔ و الذی ترک ذریّة ضعافاً سلّموا ما لهم الی
امین (بند ۲۷)

کلمه «امین» علاوه بر معنی لغوی در حق نفوسی مصداق می‌یابد که حایز صفاتی نظیر قابلیت اعتماد، صداقت، وفاداری، راستی،

درستکاری و امثال آن باشند . در اصطلاح حقوقی کلمه «امین» به نفوسی چون معتمد ، ضامن ، متصدی ، ولی و قیم اطلاق می شود .

۴۷۔ کلّ ذلك بعد أداء حقّ الله و الدیون لو تكون علیه و تجهیز الاسباب للكفن و الدفن و حمل المیت بالعزّة و الاعتزاز (بند ۲۸)

در مورد تقسیم ارث ، جمال اقدس ابهی تصریح می فرمایند که هزینه کفن و دفن میت بر سایر مخارج مقدم است ، بعد از آن اداء دیون است و سپس پرداخت حقوق الله (یادداشت شماره ۱۲۵ ، سؤال و جواب ، فقرة ۹) . همچنین می فرمایند که پرداخت این وجوه باید از ماترک شخص متوفی سواى خانه مسکونی و البسه مخصوصه تأمین شود و اگر کافی نبود از این اموال استفاده شود (سؤال و جواب ، فقرة ۸۰) .

۴۸۔ قل هذا لهو العلم المکنون الذی لن یتغیّر لانه بدء بالطآء (بند ۲۹)

حضرت نقطه اولی در کتاب مبارک بیان عربی در وصف حکم ارث می فرمایند: ذلك من مخزون العلم فی کتاب الله لن یتغیّر و لن یدلّ . همچنین می فرمایند که ارقامی که ارثیه بر حسب آنها تقسیم می شود حایز رمزی است مُدلّ بر عرفان من یتظهره الله .

حرف ط در حساب ابجد معادل است با عدد نُه (۹) و در کتاب مبارک بیان این عدد اولین رقم است در تقسیم ارث. زیرا حضرت اعلیٰ سهم اولاد را نُه قسمت مقرر فرموده بودند. اهمیت عدد نُه در این است که معادل عدد اسم اعظم بهاء است و در این بیان مبارک به این اسم اشاره شده قوله الاحلی: اسم المخزون الظاهر الممتنع المنیع (یادداشت شماره ۳۳).

۴۹- قد كتب الله على كل مدينة ان يجعلوا فيها بيت العدل (بند ۳۰)

مؤسسه بیت العدل عبارت است از هیأت‌های انتخابی که در سطح محلی، ملی و بین المللی به تمشیت امور جامعه می‌پردازد. جمال اقدس ابهی تأسیس بیت العدل اعظم و بیت العدل محلی را در کتاب مستطاب اقدس تصریح فرموده‌اند. حضرت عبدالبهاء نیز در الواح وصایا دستور تشکیل بیت العدل خصوصی (ملی یا منطقه‌ای) را صادر و کیفیت انتخاب بیت العدل اعظم را تشریح فرموده‌اند.

مراد از بیت العدل مذکور در آیه فوق بیت العدل محلی است. این هیأت در نقاطی تشکیل می‌شود که تعداد مؤمنین مقیم و بالغ آن به نُه نفر یا بیشتر رسیده باشد. حضرت ولی امرالله برای این منظور سن بلوغ اداری را موقتاً بیست و یک سالگی مقرر و فرموده‌اند که

به ارادهٔ بیت العدل اعظم در آتیه قابل تغییر است.

بیوت عدل محلی و خصوصی در حال حاضر به محافل روحانی محلی و ملی موسومند. حضرت ولیّ امرالله می‌فرماید:

این تسمیه موقت است... در آینده چون مقاصد و مقام امر بهائی بهتر مفهوم و شناخته شود این هیأتها به اسم شایسته و دائمیشان، یعنی بیت العدل نامیده خواهند شد. اما در آینده این محافل روحانی فقط نامشان تغییر نمی‌یابد بلکه اختیارات و مسئولیتهای دیگری نیز بر وظایف کنونی آنها افزوده خواهد شد که مناسب و مطابق با شناسائی بیشتر امر حضرت بهاءالله باشد زیرا در آن زمان آئین بهائی نه فقط به عنوان یک نظام دینی بلکه به صورت دین رسمی یک کشور مستقل شناخته خواهند شد. (ترجمه)

۵۰. عدد البهَاء (بند ۲۰)

کلمهٔ «بهاء» به حساب ابجد معادل عدد ۹ است. بیت العدل اعظم و همچنین محافل روحانی محلی و ملی هر کدام در حال حاضر نه (۹) عضو دارند. این حدّ اقلّ تعداد اعضائی است که حضرت بهاءالله مقرر فرموده‌اند.

۵۱- ینبغی لهم ان یکونوا امناء الرّحمن بین
الامکان (بند ۳۰)

اختیارات و وظایف کلی بیت العدل اعظم و محافل روحانی ملی و
محلی و همچنین شرایط عضویت آنها در آثار حضرت بهاء الله و
حضرت عبدالبهاء و نیز در توابع حضرت ولی امر الله و توضیحات
بیت العدل اعظم مندرج است. وظایف عمده این مؤسسات در
اساسنامه بیت العدل اعظم و نظامنامه های محافل روحانی ملی و
محلی معین شده است.

۵۲- و یشاوروا فی مصالح العباد (بند ۳۰)

جمال اقدس ابهی امر مشورت را یکی از اصول اساسی آئین خود
قرار داده و به مؤمنین می فرماید: در جمیع امور به مشورت
متمسک شوید چه که اوست سراج هدایت راه نماید و
آگاهی عطا کند. حضرت ولی امر الله امر مشورت را یکی از
اصول مُحکمه نظم اداری بهائی محسوب فرموده اند. جمال اقدس
ابهی در رساله «سؤال و جواب»، فقره ۹۹، طریقه ای از مشاوره را
بیان و در اتخاذ تصمیم اهمیت حصول اتفاق آراء را تأکید نموده و
می فرماید که اگر اتفاق آراء حاصل نشود، رأی اکثریت قاطع است.
بنا بر تصریح بیت العدل اعظم این نحوه مشورت که در فقره فوق

مذکور شده قبل از تأسیس محافل روحانی بوده و در پاسخ به سؤالی در باره امر مشورت نازل گردیده است. در عین حال بیت العدل اعظم تأیید نموده‌اند که ایجاد محافل روحانی که همواره مرجع و مساعد احبّاء در امور است به هیچ وجه مانع از این نمی‌شود که یاران از طریق مذکور در رساله «سؤال و جواب» نیز پیروی نمایند. لذا احبّاء در صورتی که مایل باشند می‌توانند از این روش برای مشورت در مسائل شخصی استفاده کنند.

۵۳. عمّروا بیوتاً باکمل ما یمکن فی الامکان
(بند ۳۱)

معبد بهائی مختصّ به ستایش و عبادت حقّ است. این معبد بنای مرکزی مشرق الاذکار است که در آتیه علاوه بر محلّ عبادت شامل ملحقاتی خواهد بود که به فعالیت‌های اجتماعی، بشر دوستی، تربیتی و علمی اختصاص خواهد داشت. حضرت عبدالبهاء مشرق الاذکار را از اعظم تأسیسات عالم انسانی توصیف می‌فرمایند، و حضرت ولیّ امرالله آن را نمونه بارزی از ارتباط و امتزاج عبادت حقّ و خدمت به خلق معرفی می‌فرمایند. در جای دیگر نظر مبارک را به آتیه این مشروع معطوف داشته می‌فرمایند که معبد بهائی و متفرّعات آن عاجزان را آسایش بخشد، فقرا را دستگیر

شود ، مسافران را مأوی دهد ، غم زدگان را تسلی عطا کند و نادانان را تربیت نماید . (ترجمه)
در مستقبل ایام در همهٔ مدن و قریٰ معابد بهائی بنا خواهد شد .

۵۴- قد حکم الله لمن استطاع منکم حجّ البيت
(بند ۳۲)

این حکم مربوط به زیارت دو بیت مبارک است ، یکی بیت حضرت نقطهٔ اولی در شیراز و دیگری بیت جمال اقدس ابهی (بیت اعظم) در بغداد . جمال مبارک تصریح فرموده‌اند که حجّ یکی از دو بیت برای اجرای این حکم کافی است (سؤال و جواب ، فقرات ۲۵ و ۲۹) . در دو لوح مجزاً که به سورهٔ حجّ معروف است (سؤال و جواب ، فقرة ۱۰) حضرت بهاء الله آداب حجّ را برای زیارت هر یک از دو بیت مقرر فرموده‌اند . لهذا به جا آوردن حجّ با زیارت نمودن عادی این دو بیت فرق دارد .

حضرت عبدالبهاء پس از صعود جمال اقدس ابهی مرقد مقدّس یعنی روضهٔ مبارکه در بهجی را زیارتگاه اهل بهاء قرار دادند . در لوحی می‌فرمایند : واجب علیّ کلّ النفوس ان یزوروا ... التربة المقدّسة و البيت المکرّم فی العراق و البيت المعظم فی شیراز . همچنین می‌فرمایند : هذا واجب عند

الاستطاعة و الاقتدار و عدم الموانع . برای زیارت روضه مبارکه در بهجی آداب مخصوصی را مقرر فرموده‌اند .

۵۵۔ دون النساء عفا الله عنهن رحمة من عنده
(بند ۳۲)

حضرت اعلی در کتاب مبارک بیان حکم وجوب حج را یک مرتبه در مدت حیات برای مؤمنینی که از نظر مالی استطاعت داشته باشند نازل و فرموده‌اند تکلیف را از نساء برداشته تا آنکه بر آنها مشقتی در سبیل وارد نیاید .

جمال مبارک نیز نساء را از اجرای حکم حج معاف فرموده‌اند . طبق توضیح بیت العدل اعظم این معافیت است نه تحریم ، و نسوان مختارند حکم حج را به جا آورند .

۵۶۔ الاشتغال بامر من الامور (بند ۳۳)

بر رجال و نساء واجب شده که به کسب و حرفه‌ای اشتغال ورزند . جمال اقدس ابھی می‌فرمایند: و جعلنا اشتغالکم بها نفس العبادة لله الحق . اهمیت روحانی و عملی این حکم و مسئولیت متقابل فرد و جامعه برای اجرای این امر در توقیعی که حسب الامر حضرت ولی امرالله تحریر یافته چنین بیان گردیده است:

راجع به دستور حضرت بهاء الله در باره اینکه احبّاء به شغلی از اشغال مشغول شوند، تعالیم مبارک در این مورد بسیار مؤکّد است، به خصوص بیان مبارک در کتاب مستطاب اقدس در این باره صریحاً می‌رساند که نفوس مهمله که تمایل به کار ندارند در بساط نظم بدیع الهی محبوب و مقبول نیستند. بر اساس این حکم محکم، حضرت بهاء الله می‌فرمایند که تکدی نه تنها مذموم است بلکه باید به کلی از صفحه روزگار محو گردد. کسانی که زمام تشکیلات جامعه را در دست دارند موظّفند وسائلی فراهم کنند تا هر فردی از افراد فرصت یابد و به کسب حرفه و صنعتی نائل شود. و همچنین باید تدابیری اتخاذ کنند تا این استعداد و کاردانی، هم به خاطر ترویج نفس حرفه و هم به خاطر امرار معاش آن فرد، به کار رود. بر هر فردی از افراد، ولو هر قدر دچار موانع و محدودیت باشد، واجب است به کار و پیشه‌ای اشتغال ورزد، چون کار، علی‌الخصوص وقتی با نیت خدمت همراه باشد، به موجب تعالیم حضرت بهاء الله نوعی عبادت است. کار نه تنها متضمّن فایده عمومی است، بلکه بنفسه دارای

قدر و منزلتی مخصوص است. زیرا موجب تقرّب ما به درگاه الهی است و سبب می‌گردد که مقصد الهی را برای حیات خود در این عالم بهتر ادراک نمائیم. بنا بر این واضح است ثروتی که از راه ارث به دست آید هیچ کس را از کار روزانه معاف نمی‌نماید. (ترجمه)

حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح مبارکه می‌فرمایند: اگر نفسی عاجز باشد یا به فقر شدید افتد و چاره‌ای نتواند اغنیاء یا وکلاء باید چیزی مبلغی در هر ماهی از برای او معین کنند تا با او گذران کند... مقصد از وکلاء وکلای ملت است که اعضای بیت عدل باشد. (به یادداشت شماره ۱۶۲ در باره تکدی نیز مراجعه شود.)

در مورد این حکم از بیت العدل اعظم سؤال شده است که آیا علاوه بر شوهر، همسر او نیز ملزم است که برای امرار معاش به کاری مشغول شود. در جواب چنین توضیح داده‌اند که به موجب امر حضرت بهاء الله احبّاء باید به کاری اشتغال ورزند که نفعش متوجّه خود آن نفوس و سایرین گردد و اداره منزل و تأمین صفای خانواده از کارهای بسیار محترم و پر مسئولیتی است که اهمیت اساسی برای جامعه دارد.

حضرت ولیّ امرالله در توقیعی که حسب الامر مبارک صادر شده

در باره سنّ تقاعد از کار می‌فرمایند: این موضوعی است که بیت العدل اعظم باید در باره آن قراری دهند چون در این مورد هیچ دستور العملی در کتاب اقدس نازل نشده است. (ترجمه)

۵۷. قد حرمّ علیکم تقبیل الایادی فی الکتاب
(بند ۳۴)

در بعضی از شرایع گذشته و سنن و آداب اقوام مختلفه بوسیدن دست شخصیت‌های دینی یا صاحبان مناصب عالیه به نشان احترام و تمکین و تسلیم به منصب و مقام آنان مرسوم بوده است. حضرت بهاء‌الله در کتاب مستطاب اقدس بوسیدن دست را حرام فرموده‌اند. و در الواح مبارکه رسومی چون سجود و انطراح در مقابل دیگران و هر عمل دیگری را از این قبیل که سبب تذلیل و تحقیر افراد می‌شود تحریم فرموده‌اند.

۵۸. لیس لاحد ان یتغفر عند احد (بند ۳۴)
حضرت بهاء‌الله اقرار به معاصی و استغفار در نزد خلق را حرام فرموده‌اند. به جای آن انسان باید فقط از حق طلب مغفرت نماید. در لوح بشارات می‌فرمایند: این اقرار نزد خلق سبب

حقارت و ذلت است و حق جلّ جلاله ذلت عباد خود را دوست ندارد .

حضرت ولیّ امرالله در بیان سابقه و کیفیت این حرمت در توقیعی که حسب الامر مبارک صادر گردیده می‌فرمایند :

ما از اقرار به قصور و معاصی چنانکه کاتولیک‌ها نزد کشیش معمول می‌دارند و یا از اعتراف به گناهان در ملاّعام چنانکه در بعضی از فرقه‌های مذهبی مرسوم است ممنوعیم ، اما اگر بخواهیم نزد شخصی خطائی را که مرتکب شده‌ایم به طیب خاطر اعتراف و یا به بعضی از عیوب اخلاقی خویش اذعان کنیم و از او طلب عفو و پوزش نمائیم کاملاً مختاریم . (ترجمه)

طبق توضیح بیت العدل اعظم حرمت اقرار به معاصی مانع از این نیست که شخص خاطی در جلسه مشورتی که در ظلّ تشکیلات امری منعقد گشته به خطای خود اذعان نماید . همچنین می‌تواند این گونه اظهارات را در نزد دوست نزدیک و یا مشاور متخصصی بیان و از آنان کسب نظر نماید .

۵۹- من الناس من يقعد صف النعال طلباً لصدر
الجلال (بند ۲۶)

در شرق چنین مرسوم بوده که مردم قبل از ورود در مجامع کفشهای خود را از پا بیرون می‌آوردند. دورترین نقطه از مدخل، یعنی صدر مجلس، محلّ جلوس محترمتترین نفوس قرار می‌گرفت. اشخاص به اقتضای شأن و مقام به ترتیب از صدر مجلس تا در ورودی می‌نشستند. آن کس که مقامش کمتر از همه بود جایش نزدیک کفش کن بود.

۶۰- و منهم من یدعی الباطن و باطن الباطن (بند ۳۶)
این آیه اشاره است به کسانی که مدعی علم باطن هستند و تعلق شدیدشان به چنین علومی آنها را از شناسائی مظهر الهی ممنوع می‌سازد. در جای دیگر جمال مبارک می‌فرمایند: نفوسی که به اوهام خود معتکف شده‌اند و اسم آن را باطن گذاشته‌اند فی الحقیقه عبده اصنامند.

۶۱- کم من عبد اعتزل فی جزائر الهند و منع عن نفسه ما احله الله له و حمل الریاضات و المشقات (بند ۳۶)

این آیات بر تحریم رهبانیت و ریاضت دلالت دارد. به جزوه «تلخیص و تدوین حدود و احکام»، قسمت د، ۳-۲۵-۱-۴ و

۴-۲۵-۱-۴ رجوع شود. در کلمات فردوسیّه جمال اقدس ابھی در توضیح این مطلب چنین می‌فرمایند: انزوا و ریاضات شاقّه به عزّ قبول فائز نه. صاحبان بصر و خرد ناظرند به اسبابی که سبب روح و ریحان است. هیکل اقدس به کسانی که در مغارهای جبال ساکن و آنان که در لیالی به قبور متوجّه امر می‌فرمایند که این امور را بگذارند و خود را از مواهبی که حقّ در این جهان برای ایشان خلق فرموده محروم نسازند. و در لوح مبارک بشارات می‌فرمایند: اعمال حضرات رهبه و خوریهای ملت حضرت روح علیه سلام الله و بهائت عند الله مذکور ولكن اليوم باید از انزوا قصد فضا نمایند و بما ینفعهم و ینتفع به العباد مشغول گردند و کل را اذن تزویج عنایت فرمودیم لیظهر منهم من یدکر الله.

۶۲- من یدعی امراً قبل اتمام الف سنة كاملة
 (بند ۲۷)

امتداد دور بهائی تا زمانی است که مظهر ظهور بعد مبعوث گردد و چنین ظهوری قبل از انقضای حدّ اقل یک هزار سال تمام تحقق نخواهد یافت. حضرت بهاء الله تحذیر می‌فرمایند که مبدا این آیه

به غیر معنی ظاهری تفسیر شود. در یکی از الواح مبارکه تصریح می‌فرمایند: اگر نفسی به کل آیات ظاهر شود قبل از اتمام الف سنه کامله که هر سنه آن دوازده ماه بما نزل فی الفرقان و نوزده شهر بما نزل فی البیان که هر شهری نوزده یوم مذکور است ابدأ تصدیق منمائید.

اظهار امر خفی جمال مبارک در سیاه چال طهران در اکتبر ۱۸۵۲ بدایت ظهور آن حضرت و آغاز مدّت هزار سال یا بیشتر است که باید قبل از ظهور بعد منقضی گردد.

۶۳- هذا ما اخبرناکم به اذ کنا فی العراق و فی ارض السّرّ و فی هذا المنظر المنیر (بند ۳۷)
مراد از ارض سرّ ادرنه و مقصد از هذا المنظر المنیر عکا است.

۶۴ و ۶۵- من الناس من غرّته العلوم ... و اذا سمع صوت النّعال عن خلفه یری نفسه اکبر من نمرود (بند ۴۱)

در شرق معمول چنین است که محض احترام رؤسای دینی مریدان آنان به فاصله یکی دو قدم پشت سر آنها راه می‌روند.

نمرودی که در این آیه مبارکه به آن اشاره شده، طبق روایات امت یهود و اسلام، پادشاهی است که به حضرت ابراهیم اذیت و آزار روا داشت و به عنوان مظهر غرور معروف گردید.

۶۶- اغصان (بند ۴۲)

اغصان (جمع غصن) به معنی شاخه‌ها است. جمال اقدس ابهی سلاله ذکور خود را به این کلمه ملقب فرمودند. اصطلاح اغصان هم در مورد حق تصرف در اوقاف و هم در مورد تعیین وصی بعد از صعود جمال اقدس ابهی (یادداشت شماره ۱۴۵) و حضرت عبدالبهاء مصداق می‌یابد. جمال مبارک در کتاب عهدی پسر ارشد خویش، غصن اعظم حضرت عبدالبهاء را مرکز عهد و میثاق معین و به زعامت و قیادت امرالله منصوب فرموده‌اند. حضرت عبدالبهاء نیز در الواح مبارکه وصایا حفید ارشد خویش، حضرت شوقی افندی، را به ولایت و مرجعیت امر بهائی تعیین نموده‌اند. لهذا جانشینی اغصان منتخبه و بالتّیجه مؤسسه ولایت امرالله و نیز امکان انقطاع در نسل اغصان در ضمن این بیان مبارک در کتاب مستطاب اقدس پیش‌بینی شده است. صعود حضرت ولی امرالله در سنه ۱۹۵۷ عیناً همان وضعی را به وجود آورد که در این فقره از کتاب مستطاب اقدس به آن اشاره گردیده، یعنی قبل از تشکیل

بیت العدل اعظم سلاله اغصان به انتها رسید (یادداشت شماره ۶۷).

۶۷- ترجع الی اهل البهآء (بند ۴۲)

جمال اقدس ابهی امکان انقطاع در سلاله اغصان را قبل از تأسیس بیت العدل اعظم پیش بینی نموده و در صورت وقوع چنین وضعی مقرر فرمودند که الاوقاف المختصه للخیرات ... ترجع الی اهل البهآء. اصطلاح «اهل بهاء» در آثار مبارکه معانی مختلف دارد. در این مورد در وصف آنان چنین آمده است: الذین لا یتکلمون الا بعد اذنه و لا یحکمون الا بما حکم الله فی هذا اللوح. از سنه ۱۹۵۷، بعد از صعود حضرت ولی امر الله، ایادی امر الله تا هنگام تأسیس بیت العدل اعظم در سال ۱۹۶۳، امور امر بهائی را اداره می نمودند (یادداشت شماره ۱۸۳).

۶۸- لا تحلقوا رؤسکم (بند ۴۴)

در بعضی از شرایع تراشیدن موی سر سنتی پسندیده محسوب می شود. جمال مبارک تراشیدن سر را منع نموده و تصریح فرموده اند که این آیه کتاب مستطاب اقدس حکم وجوب تراشیدن موی سر را در سوره حج بیت مبارک شیراز منسوخ می سازد (سؤال و جواب، فقرة ۱۰).

۶۹- و لا ینبغی ان یتجاوز عن حدّ الأذان (بند ۴۴)

تحریم تراشیدن موی سر مشمول رجال و نساء هر دو می باشد ولی بنا به تصریح حضرت ولیّ امرالله این حکم مبارک، یعنی عدم تجاوز مواز حدّ آذان، منحصر به رجال است. توضیح و تنفیذ این حکم به بیت العدل اعظم راجع است.

۷۰- قد کتب علی السّارق النّفی و الحبس (بند ۴۵)

جمال مبارک می فرمایند که حدّ مجازات سرقت و تعیین مقدار آن، بر حسب شدّت یا ضعف جرم، به بیت العدل اعظم راجع است (سؤال و جواب، فقرة ۴۹). در آینده هنگامی که اجرای این حکم مناسب با مقتضیات جامعه بشری باشد، بیت العدل اعظم جزئیات آن را تشریح نموده به مورد اجرا خواهند گذاشت.

۷۱- و فی الثّالث فاجعلوا فی جبینه علامة یعرف بها

لثّلاً تقبله مدن الله و دیاره (بند ۴۵)

علامتی که در پیشانی سارق باید گذاشت برای این است که مردم از سوابق و تمایل او به دزدی آگاه و از او برحذر گردند. جزئیات مربوط به نوع علامت و مدت داشتن آن، طریق اجرا و شرایط رفع آن و همچنین تشخیص درجات شدّت دزدی و تعیین حدود آن بر

حسب دستور جمال مبارک کلاً به بیت العدل اعظم محوّل شده تا این امور فرعیّه را در وقت مقتضی تشریح و تنفیذ نمایند .

۷۲- من اراد ان يستعمل اوانی الذهب و الفضة لا بأس علیه (بند ۴۶)

حضرت اعلی در کتاب مبارک بیان استفاده از ظروف طلا و نقره را مجاز فرموده‌اند . بنا بر این استفاده از چنین ظرفی که در اسلام مکروه بوده مجاز گشته است . البتّه مکروه بودن آن در قرآن مجید نازل نشده بلکه بر پایه احادیث اسلامی استوار است . حضرت بهاء الله در این آیه حکم حضرت اعلی را تأیید فرموده‌اند .

۷۳- ایّاکم ان تنغمس ایادیکم فی الصّحاف و الصّحان (بند ۴۶)

بنا به توضیح حضرت ولی امر الله مقصد از این آیه مبارکه نهی از فرو بردن دست در ظرف غذا است . در بسیاری از نقاط دنیا رسم چنین است که عده‌ای با دست از یک ظرف مشترک غذا می‌خورند .

۷۴- خذوا ما یکون اقرب الی اللّطافة (بند ۴۶)

حضرت بهاء الله در چند موضع از کتاب مستطاب اقدس به اهمیت

لطافت و نظافت اشاره فرموده‌اند. کلمه «لطافت» متضمن مفاهیم متعدد صوری و معنوی است، از قبیل ظرافت، آراستگی، حسن سلیقه، نظافت، ادب، حسن اخلاق، ملایمت، لطف و همچنین رقت، صفا، تنزیه و تقدیس و پاکی. هر یک از این مفاهیم در هر مورد بر حسب سیاق کلام متبادر به ذهن می‌گردد.

۷۵. لیس لمطلع الامر شریک فی العصمة الکبریٰ
(بند ۴۷)

جمال اقدس ابهی در لوح اشراقات تأیید فرموده‌اند که عصمت کبریٰ به مظاهر الهی اختصاص دارد.

حضرت عبدالبهاء در فصل ۴۵ کتاب «مفاوضات» شرح مفصلی در باره این آیه بیان و تصریح فرموده‌اند که عصمت ذاتیه مختص به مظهر کلی است زیرا عصمت لزوم ذاتی او است و چون عصمت لزوم ذاتی مظاهر کلیه است، لهذا از آن وجودات مقدسه انفکاک پذیر نیست. همچنین می‌فرمایند: مظاهر کلیه را چون عصمت ذاتیه محقق لهذا آنچه از ایشان صادر عین حقیقت است و مطابق واقع. آنان در ظل شریعت سابق نیستند آنچه گویند قول حق است و آنچه مجری دارند عمل صدق.

۷۶۔ کتب علیٰ کلّ اب تریبة ابنه و بنته بالعلم و
الخطّ (بند ۴۸)

حضرت عبدالبهاء در آثار مبارکه توجّه والدین را به مسئولیت
خطیرشان در امر تعلیم و تربیت اولاد معطوف و نیز تصریح
می‌فرمایند که تربیت و تعلیم دختران اعظم و اهمّ از
پسران است، زیرا این دختران وقتی مادران گردند و اول
مرتبّی اطفال امّهاتند. بنا بر این در صورتی که در خانواده‌ای امر
تعلیم و تربیت برای کلیّه اولاد میسر نباشد تربیت دختران ارجح
است زیرا با تعلیم و تربیت مادر فوائد علم و دانش در جامعه
سریعتر و مؤثرتر رواج می‌یابد.

۷۷۔ قد حکم الله لكلّ زانٍ و زانیة دية مسلّمة الی
بیت العدل (بند ۴۹)

زنا به طور کلی به روابط نامشروع جنسی بین افراد، اعمّ از متأهل یا
مجرد، اطلاق می‌شود (یادداشت شماره ۲۶). طبق بیان حضرت
عبدالبهاء جزای مصرّح در آیه فوق تعلق به غیر محصن دارد
نه محصن، یعنی مجرد نه متأهل. سپس می‌فرمایند: اما زانی
محصن و محصنه حکمش راجع به بیت العدل است (سؤال
و جواب، فقرة ۴۹).

در یکی از الواح مبارکه حضرت عبدالبهاء به عواقب سوء روحانی و اجتماعی تجاوز از موازین عفت و عصمت اشاره نموده و می‌فرمایند: شخص مرتکب فحشاء از درگاه احدیت مطرود و مردود. در صورتی که جرم ثابت و مرتکب محکوم به پرداخت جریمه شود، به فرموده حضرت عبدالبهاء این جزا به جهت آن است تا رذیل و رسوای عالم گردد و محض تشهیر است و این رسوائی اعظم عقوبت است. مراد از بیت العدل مذکور در این آیه ظاهراً بیت العدل محلی است که در حال حاضر به محفل روحانی محلی شهرت دارد.

۷۸- و هی تسعة مثاقیل من الذهب و ان عادا مرة
 اخرى عودوا بضعف الجزاء (بند ۴۹)

وزن یک مثقال متداول در خاورمیانه معادل است با ۲۴ نخود، اما مثقالی که بین اهل بهاء رایج است نوزده نخود است چنانچه در بیان نازل شده (سؤال و جواب، فقرة ۲۳). وزن نه مثقال بیانی معادل است با ۳۲٫۷۷۵ گرم.

در باره اجرای حکم جزای زانی غیر محصن و غیر محصنه حضرت بهاء الله تصریح می‌فرمایند که تکرار زنا سبب می‌گردد که مقدار جزای قبلی طبق قانون تصاعد هندسی مضاعف شود (سؤال و جواب،

فقره: ۲۳). اجرای این حکم موکول به مقتضیات آینده است تا در وقت مناسب، بیت العدل اعظم پس از تشریح فروعاً لازم این حکم را تنفیذ نمایند.

۷۹. اَنَا حَلَّلْنَا لَكُمْ اصْغَاءَ الْاَصْوَاتِ وَ النَّغَمَاتِ
(بند ۵۱)

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: در میان بعضی از ملل شرق نغمه و آهنگ مذموم بود. گرچه این مطلب در قرآن مجید مذکور نیست، اما بعضی از پیروان اسلام اصغاء موسیقی را نامشروع می‌شمارند و بعضی دیگر جواز آن را مشروط به شروط و حدودی می‌دانند.

در آثار مبارکه در ستایش موسیقی بیانات متعددی مذکور گشته، مثلاً حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: آهنگ و آواز رزق روحانی قلوب و ارواح است.

۸۰. يَا رِجَالَ الْعَدْلِ (بند ۵۲)

حضرت عبدالبهاء و حضرت ولیّ امرالله در آثار خویش تصریح فرموده‌اند که گرچه عضویت بیت العدل اعظم منحصر به رجال است، ولی نساء و رجال حق عضویت در بیوت عدل خصوصی و محلی را

دارند (این بیوت عدل در حال حاضر به محافل روحانی ملّی و محلی موسومند).

۸۱. و اما الشّجاج و الضّرب تختلف احکامهما باختلاف مقادیرهما و حکم الدّیان لكلّ مقدار دية معینة (بند ۵۶)

جمال اقدس ابھی تصریح می فرمایند که مقدار دیه بستگی به شدت ضرب و جرح دارد، ولی در آثار قلم اعلیٰ جزئیات مربوط به مقدار غرامتی که باید به تناسب شدت ضرب پرداخت گردد مذکور نگشته. تعیین این امور به بیت العدل اعظم راجع است.

۸۲. قد رقم علیکم الضیافة فی کلّ شهر مرّة واحدة (بند ۵۷)

انعقاد جلسات ضیافات نوزده روزه مبتنی بر این حکم مبارک است. در کتاب مستطاب بیان عربی حضرت اعلیٰ به مؤمنین دور بیان امر فرموده بودند که هر نوزده روز یک بار مجتمع گردند و برای اظهار محبت و مهمان‌نوازی ضیافتی ترتیب دهند. حضرت بهاء الله این حکم را تأیید و مقصد از آن را ترویج اتحاد و تألیف قلوب مقرر داشته‌اند. حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امر الله اهمیت

تشکیلاتی این حکم را به تدریج تبیین و تشریح فرموده‌اند. در ابتدا حضرت عبدالبهاء اهمیت جنبه روحانی و معنوی ضیافت را بیان فرمودند. سپس حضرت ولی امرالله، علاوه بر تشریح جنبه‌های روحانی و اجتماعی، قسمت اداری ضیافت را اضافه فرموده آن را تحت نظامی خاص درآورده و لزوم مشاوره در امور جامعه و ابلاغ اخبار و بشارت و پیامهای مؤسسات امریه را در جلسات ضیافات تأکید فرموده‌اند. در پاسخ به سؤالی که آیا حکم ضیافت از واجبات است یا نه، حضرت بهاءالله می‌فرمایند واجب نیست (سؤال و جواب، فقرة ۴۸). حضرت ولی امرالله در توقیعی که حسب الامر هیکل مبارک صادر گردیده می‌فرمایند: شرکت در ضیافات نوزده روزه واجب نیست ولی بسیار اهمیت دارد. هر یک از یاران باید حضور در این جلسات را از وظایف خود دانسته و شرکت در آن را موهبتی به شمار آرد. (ترجمه)

۸۳. اذا ارسلتم الجوارح الی الصید اذکروا الله اذا
یحلّ ما امسکن لکم و لو تجدونه میتاً (بند ۶۰)

حضرت بهاءالله مراسم و مقرراتی را که برای شکار حیوانات در ادیان گذشته متداول بوده با این حکم مبارک تقلیل و تخفیف

بخشیده‌اند. آن حضرت همچنین بیان فرموده‌اند که صید با سلاحهائی از قبیل تیروکمان، تفنگ و نظایر آن شامل این حکم است، ولی در مورد شکار به وسیلهٔ دام می‌فرمایند که اگر با دام صید شود و شکار را در دام مرده یابند خوردن آن حرام است (سؤال و جواب، فقرة ۲۴).

۸۴. اَيَّاكُمْ اَنْ تَسْرِفُوا فِي ذٰلِكَ (بند ۶۰)

گرچه صید حیوانات در امر مبارک جایز است، جمال قدم انذار فرموده‌اند که اسراف در صید جایز نیست. بیت العدل اعظم موارد اسراف در صید را در آتیه معین خواهند نمود.

۸۵. مَا قَدَّرَ لَهُمْ حَقًّا فِي اَمْوَالِ النَّاسِ (بند ۶۱)

حضرت بهاء الله اهل بهاء را امر فرموده‌اند که در رفتار خود نسبت به افراد عائلهٔ مبارکه رعایت محبت و مهربانی را بنمایند ولی تصریح فرموده‌اند که آنان را در اموال مردم حقی نیست. این حکم مبارک با آنچه بین شیعیان معمول است که سادات از عواید بیت المال سهمی می‌برند مغایرت دارد.

۸۶. مَنْ اَحْرَقَ بَيْتًا مَتَعَمِّدًا فَاحْرَقُوهُ وَ مَنْ قَتَلَ

نفساً عامداً فاقتلوه (بند ۶۲)

حضرت بهاء الله فرموده‌اند که قتل نفس و حرق بیوت به طور عمد مجازاتش اعدام است، هرچند به جای اعدام حبس ابد نیز مجاز است (یادداشت شماره ۸۷).

حضرت عبدالبهاء در آثار مبارکه فرق بین مجازات و انتقام را بیان و می‌فرمایند: انّ البشر لیس له حقّ الانتقام لانّ الانتقام امر مبعوض مذموم عند الله ولی مقصد از مجازات انتقام نیست بلکه اجرای حکم در حق مجرم است چنانکه در کتاب مبارک مفاوضات تأیید می‌فرمایند: هیأت اجتماعیّه حقّ قصاص را از مجرم دارند و این قصاص به جهت ردع و منع است. حضرت ولیّ امرالله در این باره در توفیقی که حسب الامر مبارک صادر گشته چنین توضیح می‌فرمایند:

در کتاب مستطاب اقدس حضرت بهاء الله مجازات قتل را اعدام مقرر فرموده‌اند. اما به جای آن حبس ابد را نیز اجازه داده‌اند و هر دو با احکام مبارک تطابق دارد. ممکن است بعضی از ما با بینش محدود خود حکمت بالغه این حکم را درک ننمائیم، ولی باید آن را بپذیریم و بدانیم که مراتب حکمت و رحمت و عدالت منزل آن کامل و فی الحقیقه کافل نجات اهل عالم است. اگر

نفسی سهواً محکوم به مرگ گردد، آیا نباید معتقد بود که خداوند مقتدر و توانا چنین بی عدالتی در این جهان را هزاران برابر در جهان دیگر جبران فرماید. البته نمیتوان به خاطر این احتمال نادر الوقوع که ممکن است یک فرد بی گناه سهواً مجازات شود از این حکمی که نفعش به عموم راجع است صرف نظر کرد. (ترجمه)

جمال اقدس ابهی جزئیات مجازات قتل و حرق را که به هیأت اجتماعی آینده تعلق دارد نازل فرموده‌اند. فرعیات این احکام، از قبیل اینکه درجات جرم تا چه حد است و آیا باید عوامل مؤثر در تخفیف جرم را منظور داشت، و کدام یک از دو نوع مجازات باید مجری گردد کلاً به بیت العدل اعظم محول گشته که با ملاحظه شرایط زمان در وقت اجرای حکم تصمیمات لازم را اتخاذ نمایند. نحوه اجرای حکم نیز به بیت العدل اعظم راجع است.

در مورد حرق، حد مجازات وابسته به این است که چه مکانی مورد حرق قرار گرفته است. بدون شک مجرمی که انباری خالی را آتش زند و کسی که مدرسه‌ای پر از کودک را بسوزاند درجات جرمشان تفاوت بسیار دارد.

۸۷. و ان تحکموا لهما حبساً ابدیاً لا بأس

علیکم فی الکتاب (بند ۶۲)

در جواب سؤالی از این آیه کتاب مستطاب اقدس حضرت ولیّ امرالله تصریح فرموده‌اند که گرچه به حکم کتاب قاتل را میتوان اعدام نمود ولی به جای آن حبس ابد نیز جایز است و به این وسیله از شدت مجازات به مراتب کاسته می‌شود. همچنین می‌فرمایند که جمال مبارک حقّ انتخاب بین این دو حکم را عنایت فرموده و جامعه بشری را مختار ساخته‌اند که با در نظر گرفتن جوانب این حکم آنچه مقتضی باشد مجری دارد. چون دستورات صریح و مشخص در باره تنفیذ این حکم موجود نیست لهذا در آیه تشریح قوانین مربوط به این امر به بیت العدل اعظم راجع است.

۸۸. قد کتب الله علیکم النکاح (بند ۶۳)

جمال اقدس ابهی در یکی از الواح مبارکه می‌فرمایند که خداوند متعال سنت نکاح را تأسیس فرموده و آنرا حصن نجاج و فلاح مقرر داشته است.

احکام امّ الکتاب و مقررات مندرج در رساله «سؤال و جواب» در باره نکاح در جزوه «تلخیص و تدوین حدود و احکام»، قسمت د، ۳-۱-۱ تا ۳-۱-۱۵ خلاصه و گروه‌بندی شده است. موارد ذیل در رساله «سؤال و جواب» مندرج است. در باره شرایطی که ازدواج را

مجاز می‌دارد (فقرات ۳، ۱۳، ۴۶، ۵۰، ۸۴ و ۹۲)، در باره نامزدی (فقره ۴۳)، پرداخت مهریه (فقرات ۱۲، ۲۶، ۳۹، ۴۷، ۸۷ و ۸۸)، مقرّراتی که در صورت غیبت طولانی همسر باید رعایت شود (فقرات ۴ و ۲۷) و سایر مقرّرات متفرقه (فقرات ۱۲ و ۴۷). (به یادداشتهای شماره ۸۹ و ۹۹ نیز مراجعه شود.)

۸۹. اَيَّاكُمْ اَنْ تَجَاوِزُوا عَنِ الْاِثْنَتَيْنِ وَ الَّذِي اَقْتَنَعَ بِوَاحِدَةٍ مِنَ الْاِمَاءِ اسْتِرَاحَتَ نَفْسِهِ وَ نَفْسِهَا (بند ۶۳)

گرچه نصّ کتاب مستطاب اقدس ظاهراً تزویج ثانی را اجازه می‌دهد، حضرت بهاء الله می‌فرمایند که آسایش و آسودگی خاطر وقتی میسر است که به همسر واحد قناعت شود. آن حضرت در باره این نکته در لوحی می‌فرمایند که انسان باید به نحوی عامل گردد که سبب راحت و آسایش خود و همسرش باشد. حضرت عبدالبهاء، مبین منصوص آیات الله، در تبیین این آیه مبارکه می‌فرمایند که مقصد از این بیان مبارک فی الحقیقه زوجة واحدة است و این مطلب در بعضی الواح ذکر گردیده. از جمله می‌فرمایند:

اعلمی انّ شریعة الله لا تجوز تعدّد الزّوجات لانّها صرحت بالقناعة بواحدة منها و شرط الزّوجة الثّانية

بالقسط و العدالة بينهما في جميع المراتب و الاحوال
فاما العدل و القسط بين الزوجتين من المستحيل و
الممتنعات و تعليق هذا الامر بشيء ممتنع الوجود دليل
واضح على عدم جوازه بوجه من الوجوه فلذلك لا يجوز
الا امرأة واحدة لكل انسان.

تعدد زوجات يك سنت بسیار قدیمی در بین اكثر جوامع بشری
است. مظاهر الهی به مرور زمان مردم را برای اختیار همسر واحد
آماده فرموده‌اند. مثلاً حضرت مسیح تعدد زوجات را تحریم
نفرمود، فقط امر طلاق را، مگر در مورد ارتکاب زنا، منسوخ
داشت. حضرت محمد تعداد زوجات را منحصر به چهار فرمود،
اما اجرای عدالت را شرط لازم برای اختیار بیش از یک همسر
مقرر داشت و طلاق را نیز اجازه فرمود. حضرت بهاء الله که احکام
و تعالیم خویش را در محیط اسلامی نازل فرمود، حکم اختیار
زوجه واحده را با رعایت حکمت تدریجاً اظهار فرمود نه دفعه
واحدة. جمال اقدس ابهی به صورت ظاهر اختیار دو زوجه را در
کتاب مستطاب اقدس اجازت فرمودند و در عین حال با تعیین
مبینی مصون از خطا شرایطی را به وجود آوردند که به موجب آن
حضرت عبدالبهاء را قادر ساخت تا چنین تبیین فرمایند که مقصد
از این حکم اکتفا به زوجه واحده است.

۹۰. و من اتَّخَذَ بَكَراً لخدمته لا بأس عليه (بند ۶۳)
 جمال اقدس ابھی استخدام دوشیزگان را برای خدمات خانه توسط
 مردان مجاز دانسته‌اند زیرا این امر در میان شیعیان فقط وقتی جایز
 بوده که خطبهٔ محرمیت بین صاحب خانه و دوشیزهٔ مستخدم خوانده
 شده باشد. حضرت بهاء الله در بارهٔ این موضوع می‌فرمایند که این
 محض از برای خدمت است چنانکه صغار و کبار دیگر
 را اجرت می‌دهند برای خدمت (سؤال و جواب، فقرة ۳۰).
 مخدوم حق هیچ نوع رابطهٔ جنسی با دوشیزهٔ مستخدم ندارد و آن
 بکر هر وقت که خواهد زوج اختیار کند اختیار با نفس
 او است زیرا خریدن اماء حرام است (سؤال و جواب،
 فقرة ۳۰).

۹۱. هذا من امری علیکم اتَّخَذُوهُ لَانفُسکم معیناً
 (بند ۶۳)

گرچه امر ازدواج در کتاب مستطاب اقدس نازل گردیده، ولی به
 صریح بیان حضرت بهاء الله این حکم واجب نیست (سؤال و جواب،
 فقرة ۴۶). حضرت ولی امر الله نیز در توقیعی که حسب الامر مبارک
 صادر گشته می‌فرمایند که ازدواج به هیچ وجه از واجبات نیست و
 اتخاذ تصمیم در بارهٔ تأهل و یا تجرد مآلاً به افراد راجع است. اگر

شخصی برای اختیار همسر مناسب مدتی طولانی صبر نماید و یا به کلی مجرد بماند نباید تصور نمود که آن شخص به مقصد غائی حیات خویش که اصولاً امری است روحانی واصل نگردیده است.

۹۲. انا... علقناه باذن الابوین (بند ۶۵)

در توضیح این حکم حضرت ولیّ امرالله در توقیعی که حسب الامر مبارک صادر گشته چنین می‌فرمایند:

جمال اقدس ابهی صریحاً می‌فرمایند که شرط لازم برای ازدواج بهائی تحصیل رضایت والدینی است که در قید حیات باشند. این شرط واجب الاجرا است چه والدین بهائی باشند چه نباشند، چه بین آنان سالهای متمادی طلاق واقع شده باشد چه نشده باشد. حضرت بهاءالله این حکم محکم را نازل فرمودند تا بنیان جامعه انسانی استحکام پذیرد و روابط خانوادگی پیوندی بیشتر یابد و سبب شود که در قلوب فرزندان حسّ احترام و حق‌شناسی نسبت به والدینشان که آنان را جان بخشیده و روانشان را در سیر جاودانی به سوی خالق متعال رهسپار ساخته‌اند ایجاد گردد.

(ترجمه)

۹۳. لا یحقق الصّهار الاّ بالامهار (بند ۶۶)

موارد عمده مربوط به پرداخت مهریه در جزوه «تلخیص و تدوین حدود و احکام»، قسمت د، ۱-۱۰-۳ تا ۵-۱۰-۳ خلاصه شده. حکم مهریه و جزئیات آن در کتاب مبارک بیان نازل شده است. مهریه باید از طرف داماد به عروس پرداخت گردد. میزان آن برای اهل مدن نوزده مثقال طلای خالص و برای اهل قری نوزده مثقال نقره است (یادداشت شماره ۹۴). حضرت بهاء الله می فرمایند که اگر در هنگام عقد داماد قادر نباشد که مهریه را تماماً به عروس ادا کند، مأذون است قبض مجلس رد نماید (سؤال و جواب، فقرة ۳۹). با ظهور جمال مبارک بسیاری از عقاید و آداب و رسوم متداوله من جمله مسئله مهریه تغییر یافته و معانی جدیدی به خود گرفته است. پرداخت مهریه از عادات کهنه در بین بسیاری از جوامع و فرهنگها است که به اطوار مختلفه اجرا می شود. در بعضی از ممالک مهریه از طرف پدر و مادر عروس به داماد پرداخت می گردد، در بعضی ممالک دیگر مهریه را داماد به پدر و مادر عروس می پردازد، که آنرا «شیربها» می گویند. در هر دو حال مبلغ پرداختی معمولاً معتنا به است. حکم جمال قدم این رسوم متنوعه را از میان برداشته و مهریه را به عنوان رمزی یعنی هدیه ای با ارزش محدود و معین مقرر فرموده که از طرف داماد به عروس تسلیم می گردد.

۹۴. قد قدر للمدن تسعة عشر مثقالاً من الذهب
الابريز و للقري من الفضة (بند ۶۶)
حضرت بهاء الله می فرمایند که تعیین میزان مهریه به اعتبار توطن
زوج است نه زوجه (سؤال و جواب، فقرة ۸۷ و ۸۸).

۹۵. و من اراد الزيادة حرم عليه ان يتجاوز عن
خمسة و تسعين مثقالاً ... و الذي اقتنع
بالدرجة الاولى خير له في الكتاب (بند ۶۶)
در پاسخ به سؤالی در باره مهریه حضرت بهاء الله می فرمایند:
و در مهر هم آنچه در بیان نازل شده مجری است و
ممضی. و لکن در کتاب اقدس ذکر درجه اولی شده و
مقصود نوزده مثقال نقره است که در باره اهل قری در
بیان نازل شده و این احب است عند الله اگر طرفین
قبول نمایند که مقصود رفاهیت کل و وصلت و اتحاد
ناس است. لذا هرچه در این امورات مدارا شود
احسن است ... باید اهل بهاء با کمال محبت و صفا
با یکدیگر معامله و معاشرت نمایند و در فکر منافع
عموم باشند خاصه دوستان حق.

حضرت عبدالبهاء در لوحی به طور اختصار بعضی از عواملی را که

باید برای تعیین میزان مهریه منظور شود بیان فرموده‌اند . واحد مذکور در لوح ذیل جهت پرداخت مهریه معادل است با نوزده مثقال . چنانچه می‌فرمایند :

اهل مدن باید طلا بدهند و اهل قریٰ فضّه . و این بسته به اقتدار زوج است . اگر فقیر است یک واحد می‌دهد و اگر اندک سرمایه دارد دو واحد می‌دهد . اگر با سر و سامان است سه واحد می‌دهد ، اگر از اهل غنا است چهار واحد می‌دهد و اگر در نهایت ثروت است پنج واحد می‌دهد . فی الحقیقه بسته به اتّفاق میان زوج و زوجه و ابوین است . هر نوع در میان اتّفاق حاصل شود مجری گردد .

در همین لوح مبارک حضرت عبدالبهاء اهل بهاء را توصیه می‌فرمایند که اسئله خویش را در باره اجرای این حکم به بیت العدل اعظم ارجاع نمایند . چنانچه می‌فرمایند : این احکام فی الحقیقه راجع به بیت العدل عمومی است که شارع است ... احکام و تفرّعاتی که در کتاب الله مصرّح نیست بیت عدل تشریح نماید .

۹۶۔ قد کتب الله لكلّ عبد اراد الخروج من وطنه ان

يجعل ميقاتاً لصاحبه في آية مدة اراد ان اتى' (بند ٦٧)
 حضرت بهاء الله در مورد زوجی که سفر نماید و همسرش را از تاریخ
 مراجعتش مطلع نسازد و خبری از او به همسرش نرسد و مفقود
 الاثر گردد می فرمایند که اگر او امر کتاب اقدس را شنیده باشد
 زوجه باید یک سال تمام ترّص نماید و بعد اختیار ازدواج و یا
 تجرّد با او است. و اگر شخص امر کتاب را نشنیده باشد زوجه
 باید صبر نماید تا خبری از شوهرش به او برسد (سؤال و جواب،
 فقرة ٤).

٩٧. فلها ترّص تسعة اشهر معدودات و بعد
 اکمالها لا بأس عليها في اختيار الزوج (بند ٦٧)

در صورتی که زوج در موعد مقرر مراجعت ننماید و یا همسرش را
 از تأخیر در مراجعت مطلع نسازد، زوجه مختار است پس از نه ماه
 اصطبار مجدداً ازدواج نماید، اما ارجح آن است که مدتی بیشتر
 صبر نماید (برای اطلاع از تقویم امری به یادداشت شماره ١٤٧ مراجعه
 شود). جمال اقدس اهبی می فرمایند که در چنین مواردی اگر
 خبر موت یا قتل زوج به او برسد، زوجه باید نه ماه صبر نماید و
 پس از آن در امر ازدواج مختار است (سؤال و جواب، فقرة ٢٧).
 حضرت عبدالبهاء در لوحی توضیح می فرمایند که مسئله خبر

موت یا قتل زوج و مکث نه ماه این تعلق به غائب دارد
نه به زوج حاضر.

۹۸۔ لها ان تأخذ المعروف (بند ۶۷)

حضرت بهاء الله می فرمایند: مقصد از معروف در این مقام
اصطبار است (سؤال و جواب، فقرة ۴).

۹۹۔ العدلین (بند ۶۷)

جمال اقدس ابهی میزان عدالت را حسن شهرت در بین عباد معین
می فرمایند. بر طبق بیان مبارک لازم نیست شهود از اهل بهاء
باشند چنانچه می فرمایند: شهادت عباد الله از هر حزبی
لدى العرش مقبول (سؤال و جواب، فقرة ۷۹).

۱۰۰۔ و ان حدث بينهما كدورة او كره لیس له ان
یطلقها و له ان یصبر سنة كاملة (بند ۶۸)

امر طلاق در آئین بهائی شدیداً مذموم است ولی در صورتی که بین
زوج و زوجه کدورت و کراهت به میان آید طلاق پس از طی یک
سال کامل مجاز است. زوج موظف است که احتیاجات مالی همسر
و فرزندان خود را در مدت یک سال اصطبار تأمین نماید و در عین

حال طرفین مکلفند که به رفع اختلافات خود بکوشند . حضرت ولی امر الله می فرمایند که حقوق طرفین در تقاضای طلاق مساوی است و هر طرف که طلاق را قطعاً لازم داند می تواند تقاضا نماید .

در رساله «سؤال و جواب» حضرت بهاء الله مسائلی چند مربوط به سنه اصطبار را مشروحاً بیان فرموده اند . موارد مصرّحه عبارتند از شرایط برگزاری سال تربص (سؤال و جواب، فقره ۱۲)، تعیین ابتدای سنه (فقرات ۱۹ و ۴۰)، شرایط اصلاح فیما بین زوج و زوجه (فقره ۳۸)، وظیفه شهود و بیت العدل محلی (فقرات ۷۳ و ۹۸). بیت العدل اعظم می فرمایند که وظایف شهود در مورد طلاق در این ایام بر عهده محافل روحانیه است .

جزئیات حکم طلاق در جزوه «تلخیص و تدوین حدود و احکام»، قسمت د، ۳-۲-۱ تا ۳-۲-۹ خلاصه شده است .

۱۰۱- قد نهاکم الله عما عملتم بعد طلاقات ثلاث
(بند ۶۸)

این آیه اشاره است به حکمی در قرآن کریم که طبق آن مردی که زوجه اش را تحت شرایط معینی طلاق داده باشد نمی تواند با او مجدداً ازدواج کند مگر اینکه زوجه مطلقه به عقد مرد دیگری

درآید و از او طلاق گیرد. حضرت بهاء الله این عمل را در کتاب اقدس نهی فرموده‌اند (سؤال و جواب، فقرة ۳۱).

۱۰۲- و الَّذِي طَلَّقَ لَهُ الْاِخْتِيَارَ فِي الرَّجُوعِ بَعْدَ انْقِضَاءِ كُلِّ شَهْرٍ بِالْمُودَّةِ وَالرِّضَاءِ مَا لَمْ تَسْتَحْصِنِ ... إِلَّا بَعْدَ امْرٍ مَبِينٍ (بند ۶۸)

حضرت ولی امرالله در بیان مقصود از انقضاء كل شهر می‌فرمایند که مراد این نیست که محدودیتی در رجوع حاصل شود بلکه تجدید ازدواج زوج و زوجه مطلقه در هر زمان بعد از طلاق مجاز است به شرط آنکه در هنگام رجوع هیچ کدام از طرفین متأهل نباشند.

۱۰۳- قَدْ حَكَّمَ اللَّهُ بِالطَّهَّارَةِ عَلَيَّ مَاءَ النَّطْفَةِ (بند ۷۴)
بر حسب عقاید بعضی از مذاهب نظیر شیعه اسلام ماء نطفه ناپاک است. جمال مبارک در آیه فوق این عقیده را مردود شمرده‌اند.
(به یادداشت شماره ۱۰۶ نیز مراجعه شود.)

۱۰۴- تَمَسَّكُوا بِحَبْلِ اللِّطَافَةِ (بند ۷۴)
حضرت عبدالبهاء در باره لطافت می‌فرمایند:
تنزیه و تقدیس و پاکی و لطافت سبب علویّت عالم

انسانی و ترقی حقایق امکانی است حتی در عالم جسمانی نیز لطافت سبب حصول روحانیت است ... نظافت ظاهره هرچند امری است جسمانی ولکن تأثیر شدید در روحانیات دارد. (به یادداشت شماره ۷۴ نیز مراجعه شود.)

۱۰۵۔ طَهَّرُوا كُلَّ مَكْرُوهٍ بِالْمَاءِ الَّذِي لَمْ يَتَغَيَّرْ
بِالثَّلَاثِ (بند ۷۴)

مقصود از «ثلاث» اوصاف ثلاثة آب یعنی رنگ و طعم و بوی آن است. حضرت بهاء الله توضیحات بیشتری در باره آب بکر داده و بیان فرموده‌اند که آب مستعمل در چه کیفیتی قابل استفاده محسوب نمی‌شود (سؤال و جواب، فقرة ۹۱).

۱۰۶۔ رَفَعَ اللَّهُ حُكْمَ دُونَ الطَّهَّارَةِ عَنْ كُلِّ الْأَشْيَاءِ وَ
عَنْ مَلَلٍ آخِرِيٍّ (بند ۷۵)

بعضی از جوامع دینی و طوایف و قبایل بنا بر آداب و شعایر مذهبی به نجاست بعضی از نفوس و اشیاء معتقدند. حضرت بهاء الله این شعایر را باطل شمرده و می‌فرمایند که بر اثر این ظهور اعظم بیان مبارک قد انغمست الاشیاء فی بحر الطَّهَّارَةِ تحقّق یافته است. (به یادداشت‌های شماره ۱۲، ۲۰ و ۱۰۳ نیز مراجعه شود.)

۱۰۷- اول الرضوان (بند ۷۵)

این آیه اشاره است به ورود جمال مبارک و اصحاب به باغ نجیبیه واقع در حومه بغداد. این حدیقه بعداً در بین اهل بهاء به باغ رضوان شهرت یافت. ورود حضرت بهاء الله به این باغ که مصادف با یوم سی و یکم نوروز در ماه آوریل سنه ۱۸۶۳ میلادی بود آغاز دوره‌ای است که در آن جمال اقدس ابهی صریحاً به اصحاب خویش اظهار امر فرمودند. در اشاره به آن ایام در یکی از الواح می‌فرمایند: ایام فیها ظهر الفرح الاعظم و در وصف باغ رضوان می‌فرمایند: مقام فیه تجلی باسم الرّحمن علی من فی الامکان. حضرت بهاء الله دوازده روز در این باغ توقف و سپس به سوی اسلامبول که محل سرگونی بعدی آن حضرت بود حرکت فرمودند. به مناسبت اظهار امر حضرت بهاء الله، هر سال دوازده روز ایام رضوان که به فرموده حضرت ولی امر الله اعظم و اقدس اعیاد بهائی محسوب است جشن گرفته می‌شود (یادداشت‌های شماره ۱۳۸ و ۱۴۰).

۱۰۸- البیان (بند ۷۷)

کتاب بیان امّ الکتاب دور بابی است و حضرت اعلی کتاب احکام خویش را به این عنوان تسمیه فرموده‌اند و همین عنوان نیز به تمام

آثار حضرتش اطلاق می‌گردد. کتاب بیان فارسی مخزن عمده عقاید دینی و احکام دور بابی است که حضرت اعلیٰ نازل فرموده‌اند. بیان عربی محتویاتش با بیان فارسی مطابق ولی مختصرتر و اهمیتش کمتر است. حضرت ولیّ امرالله در توصیف کتاب بیان فارسی در کتاب «گاد پاسز بای» چنین فرموده‌اند:

فی الحقیقه این کتاب را در رتبه اولیٰ باید گنجینه‌ای دانست شامل اوصاف و نعوت حضرت موعود نه مجموعه‌ای از سنن و احکامی که جهت هدایت مستمر نسلهای آتیه تدوین شده باشد. (ترجمه)

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: کتاب بیان به کتاب اقدس منسوخ مگر احکامی که در کتاب اقدس مؤکداً مذکور.

۱۰۹- محو الکتب (بند ۷۷)

حضرت بهاء الله در لوح اشراقات می‌فرمایند:
حضرت مبشر روح ما سواه فداه احکامی نازل فرموده‌اند
ولکن عالم امر معلق بود به قبول لذا این مظلوم بعضی
را اجرا نمود و در کتاب اقدس به عبارات اخری نازل و
در بعضی توقف نمودیم.

در کتاب مبارک بیان محو کتب بر مؤمنین فرض گردیده بود مگر کتبی که در اثبات امر و شریعت الله نوشته شده باشد . جمال اقدس ابهی این حکم را نسخ فرموده اند .

حضرت ولی امر الله در توقیعی که حسب الامر هیکل اطهر صادر گردیده در باره ماهیت و کیفیت احکام شدیدی که در کتاب مبارک بیان نازل شده چنین می فرمایند :

فهم و درک کامل احکام و حدود شاقه نازله از قلم حضرت اعلی فقط از این طریق میسر است که ماهیت و مقصد و خواص ممتازه شریعت مبارکش به نحوی که نفس آن حضرت در آثار خویش بیان فرموده اند منظور گردد . طبق این بیانات واضحه دور بیان اصولاً یک نهضت دینی و انقلاب اجتماعی بود که مدتش بالضروره کوتاه ولی مملو از وقایعی مصیبت آمیز و مشحون از اصلاحاتی وسیع النطاق و بنیان کن بود . موازین شدید و اعمال قاطعه ای را که حضرت نقطه اولی و اصحاب مجری می داشتند کل برای این بود که بنیاد تقالید حزب شیعه را برانداخته راه را برای ظهور حضرت بهاء الله هموار سازد . حضرت اعلی به منظور اثبات استقلال دور جدید و نیز برای آماده ساختن زمینه

جهت ظهور قریب الوقوع جمال قدم احکامی بسیار دشوار و شدید نازل فرمودند . اگرچه اغلب این احکام هرگز به مرحله اجرا در نیامد ولی نفس نزول این احکام دلالت بر استقلال آئین حضرت اعلی داشت و همین کافی بود تا هیجانی عظیم ایجاد نماید و علمای دین را به چنان مخالفتی برانگیزد که بالمآل شهادت حضرتش را سبب گردد . (ترجمه)

۱۱۰- و اذناکم بان تقرئوا من العلوم ما ینفعکم لا ما ینتهی الی المجادلة فی الکلام (بند ۷۷)

کسب علوم و تحصیل صنایع و فنون در آثار مبارکه بر کل فرض گردیده و به اهل بهاء توصیه شده که اهل دانش و هنر را محترم شمارند و از کسب علمی که صرفاً به مشاجره و جرّ و بحثهای بیهوده انجامد پرهیز نمایند . حضرت بهاء الله در الواح مبارکه اهل بهاء را تشویق فرموده اند که به تحصیل علوم و فنون نافعهای اشتغال ورزند که سبب و علت ترقی عباد است و نیز آنان را انداز فرموده اند که از علمی که به حرف ابتدا شود و به حرف منتهی گردد ، و تحصیلش به مجادله در کلام انجامد احتراز جویند . حضرت ولی امر الله در توقیعی که حسب الامر مبارک صادر

شده علومى را كه از حرف ابتدا و به حرف منتهى گردد به بحث و موشكافى هاى بى ثمر در مجردات و فرضيات توصيف فرموده اند . در توقيعى ديگر مى فرمايند كه مقصد حضرت بهاء الله از چنين علوم در وهله اولى آن گونه رسائل و تفسيرات مربوط به علوم دينى و الهيات است كه به جاى آنكه مددى در نيل به حقيقت باشد بارى سنگين بر ذهن انسان مى نهد .

۱۱۱- الكليم (بند ۸۰)

در عرف مسلمين و يهود حضرت موسى به لقب كليم ملقب گرديده اند . جمال اقدس ابهى مى فرمايند: هَذَا يَوْمَ فَيَه فَازَتْ
الْآذَانُ بِاصْغَاءِ مَا سَمِعَ الْكَلِيمَ فِي الطَّوْرِ .

۱۱۲- الطَّوْر (بند ۸۰)

طور نام كوهى است كه در آنجا احكام الهى بر حضرت موسى نازل شد .

۱۱۳- الرّوح (بند ۸۰)

روح از القاب حضرت مسيح است كه در آثار اسلامى و بهائى به كار برده شده است .

۱۱۴- سرع کوم الله ... و صاح الصّهیون (بند ۸۰)
کرمل یا کوم الله کوهی است در اراضی مقدّسه . مقام اعلی و مرکز
جهانی اداری بهائی در دامنه این کوه قرار گرفته است . صهیون
تپه‌ای است در اورشلیم و جایی است که طبق روایات متداوله مقبره
حضرت داود در آنجا واقع است . صهیون اشاره به شهر مقدّس
اورشلیم است .

۱۱۵- السّفینة الحمراء (بند ۸۴)

مقصد از سفینه حمراء امر جمال اقدس ابهی است که حضرت اعلی
در قیوم الاسماء آن را به این اسم ستوده‌اند . راکبین این سفینه
جمع اهل بهاء می‌باشند .

۱۱۶- یا ملک النّمسة کان مطلع نور الاحدیة فی
سجن عکّاء اذ قصدت المسجد الاقصی (بند ۸۵)
فرانسوا ژوزف (۱۹۱۶ - ۱۸۳۰) امپراطور اطریش و پادشاه مجارستان
در سال ۱۸۶۹ برای زیارت به اورشلیم عزیمت کرد . او در مدّت
اقامتش در اراضی مقدّسه کوششی نمود که در باره حضرت بهاء الله
که در آن زمان در مدینه عکّاء مسجون بودند استفساری نماید و این
فرصت را از دست داد .

در قرآن مجید ذکر مسجد اقصیٰ آمده است و مسجدی به همین نام در اورشلیم در محلی که به جبل الهیکل معروف گردیده بنا شده است.

۱۱۷- یا ملک برلین (بند ۸۶)

قیصر ویلیام اول (ویلهم فردریک لودویگ، ۱۸۸۸ - ۱۷۹۷)، هفتمین پادشاه پروس، در ژانویه سال ۱۸۷۱، پس از غلبه آلمان بر فرانسه در جنگ فرانسه و پروس، در قصر ورسای در فرانسه رسماً به عنوان اولین امپراتور آلمان تعیین گردید.

۱۱۸- من کان اعظم منک شأناً و اکبر منک مقاماً

(بند ۸۶)

این آیه اشاره است به ناپلیون سوم (۱۸۷۳ - ۱۸۰۸)، امپراتور فرانسه که به عقیده بسیاری از مورّخین در عصر خود بزرگترین پادشاه دنیای غرب شمرده می‌شد.

حضرت بهاء الله دو لوح مهیمن خطاب به ناپلیون سوم نازل فرمودند. در لوح دوم در مقام اخطار و انداز صریحاً به او می‌فرمایند: بما فعلت تختلف الامور فی مملکتک و یخرج الملک من کفک ... و تأخذ الزلازل کلّ

القبائل فی هناک .

هنوز یک سال از این اخطار نگذشته بود که ناپلیون سوم در سال ۱۸۷۰ در جنگ سِیدان به دست قیصر ویلهلم اول شکست فاحشی خورد و به انگلستان تبعید و سه سال بعد در آنجا وفات نمود .

۱۱۹- یا معشر الروم (بند ۸۹)

در خاور میانه کلمه روم به طور کلی برای معرفی قسطنطنیه و تمام امپراطوری روم شرقی به کار می رفت، شهر بیزانتیوم و حکومت آن و متعاقباً امپراطوری عثمانی نیز به همین اسم معروف شد .

۱۲۰- یا ایتها النقطة الواقعة فی شاطی البحرین

(بند ۸۹)

این آیه اشاره است به قسطنطنیه که امروز به اسلامبول معروف است . مدینه اسلامبول بزرگترین شهر و بندر ترکیه است و در کنار تنگه بُسْفَر که طول آن ۳۱ کیلومتر و دریای سیاه و دریای مرمره را بهم متصل می نماید واقع شده است .

قسطنطنیه از ۱۴۵۳ تا ۱۹۲۲ پایتخت امپراطوری عثمانی بود . در زمان اقامت جمال مبارک در این شهر سلطان جابر عبدالعزیز ،

بر تخت سلطنت جالس بود. سلاطین عثمانی خلیفه و پیشوای مسلمانان سنی بودند. حضرت بهاء الله سقوط خلافت را پیش بینی فرمودند و در سنه ۱۹۲۴ خلافت منقرض گردید.

۱۲۱- یا شواطی نهر الرین (بند ۹۰)

حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح مبارکه که قبل از جنگ جهانی اول (۱۹۱۸ - ۱۹۱۴) صادر گردیده می فرمایند: در خصوص نهر رین هر چند آن واقعه ای بود که در ایام ناپلیون ثالث واقع شد و خونهای زیاد در شاطی آن جوی ریخته گشت ولی باز باقی دارد.

حضرت ولی امر الله در کتاب «گاد پاسز بای» می فرمایند که پس از شکست آلمان در جنگ جهانی اول معاهده ای بر آن کشور تحمیل گردید که شرایط بسیار صعب و دشوارش سبب شد تا آنچه را که حضرت بهاء الله در باره حنین برلین بیش از نیم قرن پیش اخبار و انذار فرموده بودند تحقق یابد.

۱۲۲- یا ارض الطآء (بند ۹۱)

«طآء» حرف اول طهران، عاصمه ایران است. حضرت بهاء الله غالباً به جای آنکه اسامی بلاد را ذکر نمایند فقط به ذکر حرف اول

آنها اکتفا فرموده‌اند . طبق حساب ابجد ، ارزش عددی طُنه (۹) است که معادل است با ارزش عددی اسم « بهاء » .

۱۲۳- ولد فیک مطلع الظهور (بند ۹۲)

اشاره به ولادت حضرت بهاء الله در طهران است که در یوم ۱۲ نوامبر سنه ۱۸۱۷ واقع شد .

۱۲۴- یا ارض الخاء (بند ۹۴)

مقصد از ارض خاء ایالت خراسان در ایران و نواحی اطراف آن است که شامل مدینه عشق آباد نیز می شود .

۱۲۵- و الَّذِي تَمَلَّكَ مِائَةٌ مِثْقَالٍ مِنَ الذَّهَبِ فَتَسْعَةُ عَشْرَ مِثْقَالًا لِلَّهِ فَاطِرِ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ (بند ۹۷)

فریضه حقوق الله در این آیه مبارکه مقرر گشته و آن عبارت از تقدیم میزان معینی از مایملک هر فرد بهائی است . حقوق الله در ابتدا به جمال اقدس ابهی ، مظهر ظهور الهی و بعد از صعود مبارک به حضرت عبدالبهاء ، مرکز میثاق ، تقدیم می گردید . در الواح مبارکه وصایا حضرت عبدالبهاء می فرمایند : حقوق الله راجع به ولی امر الله است . حال چون کرسی ولایت خالی است

حقوق الله به مرجع امرالله که بیت العدل اعظم است راجع می گردد . عایدات این صندوق به مصرف ترویج امرالله و تأمین مصالح امریه و اعمال خیریه و منافع عمومی می رسد . اداء حقوق الله وظیفه ای است روحانی که انجامش به وجدان افراد بهائی موکول گشته است . اهمیت فریضة حقوق الله را میتوان به جامعه بهائی تذکر داد ولی هیچ کس حق ندارد از افراد مطالبه حقوق نماید .

در چند فقره از رساله «سؤال و جواب» توضیحات بیشتری در باره حکم حقوق الله مذکور گشته است . اداء حقوق مبتنی بر محاسبه ارزش دارائی افراد است . فریضة روحانی هر شخصی آن است که اگر ارزش دارائی او اقلّاً معادل با نوزده مثقال طلا باشد (سؤال و جواب، فقره ۸) ، نوزده در صد آن مبلغ را بابت حقوق الله بپردازد و حقوق الله بر این مبلغ فقط یک مرتبه تعلق می گیرد (سؤال و جواب، فقره ۸۹) . بعد از آن هر موقع درآمد او، پس از وضع همه مصارف، به لا اقل معادل نوزده مثقال طلا افزایش یابد ، نوزده در صد این افزایش باید بابت حقوق الله پرداخت شود . هر یک از عواید بعدی نیز به همین ترتیب محاسبه می گردد (سؤال و جواب، فقرات ۹ و ۸۰) .

بعضی از اقلام دارائی از قبیل خانه مسکونی از پرداخت حقوق الله معاف است (سؤال و جواب، فقرات ۸ ، ۴۲ و ۹۵) . همچنین در موارد

زیان مالی (سؤال و جواب، فقرات ۴۴ و ۴۵) و املاکی که منفعت از آن عاید نشود (سؤال و جواب، فقرة ۱۰۲) و پرداخت حقوق الله که بر ذمه شخص متوفی باشد (سؤال و جواب، فقرات ۹، ۶۹ و ۸۰) مقررات خاصی وضع گردیده است. (در مورد اخیر به یادداشت شماره ۴۷ نیز مراجعه شود.)

منتخبات عدیده‌ای از الواح و فقراتی از رساله «سؤال و جواب» و سایر آثار مبارکه در باره اهمیت روحانی حقوق الله و جزئیات مربوط به اجرای آن در مجموعه‌ای تحت عنوان «حقوق الله» طبع و نشر گردیده است.

۱۲۶۔ قد حضرت لدى العرش عرائض شتی من
الذین امنوا و سئلوا فیها الله رب ما یری و ما لا
یری رب العالمین لذا نزلنا اللوح و زینناه بطراز
الامر لعل الناس باحکام ربهم یعملون (بند ۹۸)

حضرت بهاء الله در یکی از الواح مبارکه می‌فرمایند: در سنین معدودات از اطراف عرایض ناس به شطر اقدس وارد و از اوامر الهیه سؤال می‌نمودند انا امسکنا القلم علی ذکرها الی ان اتی المیقات. از زمان بعثت خفی حضرت بهاء الله در سیاه چال طهران تا هنگام نزول کتاب مستطاب اقدس که

مخزن حدود و احکام دور بهائی است بیست سال به طول انجامید و حتی بعد از نزولش تا مدتی به یاران رحمانی در ایران ارسال نشد. این تأخیر در نزول احکام اصلیّه که صرفاً به اراده الهی بوده و همچنین اجرای تدریجی احکام بعد از نزول، کل مدل بر آن است که حتی در ایام حیات نفس مظاهر ظهور جلوه و استقرار شریعت الله امری تدریجی است.

۱۲۷. البقعة المباركة الحمراء (بند ۱۰۰)

اشاره به مدینه محصنه عکا است. در آثار امری کلمه «حمراء» متضمن معانی خاص برای بیان اشارات و استعارات متعدده است.

۱۲۸. سدرۃ المنتهی (بند ۱۰۰)

در عقاید اسلامی درختی است در اعلیٰ نقطه جنت که هیچ کس را به ماورای آن راهی نیست. این اصطلاح در شرح معراج حضرت رسول اکرم آمده و در سیر تقرّب به آستان الهی آخرین نقطه ای است که بشر و ملائکه فراتر از آن نتوانند رفت. لهذا سدرۃ المنتهی رمزی از محدودیت تجلیات علم الهی در عالم انسانی است. این اصطلاح در آثار امری بسیار مذکور گشته و مقصد از آن غالباً نفس مظهر الهی است (به یادداشت شماره ۱۶۴ نیز مراجعه شود).

اصطلاح «اَمَّ الْكِتَاب» معمولاً به کتاب آسمانی هر یک از شرایع الهی اطلاق می‌شود. در قرآن کریم و احادیث اسلامی مراد از اَمَّ الْكِتَاب قرآن مجید است. کتاب مبارک بیان اَمَّ الْكِتَاب شریعت بابی و کتاب مستطاب اقدس اَمَّ الْكِتَاب دور بهائی است. حضرت ولیّ امرالله در توقیعی که حسب الامر هیکل مبارک صادر گردیده می‌فرمایند که اصطلاح اَمَّ الْكِتَاب را نیز میتوان بر تمامی آثار نازله از قلم حضرت بهاءالله جمعاً اطلاق نمود. مفهوم جامع‌تری از اَمَّ الْكِتَاب اشاره به مظاهر ظهور و مطالع وحی الهی است.

۱۳۰- اِنَّ الَّذِي يَأْوِلُ مَا نَزَلَ مِنْ سَمَاءِ الْوَحْيِ وَ
يُخْرِجُهُ عَنِ الظَّاهِرِ (بند ۱۰۵)

حضرت بهاءالله در بسیاری از الواح تفاوت بین آیات متشابهات و آیات محکّمات را بیان فرموده‌اند. متشابهات آیاتی است که قابل تأویل است و محکّمات اوامر الهی است که معنای آنها واضح و اهل بهاء مأمور به اجرای آنها هستند.

همان طور که در یادداشتهای شماره ۱۴۵ و ۱۸۴ توضیح داده شده، حضرت بهاءالله فرزند ارشد خود، حضرت عبدالبهاء، را

جانشین و مبین منصوص تعالیم خویش منصوب فرمودند .
 حضرت عبدالبهاء نیز حفید ارشدشان، حضرت شوقی افندی،
 را بعد از خود به سمت مبین آیات و ولی امرالله معین فرمودند .
 اهل بهاء آنچه را که حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله
 تبیین فرموده‌اند هدایت الهیه میدانند و قبولش را از فرایض
 حتمیه خود می‌شمارند . اما این نصوص قاطعه مانع از این
 نیست که افراد احباء از مطالعه و غور و تعمق در آثار الهی و
 حصول استنباطات شخصی خودداری نمایند ، ولی البته مطابق بیانات
 مبارکه فرق و تمایزی فاحش بین نصوص قاطعه و استنباطات
 شخصیه موجود است . آنچه افراد از بیانات مبارکه بر حسب
 فهم و ادراک خویش استنباط نمایند نتیجه فکر بشری است و
 هرچند ممکن است در کشف حقایق امریه مؤثر و مفید باشد
 ولیکن فاقد اعتبار و سندیت است . از این رو به افراد احباء اکیداً
 تذکر داده شده که در اظهار نظر و ابراز عقاید خود همواره
 آیات منزله را حجت دانند و فصل الخطاب شمارند و به انکار
 تبیینات منصوصه پردازند و معارضه ننمایند و راه جدل در پیش
 نگیرند بلکه نظریات خود را به عنوان خدمتی به توسعه معارف
 عرضه داشته تصریح نمایند که آنچه اظهار می‌دارند نظریات شخصیه
 آنان است .

۱۳۱- اَيَّاكُمْ اَنْ تَقْرَبُوا خَزَائِنَ حَمَامَاتِ الْعَجَمِ
(بند ۱۰۶)

جمال مبارک ورود به خزینه حمامهای عمومی را که در ایران معمول بود منع فرموده‌اند. رسم متداول این بوده که تعداد زیادی از مردم خود را در این خزینه‌ها می‌شستند و چون آب آنها مدتی مدید عوض نمیشد، بر اثر کثرت استعمال رنگ آن تغییر می‌کرد، متعفن می‌شد و سبب اشمناز می‌گردید و مخالف بهداشت بود.

۱۳۲- وَ كَذَلِكَ حِيَاظُهُمُ الْمُنْتَنَةَ اَتْرِكُوها وَ كُونُوا
مِنَ الْمُقَدِّسِينَ (بند ۱۰۶)

در حیاط اغلب خانه‌های ایران حوض آبی موجود بود که از آب آن جهت نظافت، شست و شو و سایر امور خانه استفاده می‌کردند. چون آب این حوضها راکد بود و هفته‌ها عوض نمیشد، معمولاً متعفن می‌گردید.

۱۳۳- قَدْ حَرَمَتْ عَلَيكُمْ اَزْوَاجَ اَبَائِكُمْ (بند ۱۰۷)

در این آیه مبارکه حرمت ازدواج پسر با زن پدرش تصریح شده است. همین حرمت در مورد ازدواج دختر با شوهر مادرش نیز مجری است. احکامی را که جمال مبارک در باره روابط بین

زن و مرد نازل فرموده‌اند، با در نظر گرفتن تفاوت‌های لازمه جزئیّه
بالتّویّه در مورد هر دو اجرا می‌گردد مگر در مواردی که این امر
غیر ممکن باشد.

حضرت عبدالبهاء و حضرت ولیّ امرالله بیان فرموده‌اند که هرچند
در کتاب مستطاب اقدس منحصراً حرمت نکاح پسر با زوجات پدر
ذکر شده ولی این دلیل بر آن نیست که ازدواج با سایر محارم جایز
باشد. جمال اقدس ابهی می‌فرمایند که تشریح احکام مربوط به
حلیّت و حرمت نکاح اقارب راجع به بیت العدل اعظم است (سؤال و
جواب، فقرة ۵۰). حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: در اقتران هر
چه دورتر موافقتر زیرا بعد نسبت و خویشی بین زوج و
زوجه مدار صحت بنیه بشر و اسباب الفت بین نوع
انسانی است.

۱۳۴. حکم الغلمان (بند ۱۰۷)

مقصود از کلمه غلمان در این مورد رابطه جنسی شخص مذکر با
پسران است. حضرت ولیّ امرالله در تبیین این حکم فرموده‌اند که
مراد تحریم همه نوع روابط جنسی بین افراد هم‌جنس است. روابط
جنسی بر حسب تعالیم بهائی منحصراً در ظلّ ازدواج حلیّت دارد و
بنیان جامعه بشری بر آن استوار است و مقصد از این تعالیم مبارکه

حمایت و تقویت آن اساس الهی است. بنا بر این شریعت بهائی روابط جنسی را فقط بین زن و مردی که با یکدیگر ازدواج نموده باشند مشروع می‌شمارد.

در توقیعی که حسب الامر حضرت ولیّ امرالله تحریر یافته چنین مذکور است:

هر قدر عشق و محبت بین دو هم‌جنس شدید و خالص باشد، اگر به روابط جنسی منجر گردد نادرست و خطا است و اگر گفته شود که این روابط کمال مطلوب عشق و محبت است چنین ادعائی عذری است نامقبول. حضرت بهاءالله هر نوع انحراف و فساد اخلاقی را به کلی تحریم فرموده‌اند و نیز رابطه نامشروع بین دو هم‌جنس را علاوه بر آنکه بر خلاف قانون طبیعت است از انحرافات اخلاقی محسوب فرموده‌اند. ابتلا به چنین بلیه‌ای ثقلی عظیم بر روح هر فرد با وجدانی تحمیل می‌کند، اما نفوس مبتلا قادرند که با مشاوره و مساعدت اطباء و اراده و سعی راسخ و دعا و مناجات بر این ضعف و مشکل فایق آیند. (ترجمه)

حضرت بهاءالله تعیین مقادیر حدّ زنا و لواط را به بیت العدل اعظم محول فرموده‌اند (سؤال و جواب، فقرة ۴۹).

۱۳۵- لیس لاحد ان یحرک لسانه امام الناس اذ
 یمشی فی الطّرق و الاسواق (بند ۱۰۸)

این آیه مبارکه اشاره است به عادت بعضی از روحانیون و رهبران
 ادیان گذشته که از روی ریا و تظاهر و برای ایجاد محبوبیت در بین
 پیروان خود هنگام راه رفتن در کوچه و بازار به زمزمه ادعیه و
 مناجات می‌پردازند و قصدشان آن است که به زهد و تقوی شهرت
 یابند. حضرت بهاء الله این گونه عادات را تحریم نموده و تأکید
 فرموده‌اند که آنچه عند الله اهمیت دارد همانا خضوع و خشوع و
 خلوص و تقوی است.

۱۳۶- قد فرض لكلّ نفس کتاب الوصیّة (بند ۱۰۹)

طبق تعالیم جمال اقدس ابهی احباء به نوشتن وصیت نامه موظفند و
 اختیار دارند که دارائی خود را به میل خویش تقسیم نمایند
 (یادداشت شماره ۲۸).

حضرت بهاء الله در مورد نوشتن وصیت نامه می‌فرمایند: انسان در
 مال خود مختار است... قد اذن الله له بان یفعل فیما
 ملّکه الله کیف یشاء (سؤال و جواب، فقرة ۶۹). مقرراتی که در
 کتاب مستطاب اقدس جهت توزیع ارث وضع گردیده راجع به مواردی
 است که وصیت نامه موجود نباشد (یادداشت‌های شماره ۴۸ - ۳۸).

۱۳۷- الاسم الاعظم (بند ۱۰۹)

همان طور که در یادداشت شماره ۳۳ توضیح داده شده، اسم اعظم الهی به صورتهای مختلف آمده و ریشه همه آنها کلمه «بهاء» است. بهائیان مشرق زمین صدر وصیت نامه را به عباراتی مانند یا بهاء الابهی، بسم الله الابهی، هو الابهی مزین ساخته و از این راه حکم کتاب مستطاب اقدس را اجرا نموده‌اند.

۱۳۸- قد انتهت الاعیاد الی العیدین الاعظمین ... و الآخرین فی یومین (بند ۱۱۰)

حضرت بهاء الله در این آیه مبارکه به عظمت چهار عید عمده در سال اشاره می‌فرمایند. اولین عید از عیدین اعظمین عید رضوان است. این عید جشن اظهار امر حضرت بهاء الله است که در ماههای آوریل و مه سنه ۱۸۶۳ میلادی طی دوازده روز توقف هیکل اقدس در باغ رضوان در مدینه بغداد تحقق یافت. حضرت بهاء الله این عید را سلطان اعیاد ملقب فرموده‌اند. دومین عید از عیدین اعظمین یوم بعثت حضرت نقطه اولی است که در ماه مه سنه ۱۸۴۴ در شیراز واقع شد. روزهای اول، نهم و دوازدهم عید رضوان از ایام محرّمه امری محسوب است (سؤال و جواب، فقرة ۱). یوم بعثت حضرت اعلی نیز از ایام محرّمه است.

دو عید دیگر عبارتند از اعیاد ولادت حضرت بهاء الله و حضرت ربّ اعلیٰ. در تقویم اسلامی که قمری است این دو یوم متوالی یکدیگرند. یوم مولود حضرت بهاء الله روز دوم ماه محرم سنه ۱۲۳۳ هجری قمری (۱۲ نوامبر ۱۸۱۷ میلادی) است و یوم میلاد حضرت اعلیٰ اول ماه محرم سنه ۱۲۳۵ هجری قمری (۲۰ اکتبر ۱۸۱۹ میلادی). به این مناسبت این دو یوم ولادت به عیدین معروفند. حضرت بهاء الله می فرماید: این دو یوم یک یوم محسوب شده عند الله (سؤال و جواب، فقرة ۲). و نیز می فرماید که اگر این اعیاد با ایام صیام مقارن گردد، حکم روزه در آن دو روز مرتفع است (سؤال و جواب، فقرة ۳۶). نظر به اینکه اساس تقویم بهائی بر تقویم شمسی استوار است (یادداشت های شماره ۲۶ و ۱۴۷)، تعیین این مطلب بر بیت العدل اعظم است که آیا این دو عید مولود باید طبق تقویم شمسی برگزار شود یا قمری.

۱۳۹- یوم الاول من شهر البهآء (بند ۱۱۱)

در تقویم بهائی اسم اعظم «بهاء» نام اولین ماه سال و اولین روز هر ماه است. با این ترتیب یوم البهآء من شهر البهآء روز اول سال نو بهائی یعنی نوروز است که حضرت اعلیٰ آن را عید مقرر فرموده و

طبق این آیه مبارکه به تأیید حضرت بهاء الله نیز رسیده است (یادداشت‌های شماره ۲۶ و ۱۴۷).

علاوه بر هفت یومی که در کتاب مستطاب اقدس از ایام محرّمه محسوب شده است، یوم شهادت حضرت اعلی نیز در زمان حیات عنصری حضرت بهاء الله در عداد یکی از ایام محرّمه بود. بر این قیاس حضرت عبدالبهاء صعود جمال اقدس ابهی را نیز به ایام محرّمه اضافه فرمودند و به این ترتیب تعداد ایام متبرکه جمعاً به نه روز بالغ می‌گردد. دو روز دیگر نیز که از ایام متبرکه محسوب ولی در آن اشتغال به کار ممنوع نیست عبارت از یوم جلوس مرکز میثاق و یوم صعود آن حضرت است. برای مزید اطلاعات به کتاب «عالم بهائی»، جلد هجده، قسمت تقویم امری، مراجعه شود.

۱۴۰. قل انّ العید الاعظم لسلطان الاعیاد (بند ۱۱۲)

این آیه مبارکه اشاره به عید رضوان است (یادداشت‌های شماره ۱۰۷ و ۱۳۸).

۱۴۱. قد کتب الله علی کلّ نفس ان یحضر لدی العرش بما عنده ممّا لا عدل له انا عفونا عن ذلک (بند ۱۱۴)

این آیه مبارکه ناسخ حکم کتاب مبارک بیان است دایر بر اینکه هر شئی که در نوع خود بی عدیل و مثیل باشد باید در ایام ظهور من یظهره الله تقدیم حضور حضرتش گردد و در توضیح این حکم حضرت اعلی می فرمایند که چون مظهر الهی را نظیر و بدیلی نیست لذا هر شیء بی نظیری حقاً متعلق به او است مگر اینکه خود غیر از این حکم فرماید .

۱۴۲- فی الاسحار (بند ۱۱۵)

در بارة توجه به مشرق الاذکار در اسحار حضرت بهاء الله می فرمایند: اگرچه در کتاب الهی ذکر اسحار شده ولكن در اسحار و طلوع فجر و بعد از طلوع فجر الی طلوع آفتاب و دو ساعت هم بعد از آن لدی الله مقبول است (سؤال و جواب، فقرة ۱۵).

۱۴۳- قد زینت الالواح بطراز ختم فالق الاصبح الذی ینطق بین السموات و الارضین (بند ۱۱۷)

حضرت بهاء الله مکرراً اصالت تامه آثار خویش را که کلاً کلام الهی است تأیید می فرمایند . بعضی از الواح مبارکه آن حضرت به اثر یکی از مهرهای مبارک نیز مزین گردیده است . در صفحه ۴ مجلد

پنجم کتاب «عالم بهائی» تصویر سجع تعدادی از مهرهای مبارک
گراور شده است.

۱۴۴- لیس للعاقل ان يشرب ما يذهب به العقل
(بند ۱۱۹)

در آثار مبارکه مکرراً شرب خمر و مسکرات دیگر تحریم گردیده و
اثرات سوء آن در افراد تصریح شده است. در یکی از الواح مبارکه
حضرت بهاء الله می‌فرمایند: ایاکم ان تبدلوا خمر الله بخمر
انفسکم لانها یخامر العقل و یقلب الوجه عن وجه الله
العزیز البدیع المنیع و انتم لا تتقربوا بها لانها حرمت
علیکم من لدی الله العلیّ العظیم. حضرت عبدالبهاء در
توضیح این آیه می‌فرمایند: استعمال مسکرات به نصّ کتاب
اقدس مذموم است خواه مسکرات قویّه و خواه مسکرات
خفیفه و مذمتش این است که عقل زائل گردد و سبب
ضعف بنیه شود.

حضرت ولیّ امرالله در تویعاتی که حسب الامر هیکل مبارک صادر
گردیده بیاناتی می‌فرمایند دالّ بر اینکه این حرمت فقط شامل شرب
خمر نیست، بلکه شامل هر چیزی است که عقل را مختل سازد.
به علاوه تصریح می‌فرمایند که استعمال الكل فقط به عنوان معالجهٔ

طبی مجاز است، آن هم به شرطی که به تجویز اطبای حاذق و سلیم باشد که استعمالش را برای معالجهٔ امراض مخصوصی لازم دانند .

۱۴۵- توجَّهوا الی من اراده الله الذی انشعب من
هذا الاصل القدیم (بند ۱۲۱)

جمال مبارک در این آیه مبارکه تلویحاً حضرت عبدالبهاء را وصی خویش قرار داده به مؤمنین امر می‌فرمایند که به آن حضرت توجه نمایند و در کتاب عهدی در تشریح این آیه چنین می‌فرمایند: مقصود از این آیه مبارکه غصن اعظم بوده . «غصن اعظم» از جمله القابی است که حضرت بهاءالله به حضرت عبدالبهاء عنایت فرمودند . (به یادداشت‌های شمارهٔ ۶۶ و ۱۸۴ نیز مراجعه شود .)

۱۴۶- حرّم علیکم السّؤال فی البیان (بند ۱۲۶)

حضرت اعلی در کتاب بیان می‌فرمایند که سؤال از من ینظهره الله جایز نیست مگر آنکه از آنچه لایق به او است سؤال شود و کتباً تقدیم گردد . به «منتخبات آثار حضرت نقطهٔ اولی» مراجعه شود . جمال اقدس ابهی با الغاء این حکم اجازه فرمودند که سؤالاتی را که مؤمنین لازم دانند عرضه دارند ولی بر عکس رجال قبل از سؤالات بیهوده احتراز جویند .

۱۴۷- انّ عدّة الشهور تسعة عشر شهراً في
كتاب الله (بند ۱۲۷)

طبق تقویم بدیع سال عبارت است از نوزده ماه نوزده روزه. ایام
زائده (چهار روز در سالهای معمولی و پنج روز در سالهای کبیسه)
بین ماههای هجدهم و نوزدهم سال قرار دارد تا تقویم امری با
تقویم شمسی توافق یابد. حضرت اعلی ماههای سال را به بعضی
از اسماء و صفات الهیه تسمیه فرمودند. روز اول سال یا نوروز
طبق علم نجوم مقارن است با اعتدال ربیعی (به یادداشت شماره ۲۶
مراجعه شود). برای کسب اطلاعات بیشتر در باره تقویم امری و
اسامی روزهای هفته و ماه به کتاب «عالم بهائی»، جلد هجدهم،
قسمت تقویم بهائی، مراجعه شود.

۱۴۸- قد زین اولها بهذا الاسم المهیمن علی
العالمین (بند ۱۲۷)

حضرت اعلی در کتاب مبارک بیان فارسی اولین ماه سال را به نام
بهاء تسمیه فرموده‌اند (یادداشت شماره ۱۳۹).

۱۴۹- قد حکم الله دفن الاموات (بند ۱۲۸)

حضرت اعلی در کتاب مبارک بیان امر فرموده‌اند که اموات در

تابوتهائی از بلور یا حجر مصیقل دفن شوند. حضرت ولیّ امرالله در توقیعی که حسب الامر مبارک به انگلیسی صادر گردیده می‌فرمایند که این حکم مبین این نکته است که جسد انسان چون زمانی محلّ تجلّی روح ابدی انسانی بوده شایان احترام است.

به طور اختصار مواردی که در احکام دفن اموات نازل شده از این قرار است: حمل میت بیش از مسافت یک ساعت از محلّ وفات جایز نیست. جسد باید در کفنی از حریر یا کتان پیچیده شود. در انگشت شخص متوفی باید انگشتری قرار داده شود که این آیه روی آن منقوش باشد: *قد بدئت من الله و رجعت الیه منقطعاً عما سواه و متمسکاً باسمه الرّحمن الرّحیم*. تابوت باید از بلور یا سنگ یا چوب محکم لطیف باشد. صلات میت باید قبل از دفن تلاوت گردد (یادداشت شماره ۱۰). حضرت عبدالبهاء و حضرت ولیّ امرالله تأیید فرموده‌اند که این احکام دالّ بر آن است که سوزاندن اموات جایز نیست. صلات میت و انگشتر اختصاص به کسانی دارد که به حدّ بلوغ یعنی به سنّ پانزده سالگی رسیده باشند (سؤال و جواب، فقره ۷۰).

در مورد تابوت، مراد از حکم آن است که *حتی المقدور* از مصالح پردوام ساخته شود. از این رو بیت *العدل اعظم* تصریح فرموده‌اند

که برای ساختن تابوت علاوه بر مصالحی که در کتاب مستطاب اقدس مذکور است میتوان از محکمترین چوبی که در دسترس است یا از سیمان استفاده نمود. در حال حاضر اهل بهاء در انتخاب مصالح تابوت مختارند.

۱۵۰. نقطة البيان (بند ۱۲۹)

«نقطة البيان» از القابی است که حضرت اعلی برای خود اختیار فرموده اند.

۱۵۱. و ان تکفونوه فی خمسة ااثواب من الحریر او القطن (بند ۱۳۰)

حضرت اعلی در کتاب مبارک بیان مقرر فرمودند که جسد در پنج پارچه حریر یا کتان پیچیده شود. جمال اقدس ابهی این حکم را تأیید نموده و اضافه فرمودند: من لم یستطع یکتفی بواحدة منهما.

وقتی از حضور مبارک سؤال شد که آیا مقصود از ااثواب خمسة مذکور در آیه فوق پنج پارچه سرتاسری است یا «پنج پارچه ای است که در قبل معمول میشد»، در جواب فرمودند که مقصود پنج پارچه است (سؤال و جواب، فقرة ۵۶).

در آثار مبارکه بیانی که حاکی از طرز پیچیدن جسد در پنج پارچه مجزاً و یا در یک ثوب باشد موجود نیست. در حال حاضر اهل بهاء در اجرای این امر مختارند.

۱۵۲- حرم علیکم حمل المیت ازید من مسافة ساعة من المدينة (بند ۱۳۰)

مقصود از این حکم آن است که مدت حمل میت به محل دفن، با هر وسیله نقلیه‌ای که اختیار شود، محدود گردد و از یک ساعت تجاوز ننماید. حضرت بهاء الله در این مورد می‌فرمایند: هرچه زودتر دفن شود احب و اولی است (سؤال و جواب، فقرة ۱۶). در تعریف محل موت میتوان محدوده شهر را در نظر گرفت. لذا مدت یک ساعت را میتوان از سرحد شهری که در آن وفات واقع شده تا محل دفن حساب نمود. مقصود از این حکم آن است که شخص متوفی در نزدیکی محل وفات مدفون گردد.

۱۵۳- قد رفع الله ما حکم به البیان فی تحدید الاسفار (بند ۱۳۱)

حضرت اعلی سفر را مشروط به شروطی فرمودند که تا زمان ظهور من ینظره الله رعایت شود ولی امر فرمودند که مؤمنین در یوم ظهور

موعود بیان برای درک لقای او که ثمره وجود و مقصد غائی خلقتشان است ولو با پای پیاده سفر نمایند .

۱۵۴- و ارفعنّ البیتین فی المقامین و المقامات
الّتی فیها استقرّ عرش ربکم (بند ۱۳۳)

در باره «بیتین» حضرت بهاء الله می فرماید: بیت اعظم در بغداد و بیت نقطه در شیراز مقصود است هر یک را که حج نمایند کافی است (سؤال و جواب، فقرات ۲۹ و ۳۲ و یادداشت شماره ۵۴).

حضرت ولی امر الله در باره المقامات الّتی فیها استقرّ عرش ربکم می فرماید که اشاره به مقاماتی است که محلّ استقرار هیكل مبارک گشته . جمال مبارک می فرماید: و مقامات دیگر به اختیار اهل آن بلد است هر بیتی را که محلّ استقرار شده مرتفع نمایند یا یک بیت را اختیار کنند (سؤال و جواب، فقرة ۳۲). مؤسّسات امری با شواهد و اسناد لازمه اماکن متبرکّه مربوط به حضرت بهاء الله و حضرت اعلی را مشخص و حتی المقدور ابتیاع و تعدادی را به صورت اولیّه تعمیر نموده اند .

۱۵۵- ایّاکم ان یمنعکم ما نزل فی الکتاب عن هذا

الكتاب الذي ينطق بالحق (بند ۱۳۴)

مراد از ما نزل في الكتاب آيات و كلمات منزلة بر مظاهر الهیه است و مقصد از الكتاب الذي ينطق بالحق نفس مظهر الهی است .

آیات فوق اشاره است به فرموده حضرت اعلی در کتاب مبارک بیان فارسی که مقصود از «کتاب الله» نفس من یتظهره الله است . در یکی از الواح مبارکه حضرت بهاء الله می فرمایند : قد ظهر کتاب الله علی هیکل الغلام .

در این آیه از کتاب مستطاب اقدس و همچنین در بند ۱۶۸ حضرت بهاء الله خود را «کتاب ناطق» نامیده و امم سائره را انذار می فرمایند که با استدلال از کتب مقدسه خویش کتاب الذي ينطق فی قطب الابداع را رد ننمایند و نصیحت می فرمایند که مبدا بیاناتی که در کتب آسمانی نازل شده سبب شود که از عرفان مقام مظهر ظهور و تمسک به امر جدید محروم مانند .

۱۵۶- ما جرى من قلم مبشّري في ذكر هذا الظهور (بند ۱۳۵)

این آیه اشاره به آیات کتاب بیان عربی است در ذکر و ثنای موعود بیان .

۱۵۷- اِنَّمَا الْقِبْلَةُ مِنْ يَظْهَرُهُ اللهُ مَتَىٰ يَنْقَلِبُ تَنْقَلِبُ
الِيْ اِنْ يَسْتَقَرَّ (بند ۱۳۷)

برای اطلاع در باره آیه فوق به یادداشت‌های شماره ۷ و ۸ مراجعه
شود.

۱۵۸- لَا يَحِلُّ الْاِقْتِرَانُ اِنْ لَمْ يَكُنْ فِي الْبَيَانِ وَ اِنْ
يَدْخُلُ مِنْ اَحَدٍ يَحْرِمُ عَلٰى الْاٰخِرِ مَا يَمْلِكُ مِنْ
عِنْدِهِ (بند ۱۳۹)

این آیه از کتاب مبارک بیان که حضرت بهاء الله نقل فرموده‌اند
مؤمنین را متوجه قرب ظهور من یظهره الله می‌سازد. حضرت اعلی
ازدواج بابی با غیر بابی را تحریم و همچنین تعلق دارائی همسر
مؤمن را به شوهر یا زن غیر بابی نهی فرمودند ولی اجرای این دو
حکم را به صراحت موکول به ظهور من یظهره الله نمودند و حضرت
بهاء الله قبل از آنکه این احکام به مرحله اجرا درآید آنها را ملغی
فرمودند. جمال مبارک با نقل این فقره به این مطلب اشاره
می‌فرمایند که حضرت اعلی در طی این آیات امکان ارتفاع امر
حضرت بهاء الله را قبل از امر خود پیش‌بینی فرموده بودند.

حضرت ولی امر الله در ﴿گاد پاسز بای﴾ در باره کتاب مبارک بیان
توضیحی می‌فرمایند که ترجمه‌اش این است: در رتبه اولی

مقصد از این مصحف آسمانی را باید وصف و ثنای حضرت موعود محسوب داشت نه آنکه آن را مجموعه‌ای از سنن و احکام ابدی برای هدایت نسلهای آتیه دانست. سپس می‌فرمایند: آن حضرت متعمداً حدود و احکام بسیار شدیدی مقرر داشتند و اصولی اضطراب‌انگیز وضع فرمودند تا سبب ایقاظ مردم و رهبران دینی از خمودت مزمنهٔ قدیمه گردد و ضربه‌ای ناگهانی و مؤثر و مهلک به مؤسّسات مهجورهٔ عتیقه وارد آورد. و با وضع مقرّراتی بسیار سخت و حاد اعلان فرمود که یوم موعود فرارسیده یعنی «یوم یدع الدّاع الی شیء نکر» و نیز یوم «یهدم ما کان قبله کما هدم رسول الله امر الجاهلیّه» (به یادداشت شمارهٔ ۱۰۹ نیز مراجعه شود).

۱۵۹. نقطة البیان (بند ۱۴۰)

نقطهٔ بیان یکی از القاب حضرت اعلیٰ است.

۱۶۰. انه لا اله الا انا (بند ۱۴۳)

حقیقت مظاهر الهی و کیفیّت ارتباطشان با خداوند متعال در بسیاری

از آثار مبارکه این ظهور تشریح شده است. حضرت بهاء الله در باره فردانیت و عظمت و جلال مقام الوهیت می فرمایند: و چون ما بین خلق و حق ... به هیچ وجه رابطه و مناسبت و موافقت و مشابهت نبوده و نیست لهذا در هر عهد و عصر کینونت ساذجی را در عالم ملک و ملکوت ظاهر فرماید و این لطیفه ربّانی و دقیقه صمدانی را از دو عنصر خلق فرماید عنصر ترابی ظاهری و عنصر غیبی الهی و دو مقام در او خلق فرماید یک مقام حقیقت که مقام لا ینطق الاّ عن الله رتّه است ... و مقام دیگر مقام بشریت است که می فرماید «ما انا الاّ بشر مثلکم و قل سبحان ربّی هل کنت الاّ بشرا رسولا».

بنا به بیان مبارک در عوالم روحانی همه مظاهر الهی حکم یک نفس و یک ذات را دارند. جمال الهی از جمالشان باهر و اسماء و صفات حق در آنان ظاهر و آناند مظاهر امر او. در این مقام می فرمایند:

و اگر شنیده شود از مظاهر جامعه «آنی انا الله» حق است و ربّی در آن نیست چنانچه به کرات مبرهن شد که به ظهور و صفات و اسمای ایشان ظهور الله و اسم الله و صفة الله در ارض ظاهر.

مظاهر الهی که مرایای اسماء و صفات الهی و وسایط وصول نوع بشر به عرفان حق و مشارق وحی او هستند به فرموده حضرت ولی امرالله هرگز نباید آنان را با غیب منیع لایدرک و ذات الوهیت یکی دانست. و نیز در باره جمال قدم می فرمایند که هیکل عنصری حضرتش را که مظهر چنین ظهور اعظم و مهیمنی است نباید با حقیقت الوهیت یکسان دانست.

حضرت ولی امرالله در باره مقام بی همتای جمال اقدس ابهی و عظمت ظهور مبارکش می فرمایند که با ظهور حضرت بهاء الله و عود کتب مقدسه در باره «یوم الله» تحقق یافته است:

طبق نبوات کتب مقدسه یهود ظهور مبارک همان ظهور «پدر سرمدی» و «رب الجنود» است که «با هزاران هزار مقدسین» ظاهر گشته و همچنین نزد ملت روح مجیء ثانی مسیح است که با «جلال اب سماوی» آمده و در نظر شیعه اسلام «رجعت حسینی» و به اصطلاح اهل سنت و جماعت نزول «روح الله» و به اعتقاد زرتشتیان ظهور شاه بهرام موعود و نزد هندوها رجوع کریشنا و نزد بودائیها بودای پنجم است.

در باره مقام الوهیت که در همه مظاهر الهی متجلی است حضرت بهاء الله چنین توضیح می فرمایند:

این مقام مقام فنای از نفس و بقاء بالله است و این کلمه اگر ذکر شود مدلّ بر نیستی بحت بات است. این مقام لا املک لنفسی نفعاً و لا ضرراً و لا حیاةً و لا نشوراً است.

و در باره نسبت خود با خدای متعال می فرمایند:

يا الهی اذا انظر الی نسبتی الیک احبّ بان اقول فی کلّ شیء بانّی انا الله و اذا انظر الی نفسی اشاهدها احقر من الطین.

۱۶۱- زکوة (بند ۱۴۶)

زکات که در قرآن مجید بر مسلمین واجب گردیده نوعی خاص از خیرات و مبرات است که به مرور زمان به صورت یک نوع مالیات خیریه درآمد و مؤمنین را مکلف ساخت که جهت کمک به فقرا و امور خیریه و نصرت دین الله مقدار معینی از بعضی از عایدات خود را پس از رسیدن به حدّ نصاب ادا نمایند. حدّ معافیت از پرداخت این مالیات در مورد امتعه متنوعه و نیز نصاب معینی که باید پرداخت شود تفاوت دارد.

حضرت بهاء الله می فرمایند: در باره زکات هم امر نمودیم کما نزل فی الفرقان عمل نمایند (سؤال و جواب، فقرة ۱۰۷).

نظر به اینکه حدّ معافیت و نوع عایدات و موعد اداء زکات و حدّ نصاب در موارد مختلفه هیچ یک در قرآن مجید ذکر نشده است، لهذا اتخاذ تصمیم در این مسائل منوط به قرار بیت العدل اعظم در آینده است و تا آن زمان به فرموده حضرت ولیّ امرالله باید احبّاء در خور توانائی و مقدورات خویش مرتّباً به صندوقهای امری تبرّع نمایند .

۱۶۲۔ لا یحلّ السّؤال و من سئل حرّم علیه العطاء
(بند ۱۴۷)

حضرت عبدالبهاء در لوحی در توضیح این آیه چنین می فرمایند: تکدی حرام است و بر گدایان که تکدی را صفت خویش نموده اند انفاق نیز حرام است . مقصود این است که ریشه گدائی کنده شود و اما اگر نفسی عاجز باشد یا به فقر شدید افتد و چاره نتواند اغنیاء یا وکلاء باید چیزی مبلغی در هر ماهی از برای او معین کنند تا با او گذران کند . . . مقصود از وکلاء ، وکلاء بیت است که اعضای بیت عدل باشد .

افراد یا محافل روحانیّه نباید چنین پندارند که حرمت اعطاء به گدایان مانع از این است که فقرا و مساکین را اعانت نمایند و یا

وسایل تحصیل حرفه‌ای را برایشان فراهم آورند که از آن راه بتوانند
امرار معاش نمایند (به یادداشت شماره ۵۶ مراجعه شود).

۱۶۳- من یحزن احداً فله ان ینفق تسعة عشر
مثقالاً من الذهب (بند ۱۴۸)

در کتاب مبارک بیان امر شده که اگر کسی سبب حزن دیگری گردد
جریمه‌ای پرداخت نماید. جمال اقدس ابهی این حکم را ملغی
فرموده‌اند.

۱۶۴- السّدرَة (بند ۱۴۸)

مقصود از «السّدرَة» همان «سدرَة المنتهی» است (به یادداشت شماره
۱۲۸ مراجعه شود). در اینجا به صورت استعاره آمده است و مراد
حضرت بهاء الله است.

۱۶۵- اتلوا آیات الله فی کلّ صباح و مساء (بند ۱۴۹)
حضرت بهاء الله می‌فرمایند: شرط اعظم میل و محبت نفوس
مقدّسه است به تلاوت آیات (سؤال و جواب، فقرة ۶۸).

در باره «آیات الله» جمال مبارک می‌فرمایند: مقصود جمیع ما
نزل من ملکوت البیان است. حضرت ولیّ امرالله در توضیح

کلمه «آیات» در توفیق مبارک خطاب به یکی از احبّای شرق می‌فرمایند که آنچه از کلک میثاق صادر از آیات محسوب نیست و همچنین تذکر داده‌اند که آثار قلمیه خود آن حضرت را نیز نباید از آیات دانست.

۱۶۶. کتب علیکم تجدید اسباب البیت بعد انقضائ تسع عشرة سنة (بند ۱۵۱)

حضرت بهاء الله حکم کتاب مبارک بیان عربی را در مورد تجدید اسباب بیت هر نوزده سال تأیید ولی اجرای آن را مشروط به استطاعت و توانائی افراد فرموده‌اند. حضرت عبدالبهاء این حکم را از مقتضیات نظافت و لطافت دانسته در باره حکمت آن چنین می‌فرمایند: مراد از این اشیاء تحفه‌های نادیده و اشیاء مرغوبه نه مثلاً مجوهرات داخل نه بلکه مقصد اشیائی است که در ظرف نوزده سال کهنه گردد و از رونق افتد و انسان از مشاهده‌اش کره حاصل نماید.

۱۶۷. اغسلوا ارجلكم (بند ۱۵۲)

جمال قدم در کتاب مستطاب اقدس به اهل بهاء توصیه فرموده‌اند که به طور مرتب استحمام نمایند و البسه پاکیزه بپوشند و جوهر

نظافت و لطافت باشند . خلاصه بیانات مبارک در این موارد در جزوه «تلخیص و تدوین حدود و احکام»، قسمت د، ۱-۲۵-۳-۴ تا ۶-۲۵-۳-۴ مذکور گشته است . در باره شستن پا حضرت بهاء الله می فرمایند که استعمال آب گرم ارجح است ولی آب سرد نیز جایز است (سؤال و جواب، فقرة ۹۷) .

۱۶۸- قد منعتم عن الارتقاء الى المنابر من اراد ان يتلو عليكم آيات ربه فليقعد على الكرسي الموضوع على السرير (بند ۱۵۴)

سابقه این احکام در کتاب بیان فارسی است . حضرت اعلی ارتقاء بر منابر را به منظور موعظه و اداء خطابه یا تلاوت آیات نهی و به جای آن دستور فرموده اند که به جهت شخص ناطق صندلی بر سریری نهاده شود تا کل بتوانند آیات الهی را به وضوح استماع نمایند .

حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله در تبیین این حکم می فرمایند که در مشرق الاذکار موعظه ممنوع و فقط تلاوت آیات الهی جایز است . افراد مختارند در حال نشسته یا ایستاده آیات را تلاوت نمایند و برای اینکه آیات بهتر استماع شود، می توانند از سریر کوتاه قابل انتقالی استفاده کنند ولی وجود منبر جایز نیست .

در مورد جلساتی که در محلی غیر از مشرق الاذکار منعقد می‌گردد ناطق یا خواننده می‌تواند نشسته یا ایستاده باشد و یا از سریر استفاده نماید. حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح مبارکه، پس از تأکید حرمت استفاده از منبر می‌فرمایند که در مجامع احبای الهی ناطقین باید در کمال محویت و خضوع و خشوع تکلم نمایند.

۱۶۹- حرّم علیکم المیسر (بند ۱۵۵)

مواردی که مشمول این حرمت می‌شود در آثار جمال مبارک ذکر نشده است. حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله تصریح فرموده‌اند که تفصیل مربوط به این حکم را بیت العدل اعظم معین خواهند فرمود. بیت العدل اعظم در پاسخ به سؤالاتی که آیا لاتار، شرط‌بندی در اسب‌دوانی و فوتبال و بینگو و امثال آن قمار محسوب می‌شود یا نه چنین فرموده‌اند که اتخاذ تصمیم در باره این امور موکول به آینده است و عجاله از محافل و افراد خواسته‌اند که نه ممانعت نمایند و نه ترغیب، بلکه این امور را به وجدان افراد واگذار کنند.

طبق دستور بیت العدل اعظم اعانت به صندوقهای امری از طریق لاتار و بخت‌آزمایی و امثال آن موافق و مناسب نیست.

۱۷۰- حَرَمَ عَلَيْكُمْ ... الْاَفْيُونَ ... اَيَّاكُمْ اَنْ
تَسْتَعْمَلُوا مَا تَكْسَلُ بِهِ هِيَ اَكْلُكُمْ وَ يَضُرُّ اَبْدَانَكُمْ
(بند ۱۵۵)

حرمت استعمال افیون، در این آیه مبارکه و مجدداً در بند آخر
کتاب مستطاب اقدس تأکید شده است. حضرت ولیّ امرالله
فرموده‌اند که از لوازم تقدیس و تنزیه اجتناب تامّ از شرب افیون و
احتراز از استعمال مواد مخدّره اعتیاد آور است. هروئین، حشیش و
ماروانا و پیوتی و ال-اس-دی و همه عصاره‌ها و مشتقات موادی از
این قبیل مشمول این حرمت می‌شود.
حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

اَمَّا مَسْئَلَةُ اَفْيُونَ كَثِيفٍ مَلْعُونٍ نَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ عَذَابِ اللّٰهِ بِهِ
صَرِيحٌ كِتَابِ اَقْدَسِ مَحْرَمٍ وَ مَذْمُومٍ وَ شَرِيحٍ عَقْلًا ضَرْبِي
اَزْ جَنُونٍ وَ بِهِ تَجْرِبَةٌ مَرْتَكِبُ اَنْ بِهِ كَلِّيٌّ اَزْ عَالَمِ اِنْسَانِي
مَحْرُومٍ . پناه به خدا می‌برم از ارتکاب چنین امر فظیعی
که هادم بنیان انسانی است و سبب خسران ابدی. جان
انسان را بگیرد وجدان بمیرد شعور زایل شود ادراک
بکاهد زنده را مرده نماید حرارت طبیعت را افسرده
کند دیگر نتوان مضرّتی اعظم از این تصوّر نمود.
خوشا به حال نفوسی که نام تریاک بر زبان نرانند تا چه

رسد به استعمال آن. ای یاران الهی جبر و عنف و زجر و قهر در این دوره الهی مذموم ولی در منع از شرب افیون باید به هر تدبیری تشبث نمود بلکه از این آفت عظمی نوع انسان خلاصی و نجات یابد و الا واولا علی کل من یفرط فی جنب الله.

در یکی از الواح مبارکه حضرت عبدالبهاء می فرمایند: در خصوص افیون مرقوم نمودید شارب و شاری و بایع کل محروم از فیض و عنایت الهی هستند. و در لوح دیگری می فرمایند:

در مسئله حشیش فقره ای مرقوم بود که بعضی از نفوس ایرانیان به شربش گرفتار. سبحان الله این از جمیع مسکرات بدتر و حرمتش مصرح و سبب پریشانی افکار و خمودت روح انسان از جمیع اطوار. چگونه ناس به این ثمره شجره زقوم استیناس یابند و به حالتی گرفتار گردند که حقیقت نسناس شوند. چگونه این شیء محرم را استعمال کنند و محروم از الطاف حضرت رحمن گردند... خمر سبب ذهول عقل است و صدور حرکات جاهلانه. اما این افیون و زقوم کثیف و حشیش خبیث عقل را زایل و نفس را خامد و روح را جامد و

تن را ناهل و انسان را به کلی خائب و خاسر نماید .
باید دانست که اگر مواد مخدّرة خاصی در معالجات طبّی لازم آید و
تحت نظر اطّباءی حاذق تجویز و استعمال شود مشمول این حرمت
نمی گردد .

۱۷۱- سرّ التّنکیس لرمز الرّئیس (بند ۱۵۷)

شیخ احمد احسانی (۱۸۳۱ - ۱۷۵۳)، مؤسّس مکتب شیخی، اول
کوکب درخشنده از دو نیر تابناکی است که قرب ظهور حضرت باب
را درک نموده و خبر داد که در زمان ظهور قائم موعود همه چیز
واژگون و دگرگون یعنی اول آخر و آخر اول خواهد شد . حضرت
بهاء الله در لوحی می فرمایند: فانظر سرّ التّنکیس لرمز
الرّئیس حیث جعل اعلیهم اسفلهم و اسفلهم اعلیهم و
اذکر اذ اتی الیسوع انکره العلماء و الفضلاء و الادباء و
اقبل الی الملکوت من یسطاد الحوت (به یادداشت شماره ۱۷۲
نیز مراجعه شود). برای کسب اطلاع بیشتر در باره شیخ احمد
به فصول ۱ و ۱۰ تاریخ نبیل «مطالع الانوار» را مراجعه شود .

۱۷۲- السّنة الّتی ارتفعت بهذہ الالف القائمة (بند ۱۵۷)

شیخ احمد احسانی در آثار خود اهمیت خاصی برای حرف «واو»

قائل شده است. نبیل اعظم در تاریخ خود ذکر نموده که این حرف نزد حضرت اعلیٰ رمزی از ظهور کور بدیع محسوب می‌شود و حضرت بهاء الله در کتاب مستطاب اقدس با ذکر عبارت سرّ التّنکیس لرمز الرّئیس به این مفهوم اشاره فرموده‌اند.

حرف «و» در تلفّظ از سه جزء «و»، «ا»، «و» تشکیل شده است. طبق حساب ابجد ارزش عددی هر کدام از این حروف به ترتیب عبارت است از ۶، ۱، ۶. حضرت ولیّ امرالله در توقیعی که حسب الامر مبارک در پاسخ سؤال یکی از یاران شرق صادر گردیده در باره این آیه کتاب مستطاب اقدس چنین می‌فرمایند: مقصود از الف قائمه ظهور قائم آل محمّد یعنی حضرت اعلیٰ است. واو اول که قبل از الف است و عدد آن شش است اشاره به ادوار سابقه و مظاهر قبل است. واو ثانی که حرف ثالث کلمهٔ واو است مقصود ظهور اقدس کلیّ جمال ابهی است که بعد از الف ظاهر گشته.

۱۷۳- حرّم علیکم حمل الآت الحرب الاّ حین
الضرّورة (بند ۱۵۹)

جمال مبارک حکم کتاب مبارک بیان را در تحریم حمل اسلحه جز در موقع ضرورت تأیید فرموده‌اند. در بارهٔ اینکه تحت چه شرایطی

حمل اسلحه برای افراد ضروری است، حضرت عبدالبهاء در خطابی به یکی از یاران حمل اسلحه را برای دفاع از نفس در مواقع خطر جایز دانسته‌اند. حضرت ولیّ امرالله در توقیعی که حسب الامر مبارک تحریر یافته می‌فرمایند که در احیان بروز وقایع اضطراری و هنگامی که هیچ نوع مرجع قانونی برای دادخواهی وجود ندارد، افراد احبّاء مجازند از خود دفاع نمایند. موارد دیگری نیز وجود دارد که استفاده از اسلحه ضروری و موجه است. مثلاً در مالکی که مردم برای تأمین غذا و لباس شکار می‌نمایند، یا در ورزشهایی از قبیل نشانه‌زنی و تیروکمان و شمشیربازی.

اما از لحاظ هیأت اجتماعیّه امنیت عمومی که از تشریک مساعی قاطبهٔ دول و ملل حاصل می‌شود از اصولی است که در الواح جمال اقدس ابهی مذکور (﴿منتخبات آثار حضرت بهاءالله﴾، فقره ۱۱۷) و در توایع حضرت ولیّ امرالله ﴿نظم بدیع جهانی حضرت بهاءالله﴾ تفصیل و تشریح گشته است لذا اصل حرمت حمل آلات حرب مستلزم آن نیست که قوهٔ جبریّه به کار نرود بلکه نظامی را ارائه می‌دهد که در آن قدرت، خادم عدل و مقتضی ایجاد یک نیروی بین‌المللی جهت حفظ وحدت اصلیهٔ ملل عالم است. حضرت بهاءالله در لوح بشارات نوید می‌دهند که سلاح عالم به اصلاح تبدیل شود و فساد و جدال از مابین عباد

مرتفع گردد. حضرت بهاء الله در همان لوح اهمیت معاشرت با جمیع احزاب را در کمال روح و ریحان تأکید و می فرمایند: بشارت اول که از امّ الکتاب در این ظهور اعظم به جمیع اهل عالم عنایت شد محو حکم جهاد است از کتاب.

۱۷۴. و احلّ لكم لبس الحریر (بند ۱۵۹)

طبق رسوم اسلامی پوشیدن حریر برای مردان عموماً ممنوع بوده مگر در مواقع جهاد. این تحریم که اساسش بر آیات قرآنی استوار نیست توسط حضرت اعلیٰ ملغی گردید.

۱۷۵. قد رفع الله عنکم حکم الحدّ فی اللباس و اللّحی (بند ۱۵۹)

منشاء بسیاری از آداب مربوط به لباس در احکام و سنتهای ادیان مختلف یافت می شود. مثلاً روحانیون اهل تشیع برای خود نوعی لباس مشخص مانند عمامه و عبا انتخاب و مردم را از پوشیدن لباسهای اروپائی منع می نمودند. علاقه مسلمین به پیروی از سیره حضرت رسول اکرم سبب ایجاد محدودیتهائی در مورد آرایش ریش و سبیل و حدّ آن گردید.

جمال اقدس ابھی زمام البسه و ترتیب لحي و اصلاح آن

را در قبضه اختیار عباد قرار داده و در عین حال احبّاء را نصیحت فرموده‌اند که از حدّ وقار تجاوز نکنند و اعتدال را در مورد لباس و پوشاک رعایت نمایند .

۱۷۶- یا ارض الکاف و الرّآء (بند ۱۶۴)
کاف و راء اشاره به شهر کرمان است .

۱۷۷- نجد ما یمرّ منک فی سرّ السرّ (بند ۱۶۴)
این فقره از کتاب مستطاب اقدس اشاره به دسایس گروهی از اهل کرمان است از پیروان میرزا یحیی ازل (یادداشت شماره ۱۹۰). من جمله ملاّ جعفر و پسرش شیخ احمد روحی و میرزا آقا خان کرمانی (این دو نفر اخیر از دامادهای میرزا یحیی بودند) و همچنین میرزا احمد کرمانی . این نفوس در تضعیف اساس امرالله کوشا بودند و در توطئه‌های سیاسی که منجر به قتل ناصرالدین شاه گردید نیز دخالت داشتند .

۱۷۸- اذکروا الشیخ الّذی سمّی بمحمّد قبل حسن
(بند ۱۶۶)

از جمله اشخاصی که حضرت اعلی را انکار کرد شیخ محمد حسن

از مراجع تقلید شیعه بود که کتب متعدّد در تفسیر احکام و قوانین اسلامی در مذهب شیعه تألیف کرده است و وفاتش را در حدود سنه ۱۸۵۰ میلادی می‌دانند .

نبیل اعظم در کتاب خود تفصیل ملاقاتی را که در نجف بین ملاّ علی بسطامی ، یکی از حروف حیّ و شیخ محمّد حسن روی داد شرح داده است . در ضمن این ملاقات ملاّ علی بسطامی ظهور حضرت اعلی را اعلان و قوای مودوعه در آثار نازله حضرتش را ستایش نمود . لهذا به تحریک شیخ حکم فساد عقیده در حقّ ملاّ علی صادر و از مجلس اخراج گردید و پس از محاکمه به اسلامبول تبعید و به اعمال شاقّه محکوم شد .

۱۷۹- من ینقیّ القمح و الشعیر (بند ۱۶۶)

این آیه اشاره است به ملاّ محمّد جعفر گندم پاک‌کن که اول من آمن به حضرت اعلی در اصفهان بود . در کتاب مبارک بیان فارسی از او به عنوان کسی که قمیص نقابت را می‌پوشد یاد شده است . نبیل اعظم در کتاب تاریخ خود اقبال بلا شرط او را به امر حضرت اعلی و قیام عاشقانه‌اش را برای ترویج امر بدیع توصیف می‌نماید . ملاّ جعفر به گروه مدافعین قلعه شیخ طبرسی پیوست و در آن واقعه شهید شد .

۱۸۰۔ اَيَّاكُمْ اِنْ يَمْنَعُكُمْ ذِكْرَ النَّبِيِّ عَنْ هَذَا النَّبَاِ
الاعظم (بند ۱۶۷)

جمال مبارک اهل بصیرت را انذار می فرمایند که مبادا استنباطات و تعبیراتشان از کتب مقدسه باعث احتجابشان از مظهر الهی گردد. محبت و تعلق شدیدی که مؤمنین به مؤسس دین خود دارند سبب شده که ظهور او را آخرین ظهور الهی بدانند و در نتیجه این تصور امکان ظهور پیغمبر بعد را انکار نمایند. چنانکه ملل یهودی و مسیحی و مسلمان همین اعتقاد را دارند.

حضرت بهاء الله مسئله خاتمیت را چه در مورد ادیان گذشته و چه در مورد ظهور خود رد فرموده اند. در مورد اهل فرقان در کتاب مستطاب ایقان می فرمایند: به ذکر «خاتم النبیین» محتجب شده از جمیع فیوضات محجوب و ممنوع شده اند. سپس می فرمایند: و به این مطلب جمیع اهل ارض در این ظهور ممتحن شده اند چنانچه اکثری به همین قول تمسک جسته از صاحب قول معرض شده اند. حضرت اعلی در اشاره به این نکته می فرمایند: به اسماء از مالک آن محتجب ممانید حتی اسم النبی فان ذلک الاسم یخلق بقوله.

۱۸۱- او الولاية عن ولاية الله المهيمنة على العالمين (بند ۱۶۷)

مفاهیم کلمه «ولایت» متعدّد است و به نایب و امام و ولیّ و وصیّ اطلاق می‌شود. این کلمه در مقام الوهیت و مظهریت و جانشینی مظاهر الهیه به کار می‌رود.

در آیه فوق جمال اقدس ابهی انذار می‌فرمایند که مبادا در این ظهور بدیع که حقیقت ولایت الله است چنین مفاهیمی سبب احتجاب ناس از سلطنت مهیمنه الهیه گردد.

۱۸۲- اذکروا الکریم (بند ۱۷۰)

حاجی محمد کریم خان کرمانی (حدود ۱۸۱۰ تا ۱۸۷۳ میلادی) بعد از فوت سید کاظم رشتی که وصیّ و جانشین شیخ احمد احسانی بود خود را رهبر شیخیه می‌دانست (یادداشتهای شماره ۱۷۱ و ۱۷۲) و به ترویج تعالیم شیخ احمد می‌پرداخت. عقایدی که ابراز می‌داشت بین هواداران و مخالفانش هر دو سبب گفتگو و مجادله می‌شد.

حاجی محمد کریم خان از اعلم علمای عصر خود محسوب می‌شد و صاحب تألیفات و رسالات متعدّد در رشته‌های مختلف علمی رایج در زمان خود بود و با امر حضرت اعلیّ و حضرت بهاء الله با جدیت

تأم مخالفت می‌ورزید و در رسالات خود به حضرت اعلی و تعالیم مبارکه‌اش اعتراض می‌کرد. جمال مبارک در کتاب مستطاب ایقان لحن و اسلوب کلام و مندرجات کتب او را محکوم و مخصوصاً یکی از آثارش را که شامل نسبت‌هایی ناروا به حضرت اعلی بود مردود شمرده‌اند. حضرت ولیّ امرالله مشارّ الیه را بی نهایت جاه‌طلب و مزور توصیف نموده و می‌فرمایند که به دستور شاه در یکی از رسالاتش به امر بدیع و تعالیم آن مغرضانه حمله نمود.

۱۸۳- یا معشر العلماء فی البهّاء (بند ۱۷۳)

حضرت بهاء‌الله در ستایش مقام علماء در کتاب عهدی می‌فرمایند: طوبی للامراء و العلماء فی البهّاء. حضرت ولیّ امرالله در باره این بیان مبارک می‌فرمایند:

علماء در این کور مقدّس در یک مقام ایادی امرالله و در مقام دیگر مبلغین و ناشرین امر که در سلک ایادی نباشند ولی رتبه اولی را در تبلیغ حایز. مقصود از امراء اعضاء بیت العدل محلی و ملی و بین المللی است. وظایف هر یک از این نفوس من بعد معین گردد.

حضرت بهاء‌الله افرادی را به سمت ایادی امرالله منصوب و مسئولیتهائی را به آنان محول فرمودند. از جمله وظایف خاصّ

ایادی حفظ و صیانت و تبلیغ و انتشار امرالله است. در «تذکره الوفاء» حضرت عبدالبهاء چند تن از وجوه مؤمنین را به عنوان ایادی نام بردند و در الواح مبارکه وصایا مقرر فرمودند که حضرت ولی امرالله نفوسی را به اراده خود به سمت ایادی امرالله منصوب سازند. حضرت ولی امرالله در وهله اولی عده‌ای از نفوس را پس از وفاتشان به مقام ایادی امرالله مفتخر فرمودند و سپس در سالهای اخیر دوره ولایت سی و دو نفس مبارک را در قارات خمرسه به این سمت منصوب نمودند. در سنوات بین صعود حضرت ولی امرالله در ۱۹۵۷ و انتخاب بیت العدل اعظم در ۱۹۶۳ حضرات ایادی امرالله وظیفه مفوضه مقدسه خود را در حراست و صیانت جامعه جهانی بهائی ایفا نمودند (یادداشت شماره ۶۷). در نوامبر سال ۱۹۶۴ بیت العدل اعظم اعلام داشتند که وضع قراری جهت تعیین و انتصاب ایادی امرالله ممکن نیست و در عوض در سنه ۱۹۶۸ مقرر داشتند که برای ادامه وظایف صیانت و ترویج امرالله که به حضرات ایادی محول شده بود هیأت‌های مشاورین قارات تشکیل گردد و نیز دارالتبلیغ بین المللی را در ارض اقدس در سنه ۱۹۷۳ تأسیس نمودند.

بیت العدل اعظم مشاورین عضو دارالتبلیغ و مشاورین قارات را انتخاب می‌نمایند و مشاورین قارات اعضاء هیأت‌های معاونت را تعیین

می‌نمایند . جمیع این نفوس در رتبه «علماء» که در بیان حضرت ولیّ امرالله مذکور است قرار می‌گیرند .

۱۸۴- ارجعوا ما لا عرفتموه من الكتاب الى الفرع المنشعب من هذا الاصل القويم (بند ۱۷۴)

حضرت بهاءالله حقّ تبیین آثار مبارکه را به حضرت عبدالبهاء عنایت فرموده‌اند (به یادداشت شماره ۱۴۵ نیز مراجعه شود) .

۱۸۵- مکتب التجرید (بند ۱۷۵)

در این آیه و آیه بعد از آن حضرت بهاءالله یکی از ایراداتی را که بعضی از بابیان در انکار موعود بیان به آن تمسک جستند رد فرموده‌اند . اعراض آن گروه متکی به لوحی از حضرت اعلی بود که در رأس آن مرقوم فرموده بودند: در مکتب خانه من یظهره الله منور فرمایند . این لوح در «منتخبات آیات از آثار حضرت نقطه اولی» به چاپ رسیده است .

به نظر این نفوس چون سنّ مبارک حضرت بهاءالله دو سال از حضرت اعلی بیشتر بوده وصول لوح در «مکتب خانه» ممکن نبوده است .

بنا به بیان حضرت بهاءالله مطلب مزبور اشاره به وقایعی است که

در عوالم روحانی که ما فوق عالم وجود است به ظهور رسیده .

۱۸۶- و قبلنا ما اهداه لی من آیات الله (بند ۱۷۵)

حضرت اعلی در لوح مبارک خطاب به «من یتظهره الله» می فرمایند :
انّ البیان ... هدیة منی الیک به «منتخبات آیات از آثار
حضرت نقطه اولی» رجوع شود .

۱۸۷- یا ملأ البیان (بند ۱۷۶)

اشاره است به پیروان حضرت اعلی .

۱۸۸- یقترن الکاف برکنها النون (بند ۱۷۷)

حضرت ولی امر الله در تواقعی که حسب الامر مبارک صادر گشته
مفاهیم و معانی حروف «کاف» و «نون» را به این مضمون بیان
فرموده اند : کلمه «کن» متشکل از دو حرف «کاف» و «نون» است
که اشاره ای است به کلمه خلاقه خداوند که آفرینش به امر او به
وجود می آید و نیز حاکی از قدرت مظهر ظهور الهی و قوه عظیم
روحانی او است .

در قرآن مجید کلمه «کن» به معنای صدور حکم خداوند در ایجاد
و خلقت آمده است .

۱۸۹- هَذَا النَّظْمُ الْاَعْظَمُ (بند ۱۸۱)

در کتاب مبارک بیان فارسی حضرت اعلی می فرمایند: طوبی لمن ينظر الی نظم بهاء الله و يشکر ربّه فانّه يظهر و لا مردّ له من عند الله فی البیان. حضرت ولی امر الله این «نظم» را همان نظم بدیعی می دانند که جمال مبارک در کتاب مستطاب اقدس اصول و احکامی را که کافل اجرای این نظم عظیم است نازل و در توصیفش می فرمایند: قد اضطرب النّظم من هذا النّظم الاعظم.

خصوصیات نظم بدیع جهانی در آثار جمال مبارک و حضرت عبدالبهاء و توابع حضرت ولی امر الله و دست خطهای بیت العدل اعظم مشروحاً بیان گردیده است. مؤسّسات نظم اداری بهائی که در حال حاضر دایر است و به منزله اساس بنیان نظم بدیع حضرت بهاء الله محسوب در آینده ایام به مرحله بلوغ خواهد رسید و به اتحادیه جهانی بهائی مبدّل خواهد شد. در این مورد حضرت ولی امر الله فرموده اند که این نظم اداری همینکه اجزاء مرکبه و تأسیسات اصلیه اش با کمال اتقان و جدیت شروع به فعالیت نمود دعوی خود را مبرهن داشته ثابت خواهد کرد که نه تنها قابلیت آن را دارا است که به منزله هسته نظم بدیع الهی محسوب گردد بلکه نمونه کامل آن است و باید در میقات خود عالم انسانی را فرا گیرد.

برای اطلاع بیشتر در باره سیر تکاملی نظم اداری به توابع حضرت ولی امرالله که در ﴿نظم بدیع جهانی حضرت بهاءالله﴾ منتشر شده رجوع شود.

۱۹۰. یا مطلع الاعراض (بند ۱۸۴)

این آیه اشاره به میرزا یحیی معروف به صبح ازل، یکی از برادران ناتنی حضرت بهاءالله است که از هیکل اقدس سنّاً جوانتر بود و به مخالفت با آن حضرت و امر مبارکش قیام کرد. حضرت اعلی میرزا یحیی را تعیین فرمودند که تا قبل از ظهور قریب الوقوع موعود بیان زعامت اسمی جامعه بایی را عهده دار شود. میرزا یحیی به اغوای سید محمد اصفهانی (یادداشت شماره ۱۹۲) به امر حضرت اعلی خیانت کرد و مدّعی جانشینی آن حضرت شد و بر ضدّ حضرت بهاءالله توطئه کرد، حتّی در صدد قتل هیکل اطهر برآمد. وقتی جمال مبارک رسماً امر خود را در ادرنه به او اعلان فرمودند میرزا یحیی در جواب، ادّعای مظهریت نمود ولی عاقبة الامر به جز عده معدودی که به او گرویدند و به ازلی معروف شدند جمیع، ادّعاهای او را رد نمودند (یادداشت شماره ۱۷۷). حضرت ولی امرالله او را مرکز نقض عهد حضرت اعلی توصیف فرمودند. (رجوع شود به ﴿گاد پاسز بای﴾، فصل دهم.)

۱۹۱۔ اذکر فضل مولاک اذ ربیناک فی اللیالی و
الایام لخدمة الامر (بند ۱۸۴)

حضرت ولی امرالله در ﴿گاد پاسز بای﴾ به این نکته اشاره می‌فرمایند که حضرت بهاءالله سیزده سال از میرزا یحیی بزرگتر بودند و در ایام کودکی و بلوغ او را تحت رعایت و دلالت خویش داشتند.

۱۹۲۔ قد اخذ الله من اغواک (بند ۱۸۴)

این آیه اشاره است به سید محمد اصفهانی که حضرت ولی امرالله او را دجال امر بهائی خوانده‌اند. سید محمد از نظر اخلاقی منحط و جاه طلب و همان شخصی بود که میرزا یحیی را اغوا کرد که ادعای مظهریت کند و به مخالفت با حضرت بهاءالله برخیزد (یادداشت شماره ۱۹۰). سید محمد گرچه از پیروان میرزا یحیی بود، ولی با جمال مبارک به عکس تبعید شد و در آنجا به تحریکات و توطئه‌های خود بر ضد حضرت بهاءالله ادامه داد. حضرت ولی امرالله در ﴿گاد پاسز بای﴾ عواملی را که به مرگ او منجر شد تشریح می‌فرمایند که ترجمه آن از این قرار است:

چنین معلوم بود که حیات جمال اقدس ابهی را خطری

جدید تهدید می‌نماید . هرچند هیکل مبارک مکرراً کتباً و شفاهاً پیروان خویش را قویاً انداز فرمودند که در مقابله با دشمنان جفاکار هرگز انتقام نجویند و حتی عرب سرکشی را که به امر مبارک اقبال کرده بود و برای استخلاص مولای محبوبش از مصائب وارده، فکر انتقام در سر می‌پرورانید به بیروت روانه فرمودند، با وجود این تأکیدات، هفت نفر از مجاورین در خفا سه نفر از ستمکاران را که از جمله سید محمد و آقا جان (معروف به کج کلاه) بودند به قتل رساندند .

وحشت و اضطرابی که از این عمل، جامعه ستمدیده یاران الهی را فرا گرفت چنان بود که وصف نتوان کرد . تکدر و تأثر قلب اطهر بی نهایت شدید بود چنانکه در لوحی که اندکی بعد از این واقعه نازل گردید در باره تأثرات خویش چنین می‌فرمایند: «لو اذکر حرفاً منه لتنفطر عنه السموات و الارضین» و «یندک کلّ جبل شامخ رفیع» و در مقام دیگر می‌فرمایند: «لیس ضرّی سجنی بل عمل الذین ینسبون انفسهم الّیّ و یرتکبون ما ناح به قلبی و قلمی» .

۱۹۳- اختاروا لغة من اللغات ... و كذلك من
الخطوط (بند ۱۸۹)

حضرت بهاء الله امر می فرمایند که یک زبان و یک خطّ بین المللی
اختیار شود و برای تحقّق این امر در آثار مبارکه دو مرحله
پیش بینی شده است. مرحله اول اختیار یکی از زبانهای متداول یا
اختراع زبانی است که باید علاوه بر زبان مادری در تمام مدارس
عالم تدریس شود. جمال مبارک دول عالم را موظّف فرموده اند که
از طریق پارلمانهای خود قرار این امر عظیم را بدهند. مرحله ثانی
آن است که در مستقبل بعید یک زبان و یک خطّ در جمیع عالم
متداول گردد.

۱۹۴- انا جعلنا الامرین علامتین لبلوغ العالم
(بند ۱۸۹)

علامت اول که در آثار جمال مبارک برای بلوغ عالم معین شده
ظهور صنعت مکنونه است و آن متضمّن کشف طریق کاملی است
برای تبدیل عناصر و کشف این صنعت علامت پیشرفت
حیرت انگیز علوم و صنایع در آینده ایام است.

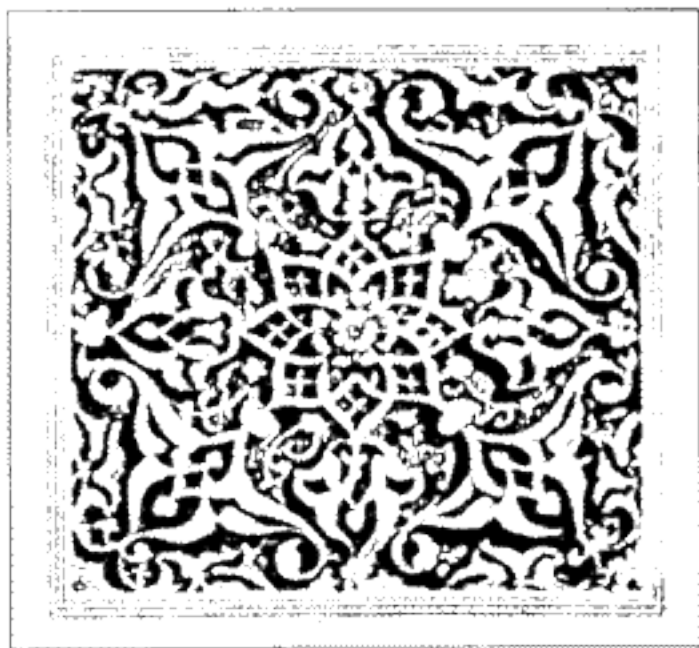
در باره علامت ثانی حضرت ولیّ امر الله می فرمایند: جمال
اقدس ابهی در کتاب اقدس اختیار یک لسان و یک خطّ

را برای من علی الارض امر فرموده‌اند . اجرای این حکم ، طبق بیان مبارک ، یکی از علائم بلوغ عالم است .
(ترجمه)

و نیز در مورد مراحل تحقق بلوغ عالم این بیان مبارک حضرت بهاء الله سبب مزید بصیرت است:

از جمله علامت بلوغ دنیا آن است که نفسی تحمل امر سلطنت ننماید سلطنت بماند و احدی اقبال نکند که وحده تحمل آن نماید . آن ایام ایام ظهور عقل است ما بین بریه .

طبق بیان حضرت ولی امر الله تحقق بلوغ عالم با وحدت عالم انسانی و تشکیل اتحادیه جهانی و ایجاد نیروی محرکه بی سابقه‌ای در حیات روحانی و اخلاقی و عقلانی نوع بشر مقارن است .



فهرست کلی اعلام و مواضع

علاماتی که در فهرست این مجلد به کار رفته از این است:

- بند - فقرات متن کتاب اقدس
 س - فقرات مربوط به رساله سؤال و جواب
 ی - قسمتهای مربوط به یادداشتها و توضیحات
 ص - صفحات کتاب

اب (ج آباء)	بند ۲۰، ۴۵، ۴۸، ۱۰۷، س ۶، ۷، ۳۷، ۵۳، ۵۴، ۱۰۵، ی ۷۶، ۱۳۳	احکام، به اوامر رجوع شود احکام، شمس بند ۷ احمد احسانی، شیخ ی ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۸۲، ص ۱۰۳
ابا بدیع آب آب بکر آب، خواص سه گانه آب مستعمل ابجد، حساب ابراهیم، حضرت ابن (ج ابناء) اتحاد	بند ۱۰۴ بند ۱۰، ۵۷ بند ۱۰۶، س ۹۱ بند ۷۴، س ۹۱، ی ۱۰۵ بند ۱۰۶، ی ۱۳۱، ۱۳۲ ی ۲۸، ۵۰، ۱۲۲، ۱۷۲ ی ۶۵ بند ۴۵، ۴۸، ی ۷۶ بند ۵۷، ۵۸، ۶۵، ۷۰، ی ۸۲، ۹۵، ص ۱۰۰ بند ۱۸۹	احمد کرمانی، میرزا ی ۱۷۷ احمد روحی، شیخ ی ۱۷۷ اخ (ج اخوان) بند ۲۰، س ۷، ۵۳، ی ۳۹ اخت (ج اخوات) بند ۲۰، س ۷، ۵۳، ی ۳۹ اختلاف در امور، ارجاع به شارع امر در مورد بند ۵۳ ادب (ج آداب) بند ۱۲۰، ۱۲۳، ۱۵۹، ی ۲۶، ۷۴، ص ۹۹ ادرنه (ارض سر) بند ۳۷، س ۱۰۰، ی ۳۳، ۶۳، ۱۹۰ ادعای ظهور بعد بند ۳۷ ادیان، معاشرت با بند ۷۵، ۱۴۴، ص ۲۶
سبب اتحاد اتفاق، علت کبری برای اجتناب از ریا احترام والدین	بند ۱۸۹، ی ۱۹۴ بند ۳۶، ص ۹۹ س ۱۰۴، ۱۰۶، ی ۹۲، ص ۹۷	

بند ۲۰، ص ۸۹	امتهات (مادرها)
بند ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۵	ذریه (اولاد)
بند ۲۶، ۲۹، ۵، ۷، ۳۷	
بند ۴۱، ۳۸، ۴۱	
بند ۴۳، ص ۸۹، ۹۰	
بند ۲۵، ۳۴، ۳۸، ص ۳۸	امتیازات پسر ارشد
بند ۴۴، ص ۹۱	
	پسری که قبل از پدرش
بند ۲۶، ۵۴، ص ۵۴	وفات کرده باشد
بند ۹۰، ص ۹۰	
	دختری که قبل از والدین خود
بند ۵۴، ۹۰، ص ۹۰	وفات کرده باشد
بند ۲۷، ۴۶، ۹۲، ص ۹۲	سهم ذریه خورده سال
بند ۲۰، ۲۸، ۷، ص ۲۸	معلمین
بند ۳۳، ۴۰، ۸۹، ص ۹۳	
	ارث، سایر وراثت:
	برادرزاده‌ها و
بند ۲۳، ۳۸، ۹۰، ص ۹۰	خواهرزاده‌ها
بند ۲۱، ۲۲، ۲۳، ص ۲۳	بیت العدل (مقرّ عدل)
بند ۶، ۷، ۷۲، ص ۷۲	
بند ۳۸، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ص ۴۴	
بند ۸۹، ۹۰، ۹۱، ص ۹۱	
بند ۲۳، ۹۰، ص ۹۰	عموها و دانی‌ها
بند ۲۳، ۹۰، ص ۹۰	عمّه‌ها و خاله‌ها
	فرزندان عموها، دانی‌ها،
بند ۲۳، ۹۱، ص ۹۱	عمّه‌ها و خاله‌ها
بند ۳۴، ۳۸، ۹۳، ص ۹۳	ارث، وراثت غیر بهانی

بند ۲۱، ۸۹	ارامل
بند ۱۴۰	ارتفاع امر
بند ۳۸	ارتفاع کلمه
بند ۳۷	ارتفاع نفاق ناعقین
بند ۱۵۴، ۱۶۸، ص ۱۶۸	ارتقاء بر منابر
بند ۲۰، ۳۸، ۱۱، ص ۱۱	ارث
بند ۲۵، ۸۹	
بند ۲۰، ۳۸، ۸۹، ص ۸۹	ارث، تقسیم
	اختیار افراد در
بند ۶۹، ۹۳، ص ۹۳	تقسیم اموال
بند ۲۸، ۹، ۶۹، ۸۰، ص ۸۰	اداء حقوق الله
بند ۹۲، ۹۳، ص ۹۳	
بند ۲۸، ۶۹، ۹۲، ۹۳، ص ۹۳	اداء دیون
بند ۲۵، ۸۰، ۴۴، ص ۴۴	الیه مخصوصه
بند ۴۷، ۹۱، ص ۹۱	
بند ۲۵، ۳۴، ۴۱، ص ۴۱	دار مسکونه
بند ۷۲، ۸۰، ۳۸، ۴۷، ص ۴۷	
بند ۹۱، ص ۹۱	
بند ۲۸، ۹، ۸۰، ص ۸۰	کفن و دفن میت
بند ۴۷، ۹۲، ص ۹۲	
بند ۲۰، ۵، ۸۹، ص ۸۹	ارث، طبقات وراثت:
بند ۲۰، ۸۹، ص ۸۹	آباء (پدران)
بند ۲۰، ۳۹، ۸۹، ص ۸۹	اخوات (خواهرها)
بند ۵۳، ۳۹، ۹۲، ص ۹۲	خواهران ناتنی
بند ۲۰، ۳۹، ۸۹، ص ۸۹	اخوان (برادرها)
بند ۵۳، ۳۹، ۹۲، ص ۹۲	برادران ناتنی
بند ۲۰، ۸۹، ص ۸۹	ازواج (همسر)

استقامت کبریٰ بند ۱۶۳
 اسمرائیل ی ۱۶۰
 اسلحه، نهی حمل جز در
 مواقع ضرورت بند ۱۵۹، ی ۱۷۳
 اسم (ج اسماء) بند ۱۲۰، ۱۶۷
 اسماء حسنیٰ بند ۱۱۰، ۱۴۳
 اسم ابی بند ۹۴
 اسم اعظم بند ۱۸، ۵۱، ۱۰۹،
 ۱۱۱، ۱۴۳، س ۷۷،
 ی ۳۳، ۱۳۷
 اسم رحمن بند ۱۵۰
 اسم رحمن رحیم بند ۱۲۹
 اسم عزیز منبع بند ۱۳۷
 اسم قیوم بند ۴۱
 اسم مهیمن بند ۱۷۹
 اسماء، اعراش بند ۱۸
 اسماء، رایات بند ۹۴
 اسماء، مداین بند ۱۳۲
 اسماء، ملکوت بند ۸۳
 اشتغال به امری از امور بند ۳۳، ۱۴۷،
 ی ۵۶، ص ۲۶، ۹۴
 اشعیاء نبی ص ۲۳
 اصیل و آصال (عصر) بند ۶، س ۸۳، ی ۵،
 ص ۷۹
 اصحاب باس شدید بند ۱۶۴، ص ۲۸
 اصغاء اصوات و نغمات بند ۵۱، ی ۷۹
 اصفهان ی ۱۷۹

ارجاع امور مورد اختلاف به
 شارع امر بند ۵۳
 ارض خاء (خراسان) بند ۹۴، ی ۱۲۴،
 ص ۱۰۳
 ارض سرّ (ادرنه) بند ۳۷، س ۱۰۰، ی ۶۳
 ارض طاء (طهران) بند ۹۱، ی ۶۲، ۱۲۲،
 ص ۱۰۲، ۲۷
 ارض کاف و راه (کرمان) بند ۱۶۴، ی ۱۷۶،
 ص ۱۰۳
 ارض مبارکه
 (ارض اقدس) بند ۱۰۳، ی ۱۱۴،
 ۱۱۶
 ازدواج، به نکاح رجوع شود
 ازواج آباء و انتہات، حرمت
 ازدواج با بند ۱۰۷، ی ۱۳۳
 ازل، میرزا یحیی بند ۱۸۴، ی ۱۶۷، ۱۹۰،
 ص ۱۹۲، ۱۰۲، ۲۸
 ازلیها بند ۱۶۴، ی ۱۷۷
 استحمام در ماء بکر بند ۱۰۶
 استخدام دوشیزگان بند ۶۳، س ۳۰، ی ۹۰،
 ص ۹۴
 استغفار از معاصی به ساحت
 قدس الهی بند ۴۹، ص ۹۹
 استغفار نزد افراد بند ۳۴، ی ۵۸، ص ۸،
 ۹۵، ۲۶
 استقامت بند ۱۳۴، ۱۶۴، ۱۷۳،
 ص ۹۹

افتخار بر دیگران ،

بند ۷۲ ، ص ۲۶ ، ۹۹

احتراز از

بند ۱۹ ، ی ۳۷ ، ص ۲۶ ،

افتراء

۹۶

افق (ج آفاق) بند ۱۵ ، ۱۰۲

بند ۴

افق ابداع

بند ۴۱ ، ۵۳

افق ابهی

بند ۱

افق اعلی

بند ۷

افق بیان

افق عنایت و الطاف بند ۳

افق کتاب بند ۱۶

افق لمیع بند ۸۵

افق نور بند ۹۲

افیون (تریاک)

بند ۱۵۵ ، ۱۹۰ ، ی ۱۷۰ ،

ص ۲۶

آفاجان (معروف به کج کلاه) ی ۱۹۲

اقتران کاف و نون (کُن) بند ۱۷۷ ، ی ۱۸۸

اقدس . کتاب

بند ۱۸۶ ، س ۱۰ ، ۳۱ ،

۲۷ ، ۲۸ ، ۴۲ ، ۶۳ ، ۷۰ ،

ص ۲ ، ۳ ، ۴ ، ۵ ، ۶ ،

۷ ، ۸ ، ۹ ، ۱۰ ، ۱۱ ، ۱۴ ،

۱۵ ، ۱۶ ، ۱۸ ، ۱۹ ، ۲۳ ،

۲۴ ، ۲۵ ، ۲۸ ، ۲۹ ، ۳۰ ،

۸۱ ، ۸۶ ، ۹۰

القاب و اوصاف:

بند ۱۰۳ ، ص ۲۳

آم الکتاب

ص ۲۳

ارض جدید

اطاعت از حکومت بند ۹۵ ، ص ۲۶ ، ۹۴

اطریش ، امپراطور بند ۸۵ ، ی ۱۱۶ ، ص ۲۷

اطمینان بند ۹۳ ، ۱۵۸

اظهار امر حضرت بهاء الله بند ۱۱۰ ، س ۱ ،

ی ۱۳۸

بند ۹۳

اضطراب

بند ۴۳

اعتدال

اعتدال ربیعی ، به نوروز رجوع شود

اعتراض (بر حکام) بند ۹۵

اعتراض بر دیگران ، منع از بند ۷۳

اعتراض (بر مظهر امر) بند ۱۶۲

اعضاء پارلمانهای عالم ، به اهل

مجالس در بلاد رجوع شود

اعمال ، اکلیل بند ۷۵

اعمال ، روح بند ۳۶

اعمال ، شرط قبولی بند ۳۶

اعیاد بهائی ، به ایام متبرکه

نیز رجوع شود بند ۱۱۰ ، ی ۱۳۸ ،

ص ۲۶ ، ۹۴

عیدین اعظمین:

اظهار امر جمال مبارک بند ۱۱۰ ، ۱۱۲ ،

س ۱ ، ی ۱۳۸

بعثت حضرت اعلی بند ۱۱۰ ، ی ۱۳۸

نوروز بند ۱۱۱ ، ۱۱۶

یومین:

ميلاد حضرت اعلی بند ۱۱۰ ، س ۲ ، ی ۱۳۸

ميلاد جمال مبارک بند ۱۱۰ ، س ۲ ، ی ۱۳۸

ناموس اکبر	بند ۸۱، ص ۲۵
هیکل رب	ص ۲۳
ترجمه کتاب اقدس	ص ۱۵، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲
سیک ترجمه	ص ۱۹، ۲۰، ۲۱
خواص ممتازة کتاب اقدس	ص ۱۱
طبع کتاب اقدس	ص ۱۹
نزول کتاب اقدس	ص ۲۳، ۲۴
محلّ نزول کتاب اقدس	ص ۲۳
آلات حرب	بند ۱۵۹، ص ۱۷۳
السن مختلفه، تحصیل بند	۱۱۸
الف سنه	بند ۲۷، ص ۶۲
الف قائمه	بند ۱۵۷، ص ۱۷۲
الله ابهى (تلاوت ۹۵ مرتبه)	
در روز)	بند ۱۸، ص ۷۷، ص ۳۳
	ص ۳۴، ص ۹۴
امام حسین، حضرت	ص ۱۶۰
امّ (ج امّهات)	بند ۲۰، ص ۶، ۷، ۳۷
	ص ۵۳، ص ۷۶، ۱۳۳
امّ الکتاب	بند ۱۰۳، ص ۶
اماکن مقدّسه (بقاع المرتفعه)	
فی هذا الامر)	بند ۴۲، ۱۳۳، ص ۳۲
	ص ۱۵۴
اماکن بعیده	
شمالی و جنوبی	بند ۱۰، ص ۱۰۳، ص ۱۷
امانت	بند ۱۲۰، ص ۲۶، ۹۹
امتداد دور بهائی	بند ۳۷، ص ۶۲، ص ۹۴

اورشلیم جدید	ص ۲۳
برهان الرَّحْمَنُ لَمَنْ فِي	
الارضين و السموات	ص ۹، ۲۹
جاذب و جامع جمیع	
شرايع الهيّه	ص ۲۹
حجّة العظمى للورى	ص ۹، ۲۹
رقّ منيع	بند ۱۴۶
سماء جدید	ص ۲۳
صراط اقوم	بند ۱۸۶، ص ۲۸
عروس	ص ۲۳
فرات رحمت	ص ۲۸
قسطاس اعظم	بند ۹۹
قسطاس الحق بين الخلق	بند ۹۹، ص ۲۵
قسطاس الهدى	بند ۱۴۸، ۱۸۳، ص ۲۸
کتاب الله	بند ۹۹، ص ۲۵
لوح بدیع	بند ۱۸۹
لوح منیر	بند ۱۴۸
لوح منيع	بند ۹۷
محيى عالم	ص ۲۸
مخزن حدود و احکام	
دور بهائی	ص ۲۳
مدینه مقدّسه	ص ۲۳
مشرق اوامراة	بند ۱۸۶
مصباح قدم	بند ۱۸۶
مطلع علم الله	بند ۱۸۶
منشور مدنيت عالم کير	ص ۷، ۲۴
منشور نظم اعظم	ص ۲۳

اجرای تدریجی اوامر ص ۱۳ ، ۱۴	ی ۱۸۳	امراء
احکام احوال شخصیه ص ۷۶ ، ۷۷ ، ۸۳	بند ۱۴۰	امر الهی ، ارتفاع
اوصاف اوامر:		امریکا ، امراء و رؤساء
اثمار شجره ص ۲۸	بند ۸۸ ، ص ۲۷ ، ۱۰۱	جمهور آن
حصن حصین ص ۲۸	بند ۲ ، ۳۰ ، ۳۱ ، ۳۹	امکان (عالم)
روح حیات بند ۲	۱۵۸ ، ۱۶۷ ، ۱۷۰ ، ۱۷۳	
روح الحيوان لمن	۱۷۵ ، ۱۷۸	
فی الامکان ص ۲۸	بند ۱۰۴	امی
سبب اعظم برای نظم عالم	بند ۲۱ ، ۳۰	امناء رحمن
و حفظ امم بند ۲	بند ۲۷ ، ۴۸	امین (ج امناء)
سرج عنایت بند ۳	بند ۳۹ ، ۴۰ ، ۴۳	انتباه
صحیفه علیا ص ۲۸	ی ۲ ، ص ۲۴	انجیل
عرف قمیص ص ۲۸	بند ۱۳۴ ، ۱۴۰	انصاف
ماء حیوان بند ۲۹	بند ۴۰	انفاق
مصباح حکمت	بند ۵۴ ، ۸۲ ، ۸۴ ، ۱۲۹	انقطاع
و فلاح بند ۲۹ ، ص ۲۸	ص ۱۷۸ ، ۹۹	
مفاتیح رحمت بند ۳ ، ص ۲۸	بند ۱۲۸ ، ۱۲۹ ، س ۷۰	انگشتر میت
اورشلیم ی ۷ ، ۱۱۴ ، ۱۱۶	ی ۱۴۹	
اوقاف بند ۴۲ ، ۶۶ ، ۶۷	ص ۲۰ ، ۲۲	انگلیسی ، لسان
ص ۹۴	بند ۱ ، ۲ ، ۳ ، ۴ ، ۵	اوامر (حدود ، احکام)
اولی بأس شدید بند ۱۶۴ ، ص ۲۸	۷ ، ۱۷ ، ۲۹ ، ۴۵ ، ۸۸	
اولیای امور ،	۹۶ ، ۹۸ ، ۱۲۰ ، ۱۴۲	
عدم تعرض به بند ۹۵ ، ص ۱۰۰	۱۴۸ ، ۱۶۶ ، ص ۷ ، ۸	
اوهام بند ۱۷ ، ۳۵ ، ۳۷ ، ۴۱	۹ ، ۱۱ ، ۱۳ ، ۱۸ ، ۲۸	
۱۶۵ ، ۱۶۷ ، ۱۷۷ ، ص ۹۸	۲۹ ، ۷۶ ، ۷۷ ، ۱۰۲	
بند ۳ ، ۳۸ ، ۵۴	بند ۱ ، ۷ ، ۳۷ ، ۶۲ ، ۶۷	اتباع اوامر
ص ۱۰۱	ص ۷۱ ، ۱۰۲	

عیدین اعظمین: بند ۱۱۰	
اظهار امر حضرت بهاء الله	
(رضوان، سلطان اعیاد) بند ۱۱۰، ۱۱۲، س ۱	
ی ۱۰۷، ۱۳۸، ۱۴۰	
بعثت حضرت اعلیٰ بند ۱۱۰، ی ۱۳۸	
اگر در ماه صیام	
واقع شود س ۳۶	
نوروز (یوم الله) بند ۱۶، ۱۱۱، س ۳۵	
ی ۲۵، ۲۶، ۱۳۹، ۱۴۷	
یوم میثاق ی ۱۳۹	
یومین: بند ۱۱۰، س ۲، ی ۱۳۸	
یوم تولّد حضرت اعلیٰ س ۲	
یوم تولّد حضرت بهاء الله س ۲	
اگر در ماه صیام	
واقع شود س ۳۶، ی ۱۳۸	
ایام هاء بند ۱۶، ی ۲۸	
ایتام بند ۲۱	
ایقان، کتاب ی ۱۸۲، ص ۲۳	
بحر بند ۱۳۷، ص ۱۳	
بحر اعظم بند ۹۶، ۱۷۳	
بحر بیان بند ۱۸۲	
بحر رحمت بند ۱۲۹	
بحر کلام بند ۲۶	
بحر کلمات بند ۱۸۰	
بحر وصال بند ۱۲۱	
بحور حکمت و بیان بند ۲	

اهل انشاء بند ۱۷۴	
اهل بهاء بند ۱۶، ۳۳، ۴۲، ۷۳	
اهل بیان بند ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۷۶	
اهل جبروت بند ۱۷۷	
اهل رضوان بند ۴۶	
اهل ضلال بند ۲، ۱	
اهل فردوس بند ۴۶	
اهل مجالس در بلاد بند ۱۸۹، ص ۲۷، ۱۰۱	
اهل مداین اسماء بند ۱۳۲	
اهل ملکوت بند ۱۷۷	
آیات الهی، تلاوت بند ۱۴۹، س ۶۸	
ی ۱۶۵	
آیات الهی، تلاوت با لحن	
خوش بند ۱۱۶	
آیات الهی، غور و تعمّق در بند ۱۸۲، ص ۹۸	
ایادی امرالله ی ۱۸۳	
ایام اعطاء (ایام هاء) بند ۱۶، ی ۲۹، ص ۲۶	
۹۴	
ایام زانده بر شهور	
(ایام هاء) بند ۱۶، ی ۲۷، ص ۹۴	
ایام صیام بند ۱۶، ی ۲۵	
ایام متبرکة بهائی:	
شهادت حضرت اعلیٰ ی ۱۳۹	
صعود حضرت بهاء الله ی ۱۳۹	
صعود حضرت عبدالبهاء ی ۱۳۹	

بند ۱۲۸	بلور	س ۰۳۵ ی ۲۶	برج حمل
بند ۰۳۷ ، ۰۸۹ ، ۰۴۸	بنت (ج بنات)	بند ۰۷۲ ، ص ۰۲۶ ، ۰۹۵	برده ، خرید و فروش
بند ۰۴۳ ، ۰۵۴ ی ۷۶		بند ۰۹۰ ی ۰۱۲۱	برلین
	اهمیت خاصّ تعلیم و	ص ۲۷	
بند ۷۶ ی	تربیت بنات	بند ۰۸۶ ی ۱۱۷	برلین ، ملک
بند ۱۶۰ ی	بودا ، حضرت	بند ۱۶۵	برهان
بند ۸۹	بوم ، صوت	بند ۱۷۰	عین برهان
بند ۰۹۱ ، ۰۱۱۱ ی ۱۲۲ ،	بهاء	بند ۱۶۷	نیر برهان
۱۳۹ ، ۱۴۸		بند ۱۸۳	برهان اعظم
بند ۹۱	بهاء الله	بند ۱۴۰	برهان الله
ص ۰۶ ، ۰۷ ، ۰۸ ، ۰۹ ، ۰۱۰ ،	بهاء الله ، حضرت	بند ۰۳۳ ی ۰۵۶ ، ص ۰۲۶ ،	بطالت و کسالت
۰۱۱ ، ۰۱۲ ، ۰۱۳ ، ۰۱۴ ، ۰۱۷ ،		۹۶	
۰۱۸ ، ۰۱۹ ، ۰۲۰ ، ۰۲۲ ، ۰۲۵ ،		بند ۰۱۱۰ ی ۱۳۸	بعثت حضرت اعلی
۰۲۶ ، ۰۲۷ ، ۰۷۶ ، ۰۷۷ ، ۰۷۸ ،		س ۰۲۹ ی ۰۵۴ ، ۰۱۰۷ ،	بغداد
۸۹		۱۳۸ ، ۱۵۴	
	آثار:	بند ۰۶۴ ، ۷۱	بغی
س ۰۴۲ ، ۰۹۲	احکام فارسیه	بند ۰۱۰۰ ی ۱۲۷	بقعه مبارکه حمراء
	الواح جمال اقدس الهی که بعد از کتاب	بند ۰۶ ، ۰۱۰۰ ، س ۰۸۳ ،	بکورد (صبح)
	اقدس نازل شده	ی ۵	
بند ۱۸۲ ی	ایقان ، کتاب	بند ۰۴۲ ، ۰۸۶ ، ۰۱۶۰ ، ۱۸۹	بلاد
	اقدس ، کتاب ، به ذیل اقدس رجوع شود	بند ۰۱۰ ، ۳۷	بلدان
ص ۰۳ ، ۰۴ ، ۰۱۸ ، ۰۴۲	رسالة سؤال و جواب		بلوغ:
بند ۲۷ ی	کتاب عهدی	ی ۴۹	بلوغ اداری
بند ۲۷ ی	کلمات مکنونه	بند ۰۱۰ ، س ۰۲۰ ی ۰۱۳ ،	بلوغ شرعی
ص ۰۳۰ ی ۰۱۰۹ ،	لوح اشراقات	ص ۰۷۸ ، ۰۸۱ ، ۰۸۴ ، ۹۴	
ص ۳۱		بند ۰۱۸۹ ی ۰۱۹۴ ،	بلوغ عالم
ص ۰۲ ، ۰۴ ، ۱۸	ملحقات کتاب اقدس	ص ۰۶ ، ۱۰۲	

بند ۸۲	مشرق ظہور	بند ۵۱ ، ۱۰۹	اسم اعظم
بند ۱	مشرق وحی	بند ۱۲۱ ، ص ۷۷	اصل قدیم
بند ۸۸	مطلع اسماء	بند ۱۷۴ ، ص ۷۷	اصل قوریم
بند ۱۴۳	مطلع اسماء حسنیٰ	بند ۹۶ ، ۱۷۳	بحر اعظم
بند ۱	مطلع الہام	بند ۹۱	بہاء
بند ۱ ، ۴۷ ، ۱۱۳ ، ۱۵۴	مطلع امر	بند ۲۰	جمال اقدس ابھی ص
بند ۱۶۹	مطلع آیات	س ۱۰۰ ، ص ۲۷	جمال قدم
بند ۱۴۹	مطلع بیّنات	ص ۲۵	داور کردگار
بند ۱۷۵	مطلع توحید	بند ۱۴۳ ، ۱۶۷	ذکر حکیم
بند ۶۸	مطلع جمال	بند ۱۰۰ ، ی ۱۲۸ ، ۱۶۴	سدرۃ المنتہی
بند ۶۰ ، ۸۰ ، ۸۶ ، ۹۲	مطلع ظہور	ص ۲۵	شارع احکام ربّ مختار
بند ۱۸۶	مطلع علم اللہ	بند ۱۶۷	شمس الحجّۃ
بند ۷۴	مطلع قرب	بند ۶	شمس الحقیقۃ و التّبیان
بند ۸۸	مطلع کبریاء	بند ۸۶ ، ۱۳۶ ، ۱۷۹	قلم اعلیٰ
بند ۱۵ ، ۴۲ ، ۱۴۸	مطلع وحی	بند ۵۸ ، ۶۳	قلم وحی
بند ۸۵	مطلع نور احدیہ	بند ۱۲۱	کتاب المبدأ فی المال
بند ۴۲	مُظہر آیات	بند ۱۳۴ ، ۱۶۸ ،	کتاب ناطق
بند ۷ ، ۴۷ ، ۱۳۱ ،	مظہر یفعل ما یشاء	ی ۱۵۵	
بند ۱۵۷ ، ۱۶۱		بند ۱۷۶	لسان اللہ
بند ۸۵	مَقْبَلِ عَالَم	بند ۱۷۷	لسان عظمت و اقتدار
بند ۳۵ ، ۸۸	موجود	بند ۴	لسان قدرت
ص ۲۵	مؤلف قلوب بنی آدم	بند ۷۸ ، ۱۳۲	مالک اسماء
ص ۲۵	مُنجی اعظم	بند ۱۰	میین حکیم
بند ۶ ، ۸ ، ۳۶ ،	مُنزل آیات	بند ۱۲۹	محبوب امکان
۱۴۶		بند ۱۵	مشرق اشراق
بند ۱۴۲	منظر اسنیٰ	بند ۱۸۶	مشرق اوامر اللہ
بند ۸۵ ، ۱۱۶	منظر کریم		

۲۵	اوصاف اعضاء	ص
۴۸	مأوی فقراء و مساكين	بند
۴۹	طریق انتخاب	ی
۱۸۳، ۶۷، ۵۱	بیت العدل اعظم	بند ی، ۴۲، ۵۱، ۶۷، ۱۸۳،
۱۲، ۱۱، ۱۰، ۳		ص ۳، ۱۰، ۱۱، ۱۲،
۷۷، ۳۰، ۲۲، ۱۴، ۱۳		ص ۱۳، ۱۴، ۲۲، ۳۰، ۷۷،
۵۱	اساسنامه	ی
۳۱	اعضاء	بند ۵۲، ی ۸۰، ص ۳۱
۱۱	تأسيس	ص
	شارع احكام	
۱۴، ۱۲، ۱۰	غير منصوصه	ص ۱۰، ۱۲، ۱۴،
۱۱	طریق انتخاب	ص
	مسئول اجرای احكام	
۱۴	منصوصه	ص
	ناسخ احكامی كه خود	
۱۳	وضع نموده	ص
۱۸۳، ۵۱، ۵۰، ۴۹	بیت العدل خصوصى	ی ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۱۸۳،
۵۱، ۵۰، ۴۹	بیت العدل محلی	ی ۴۹، ۵۰، ۵۱،
۱۰، ۱۶۲، ۱۸۳،		ص ۱۰، ۱۶۲، ۱۸۳،
۷۷		
۱۳۳، ۳۲	بیتین	بند ۱۳۳، س ۳۲،
۱۵۴، ۵۴		ی ۵۴، ۱۵۴،
۳۲، ۲۹، ۵۴	بیت اعظم در بغداد	س ۲۹، ۳۲، ی ۵۴،
۱۵۴		
۳۲، ۲۹، ۵۴	بیت نقطه در شیراز	س ۲۹، ۳۲، ی ۵۴،
۱۵۴		
۱۶۵	بیّنات	بند

۱۳۷، ۱۵۸	من يظهره الله	بند ی، ۱۳۷، ۱۵۸،
۱۰۲، ۷۸		ص ۷۸، ۱۰۲،
۵۲	ناصر امین	بند
۱۷۹	ناصر علیم	بند
۱۶۷	نیر برهان	بند
۸۶	هیكل مبین	بند
۱۷۴، ۱۳۹، ۸۸	ورقاه	بند ۸۸، ۱۳۹، ۱۷۴،
۱۶، ۹	بهائی، آئین	ص ۹، ۱۶،
۸	بهجی	ی
۱۵۰، ۱۳۸، ۷۳	بیان	بند ۷۳، ۱۳۸، ۱۵۰،
۱۰۸، ۷	افق بیان	بند ۷، ۱۰۸،
۵۴، ۳	حلاوت بیان	بند ۳، ۵۴،
۷۳	رایات بیان	بند
۱۶	شمس بیان	بند
۱۷۳	مشارق بیان	بند
۱۷۶، ۱۴۰، ۱۳۷	ملا بیان	بند ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۷۶،
۱۵۰، ۱۴۰، ۱۲۹	نقطه بیان	ی ۱۲۹، ۱۴۰، ۱۵۰،
۱۵۹		
۱۲۹، ۱۲۶، ۷۷	بیان، کتاب	بند ۷۷، ۱۲۶، ۱۲۹،
۱۸۰، ۱۷۹، ۱۳۹، ۱۳۱		ص ۱۳۱، ۱۳۹، ۱۷۹، ۱۸۰،
۱۴۶، ۱۰۸		ی ۱۰۸، ۱۴۶،
۱۶، ۸		ص ۸، ۱۶،
۱۶۰	بیت (ج بیوت)	بند
۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱	بیت العدل، مؤسسه	بند ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴،
۵۲، ۴۹، ۴۸، ۴۲، ۳۰		بند ۳۰، ۴۲، ۴۸، ۴۹، ۵۲،
۷۷، ۷۶، ۲۵		ص ۲۵، ۷۶، ۷۷،
۷۷، ۲۵	اختیارات و وظایف	ی ۵۱، ص ۲۵، ۷۷،

پادشاهان، معشر بند ۷۸، ۸۱، ۸۲، ۸۷
 پادشاهی که به نصرت
 امر قیام نماید بند ۸۴
 پاکیزگی لباس بند ۷۴، ۷۶، ۱۶۷، ۱۶۷
 پدر، به اب رجوع شود
 پسر، به ابن رجوع شود
 پیشوائی مذهبی، حرفه ص ۱۲، ۲۶، ۹۵
 تابستان، به صیف رجوع شود
 تأویل کلمات الهی بند ۲۷، ۱۰۵، ۱۰۵، ۶۲
 ۱۳۰، ص ۹۵
 تبدیل و تعویض امانات ص ۹۶، ۹۵
 تبلیغ امرالله بند ۷۵، ۱۱۸، ۹۸
 تجارت بند ۲۷
 تجدید اسباب بیت بند ۱۵۱، ۱۶۶
 ص ۱۰۱
 تحدید اسفار بند ۱۳۱، ۱۵۳
 تحصیل السن مختلفه برای
 تبلیغ امرالله بند ۱۱۸
 تحصیل علوم و
 فنون نافعه بند ۷۷، ۱۱۰، ۹۸
 تذکر و تنبّه بند ۳۹، ۴۰، ۴۳
 تراشیدن موی سر (حلق رأس) بند ۴۴، ۱۰
 ی ۶۸، ص ۹۶
 بند ۶۷، ۷۰، ۲۷، ۲۷
 ی ۹۷

تربیت و تعلیم اولاد بند ۴۸، ۱۵۰، ۱۰۵
 ی ۷۶، ص ۲۶، ۹۴
 تربیت و تعلیم دختران
 اهمیت خاص ی ۷۶
 تریاک (افیون) بند ۱۵۵، ۱۶۰، ۱۷۰
 تساوی رجال و نساء ص ۱۶
 تسلیم و رضا به اراده الهی ص ۹۹
 تعدّد زوجات، نهی بند ۶۳، ۸۹، ص ۲۶
 ۸۳، ۹۵
 تعرّض به اولیای امور، عدم، به اطاعت از
 حکومت رجوع شود
 تعریف شاهد عادل بند ۶۷، ۹۹، ص ۹۵
 تعلیم اولاد به تلاوت آیات با لحن خوش
 در مشرق الاذکار ص ۹۸
 تعمیر دیار و بلاد در سبیل
 اعزاز امرالله بند ۱۶۰، ۱۰۰
 تفرقه، اجتناب از بند ۵۸، ۱۰۰
 تقبیل آیادی (دست بوسی) بند ۳۴، ۵۷
 ص ۲۶، ۹۵
 تقدیم هدایای لاعدل له به
 شارع امر الهی بند ۱۱۴، ۱۴۱
 تعلیم اطفال (چیدن ناخن) بند ۱۰۶، ۱۰۰
 تقوی (خشیت الله) بند ۶۴، ۷۱، ۷۳، ۷۶
 ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۲۰، ۱۲۶
 ۱۳۲، ۱۳۷، ۱۴۱، ۱۴۸
 ۱۵۱، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۸۴
 ص ۹۹

تقسیم بهائی بند ۱۲۷، ی ۲۹ - ۲۶،
 ۱۳۸، ۱۴۷، ص ۹۴
 ایام هاء بند ۱۶، ی ۲۷، ۱۴۷
 اعیاد:
 عیدین اعظمین بند ۱۱۰
 اظهار امر جمال مبارک
 (عید اعظم) بند ۱۱۰، ۱۱۲
 بعثت حضرت اعلیٰ بند ۱۱۰، ی ۱۳۸
 نوروز (یوم اول
 شهر البهاء) بند ۱۶، ۱۱۱، س ۳۵،
 ی ۲۶، ۱۳۹، ۱۴۷
 یومین: بند ۱۱۰
 یوم تولّد جمال مبارک بند ۱۱۰
 یوم تولّد حضرت اعلیٰ بند ۱۱۰
 شهر البهاء بند ۱۱۱، ی ۱۳۹، ۱۴۸
 شهر العلاء (شهر صیام) س ۷۱، ۷۶،
 ی ۲۵، ۲۶، ۲۷، ص ۸۳
 یوم البهاء بند ۱۱۱، ی ۱۳۹، ۱۴۸
 تکدی، به سؤال رجوع شود
 تلاوت آیات هر صبح و شام بند ۱۴۹،
 س ۶۸، ی ۱۶۵، ص ۹۸
 تلاوت آیات با لحن خوش بند ۱۱۶، ص ۹۸
 تلخیص و تدوین حدود و احکام
 جزوه، ی ۳، ۲۵، ۳۰، ۳۸،
 ص ۳، ۵، ۷۶، ۸۸
 تماثل بند ۳۱
 تمدن، علّت کبریٰ برای بند ۱۸۹، ی ۱۹۴

تمسک به حیل اسباب بند ۳۳، ۱۶۰، ی ۵۶،
 ص ۱۰۲
 تمسک به معروف بند ۱۴۵
 تطهیف ابدان بند ۱۰۶
 توبه از گناه بند ۴۹، ص ۲۶
 توکل بند ۱۶۰
 جبروت بند ۴، ۱۷۲، ۱۷۷
 جبل (ج جبال) بند ۳۶، ۱۵۰، ۱۸۳
 جحیم بند ۴۱
 جدال و نزاع بند ۱۴۸
 جریمه، به دیه رجوع شود
 جریمهٔ ایراد حزن بر نفوس بند ۱۴۸،
 ی ۱۶۳، ص ۹۷
 جهل بند ۱۲۲، ۱۲۳
 چهار زانو نشستن بند ۱۴، ی ۲۲
 حبّ الله بند ۱۵۴
 مقام فائزین به حبّ الله بند ۳۶
 حبّ مکنون
 (کنز مخفی) بند ۱۵، ی ۲۳
 حبس ابد بند ۶۲، ی ۸۷
 حبل امر بند ۱۱۷
 حبل عبودیت بند ۱۲۰
 حجاب (ج حجبات و
 حجب و احجاب) بند ۴۷، ۱۳۲، ۱۶۵،
 ۱۶۷، ۱۷۱، ۱۷۶

حکمت بند ۵۳ ، ۷۳ ، ۹۷ ، ۹۸ ،
 ۱۸۰ ، ۱۸۲ ، س ۵۷ ،
 ص ۹۹
 حکم غلمان (روابط جنسی بین دو
 نفر هم جنس) بند ۱۰۷ ، ی ۱۳۴ ،
 ص ۹۶
 تعیین حد مجازات س ۴۹
 حکم حد در محل سجود ،
 رفع بند ۱۰ ، ی ۱۵ ، ص ۹۷
 حکم حد در لباس و لعی ،
 رفع بند ۱۵۹ ، ی ۱۷۵
 حکومت ، اطاعت از بند ۹۵
 حلق رأس (تراشیدن
 موی سر) بند ۴۴ ، س ۱۰ ، ی ۶۸ ،
 ص ۹۶
 حمامهای ایرانی بند ۱۰۶ ، ی ۱۳۱ ، ص ۹۶
 حمل سلاح جز در مواقع
 ضرورت بند ۱۵۹ ، ی ۱۷۳ ،
 ص ۹۶
 حمل میت بند ۲۸
 حمیت بند ۱۸۴
 حمیت جاهلیه ، احتراز از بند ۱۴۴ ، ص ۲۶ ،
 ۹۹
 حوض خانه‌های ایرانی بند ۱۰۶ ، ی ۱۳۱ ،
 ص ۱۳
 حیوان (ج حیوانات) بند ۱۲۳ ، ۱۸۷ ،
 رحم به حیوانات بند ۱۸۷

حج بیت الله بند ۳۲ ، س ۱۰ ، ۲۵ ،
 ۲۹ ی ۵۴ ، ص ۹۳
 حج ، سورة س ۱۰
 حجّت بند ۱۶۵ ، ۱۸۳
 حجّت الله بند ۱۷۰
 حدود ، رجوع شود به اوامر
 حدودات ، کسر بند ۲
 حرق عمدی بیت بند ۶۲ ، ی ۸۶ ، ۸۷ ،
 ص ۲۶ ، ۹۵
 حریت بند ۱۲۲ ، ۱۲۳ ، ۱۲۵ ،
 ص ۲۷ ، ۱۰۲
 حرکت لسان در اسواق (ذکر خواندن
 در کوچه و بازار) بند ۱۰۸ ، ی ۱۳۵
 حریر بند ۱۳۰ ، ی ۱۵۱ ، ص ۹۷
 حلیت پوشیدن حریر بند ۱۵۹ ، ی ۱۷۴ ، ص ۹۷
 حزن (ج احزان) بند ۲۵ ، ۱۴۸ ، ۱۴۹ ،
 ص ۳۱
 حقوق الله بند ۹۷ ، س ۹ ، ی ۱۲۵ ،
 ص ۲۵ ، ۹۳
 دارائی شخص متوفی بند ۲۸ ، س ۹ ، ۶۹ ،
 ۸۰ ی ۴۷
 شرایط پرداخت س ۸ ، ۴۴ ، ۴۵ ، ۸۹ ،
 ۹۰ ی ۱۲۵
 معافیت از پرداخت س ۸ ، ۴۲ ، ۹۵ ، ی ۱۲۵
 ملکی که عایدات ندارد س ۱۰۲
 نصاب حقوق الله بند ۹۷ ، س ۸ ، ۸۹ ، ۹۰ ،
 ی ۱۲۵

س ۱۰۱، ص ۹۵	دقیقه	خانه، دخول بدون اجازه	
بند ۳۷، ی ۶۲، ص ۶	دور بهائی، امتداد	بند ۱۴۵، ص ۹۶	صاحب خانه
۲۵، ۲۳		بند ۳۵، ۳۸، ۷۴، ۱۸۴	خدمت امرا
بند ۶۳، س ۳۰، ی ۹۰	دوشیزگان، استخدام	بند ۹۴، ی ۱۲۴، ص ۱۰۳	خراسان (ارض خا)
بند ۵۲، ۵۶، ی ۸۱	دیه (ج دیات)	بند ۹، ی ۱۲	خز
بند ۱۸۲	دین الله	بند ۱۰۶، ی ۱۳۱،	خزینه حمامهای ایرانی
بند ۲۸	دیون	ص ۹۶	
بند ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۵	ذریه (ج ذریات)		خشیت الله، به تقوی رجوع شود
۱۵۰، ۲۹، ۲۷، ۲۶		بند ۴۸، ی ۷۶	خط، آموختن
بند ۱۳۸، ۱۷۲، ۱۸۵	ذکر الله	بند ۱۸۹، ی ۱۹۳،	خط بین المللی
بند ۱۴۲، ۱۶۷	ذکر حکیم	ص ۱۰۲، ۲۷	
ذکر گفتن در کوچه و بازار (حرکت		ص ۱۱	خطابات نصیحیه
بند ۱۰۸، ی ۱۳۵، ص ۹۶	لسان در اسواق)	بند ۱۶۳	خلاصی از ریب و حیرت
بند ۱۵۸	ذلت	ی ۱۲۰	خلافت
بند ۱۶، ۲۳	ذوالقربی	بند ۹۱، ۹۹، ۱۱۷،	خلق (ج خلائق)
ذوالقربای حضرت بهاء الله،		۱۶۷، ۱۵۵، ۱۴۴،	
بند ۶۱، ی ۸۵، ص ۱۰۰	مودت به	۱۸۴	
بند ۹۱	ذتاب	بند ۹۱	جوهر خلق
ی ۱۶۰	رب الجنود		خواتیم المنقوشه، به انگشتر میت رجوع شود
بند ۹۴، ۱۲۶، ۱۲۹،	رجال	ی ۱۹۲	دجال
س ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۷،			دختر، به بنت رجوع شود
۱۰۱			دخول در بیت دیگری بدون
بند ۱۳۶	رحمت، نفحات	بند ۱۴۵	اجازه صاحب خانه
بند ۲۱، ۳۰	رحمن، امانا		دست بوسی، به تقبیل ایادی رجوع شود
بند ۷، ۱۳۶	رحمن، عرف	بند ۱۲۸، ۱۳۰، س ۱۶،	دفن اموات
بند ۳	رحمن، مشیت	ی ۱۴۹، ۱۵۲، ص ۹۴	

رحیق:

رحیق انصاف

بند ۴

رحیق حیوان

بند ۱۵۰، ۱۷۳

رحیق مختوم

بند ۰۵ ی ۲

رسول (ج رسل)

بند ۱۶۴

رسول اکرم، به محمد، حضرت،

نیز رجوع شود

ی ۰۷، ص ۸، ۲۴

رضوان، عید

(سلطان اعیاد)

بند ۷۵، ۱۱۰، ۱۱۲، س ۱،

ی ۱۰۷، ۱۲۸، ۱۴۰

رضوان، باغ

ی ۱۰۷

رفع حکم حد در لباس

و لحي

بند ۱۵۹، ی ۱۷۵

رفع حکم حد در محلّ

سجود

بند ۱۰، ی ۱۵

رفق

بند ۱۵۳

رقّ منیع

بند ۱۴۶

روابط جنسی بین دو نفر هم جنس

(حکم غلمان)

بند ۱۰۷، س ۴۹،

ی ۱۳۴

روح (ج ارواح)

بند ۹، ۱۵، ۸۰

روح، رجوع شود به مسیح، حضرت

روح الحیوان

بند ۲

روح الکتب

بند ۱۳۶

روح الله

بند ۳۷، ی ۱۶۰

روزه، به صوم رجوع شود

بند ۸۹، ی ۱۱۹

روم (قسطنطنیه)

رهبانیت

ریا، اجتناب از

بند ۳۶، ص ۹۹

ریاضات و مشقات، حمل

بند ۳۶، ی ۶۱،

ص ۲۶، ۹۵

ریب و حیرت، خلاصی از

بند ۱۶۳

ریش گذاشتن

بند ۱۵۹، ی ۱۷۵

رین، شواطی نهر

بند ۹۰، ی ۱۲۱،

ص ۲۷، ۱۰۳

زانیة العذاب

بند ۱۷۰

زخارف

بند ۴۰

زرایّ الافراح

بند ۹۷

زکات

بند ۱۴۶، ص ۹۴

زمستان، به شتا رجوع شود

زوال (ظهر)

بند ۶، س ۸۳، ی ۵،

ص ۳۸، ۴۰، ۷۹

زنا

بند ۱۹، ۴۹، ی ۳۶،

ص ۲۶، ۹۶

تعیین مجازات زناى محصن س ۴۹، ی ۷۷

مجازات زناى غير محصن بند ۴۹، س

۲۳، ۴۹، ی ۷۷

زناى به عنف

ی ۳۶

مجازات

ی ۳۶

زين المقرّبين

ص ۱۸

ساعت (ج ساعات)

بند ۱۰، س ۶۴، ۱۰۳،

ی ۱۷، ص ۸۰

بند ۲۸	سماء هیکل	بند ۱۳۲	سبحات
بند ۷	سعوات افئدة ادیان	بند ۵۰	سبحات جلال
بند ۹، ۱۲، ص ۸۱	سمور	بند ۱۰، ۱۵	سجده، محل
بند ۹، ۱۲	سنجاب	بند ۱۳۶، ۱۳۲	سجن اعظم
بند ۱۲۳	ستن	بند ۱۱۵، ۱۱۵، ۱۴۲	سحر (ج اسحار)
بند ۶۲، ۱۴۷	سنن الهی	بند ۱۰۳، ۱۴۸، ۱۶۴	سدره
بند ۶۲	سنن جاهلین	بند ۱۰۰، ۱۲۸، ۱۶۴	سدره المنتهی
بند ۱۲۰، ۱۶۰	سنن اسلام	بند ۱۵۷، ۱۷۱	سر التَّنکِیس لرمز الرئیس
بند ۱۲۶، ۱۴۶، ص ۹۷	سؤال از شارع امر الهی	بند ۴۵، ۷۰، ص ۶۶، ۲۶	سرفت
سؤال (به معنی تکدی) و حرمت		بند ۴۵، ۷۰، ۷۱	مجازات سارق
بند ۱۴۷، ۱۶۲، ص ۹۵، ۲۶	اعطاء به سائل	بند ۷۱	تعیین حدّ مجازاتی
بند ۳، ۴، ۱۸، ۴۲	سؤال و جواب، رساله ص	بند ۹۱، ۱۵۴	سریر (ج سرر)
بند ۸۸	سیاط اوامر	بند ۳۶	سریر عقیان
بند ۴۵	سیاط حکمت و احکام	بند ۱۳۱، ۱۵۳، ص ۹۷	سفر، تحدید
بند ۶۲	سیاه چال	بند ۸۴، ۱۱۵	سفینه حمراء
بند ۱۷۷، ۱۸۲	شاه		سلاطین، رجوع شود به ملوک
بند ۱۶۰	شاه بهرام	بند ۱۰۳	سما
شب، به مساء رجوع شود		بند ۱۳۴	سما اقتدار
بند ۱۶۴	شبهات مریدین	بند ۱۵۰	سما عظمت و اقتدار
بند ۱۶۳	شبهات مشرکین	بند ۹۷	سما عطاء
بند ۱۵۲، ص ۹۷	شتا (زمستان)	بند ۱۱۷	سما عنایت
بند ۵۶، ۸۱	شجاج	بند ۱۷۳	سما فضل
بند ۸۱	تعیین حدّ جریمه	بند ۳، ۱۳۴، ۱۳۴	سما مشیت
بند ۳۶	شجر	بند ۶۴، ۱۰۵، ۱۲۴	سما وحی
		۱۴۱	

نظم بدیع جهانی حضرت	بند ۲۷	شدید العقاب
ی ۱۷۳، ۱۸۹	بند ۱۵۵، ۱۹۰، ی ۱۷۰	شرب آفیون، نهی
ص ۳	ص ۹۵، ۲۶	شرب مسکرات، نهی
القاب:	بند ۱۱۹، ی ۱۴۴	شستن اشیاء ملوث در
مبین آیات الله	ص ۹۵، ۲۶	آب پاک
شهداء الله	بند ۷۴، س ۹۱	شستشوی بدن، به تطهیر ابدان رجوع شود
شهر (ج شهور)	ی ۱۰۵، ص ۱۰۰	شستن پا
شیخی، مکتب	بند ۱۵۲، س ۹۷	شطر احدیه
شیراز	ی ۱۶۷، ص ۱۰۰	شطر اقدس (قبله)
شیعه اسلام	بند ۱۸۴	شعر (مو)
ی ۸۵، ۹۰، ۱۰۳	بند ۶	نهی تجاوز از حد آذان بند ۴۴، ی ۶۹، ص ۹۶
۱۷۸، ۱۷۵، ۱۶۰، ۱۰۹	بند ۴۴، ص ۸۱	شکار، به صید رجوع شود
صباح (بامداد)	بند ۷	شمس
بند ۱۴۹، س ۶۶	بند ۶	شمس حقیقت و تبیان
ص ۷۹، ۳۸	بند ۷، ۶، ۲۳، ۲۸، ۴۱	شمس حکم (ج احکام)
صف و صحائف	بند ۱۰۲	شمس کلام
صف الله	ی ۶۶، ۶۷، ۱۳۰	شوقی افندی (ولی امر الله)
صف اولین	ص ۴، ۵، ۱۰	
صخره	۱۱، ۱۵، ۱۶، ۱۹	
صدق	۲۰، ۲۳	
صراط اقوم		
صراط مستقیم		
صفات علیا		
صلات		
بند ۸، ۱۰، ۱۸، س ۶۵		
ی ۳، ص ۱۱، ۲۵، ۷۶، ۷۷		
اوقات صلات		
بند ۶، ص ۷۹		
استفاده از ساعات و مشاخص در مناطق		
قطبی		
بند ۱۰، س ۶۴، ۱۰۳		
ی ۱۷، ص ۸۰		
		آثار:
		کاد پاسز بای
		ی ۱۰۸، ۱۵۸، ۱۹۰
		۱۹۱، ۱۹۲، ص ۲۳، ۵

بند ۱۳، ۱۸، ۱۶، ی	وضو	سجده بر هر شیء پاکی	بند ۱۰، ۱۵، ی	جایز است
ص ۳۴، ۷۹، ۸۰		قبله	بند ۶، ۱۳۷، ۱۴، س	
بند ۱۰، ۱۶، ی ص ۷۹	تیمم		بند ۷، ۸، ۲۵، ی	
بند ۱۱، ۵۲، ی ص ۱۸	صلوات آیات		ص ۷۸	
ص ۸۱		وجوب توجه به قبله حین		
بند ۶، ۶۳، ی ص ۴	صلوات تسع رکعات	اداء صلوات	س ۱۴، ۶۷، ۷، ی	
ص ۸۱		ص ۷۸		
س ۸۲، ص ۳۲، ۷۹، ۸۱	صلوات کبیر	قضای صلاتی که به خاطر		
ص ۷۹، ۳۲	وقت اداء صلوات کبیر	نبودن مکان امن فوت		
	صلوات صغیر (شهادت	شده باشد	بند ۱۴، ۲۱، ۲۲، ی	
س ۸۱، ی ۵، ص ۴۰	حین زوال)	ص ۸۰		
ص ۸۱، ۷۹		مبطلات صلوات در اسلام	بند ۹، ۱۲، ی	
وقت اداء صلوات صغیر	س ۸۳، ص ۴۰	معفوین از صلوات:		
صلوات میت	بند ۸، ۱۲، س ۷۰	بیماران	بند ۱۰، س ۹۳، ی ۱۴	
ص ۸۵، ی ۱۰، ۱۱، ۱۹		ص ۷۸		
ص ۸۱، ۸۰، ۴۱، ۲۵		کسانی که سنشان از ۷۰		
ص ۹۶		متجاوز است	بند ۱۰، س ۷۴، ی ۱۴	
در صلوات میت توجه به		ص ۷۸		
قبله لازم نه	س ۸۵، ی ۱۹	مسافرین (در صورت نبودن		
طرز اداء صلوات میت	ی ۱۰، ۱۹	مکان امن)	بند ۱۴، س ۲۱، ۵۸، ی	
صلوات جماعت فقط در صلوات میت		ص ۵۹، ی ۲۱		
جایز است	بند ۱۲، س ۷۰، ی ۱۰	نساء در مواقع عادت		
ص ۲۵، ۸۰، ۹۶		ماهیانہ	بند ۱۳، ی ۲۰، ۳۴، ی	
صلوات میت مخصوص		ص ۷۸		
کیار است	س ۷۰، ی ۱۰	مقام عظیم صلوات	س ۹۳، ی ۳، ۱۴، ی	
وقت اداء صلوات میت	ی ۱۰	ص ۷۷		
صلوات وسطی	س ۸۳، ی ۵، ص ۳۸، ۸۱			

اوقات اداء صلات وسطی' س ۸۳، ص ۳۸.

۷۹

صور و امثال در مشرق الاذکار بند ۳۱

صوم بند ۱۰، ۱۶، ۱۷.

ص ۱۱، ۲۵، ۷۶، ۸۱

استفاده از ساعات و مشاخص در

مناطق قطبی بند ۱۰، س ۶۶، ۱۰۳.

ی ۱۷

امساک از اکل و شرب از

طلوع تا غروب بند ۱۷، ی ۲۵، ۳۲

دخان از مشروبات محسوب ی ۳۲

شهر صیام (شهر العلام) بند ۱۶، س ۷۱.

ی ۲۵، ۲۶، ۲۷.

ص ۸۳

صوم برای قضای حاجات س ۷۱، ص ۸۳

معفونین از صوم:

بیماران بند ۱۰، ۱۶، س ۹۳.

ی ۱۴، ۳۱، ص ۸۲

زنان باردار بند ۱۶، ص ۸۳

زنان در مواقع عادت

ماهیانہ بند ۱۳، ی ۲۰، ۳۴، ص ۸۳

زنان مرضع بند ۱۶، ص ۸۳

کسانی که سنشان از ۷۰ متجاوز

است بند ۱۰، س ۷۴، ی ۱۴.

ص ۲۵، ۳۱، ص ۸۲

مسافرین بند ۱۶، س ۲۲، ۷۵.

ی ۳۰، ۳۱، ص ۸۲

شاغلین به

اعمال شاقه

س ۷۶، ی ۳۱، ص ۸۳

مقام عظیم صوم بند ۱۷، س ۷۶، ۹۳.

ی ۲۵، ص ۸۱

صومعه (ج صوامع) س ۹۴

صید (شکار)

بند ۶۰، س ۲۴، ی ۸۳.

ص ۸۴، ۱۷۳، ص ۹۴

صیف (تابستان)

بند ۱۵۲، س ۹۷

صهیون بند ۸۰، ی ۱۱۴

ضرب (زدن)

بند ۵۶، ۱۴۸، ص ۹۶

تعیین حد جریمه ی ۸۱

ضیافت نوزده روزه

بند ۵۷، س ۴۸، ی ۸۳.

ص ۲۶، ۹۴

طاء

بند ۲۹، ی ۴۸

طاء، ارض (طهران) بند ۹۱، ی ۱۲۲.

ص ۲۷، ۱۰۲

طیب حاذق، مراجعه به بند ۱۱۳، ص ۱۰۰

طلاق بند ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰.

ی ۹۷، ۱۰۰، ص ۱۱.

ص ۲۶، ۸۵، ۸۶

ابطال ازدواج س ۴۷، ص ۸۶، ۸۷

ثبوت فعل منکر بند ۷۰، ص ۸۷

حدوث کره و کدورت بند ۶۸، ی ۱۰۰.

ص ۸۵

حدوث اختلاف در سفر بند ۶۹، ص ۸۸

ظروف طلا و نقره،	جلای وطن	س ۱۹، ص ۸۸
استعمال	رجوع بعد از طلاق بند ۶۸، ی ۱۰۲، ص ۸۸	
بند ۴۶، ص ۹۷	سنه اصطبار	بند ۶۸، ۷۰، س ۱۲،
بند ۱۵۸		۱۹، ۴۰، ص ۸۵، ۸۶،
ظلم بر حیوانات، نهی		۸۷
بند ۱۸۷، ص ۲۶، ۹۶	طریق ثبت سنه اصطبار	س ۷۳، ۹۸، ی
بند ۱۷، ۳۵، ص ۹۸		۱۰۰، ص ۸۷
ظهور، به زوال رجوع شود	شرایط آشتی	س ۳۸، ی ۱۰۰، ص ۸۸
بند ۴۷، ۱۴۲، ۱۴۸	غیبت طولانی همسر بند ۶۷، س ۴، ی ۹۶،	۹۷، ۹۸، ۹۹، ص ۸۵،
بند ۱۷۲		۸۶
ظهور بعد، ادعای	مطالبه مهریه و اعاده	
بند ۳۷	مصارف	س ۴۷، ص ۸۶، ۸۷
عارف، اوصاف	طلقات ثلاث (مرسوم در	
بند ۷	اسلام)	بند ۶۸، س ۳۱،
عالم (ج عوالم)		ی ۱۰۱، ص ۸۹، ۹۷
بند ۱، ۷۹، ۱۱۶	مبنوضت طلاق	بند ۷۰، س ۹۸،
عالم اکبر		ی ۱۰۰، ص ۸۷،
بند ۵۵، ی ۲۳	نفقه	بند ۶۹، ۷۰، ی ۱۰۰،
بند ۱، ۱۰۹		ص ۸۷،
بند ۱، ۱۰۹	طور (کوه)	بند ۸۰، ۱۰۳، ی ۱۱۲،
عالم صغیر یا اصغر	طهارت	بند ۷۴، ۷۵، ۷۹،
بند ۵۵، ی ۲۳		ی ۱۰۶،
بند ۱، ۳۵، ۶۵، ۸۶	رفع حکم دون طهارت از اشیاء	
بند ۱، ۱۸۴، ص ۹، ۱۰،	و سایر ملل	بند ۷۵، ی ۱۰۶، ص ۹۷،
۱۲، ۷۶، ۷۷	پهران (ارض طاء)	بند ۹۱، ی ۶۲، ۱۲۲،
آثار و الواح:		ص ۱۰۲، ۲۷
الواح وصایا		
ی ۴۹، ۶۶، ۱۲۵، ۱۸۳،		
ص ۱۰		
تذکره الوفاء		
ی ۱۸۳		
فرمان تبلیغی		
ص ۱۰		
مفاوضات		
ی ۷۵، ۸۶		
آثار حضرت عبدالبهاء از آیات الهی		
ی ۱۶۵		

عراق بند ۳۷، ی ۶۳

عرفان، جنود بند ۷۳

عرفان مظهر امر بند ۳۸، ۱

عرفان معلوم بند ۱۰۲

عرف الله بند ۱۷۹

عرف حب بند ۱۷۹

عرف رحمن بند ۱۳۶، ۷، ۱۴۴

عرف رضا بند ۳۶

عرف قمیص بند ۴، ی ۱

عرف محبوب بند ۴

عرف معانی بند ۱۵۸

عروة الوثقی بند ۱۱۷

عزائم، اجابت دعوت به بند ۱۵۶

عشق آباد ی ۱۲۴

عصمت کبریٰ بند ۴۷، ۱۶۱، ۱۶۲،

۱۶۳، ی ۷۵، ص ۱۰۱،

۲۵

عطر خالص، استعمال بند ۷۶، ص ۱۰۰

عظام (استخوانها) بند ۹، ۳۶، ی ۱۲،

ص ۸۱

عقول مستقیمه بند ۱۵۹

عکاء بند ۸۵، ۱۳۲، ۱۳۶، ی ۸،

۶۳، ۱۱۶، ۱۲۷، ۱۹۲

علم (ج علوم) بند ۴۱، ۹۹، ۱۰۲

علم نجوم ی ۱۴۷

علوم و فنون نافعہ، تحصیل بند ۷۷، ی ۱۱۰

علوم، هدف غائی تحصیل ص ۱۰۲

غصن اعظم ی ۱۴۵

فرع منشعب از اصل قویم بند ۱۷۴، ص ۷۷

مبین آیات الله بند ۱۷۴، ی ۱۳۰، ۱۸۴،

ص ۹، ۲۴، ۷۶

مثل اعلیٰ ص ۹

مرکز میثاق ی ۶۶، ۱۲۵، ص ۹، ۱۱

من اراده الله بند ۱۲۱، ی ۱۴۵، ص ۷۷

مولی الوری ی ۳

جانشین حضرت بهاء الله بند ۱۲۱، ۱۷۴، ص ۷۷

گزیدن حضرت شوقی افندی

به ولایت امر ی ۶۶، ۱۳۰

عبد العزیز، سلطان ی ۱۲۰

عبودیت بند ۱۲۰، ۱۲۵

عدالت، حد س ۷۹، ی ۹۹

عدل بند ۹۷، ۱۳۹، ۱۵۷،

۱۵۸، ۱۶۷، ۱۷۰،

ص ۲۶، ۲۷، ۹۹

دو رکن عدل ص ۳۱

عدل، حکومت عادلہ بند ۹۱، ص ۲۷

عدل، طراز بند ۸۸، ص ۲۷

عدل، ایادی بند ۸۸

عدلین بند ۶۷، س ۷۹، ی ۹۹،

ص ۸۶

عذاب مهین بند ۱۴۰

عرب (ج اعراب) س ۷۴، ی ۱۹۲

عربی، لسان ص ۲۰، ۲۱

غلمان، حکم	بند ۹، ۱۶۶	علماء
تعیین حدّ جرمه	بند ۱۶۴	اشارات علماء
غور و تعمق در آیات	بند ۴۱، ۹۹، ۱۰۱، ۱۶۵	معشر علماء
غیبت	بند ۱۰۱، ص ۱۶۹	
	بند ۱۷۳، ص ۱۰۲	علماء فی البهائم
غیظ و غضب،	ی ۱۷۸	علی بسطامی، ملا
احتراز از	بند ۱۶۰	عمران دیار و بلاد
	ص ۲۳	عودی ختمار، بیت
فاجر لثیم	بند ۲، ۱۴۹	عهد الهی
فتنه	ص ۲۴	عهد عتیق، کتاب
فتنه و فساد، احتراز از		عهد و میثاق حضرت
	بند ۲۶، ۳۱، ۹۹	بهاء الله
فحشاء	بند ۶۴	پیش بینی ولایت امرالله
فرانسوا ژوزف، امپراطور		تأسیس بیت العدل
اطریش	بند ۸۵، ی ۱۱۶	ص ۲۵
	ص ۲۷، ۱۰۱	تعیین مرکز عهد و پیمان
فروردن دست در		تفویض حق تبیین آیات
ظرف غذا	بند ۲	ص ۲۵
فساد	ی ۱، ۹	ناقضین عهد
فصل الخطاب	بند ۱۱۲	ناقض اکبر
فرقان، به قرآن رجوع شود		عید اعظم
فرقان، شریعت	بند ۳۶	غرار
فریضه، اول فریضه عباد	بند ۳۸	غروب شمس جمال الهی
ملازمة لا ینفک دو فریضه	بند ۴۱، ۷۱، ۸۲، ۸۶	غرور
عرفان مطلع امر و اتباع	ص ۲۶، ۹۹	
اوامر او	بند ۴۲، ی ۶۶، ۶۷	غصن (ج اغصان)
فقیر (ج فقراء)	ی ۱۴۵	غصن اعظم
	بند ۸۸	غصن بقاء

بند ۲، ۱۶، ۱۷، ۲۴،	قلم اعلیٰ	بند ۶، ۱۳۷، ۱۴	قبله
۴۱، ۷۰، ۸۶، ۱۳۶،		۶۷، ۷، ۷۸	
۱۴۱، ۱۷۵، ۱۷۹،		بند ۱۹، ۷۳، ۱۸۸،	قتل
س ۱۰۶، ی ۲۴،		ی ۳۵، ص ۲۶، ۹۵، ۹۶	
ص ۱۴، ۱۵،		مجازات قتل عمد	
بند ۷۲	قلم عدل	بند ۶۲، ی ۸۶، ۸۷	
بند ۵، ۵۸، ۶۳،	قلم وحی	بند ۱۸۸	مجازات قتل غیر عمد
بند ۱۵۵، ی ۱۶۹،	قمار	بند ۹، س ۱۰۶، ۱۰۷،	قرآن
ص ۲۶، ۹۵،		ی ۱، ۲، ۱۶، ۷۲، ۷۹،	
بند ۸۱	قمر، انشقاق	۱۲۹، ۱۷۴، ۱۸۸،	
بند ۴	قمیص، عرف	ص ۸، ۲۴	
بند ۳۷، ۹۷، ۱۱۷،	قوم	قرض، به دیون رجوع شود	
۱۳۷، ۱۴۱، ۱۴۳،		بند ۹۹	قسطاس اعظم
۱۷۹		بند ۹۹	قسطاس الحق
بند ۸۱، ۱۱۰،	قیامت	بند ۱۴۸، ۱۸۳،	قسطاس الهدی
ی ۱، ۱۱۵،	قیوم الاسماء، کتاب	بند ۸۹، ی ۱۱۹،	قسطنطنیه (اسلامبول)
بند ۱۳۵	کأس	ص ۲۷، ۱۰۳،	
کاف و راه، به ارض کاف و راه رجوع شود		بند ۱۵	قضاء مثبت
کاف و تون،		بند ۱۵	قضاء محتوم
اقتران (کُن)		بند ۱۳۰	قطن (کتان)
بند ۱۷۷، ی ۱۸۸،	کتاب الله (کتب الله)	بند ۳۹، ۵۵، ۵۷، ۷۸،	قلب (ج قلوب)
بند ۶، ۳۶، ۹۹، ۱۲۷،		۷۹، ۸۳، ۹۵، ۹۶، ۹۸،	
۱۶۳، ۱۶۵،		۱۰۰، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۰،	
کتاب عهد قدیم		۱۲۶، ۱۴۸، ۱۵۷، ۱۶۰،	
ی ۱		ی ۱۷۹	قلعه شیخ طبرسی
کتان، به قطن رجوع شود		بند ۵۵، ۹۸، ۱۱۳، ۱۳۵،	قلم
کتک زدن، به ضرب رجوع شود		۱۵۸	
کرسی (ج کراسی)		بند ۶۸، ۶۷	قلم امر

کرمان (ارض کاف و راه) بند ۱۶۴، ی ۱۷۶،
 ۱۷۷، ص ۲۸، ۱۰۳

کریشنا، حضرت ی ۱۶۰

کریم (حاجی محمد کریم
 خان کرمانی) بند ۱۷۰، ی ۱۸۲، ص ۱۰۳

کسالت بند ۱۴۹

کسب و کار بند ۲۳، ۱۴۷، ی ۵۶

کسر حدودات بند ۲

کفش کن بند ۲۶، ی ۵۹

کفن و دفن بند ۲۸، ۱۲۸، ۱۳۰،
 س ۹، ۷۰، ۵۶، ی ۴۷،
 ۱۲۵، ۱۴۹، ۱۵۱

کلمه بند ۴، ۱۶۹

کلمه الله بند ۱۰۵

کلمه الهی، ارتفاع بند ۳۸

کلمه علیا بند ۱۴۳

کلیم بند ۸۰، ی ۱۱۱

کنز (ج کنوز) بند ۱۵، ۳۹، ۱۰۹

کنز، مفتاح بند ۱۵

کنز الله بند ۱۸۵

کنز مکنون (حب مکنون) بند ۱۵، ی ۲۳

کوثر حیوان بند ۷۳

کوم الله (کرمل) بند ۸۰، ی ۱۱۴

کوه طور، به طور رجوع شود

گدائی و حرمت

اعطاء به گدا بند ۱۴۷، ی ۱۶۲،
 ص ۹۵

گرگ، به ذناب رجوع شود

کلاب بند ۷۶

گناه، توبه از بند ۴۹، ص ۲۶

گندم پاک کن، به محمد جعفر اصفهانی، ملا،
 رجوع شود

لثالی احکام بند ۲۶

لثالی حکمت و اسرار بند ۱۸۲

لثالی علم و حکمت بند ۱۸۰

لثالی مخزونه بند ۱۳۶

لباس (اختیار پوشیدن) بند ۱۵۹، ی ۱۷۵،
 ص ۹۷

لحی (ریش گذاشتن) بند ۱۵۹، ی ۱۷۵،
 ص ۹۷

لسان (ج السن) بند ۱۲۰، ۱۶۰، ۱۷۷،
 السن مختلفه، تحصیل برای

تبلیغ امرالله بند ۱۱۸، ص ۱۰۰

لسان الله بند ۱۷۶

لسان بین المللی بند ۱۸۹، ی ۱۹۴،
 ص ۲۷، ۱۰۲

لطافت بند ۷۴، ۷۶، ۱۵۱،
 ص ۲۶

لطافت، تمسک در جمیع

احوال بند ۴۶، ی ۷۴

لغت فصیحی، به عربی، لسان رجوع شود

لواط بند ۱۰۷، س ۴۹،
 ی ۱۳۴

محو کتب بند ۱۰۷، ۱۰۹، ص ۹۷
مدارا و رفق بند ۱۵۳، ص ۲۶
مدعیان باطن بند ۳۶، ی ۶۰، ص ۱۰۳
مدعیان کاذب بند ۲۷، ی ۶۲
مدنیت جهانی ص ۷
مدینه (ج مدن) بند ۱۱۵، ۱۳۰
مدینه کبیره، به قسطنطنیه رجوع شود
مراجعه به طبیب حاذق
هنگام بیماری بند ۱۱۳
مرقد منور، رجوع شود به قبله
مرمت و حفاظت مقامات مبارکه منسوب به
دو شارع امرالله بند ۱۳۳، ص ۳۲، ی ۱۵۴، ص ۱۰۰
مریبن، شبهات بند ۱۶۴
مساء (شب) بند ۱۴۹، ص ۳۸
مساوات رجال و نساء، به تساوی رجال و نساء
رجوع شود
مساءله و رأفت در اجرای
احکام، اجتناب از بند ۴۵، ص ۲۷، ۹۸
مسبب اسباب بند ۲۳
مسجد (ج مساجد) ص ۹۴
مسجد اقصی بند ۸۵، ی ۱۱۶
مسکرات، نهی بند ۱۱۹، ی ۱۴۴، ی ۱۷۰
مسیح، حضرت ی ۱۶۰، ص ۲۴
مشاخص (آلت تعیین وقت) بند ۱۰

بند ۱۴۸، ۱۰
بند ۱۰۶، ص ۹۱
استحمام در ماء بکر بند ۱۰۶، ص ۱۰۰
ماء، خواص سه گانه بند ۷۴، ص ۹۱، ی ۱۰۵
ماء مستعمل بند ۱۰۶، ی ۱۳۱، ۱۳۲
ماء نطفه، طهارت بند ۷۴، ی ۱۰۳، ص ۹۷
ماء وجود بند ۱۳۵
ماء ورد (کلاب) بند ۷۶
مادر، رجوع شود به ام
مال کم شده ص ۱۷، ص ۹۴
مالک اختراع بند ۱۶۷
مالک ادیان بند ۲، ۳۱، ۳۶
مالک قدم بند ۹۶
مبشر (نقطه اولی، حضرت) بند ۲۰، ۱۳۵، ی ۱۵۶
مثقال (ج مثاقیل) بند ۴۹، ۶۶، ۹۷، ۱۸۸، ص ۲۳، ی ۷۸
مجادله، اجتناب از بند ۷۷، ۱۷۷، ص ۹۹
مجسمه و شمایل، به صور و امثال رجوع شود
محبت الهی بند ۱۵۴
محمد، حضرت، رجوع شود
به رسول، حضرت
محمد اصفهانی، سید بند ۱۸۴، ی ۱۹۲، ص ۱۰۳
محمد جعفر اصفهانی، ملا بند ۱۶۶
ی ۱۷۹، ص ۱۰۳
محمد حسن نجفی، شیخ بند ۱۶۶، ی ۱۷۸، ص ۱۰۳

مقام محمود	بند ۳۱ ، ۱۱۵ ، ۱۵۰	مشرق الاذکار
مقبل اهل مداین بقاء ، به قبله	ی ۵۳ ، ۱۴۲ ، ص ۲۶	
نیز رجوع شود	بند ۶ ، ی ۷	۹۴
مقرّ عدل ، رجوع شود به بیت العدل	بند ۱۶۳	مشرکین
مگه	بند ۱۶۳	مشرکین ، شبهات
ی ۷		مشروبات الکلی ،
ملأ ارض	بند ۲	نهی شرب
ملأ اعلى	بند ۶ ، ۵۳ ، ۷۱ ، ۸۹	مشورت در امور
بند ۱۳۲		بند ۳۰ ، س ۹۹ ، ی ۵۲ ،
ملأ امکان	بند ۱۰۷	ص ۹۸
ملأ انشاء	بند ۱۶ ، ۳۱ ، ۶۴ ، ۱۳۲	مصائب و بلايا ،
ملأ بیان	بند ۱۳۷ ، ۱۴۰ ، ۱۷۶	شکبانی در
ی ۱۸۷		بند ۴۳ ، ص ۱۰۰
ملأ عالون	بند ۷۶	بند ۱۱۷
ملائکة مقرّین	بند ۵۳ ، ی ۱۲۸	مطاف ملأ اعلى ، به قبله رجوع شود
ملحقات کتاب اقدس	ی ۳	مطلع اعراض ، به ازل رجوع شود
ملکوت	بند ۷۹ ، ۸۳ ، ۱۱۶	مطلع فرح (طهران) بند ۹۱ ، ی ۱۲۲ ، ۱۲۳
بند ۱۲۵ ، ۱۷۲ ، ۱۷۷		ص ۲۸
اهل ملکوت	بند ۱۷۱ ، ۱۷۷	معاشرت با پیروان ادیان
ملکوت اسماء	بند ۸۳	به روح و ریحان
ملکوت الله	بند ۸۵	بند ۷۵ ، ۱۴۴ ، ی ۱۷۳
ملکوت امر	بند ۹۱	ص ۲۶ ، ۹۷
ملکوت انشاء	بند ۴۷ ، ۹۴	بند ۴۹ ، س ۲۶
ملکوت بیان	س ۶۸	بند ۱۵ ، ی ۲۳
ملکی که به نصرت		بند ۱۵۳ ، ص ۱۰۰
امر قیام نماید	بند ۸۴ ، ص ۱۰۲	بند ۱۶۳
ملوک ، معشر	بند ۷۸ ، ۸۱ ، ۸۲ ، ۸۷	مقالات مشرکین
ص ۱۰۱		مقامات مبارکه منسوب به دو شارع امرالله ،
		مرمت و حفاظت
		بند ۱۲۳ ، س ۲۲ ،
		ی ۱۵۴
		بند ۱۲۳ ، ی ۱۵۴
		مقامین (بیتین)

مظاهر قدرت	بند ۸۲	موعود	بند ۳۵، ۸۸
ملوک امریکا	بند ۸۸	موی سر، تجاوز از حد	
منبر (ج منابر)،		بناگوش	بند ۴۴، ی ۶۹، ص ۹۶
نهی از ارتقاء	بند ۱۵۴، ی ۱۶۸،	مهریه	بند ۶۶، س ۸۷، ۹۵، ۹۴، ۸۸
من اراده الله	ص ۲۶، ۹۵		ص ۸۴، ۸۵، ۸۷
(حضرت عبدالبهاء)	بند ۱۲۹، ی ۱۴۵،	مهمان‌نوازی	بند ۱۶، ۵۷، ی ۲۹،
	ص ۷۷		۸۲، ص ۲۶، ۹۹
منظر انور	بند ۸۱	مهمانی و ضیافت، اجابت	
منظر منیر	بند ۳۷	دعوت به	بند ۱۵۶
منع از افتخار بر دیگران	بند ۷۲، ص ۹۹	میت، نقل	بند ۱۳۰، س ۱۶، ی ۱۵۲
منع از اعتراض بر دیگران	بند ۷۳	میسر (قمار)، نهی	بند ۱۵۵، ی ۱۶۹، ص ۲۶
منع از تزیین اوقات	بند ۳۳، ی ۵۶		
منع از تفرقه	بند ۵۸	ناپلیون سوم	بند ۸۶، ی ۱۱۸،
منع از جزع یا شادی			ص ۲۷، ۱۰۳
در مصائب	بند ۴۳	ناخن چیدن، به تقلیم اظفار رجوع شود	
منع از حمل ریاضات و		نار	بند ۱۲۳، ۱۳۲، ۱۵۷
مشقات	بند ۳۶، ی ۶۱	ناسک	بند ۱۵۷
منع از فساد	بند ۶۴، ۱۶۵	ناعقین، اجتناب از	بند ۳۷
من اغواک، (اشاره به محمد		ناقض اکبر	
اصفهانى، سید)	بند ۱۸۴، ی ۱۹۲	(میرزا محمد علی)	ی ۱۰۱
من یظهره الله	بند ۱۳۷، ی ۱۵۸،	ناموس اکبر	بند ۸۱، ص ۲۵
	ص ۷۸، ۱۰۲	نبأ اعظم	بند ۱۶۷
من ینقی القمح و الشعیر		نبوت	بند ۱۶۷، ی ۱۸۰
(گندم پاک کن)	بند ۱۶۶، ی ۱۷۹	نبیل	ی ۱۷۲، ۱۷۸، ۱۷۹
موسی، حضرت	بند ۸۰، ی ۱۱۱	تاریخ نبیل	ی ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۸،
موسیقی، اصغاه نعمات	بند ۵۱، ی ۷۹، ص ۹۷		۱۷۹

قیوم الاسماء ی ۱۱۵ . ۱
 احکام بیان ص ۱۷
 اسماء و القاب:
 مبشر بند ۲۰ ، ۱۳۵ ، ص ۵۷ ،
 ی ۱۵۶
 نقطه ص ۲۲ ، ۲۹
 نقطه بیان بند ۱۲۹ ، ۱۴۰ ، ی ۱۵۰ ،
 ۱۵۹
 نقطه واقع بین شاطی دو بحر ،
 رجوع شود به قسطنطنیه
 نقل میت بند ۱۳۰ ، ص ۱۶ ،
 ی ۱۵۲
 نکاح (اقتران ، ازدواج) بند ۶۳ ، ۱۳۹ ،
 ص ۱۱ ، ۲۶ ، ۸۳
 از واجبات نیست ص ۴۶ ، ی ۹۱ ، ص ۸۳
 آیتین ص ۱۲ ، ۳ ، ص ۸۴
 تعدد زوجات ، نهی بند ۶۳ ، ی ۸۹
 رضایت ابوبن بند ۶۵ ، ص ۱۳ ، ی ۹۲ ،
 ص ۸۴
 رضایت طرفین بند ۶۵ ، ص ۸۴
 شرط جواز ازدواج ص ۴۳ ، ص ۸۳
 مقصد اصلی از نکاح بند ۶۳ ، ی ۸۸ ،
 ۱۳۳ ، ۱۳۴
 مهریه بند ۶۶ ، ص ۴۹ ، ۸۷ ،
 ۸۸ ، ی ۹۳ ، ۹۴ ، ۹۵ ،
 ص ۸۴ ، ۸۵ ، ۸۷
 نامزدی ص ۴۳ ، ص ۸۴

نزاع و جدال ، نهی بند ۱۴۸ ، ص ۲۶ ، ۳۱ ،
 ۹۶
 نساء بند ۱۳ ، ۳۲ ، ص ۲۰
 نصرت امر بند ۳۸
 نصرت به اعمال حسنه بند ۷۳ ، ۱۵۹
 نصرت قائمین بر خدمت بند ۵۳ ، ۱۱۷ ،
 ص ۹۸ ، ۱۰۳
 نظم بند ۱۸۱ ، ی ۱۸۹
 اضطراب و تزلزل انظمه
 عالم ص ۱۰۲
 نظم اداری بهائی ی ۵۲ ، ۸۲ ، ۱۱۴ ، ۱۸۹ ،
 ص ۱۰
 نظم اعظم (نظم بدیع) بند ۱۸۱ ، ی ۱۸۹ ،
 ص ۲۳ ، ۲۵ ، ۱۰۲
 منشور نظم اعظم ص ۲۳ ، ۲۴
 نفاق ناعقین ، ارتفاع بند ۳۷
 نعال ، صف بند ۳۶ ، ی ۵۹
 نعال ، صوت بند ۴۱ ، ی ۶۴
 نضات و اصوات ، اصفاء بند ۵۱ ، ی ۷۹
 نفس و هوی ، حدودات بند ۲
 نقطه اولی (حضرت اعلی) ص ۸ ، ص ۸ ، ۱۶ ،
 ۱۷ ، ۷۸ ، ۸۹ ، ۱۰۲
 آثار:
 بیان ، کتاب بند ۷۷ ، ۱۲۶ ، ۱۲۹ ،
 ۱۳۱ ، ۱۳۹ ، ۱۷۹ ، ۱۸۰ ،
 ص ۲۳ ، ی ۱۰۸ ، ۱۴۶ ،
 ص ۸ ، ۱۶ ، ۱۷

بند ۱۲۰، ۱۴۹،	وفا	دوران نامزدی	س ۴۳، ص ۸۴
ص ۲۶، ۹۹		نکاح با ازواج آباء و	
بند ۱۴۷، ی ۵۶،	وکلاء	امتهات حرام است	بند ۱۰۷، ی ۱۳۳،
۱۶۲			ص ۱۵، ۱۶، ۸۴
بند ۱۶۷، ی ۱۸۱،	ولایت	نکاح با اقربا	بند ۱۰۷، س ۵۰،
بند ۱۶۷، ی ۱۸۱،	ولایت الله		ی ۱۳۳، ص ۸۴
ولایت امر، مؤسسه	ولایت امر، مؤسسه	نکاح با غیر مؤمنین	بند ۱۳۹، س ۸۴،
ی ۶۶، ص ۷۶	پیش‌بینی مؤسسه ولایت		ص ۸۴
ی ۶۶، ص ۷۶، ۷۷	امر	نماز، رجوع شود به صلات	
ولائم و عزائم، اجابت		نمرود	بند ۴۱، ی ۶۵
دعوت به		نمسه، ملک	بند ۸۵، ی ۱۱۶
بند ۱۵۶، ص ۱۰۰		نوروز (یوم اول شهر البهائم)	بند ۱۶، ۱۱۱،
ویلهم اول، پادشاه پروس			س ۲۵، ی ۱۳۹، ۲۶،
بند ۸۶، ی ۱۱۷،			۱۴۷
ص ۲۷، ۱۰۱،		تعیین دقیق وقت نوروز	ی ۲۶
	هاء، مظاهر	نیر برهان	بند ۱۶۷
بند ۱۶، ی ۲۸	هائمین	وحدانیت الهی	بند ۱۰۹، ص ۷
بند ۱۲۲، ۱۳۷،	هالکین	وحدت عالم انسانی	ص ۲۲، ۷
بند ۱۴۰	هدایا به شارع امر،	وحی، نسجات	بند ۱۱۲
	تقدیم	ورقات (نساء)	بند ۱۲۹، س ۳۹
بند ۱۱۴، ی ۱۴۱،		وصیت‌نامه	بند ۱۰۹، س ۶۹،
ص ۹۷	همج رعاع		ی ۳۸، ۱۳۶، ۱۳۷،
بند ۲	هند		ص ۹۲، ۹۴
بند ۳۶، ی ۶۱،	هندی، روایات	وضو	بند ۱۳، ۱۸، س ۱۸،
ی ۲	هوی (ج اهواء)		ی ۲۴
بند ۱۷، ۳۹، ۴۱،		تیمم	بند ۱۰، س ۵۱، ی ۱۶
۸۹	هوای نفس، احتراز از		
ص ۲۵، ۱۰۰	هیاکل		
بند ۱۲۰، ۱۵۵			

ی ۱	يعقوب	س ۹۴	هياكل (معابد)
ص ۲۳	يوحنا ، مكاشفات	بند ۱۴ ، س ۵۸ ،	هياكل توحيد
ی ۱	يوسف	ی ۲۲	
ی ۱	يوسف الحق	بند ۸۶	هياكل مبين
ی ۱	يوسف الرحمن	بند ۸۸	هياكل ملك
بند ۸۸ ، ۱۶۰ ، ۱۶۷ ،	يوم الله	ی ۱۸۳	هيات مشاورين
ی ۲۶ ، ص ۲۷		ی ۱۸۳	هيات معاونت

© THE UNIVERSAL HOUSE OF JUSTICE 1995
COPYRIGHT UNDER THE BERNE CONVENTION
ALL RIGHTS RESERVED

ISBN 3-87037-960-x

BAHÁ'Í WORLD CENTRE
HAIFA